

سرخ

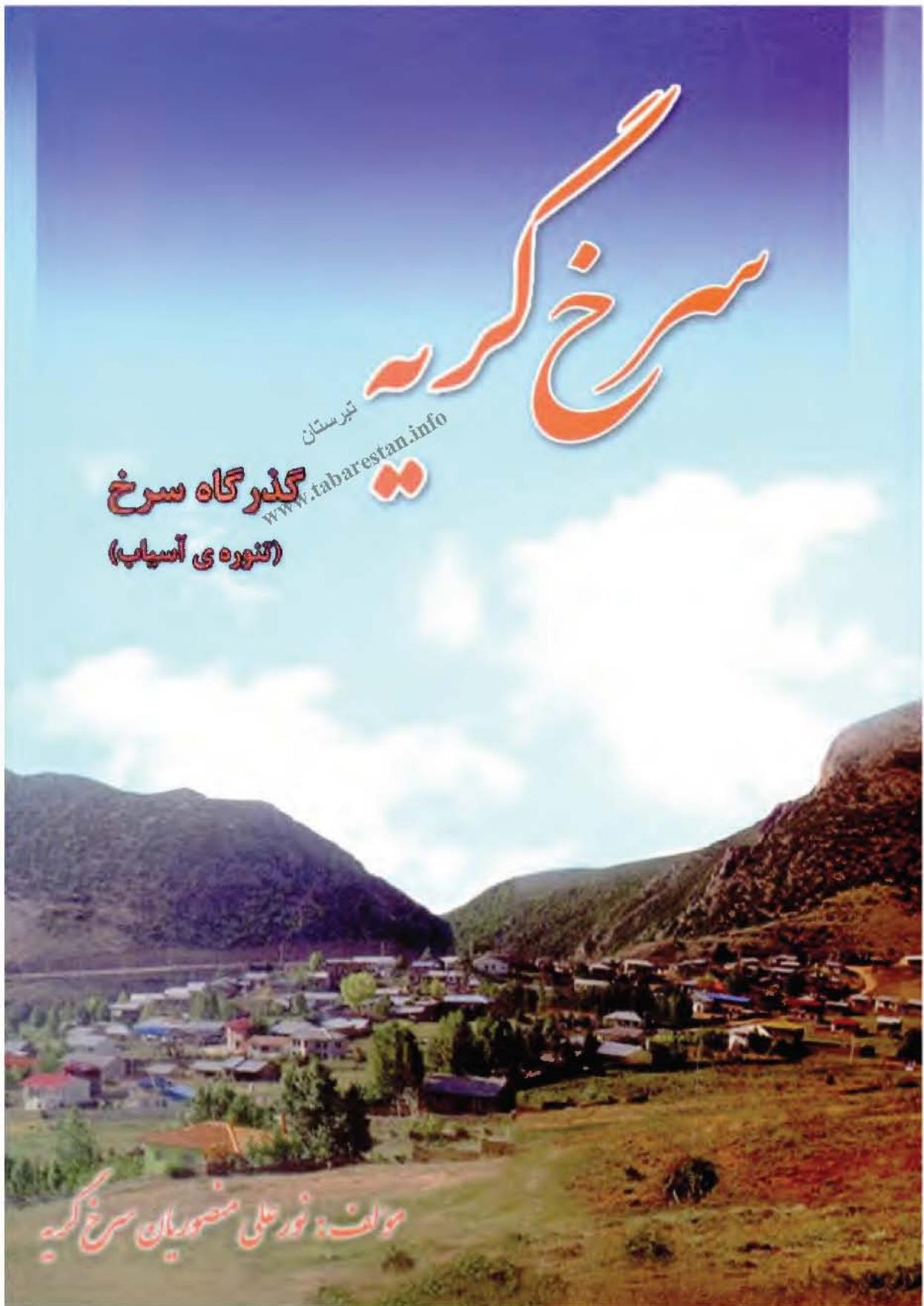
تبرستان

گذرگاه سرخ

(نوره‌ی آسیاب)

www.tabarestan.info

محل: نورعلی مخصوصان سرخ گرد



جهان را بلندی و پستی تویی

تبرستان

ندانم چه ای هر چه هستی تویی
www.tabarستان.info

تبرستان

www.tabarestan.info

گذر گاه سرخ

(تنوره‌ی آسیاب)

دیاری به بلندای تاریخ تبرستان

سرخ گریه (سرخ گریوه)

شرحی مختصر از جغرافیا، تاریخ، شخصیت‌ها و...

پژوهش، تحقیق و تألیف:

نورعلی منصوریان سرخ گریه

سرشناسه: منصوریان سرخ گریه، نور علی، ۱۳۹۸ -
 گردآورنده عنوان و نام پدیدآور: گذرگاه سرخ: (تنوره‌ی آسیاب)
 دیاری به بلندای تاریخ: سرخ گریه(سرخ گریه)/ تالیف نور علی منصوریان سرخ گریه.
 مشخصات نشر: بهشهر: اشرف‌البلاد، ۱۳۹۵ .
 مشخصات ظاهری: ۳۶۵ ص:، مصور(پخشی رنگی)، جدول، نمودار.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۸۳۷-۱-۲-۱۰۰۰۰
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 یادداشت: کتابنامه. عنوان دیگر: سرخ گریه(سرخ گریه).
 موضوع: سرخ گریه
 رده بندی کنکره: ۵DSR@۵/۲/۰۵۶۰/۰۵۹۰/۸۱۳۸
 رده بندی دیوبی: ۵۲۸۹۵۵۴۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۹۶۲۸۷۹

عنوان:	❖
نویسنده:	❖
نوبت چاپ:	❖
ناشر:	❖
تعداد صفحه:	❖
قطع:	❖
شمارگان:	❖
صفحه آرا:	❖
طراح جلد:	❖
تایپ:	❖
چاپ:	❖
شماره شابک:	❖
قیمت:	❖
گذرگاه سرخ (تنوره‌ی آسیاب)	
نور علی منصوریان سرخ گریه	
اول - ۱۳۹۱	
انتشارات اشرف‌البلاد	
۳۶۵	
وزیری	
۲۰۰	
مصطفی نجفی هزارجریبی - سعاد مهتدی	
صدیقه قلیان	
(خانم ساداتی) - (آقای عباس نژاد)	
نوروزی - گران ۲۲۴۲۲۵۸ - ۰۱۷۱	
۹۷۸-۶۰۰-۹۲۸۳۷-۱-۲	
۱۰۰۰ تومان	

عکس روی جلد: روزتای سرخ گریه

انتشارات اشرف‌البلاد

آدرس: بهشهر - خ شهید هاشمی نژاد - روبروی شرکت تعاونی کارخانه بهپاک

تلفن ۰۲۱-۰۲۴۳۷۰۷۲-۰۲۴۳۷۰۷۲

Email:belad_nasher@yahoo.com

بشنويد اي دوستان اين داستان

تبرستان

www.tabarestan.info

خود حقيقه نقد حال ماست آن



جهان ماندگار است و ما رفتئی

نماند به گیتی به جزگفتئی تبرستان

دریچه ای به سوی یک آبادی :

این جا سرزمین کهن

دیار نیاکان مان

و زادگاه ما

سرخ گریه

دیاری که تاریخ او شهادت تمدن می دهد.



به

سرخ گریوه

تبرستان
www.tabarestan.info

دهکده‌ی خاطرات

خوش آمدید

فاش می‌گوییم و از گفته خود دل شادم

بنده عشقم و از هر دو جهان آزادم

ز من عاشقی باید آموختن که هرگز نمی‌نالم از سوختن

تو را بخت یار است و دولت رهی که در پای معشوق جان می‌دهی

با شما :

بسلام

تمامی سعی و کوشش و نگاه ما بر آن بود تا این مجموعه عاری از هر گونه عیب و ایراد باشد.
ولیکن به طور طبیعی این گونه نخواهد بود. بنابر این از تمامی عزیزان که این مجموعه را از
نظر می گذرانند تقاضا می گردد.
بر ما متأت بنهند و با ارائه پیشنهاد، انتقاد، و رهنمود های خود در بهبود مطالب این کتاب
برای چاپ های بعدی یار و یاریگر ما باشند.
منتظر نظرات شما پژوهشگران، ژرف اندیشان و آگاهان می باشیم.

آدرس اینترنتی: civiling.blogfa.com

آدرس ایمیل: civiling63@yahoo.com

سپاس نامه :

تبرستان

www.tabarestan.info

سلام و سپاس ما نثار عزیزان بلند همت و گرانقدر که از هر گونه یاری دریغ نورزیدند و در
چاپ و انتشار چهار اثرزیر عنایت نمودند:

۱- کتاب تاور وانگ: (اشعار محلی مازندرانی).

۲- کتاب کهر: (مجموعه ضرب المثل های تبرستان و استرآباد).

۳- کتاب سیرانگ: (شعر سروده های محلی و مازندرانی).

۴- کتاب سارو جغرافیای سارو از نگاه تاریخ.

آنان یار و یاری دهنده و همراه ما، با اهدای اسناد و اطلاعات و تشویق جهت پر بار شدن
محتوای این کتاب ها سهیم و شریک بوده اند.

بویژه دوستانی که در امور مالی ، مساعدت فکری نمودند و به لحاظ نیز کمک مؤثر داشتند و
توزیع کتاب و ترویج و انتشار آن بین اهل ادب و قلم و دوستان فرهنگی و فرهنگ پروردان،
ما را به صورت های گوناگون حمایت کردند.

و فراتر از حد خوبیشی، دوستی و رفاقت با علاقه مندی گام نهادند.

تبرستان
این مجموعه را
www.tabarestan.info

تقدیم و پیشکش می داریم :

به مردم اندیشمند و نجیب وطن بزرگم ایران

و به فرزندان وطن کوچک خود

کوهستان سرخ گریوه

هزار جریب به شهر

فهرست، موضوعی مطالب کتاب

چکیده

بخش اول

- | | |
|----|-------------------------------|
| ۲۵ | پیش گفتار مؤلف - مقدمه‌ی مؤلف |
| ۳۵ | تاریخ و تاریخ نگار ... |

بخش دوم

- | | |
|----|------------------------------|
| ۴۵ | هزار جریب کجاست؟ |
| ۵۳ | هزار جریب بهشهر |
| ۵۶ | سرخ گریوه کجاست؟ |
| ۷۵ | معرفی اجمالی آبادی سرخ گریوه |

بخش سوم

- | | |
|----|--|
| ۸۰ | نگاهی به جغرافیای طبیعی سرخ گریوه
(موقعیت جغرافیایی، موقعیت نسبی، موقعیت اداری، وسعت) |
| ۸۳ | ناهمواری ها : |
| ۸۳ | ۱- زمین شناسی |
| ۸۴ | ۲- چین خوردگی ها |
| ۸۵ | زمین شناسی و تکامل : (کوه ها، وارتفاعات سرخ گریوه)
آثار لنگر کشته در رشته‌ی البرز حومه‌ی بهشهر : کوه وزمه سرخ گریوه |

بخش چهارم

- اقليم : وضعیت آب و هوا، باد، مه، بارش وباران، تگرگ، رعدوبرق
 ۹۳
 ۹۵ یخنیدان، فشار هوا، تابش، باران و برف
 ۹۶ واژگان مربوط به هوا و اقلیم منطقه
 ۹۷ منابع خاک : خاک شناسی
 ۹۹ منابع آبی: چشمه ها - روخدانه ها - رودها - دره ها
 ۱۰۱ سرخ گریوه : جلوه ای از شکوه، طبیعت و تاریخ
 ۱۰۱ پدیده های طبیعی انسانی در منطقه :
 ۱۰۲ غار دیو خانه (دب خانه)- غار لابلای (لایه لایه)
 ۱۰۲ استل شاهرام - تپه های باستانی
 ۱۰۲ جمجمه(استخر- شله) گل فشن پل چال - آرامگاه امامزاده شاهرخ

برستان
www.tabarestan.info

بخش پنجم

- سیماهی جغرافیای زیستی
 ۱۰۵ پوشش گیاهی - نباتات : جنگل و جنگل داری - جولانگاه جانوری
 ۱۰۶ حیات و زیستگاه جانوری
 ۱۱۰ مسایل زیست محیطی
 ۱۱۱

بخش ششم

- تیپ شناسی روستا
 ۱۱۵ وضعیت جمعیت : تحولات جمعیت
 ۱۱۷ مهاجرت : دلایل مهاجرت - کوچ و کوچ نشینی
 ۱۱۹ ویژگی های فرهنگی :
 ۱۲۱ فرهنگ عامه مردم سرخ گریوه (یادمان ها - دیرمان ها)
 ۱۲۱ آداب و رسوم- باورها- ضرب المثل ها
 ۱۲۵ اوزان و مقادیر در عرف مردم- واحدهای طولی
 ۱۲۶ فحش ها- نفرین ها - دعاها
 ۱۲۹ بازی های سنتی (بازی های محلی)
 ۱۳۱ تیم های ورزشی - شکار
 ۱۳۴ موسیقی و فولکلوریک : زبان و گویش - لهجه
 ۱۳۵ دین و مذهب - اماكن مذهبی
 ۱۳۶ خطوط تصویری (نقوش سنگ مزارهای آبادی)
 ۱۳۹ توریسم و گردشگری روستا، برج رادکان
 ۱۴۰

۱۴۲	پیشینه‌ی فرهنگی و وضع سواد
۱۴۳	واحدهای آموزشی
۱۴۹	جدول آمار دانش آموزان و معلمان سال های ۱۳۸۷-۱۳۴۸ در سرخ گریوه
۱۵۰	اسامی شاگردان زنده یاد مدیر (رضا رضائیان زاده)
۱۵۰	یک شخصیت فرهنگی
۱۵۱	واحدهای بهداشتی درمانی
۱۵۱	جدول اسامی تعدادی از پزشکان قبل از انقلاب اسلامی در سرخ گریوه
بخش هفتم	
۱۵۵	سیماهی اقتصادی
۱۶۰	نام مزارع و مراعع در سرخ گریوه
۱۶۰	حاجی کرد (حاجی کارد) - بزنسام - میان بند - تبریزو - سیستان
۱۶۰	هشت پدر - لوكرد - شاهرام - بالا خیل و خطیر خیل - گهواره کوه و ...
۱۵۸	واحدهای دامی
۱۵۹	سیستم دامداری و دامپروری
۱۶۰	نام و نشان مزارع و مراعع و زمین ها در سرخ گریوه
۱۶۲	صنعت و هنر - صنایع دستی
۱۶۳	تولیدات دامی : واژگان مربوط به حیوانات
۱۶۴	دام و دامداری، دامپروری
۱۶۵	نمونه از رنگ - سن، سال و اسامی گوسفندان، گاو، بز
۱۶۶	گوشه ای از وسائل مورد نیاز یک چوپان (صحرابان)
۱۶۹	رنگ اسب، صفات اسب
بخش هشتم	
۱۷۳	تاسیسات اقتصادی: راه ها - فعالیت های عمرانی
۱۷۹	زمین های اهدایی امور خیریه
۱۸۱	وضعیت و سیستم کشاورزی (آیش)
۱۸۲	۱ - تولیدات زراعی و باعی، زراعت
۱۸۴	۲ - عوامل تولید، تقویم زراعی
۱۸۴	۳ - اراضی کشاورزی

بخش نهم

- ۱۸۷ مالکیت و نحوه‌ی آن – هرم قدرت
 ۱۸۸ نحوه‌ی مدیریت در روستا قبل و بعد از انقلاب
 ۱۸۹ ارزش‌های اجتماعی در روستاهای
 ۱۹۰ وضعیت و چگونگی معماری در روستا
 ۱۹۱ مسکن :
 ۱۹۲ فرم و ساختار بناهای مسکونی (معماری سرخ گریوه)
 ۱۹۳ سرزمین من ؟ یا ایوان مداین ؟
 ۱۹۴ بناهای قدیمی در سرخ گریوه:
 ۱۹۵ خانه علی قلی خان مسعودالمُلک هزارجریبی سرخ گریوه
 ۱۹۶ خانه مظفر قلی خان طهماسبی سرخ گریوه
 ۱۹۷ خانه محمد قلی خان مصباح هزارجریبی سرخ گریوه
 ۱۹۸ باغ و عمارت نجفلی خان در روستای سارو
 ۱۹۹ مشکلات - تنگناها - پیشنهادها

بخش دهم

- ۲۰۰ تاریخ و جغرافیای تاریخی سرخ گریوه
 ۲۰۱ سیمای شخصیت‌ها :
 ۲۰۲ حاجی محمد تقی خان هزارجریبی (بالارستاقی)
 ۲۰۳ استاد و مدارک و موقوفات عصر حاج محمد تقی خان بالا رستاقی
 ۲۰۴ (کاروانسراها - مساجد و مدرسه علمیه در گرگان)
 ۲۰۵ جعفرقلی خان هزارجریبی (سرتیپ)
 ۲۰۶ استاد و مدارک
 ۲۰۷ نجف قلی خان (حاجی خان) سرتیپ
 ۲۰۸ استاد و مدارک
 ۲۰۹ علی قلی خان هزارجریبی (مسعودالمُلک) سرتیپ
 ۲۱۰ استاد و مدارک
 ۲۱۱ محمد قلی خان مصباح هزارجریبی (سرهنگ)
 ۲۱۲ استاد و مدارک و موقوفات
 ۲۱۳ مظفر قلی خان طهماسبی
 ۲۱۴ استاد مدارک

۲۶۲	محمد جعفر خان (منصورالسلطنه هزارجریبی)
۲۷۲	آخوند ملا قدری ذهبی
۲۷۲	حسین قلی خان (سالار مسعود هزارجریبی)
۲۷۴	شهید مهندس غلامعلی هزارجریبی

بخش یازدهم

۲۸۱	سرخ گریه و انقلاب اسلامی
۲۸۲	سرخ گریه و جنگ
۲۸۳	یادگاران هشت سال دفاع مقدس
۲۸۳	شهرای خاک سرخ : سرو قامتان خطه‌ی سبز
۲۸۳	فتحعلی هزارجریبی - طهماسبقلی زمانی
۲۸۳	مهندس حاج غلامعلی هزارجریبی
۲۸۴	خان علی منصوریان - حسن منصوریان
۲۸۴	رمضانعلی (فرهاد) هزارجریبی - حیدر اکبری

بخش دوازدهم

۲۸۷	شجره شناسی واصل و نصب مردم سرخ گریوه
۲۸۷	قبایل در سرخ گریوه - محلات
۲۸۸	جدول طوایف بومی دیار سرخ گریوه
۲۸۹	جدول غیر بومی ها در سرخ گریوه
۲۹۰	یک نمونه از خرد فرهنگ های عامه بومی روستایی در سرخ گریوه
۲۹۲	میراث کهن :
۲۹۳	نیاشناسی - نسب نامه مردم سرخ گریوه
۲۹۳	تبار نمای مردم سرخ گریه با قدمت حدود ۳۰۰ سال

بخش سیزدهم

۳۲۵	سرخ گریه به روایت تصاویر - نقشه ها - اسناد - ضمانت
۳۴۴	چشم اندازهای راز آلود پنهان و آشکار دیار سرخ گریوه

بخش چهاردهم

۳۶۱	فهرست منابع و مأخذ کتاب
-----	-------------------------

تبرستان

www.tabarestan.info

کزین برتر اندیشه بر نگذرد
 جهان آفرین را ستایش کنیم
 که تخم سخن را پراکنده ام
 همی خواند آن کس که دارد خرد
 ازین پس تخم سخن کس نکشت
 که دارد زدادار گیتی سپاس
 چه داری به پیری مرا مستمند
 به پیری مرا خوار بگذاشتی
 مکان و زمان و زمین آفرید
 به جز نام یزدان مگردان زبان
 روان و خرد را توانا کنیم
 تواناست او گرتویی ناتوان
 از اندیشه جان بر فشانم همی
 هم انجام ازاوت و فرجام ازاوت

به نام خداوند جان و خرد
 نخستین سخن چون گشايش کنیم
 نمیرم از این پس که من زنده ام
 به این نامه بر عمرها بگذرد
 جهان از سخن کرده ام چون بهشت
 خردمند و بینا دل آن را شناس
 الا ای برآورده چرخ بلند
 چو بودم جوان برترم داشتی
 بران آفرین کافرین آفرید
 گنون ای خردمند روشن روان
 سپاس خداوند دان اکنیم
 چنین است آین چرخ روان
 ستودن مر او را ندانم همی
 هم آرام از اوست، هم کام از اوست

(حکیم ابوالقاسم فردوسی)

آفرین، جان آفرین پاک را :

انسان در فراز و نشیب زندگی فردی و اجتماعی خود و نیز در تعامل با محیط طبیعی و خاستگاه حیات خویش تعلقاتی دارد که بی تفاوتی در قبال آن چه بسا ممکن است به سرخوردگی های روانی و عاطفی ختم شود. لذا وابستگی روحی به چنین مقوله ایی نه تنها انسان را با یک هویت ملی معرفی می کند حتی منجر به آرامش روانی و احساس عزت و سربلندی نیز می شود.

محیط جغرافیایی و تاریخی و حوادث و خاطرات و هم چنین پیوند با شخصیت پرآوازه همواره انسان را به افق های دور و روشن زندگی امیدوار می نماید. به همین دلیل هر حرکت علمی و فرهنگی در این راستا در خور تحسین و تشویق است.

مجموعه تئوره‌ی آسیاب (یا گذر گاه سرخ) :

تالیف آقای نورعلی منصوریان از این منظر شایسته سپاس و درود فراوان است تئوره آسیاب که تلاشی است اگرچه نه به اندازه، اما در حد خود توانسته آن چه را که مرتبط با روستای تاریخی و پرآوازه سرخ گریوه است به تصویر یکشد دقت و ژرف نگری مولف از پرداختن به همه زوایای این روستا همانند زبان، فرهنگ عامه به ویژه در حوزه جغرافیایی و شخصیت ها حاکی از آن است که این روستا با همه تحولاتی که در سیر تدریجی خود با آن مواجه بوده است، هنوز حرف هایی برای گفتن و نوشتی و به یادگار گذاشتن دارد. آین ها و فرهنگ ها و زبان و آداب و رسوم و اقوام و ... زیبایی های طبیعی و چشم اندازهای دلگشا، چشمکه ساران پرطرافت، کوهساران قد برافراشته و پستی و بلندی های متنوع از یک طرف و قدامت سیاسی و تاریخی به همراه شخصیت های بنام و مشهور از گذشته هم چون :

... صادق سلطان - مهدی خان - رحیم خان.

احاجی عبدالحسین - سرتیپ حاجی محمد تقی خان بالارستاقی - سرتیپ (نجف قلی خان (احاجی خان)) - مسعود لشکر (عنایت الله خان) - مسعود الملک (علی قلی خان) - منصورالسلطنه (محمد جعفر خان) - مصباح النظام سرهنگ (محمد قلی خان) - سالار مسعود (حسین قلی خان) و ... گرفته تا شهداي بنام عرصه هاي نبرد و دلدادگي از جمله شهيدان مهندس غلام علی هزارجربي نماينده فقييد گرگان، شهدايی همانند منصوريان ها، اکبری، زمانی، هزارجربي ها و ... همه و همه حکایت از جايگاه والا و برتر اين روستا در دامنه هاي مه گرفته هزارجريب بلند آوازه است.

از طرف ديگر طلب مى کرد تا فردی خوش ذوق و علاقه مند و با آزاده پيشگام شود تا بتواند با کمک سايرين اين همه شکوه و جاودانگی را به ثبت برساند و به آينده گان انتقال دهد و اين سعي و کوشش وافر مى بايستی ارج نهاده شود و همه کسانی که به نوعی به آن خاك سرخ و سربلند تعلق داريم باید اين نويسندهي با همت را تشویق کنیم و از هيج تلاشی برای ادامه راه دریغ نورزیم.

دکتر حسین منصوريان سرخ گریه

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد واحد قائم شهر

تا بستان ۱۳۸۶

تبرستان

www.tabarestan.info

بخش اول

تبرستان

www.tabarestan.info

پیشگفتار مولف

مقدمه‌ی مولف

تاریخ و تاریخ نگاری

تبرستان

www.tabarestan.info

پیش گفتار:

یارب از نیست، به هست آمده‌ی صنع توابیم و آنچه هست از نظر علم تو پنهانی نیست پس از حمد و سپاس بی کران به درگاه یکتا خالق بر کسی پوشیده نیست.
چرخه‌ی زندگی بشر از ایام گذشته تا حال و هم چنین از عصر حاضر تا آینده‌های دور منوط به عواملی است که دست به دست هم داده و ادامه‌ی حیات را ممکن نموده است.
آفرینش با حضور انسان معنی می‌شود و آن چه به آفریده‌های خلقت زندگی می‌بخشد؛ انسان است. عرصه‌ی حیات بدون حضور انسان فاقد معنی و مفهوم است زیرا، بنا به اعتقادات ما، انسان احسن و اکمل موجودات می‌باشد. و آن روز که اراده‌ی حق تعالی بر آفرینش تعلق گرفت. غرض آن انسان بود و لاغر.

و حال این انسان که در واقع خود از اسرار قدرت الهی است و حقیقتاً موجودی ناشناخته و با ترکیبی مبهم، برای تداوم زندگی در شکل یک موجود نیازمند جلوه می‌کند و این که انسان موجودی مستمند در درگاه الهی است هیچ شک و تردیدی نیست. با وجود این انسان از دیدگاه مکاتب موجود بشری تعاریفی گوناگون دارد و هدف از خلقت او با دورن مایه‌ی هر مکتب تبیین می‌شود. و این طرز تلقی حتی در هدف از زندگی او نیز به گونه‌های متفاوت بیان شده است.

در هر صورت اگر بپذیریم که انسان موجودی نیازمند به معنی واقعی است طبعاً برای رفع نیاز خود محتاج به کارگیری روشهایی است که در تحقق این امر موثر است. از آن جایی که هستی متعلق به بشر است. بی گمان اهم نیازهای انسانی ناشی از پدیده‌های هستی است. و از سوی دیگر علم جغرافیا به معنی عام مطالعه و تحقیق و پژوهش در طبیعت و پدیده‌های آفرینش که به شکل‌های متفاوت جلوه گر است، می‌باشد.

هر یک از عوامل موجود در طبیعت که ممکن است برای اغلب مردم فاقد معنی و مفهوم باشد اما برای یک محقق در عرصه‌ی علم سرشار از اندیشه‌های بکر و دست نیافته است. در واقع علم انسان را برای نیل به آرمان‌های متعالی که نهایتاً به سعادت می‌انجامد مساعدت می‌نماید.

پس با آشکار شدن اهمیت و جایگاه علم بایست در جستجوی زمینه‌های اصلی آن بود. برکسی پوشیده نیست که بشر در طول تاریخ با گسترش اندیشه و بسط فکر و خرد خود توانسته است از یک سو بروزت دامنه فعالیت‌های فکری خود بیفزاید و از سوی دیگر امکان بهره‌مندی را افزایش دهد افزون براین کاوش در علل و عوامل تغییر شکل زندگی

انسان که خود نیز به گونه ای مرتبط با علوم مختلف است موید این واقعیت است که زمینه های اساسی در تغییر این شکل بسیار متعدد بوده و نقش و اهمیت هریک از آن غیر قابل کتمان است. و روستا در این راستا از اهمیت بی شائبه برخوردار است.

مع الوصف پسندیده خواهد بود اگر همه کسانی که اطلاعاتی دارند و تجربیاتی را در عمر خود اندوخته اند به شیوه ای معقول منظم و تدوفن نمایند و در معرض استفاده‌ی دیگران قرار دهند. زیرا یکی از رموز کامیابی پژوهش و کاوش در زمینه ای است که متناسب با ذوق و توانایی روحی و فکری باشد.

لذا اینجانب نیز به جهت علاقه‌مندی به وطن آبا و اجدادی خود تا سرحد امکان تلاش نموده و مجموعه‌ای را تحت نام گذرگاه سرخ «تنوره‌ی آسیاب» به پیشگاه دوستداران این علم تقدیم می‌نمایم و این کتاب به ترتیب در برگیرنده‌ی مسایل تاریخی جغرافیایی طبیعی، انسانی و اقتصادی و نیز اقوام و شخصیت‌ها و سایر ویژگی‌های فرهنگی اجتماعی می‌باشد.

سرخ گریوه سرزمین اراده‌های ماندگار:

در اندرون من خسته دل ندانم کیست که من خموشم و او در فغان و در غوغاست هدف از جمع آوری این مجموعه، مشاهدات نگارنده، در تغییرات وسیع و شگرف، پرنگ و باور نکردنی در آداب و رسوم، سنن و فرهنگ و شئون اجتماعی و گویش‌ها و لهجه‌ها و وابستگی به تعلقات در خانه، آب و خاک آبا اجدادی ما پدید آورد در حال شکل گیری سریع است.

بیم آن می‌رود که روزگاری نه چندان دور این مسایل به فراموشی سپرده شود. برخود وظیفه دانستم که از قشر جوان و پویا و فعالان علمی، فنی، تحصیل کرده‌گان و نخبگان و ادبیان در سطوح بالای علمی و صاحب نظران در مورد خانه‌ی ما (وطن کوچک) سرخ گریوه کاوش، پژوهش، پرس و جو، و جستجو کنند تا یک مجموعه‌ی معتبر و ارزشمند و قابل قبول به عنوان اثر ماندگار از اثرهای گرانبهای و همه جانبیه با طرح‌های نوین به صورت یاد داشت و سندی گویا و مطمئن از میراث و یادگاران دیار ما برای خود و نسل آینده این مرز و بوم به جای گذاریم.

فرزندان، نوجوانان، جوانان، تحصیل کرده‌گان، اهل فن، اهل ذوق و شوق و شور، نونهالان آب و خاک دیار ما مطالب و تجربیات سرد و گرم چشیده، دوران نه چندان دور خود را از دوران

خردسالی ام که تا امروز ثبت و ضبط کرده ام، کوله باری از سنگینی و سختی و تامل در آداب و رسوم را که به نظر خود بار امانتی سنگین دانستم به آیندگان دیارم بسپارم.

فخر و مبارکات من همین بس که توانستم اوراقی چند برای هم سن و سالان یا فرزندان سرزمینم به جا گذارم از آن جا که همه دوستان و آشنایان آگاه اند که این فرزند کوهستان با فرهنگ و آداب و رسوم و ادبیات چندان قرابتی ندارم و می دانم که انتخاب این موضوع هر چند شیوا است ولی من زبان و قلم شیوا ندارم که این افتخار همیشه‌ی تاریخ دیارم را به یادگار به نسل بعد خود بسپارم با این حال آن چه را که در ظاهر و باطنم در کول بار داشتم و شاید کم ظرفیتی خودم باشد که پیش داوری در این کار نمودم، بیان نمایم شکر خدای منان گوشه‌ای از خاطرات تلخ و شیرین که به هم گره خورده و در ذهن و زبانم گاه و بی گاه تداعی معانی می‌کنند و لذت زندگی ام را در آن می‌یابم تا عظمت کهنسال این دیار را حفظ کنم.

آن قدر زود حرف‌ها، لهجه‌ها، آداب و رسوم، سنن، فرهنگ، ضرب المثل‌ها، خویشاوندی‌ها، قومیت‌ها، اصل و نسب، اجداد، مکان‌ها، مزارع، مراتع، چشمه‌ها، موقعیت جغرافیای، وسائل و ابزارآلات قدیمی کشت و کارکشاورزی وشیوه‌ی زندگی از گذشته‌های دور و نزدیک را از یاد نبریم چرا که این اسناد معتبر و گران قدر از وضعیت اجتماعی، اقتصادی زیست محیطی نیاکان ما است.

به قول مولوی :

«هرکسی کو دور ماند از اصل خویش باز جوید روزگار وصل خویش»

این بازگشت به اصل و جستجو که یک وظیفه ملی، محلی و اشتراکی به عهده‌ی همه‌ی ماست و این گونه مسائل در آینده دست مایه‌ی کار، فعالیت، تلاش و کنکاش و راهنمایی برای فردای فرزندان این آب و خاک پهناور با آداب و رسوم سنن نیکو پربهای غنی و هم چنین خصوصیات فرهنگی، اجتماعی و دیگر ارزش‌های دیار ما را بشناسند چرا که با شناخت گذشته‌ها، برنامه‌ها، الگوهای بهتری ارائه نمایند.

این مطالب و یادداشت را که برایتان، بازگو می‌کنم از نسل گذشته و اجداد و نیاکان ما همانند قطره‌ی از دریاست از آن جایی که یادگاران دیارمان سرزمینی پر افتخار کوهستان (پیران کهنسال) که اسناد معتبر و گویا و زنده هستند که یکی پس از دیگری از دیارمان به سوی ابدیت کوچ می‌کنند و اگر انگشت شمار در قید حیات هستند دیگر چندان حوصله بیان مسائل یا بازگو کردن مطالب گذشته یا خاطرات را طبق تعاریف دیده‌ها از طبیعت به صورت روشن و با توجه به شرایط سنی توان بازگو کردن مطالب را ندارند.

رشد سریع زندگی و شکل ظاهری مسایل متنوع در زندگی امروز موجب شد تا بشر به ارزش‌های گوناگون و عرف محل بی توجهی کند. همین مدت کوتاه ضربه‌های کارساز را در تمامی زمینه‌ها به جای گذاشت که دور اندیشان و افراد آگاه آن‌هایی که فن و وسعت نظر مشاهده آینده را دارند به قول قدیمی‌ها که این جریانات به آسانی قابل جبران نیست.

با توجه به رشد شگفت آور روزگار صنعتی، ما را به خودمان واگذار کردند تا تجربیات حاصل از عمر و آموخته‌های دیرینه پدران و مادران را به آسانی پشت پا بزنیم. پس وظیفه‌ی ماست از تفکر و نظرات و عقاید آن‌ها بهره گیری صحیح و اصولی کنیم و از منابع موجود در منطقه و پدیده‌های ارزشمند در مسایل گوناگون پیگیری جدی نماییم.

به عنوان نمونه مثال :

برای نام گذاری مکان‌های خاص، مزارع و مراتع و جای جایی مناطق موجود در محل نام و علل آن‌ها بیشتر سؤال یا پرس و جو کرد و دلیل قانع کننده‌ای که حتماً بی دلیل نبوده بدانیم تا شرایط زمانی ضعف در فرهنگ و خاطرات و روحیه‌ی مابه جا نگذارد.

این جایگاه مرتفع و عظیم با گوناگونی طبیعت خود در شرایط متفاوت زیستگاه جانوری و گونه‌های گیاهی و پایداری و سرافرازی زنان و مردان کهنسال که نشانگر عظمت و شایستگی دیار ما است. هم چون سکون صخره‌ها و زلالی رودخانه‌ها یش چرخش آب صاف و بی آلایشی رودهای کوچک در حوضچه‌های طبیعی (دیگ جن) با وسعت متفاوت و پلکانی به صورت آبشارهای کم ارتفاع خود را به پایین می کشاند. خروش بادهایش در فصول معین سال غرش ابرهای بهاری و پاییزی با آسمان نیلگونش با پوشش سقف سرای مان با ستارگان و نسیم صبحگاهی و شامگاهی و صور فلکی و کهکشان‌ها همه وهمه قداست است و غرور، جاودانگی است و استقامت که به ما می گوید فرزندانم جاوید باشید، ببالید همانند استقرارمان در طبیعت.

پس باید این همه شکوه را در جلوه کوهستان در جای جای زندگی و خاطرات و تصویرها به خاطر بسپاریم. و ای دیار من که به گستردگی و قداست خود (کوهستان‌ها) و دریاها هستی و به سخاوت صحراء و آرامش و وقار و پایداری تو دوستت می داریم.

بشنو: با این اوصاف

حال وظیفه داریم دست به دست هم دیگر داده و با اتحاد و علاقه و یکسویی و یک دلی خانه مان را بهتر و زیباتر شکل دهیم و سعی کنیم تا خود و دیگران از صفاتی ذاتی دیارمان بیشتر آشنا گردند و طرح های نوبن و ارزشمند و کاربردی ارائه نمایم.

اینک که چشم و گوش را خوب پذیرای دیدن و شنیدن کردم هوشیارانه عمیق تر می اندیشم و ناخودآگاه در پای تشییع و بدرقه یادگاران دیارمان که قدر و منزلت آنان را در زمانش حس نکردیم هم چون گهرها و میراث گرانها، پیران و سال خوردگان کحال وبا تجربه را در دامن خاک به امانت می سپاریم هرچند این امر طبیعی طبیعت و قانون الهی است و در حقیقت به اصل ابدیت پیوند می خورند و تولد دیگر می یابند با جرات و جسارت بیان می کنم که این فرصت ها روح و جانمان را می آزاده هرچند زمانی که می گذرد تعداد این انگشت شمارها کم و کمتر می گردند و محیط اطراف جایگاه و خاطراتستان را بیاد می آورند که جز تاسف چیزی نصیب ما نخواهد شد. هنوز هم دیر نشده است تلاش کنیم تا پاسدار حرمت سرزمین خود باشیم و آن را در دل فرهنگ ها و فرهنگ نامه ها، شعرها و داستان ها ثبت و ضبط کنیم.

شاید نتوانستم موضوع اصلی را به سادگی بیان کنم این که بودن یا نبودن مطالب ذکر شده مهم است یا خیر با این مسائل بیگانه بودن به اصل و نسب و احداد خود نازیدن بهتر است یا آن را در دل زمان ثبت و ضبط کرد کدام مهم تراست تصمیم با شماست.

نگارنده به عنوان زاییده جلگه های مازندران و دست پرورده کوهستان و فرزندنشو و نما کرده در بستر طبیعت موظم به مقدار همت و درک و استعداد و ادب و تربیت خود از طبیعت و مناظر زیبا و شگفتی های آفرینش این دیار که در جای جای این زمین روزها و شبها برایم لذت بخش است نمی توانستم دل بکنم و از مامن خود به حول و قوه الهی و تشکر از عقل، اراده و دلم که با هم تفاهم داشتند مسائل گفته شده را ثبت و ضبط یادآور شدند. ما سعی کردیم بی مدعای عاشقانه مسائلی نه چندان بکر برای خود و خوانندگان عصر و آیندگان و فرزندان دیارمان به یادگار بگذاریم.

و اما قول معروف علی^(ع) :

«آینده از آن کسانی است که از گذشته های خود باخبر باشند.»
روابط انسان ها با شناخت پدیده های طبیعی محیط اطراف خود و کشف روابط با آنان و جهت بهره مندی آگاهانه امری ضروری است.

جا دارد که بگوییم جمع آوری مطالب و مسایل که پیش روی شماست حاصل تلاش و حضور وقت و بی وقت در مجالس داستان سرایان، بازگو کنندگان، آگاهان محلی و گوش به زنگ بودن برای کسب مسایل گذشته و گردش های میدانی از هیچ کوششی دریغ نمی کردم. جمع آوری مطالب کتاب ها، اسناد، مدارک، شواهد و تهیه هی وسایل و ابزارهای دوران گذشته زندگی مردم این دیار کاری خالی از درد سر نبوده و جمع آوری این گونه مطالب کاری بسیار دشوار و پرزمت و کمتر کسی به سراغ آن می رود تا از عهده آن برآید.

زیرا در این کار فایده و سودی نمی بینم. و شاید هم زیان هایی به سببی به من برسد. با این نگرش باز هم وصف وقایع و حقایق مطالب را به جهت وظیفه و یادمانی از روزگار گذشته تا حدودی ثبت و ضبط نمایم تا در آینده در دسترس وارثان نسل آینده‌ی سرخ گریه قرار دهم.

پس بر ماست که این جلوه گاه پر شور و عظیم و زیستگاه باشکوه را به نحو احسن بشناسیم و این نعمت بزرگ که به فرزندان این دیار ارزانی گردیده ارج نهیم. زیرا این خاستگاه ما و ما فرزندان کوه و کوهستانیم.

من دیارم را بهتر می شناسم؟!

ای جایگاه و خانه و مأمن ما و فرزندان فرداهای ما، ای فرازه‌میشه جاوید کوه ها، صخره ها، قلل مرفوع، دره هایی عمیق، دشت ها، تپه ها، اراضی، علفزارها، مواطع پرگل و گیاه، جنگل های سرسیز و چشممه سارها، از میراث خود که ما انسان ها، جانوران، گیاهان و حیوانات نگهداری کرده ای رهایت ساختیم، رهایمان نساز!

پس بشنو:

بس که فرزندان کوهستان و بیلاق با سرزمین های مرفوع دم ساز شدیم پس با وجود عظمت به تو و خود می بالیم. ای پناهگاه دیرین اجدامان پابرجا بمان که تو گنجینه تاریخ و جغرافیای ما، پایدار بمان که تو نشانگر ثقل کبود ریز بالا و کبود ریز پایین (بالاتاور و پایین تاور).

و تو نماد استواری و عظمت و سخاوتمندی و بلند طبیعی ما و نیاکان ما و یادگار های دیار ما، همیشه آباد بمان و غرورت را حفظ کن که در خور شانت می باشد.

سو بلند و سر افزار بمان به بلندای تاریخ و شکل گیری کوه هایت، که بُرد نهایی با توست. بر قرار باش و جاوید بمان. وطن سرخ سیمای ما سرخ گریوه.

ما تو را هرگز فراموش نخواهیم کرد. هر گز، هرگز...

با این اوصاف گفتیم باز هم بنشینیم و صبر پیشه گیریم
رای آمد خیر : دنباله کار خویش گیریم.

مقدمه:

هیچ روشی برتر از تحقیق نیست (امام علی^(ع))

با مطالعه تاریخ گویا با گذشتگان زیست کرده اید (امام علی^(ع))

«روزی پسر کوچکی به سادگی تمام از پدر خویش پرسید که فایده تاریخ چیست؟ این کودک فرزند مارک بلاک مورخ فرانسوی بود و همین سوال ساده‌ی او باعث گردید که پدرش رساله‌ی بسیار قابل توجهی تحت عنوان توجیه فایده تاریخ با شرح کیفیت وظائف به رشتهٔ تحریر در آورد.

بلاک و سایر مورخین عالیقدر بسیاری از ممالک دنیا حقیقتناً استدلال می‌کنند که تاریخ فنی است که مطالعه‌ی آن شایسته مقام اشخاص بالغ است و باب تعقل و اعتدال را برای آنان مفتوح ساخته نیروی انتقادشان را عمیقاً تقویت می‌کند.

تفییرات حاصله در طی تاریخ یکی از عوامل امور انسانی است و انسان متوجه می‌گردد که تمدن امروزی در واقع یکی از تمدن‌هایی است که در روی کره زمین وجود داشته‌اند حتی با کمال تعجب کشف کنند که تمدن ما نتیجه بعضی از صفات و فضایلی است که در پاره‌ای از اعضای پیشین به حد کمال وجود داشته است.»^۱

پدر علم تاریخ :

کاربزرگ پدر علم تاریخ هنگام سکونتش در ایتالیا به رشته تحریر در آمد تاریخ درگیری یونان با بربراها است که انقلاب مردم ایونی برض پارسیان و تسخیر تنگهٔ دار دائل یونان در ۴۸۰ تا ۴۷۹ قبل از میلاد پایان می‌یابد.

اما تاریخ او مشتمل برگزیهای بسیار جهت توصیف اماکنی است که دیده است و مردم بسیاری که آداب و سنت آنان را مشاهده به ثبت رسانیده معمولاً هردوت را به عنوان اولین مورخ بزرگ و کارش را به عنوان اولین شاهکار نثر یونان توصیف می‌کنند. با وجودی که قسمت زیادی از کارهای او به سهولت در ذمراهی کارهای جغرافیایی شناخته می‌شود لیکن هردوت را اساساً یک مورخ می‌شناسند و تعداد مورخان بیش از جغرافیدانان است. اعتبار هردوت بیشتر به خاطر این نظریه است که می‌گوید باید با تمام تاریخ برخوردی جغرافیایی و با جغرافیا برخورد تاریخی کرد. این جمله نیز از اوست که می‌گوید: تفکر جغرافیایی زاییده‌ی تاریخ است جغرافیا زمینه‌ی طبیعی را تعیین می‌کند و مراحل محیطی در ارتباط با وقایع تاریخی از آن به معنی می‌رسد.^۱

تاریخ و مطالعه آن را باید همانند داروی بیماران که طبعاً علاقه‌ی چندان و تمایل درونی احساس نمی‌شود تجویز کرد که شفابخش حقیقی دردهای طولانی است و راهگشای مشکلاتی که امروز دامنگیر شده است می‌باشد.

تاریخ :

تاریخ شناخت حالات گذشته و معرفت احوال پیشینیان است و فواید بسیار دارد اگر در احوال گذشتگان وقوت یافتن موجب فواید دینی و دنیای نبودی و کلام الله مجید که دوای علت جهالت و غفلت است از سرگذشت و قصص پیشینیان خبر ندادی و نه آن که به مجرد قصه اهل الله که انبیاء و اولیاً اند کفایت کرد. بلکه احوال اهل دنیا و کفر و متابعان شیطان هم به استقصاً یاد فرمود. مثل قصه فرعون و هامان و قارون و جالوت و نمرود و غیره، هم و کسانی را که از آن اغراض نموده اند تنبیه کرد. از آن جا که فرمود: الٰم ياتهم نبَا الَّذِينَ مَنْ قَبْلَهُمْ قَوْمٌ نُوحٌ وَ عَادٌ وَ ثَمُودٌ قَوْمٌ اِبْرَاهِيمَ وَ اَصْحَابِ مَدِينَ وَ لَمْؤْتَفِكَاتٌ.

و جای دیگر فرمود که: افلم سیرو افی الارض فینظر و کیف کان عاقبه‌الذین من قبلهم کانون اشد منکم قوه^۲ و ... امثال این بسیار است مرآد آن است که چرا نگاه نکنند که

۱ - تاریخ علم جغرافیا - علی اصغر نظری

۲ - سوره التوبه: آیه ۷۰

۳ - سوره الروم: آیه ۹

چگونه بود عاقبت کار کسانی که پیش از ایشان بودند و حال آن که به قوت و آثار و اموال قوی تر از ایشان بودند.«^۱

تاریخ مجموعه‌ای است از وقایع گذشته یک قوم در یک سرزمین یک روستا (یک اجتماعی محدود) که استناد و وقایع گذشته آن دیار را مورد رسیدگی قرار می‌دهد. تاریخ شرح یک جریان تکامل یافته است. مطالعه تاریخ برای همه افراد و شرایط سنی یک ضرورت است به جرات می‌توان گفت که قبل از هر چیز همه باید اطلاعاتی راجع به تاریخ نزدیک ترین دوران گذشته در دست و ذهن و دستمایه کار و تلاش و به ذهن نقش بسته باشد الگوی از دیروز برای امروز و فرداهای نسل بشر.

تاریخ محلی هر کسی به اوضاع محیط زندگی ارتباط پیدا می‌کند و قوه‌ی ادراک و تخیل افراد متوجه و به کار وا می‌دارد و مقدمات بسیار ساده و بهره برداری و شناسایی استعدادها ی همه جانبه را بیدار و دیدگان را بصیر تر می‌گرداند تاریخ نشانگر قدمت و اصالت بنیاد هر مکان یا جامعه را معرفی می‌نماید.

و تاریخ حاصل عمر و تجربه‌ی گذشته گان کپسول زمان نیاز امروز ما و پشتونه‌ی فردای آیندگان، تاریخ شناسنامه و نسخه پایدار و جاوید که در هیچ زمان و هیچ پدیده و قوایی نتواند آن را از صفحات روزگار محو نماید و هر برگش هم چون ستاره‌ی تابناک بر تارک آسمان که بی منظور در خشش نمی‌کند.

آن کسانی که با این اوراق طلایی سروکار داشته باشند برندگان تصمیم گیران روزگار خود و از تجربیات و اندوخته‌ها و الگوی رفتاری خویش نمایند.

با تاریخ همسفر و همگام باشیم تا مفهوم زیستن را بهتر درک کرده و به جهان و خلقت برتر بیندیشیم یا بهتر بگوییم درس دیروز را امروز باشد مشق کرد تا بیناتر و بصیر تر گشت.

تاریخ که شرح حال زندگی پیشینیان است یکی از مهم ترین علل پیشرفت افراد و اجتماعات می‌باشد یعنی تاریخ گذشتگان و ملت‌ها اقوام گذشته است که می‌تواند آدمی را در شئون مختلف زندگی به پیش براند. زیرا یک دانشمند سیاسی می‌تواند با سیر در زندگی نیاکان تجربیاتی بدست آورد تا در مشی سیاسی خود نیرویی برای مبارزه با مشکلات کسب نماید. همچنین یک دانشمند اقتصادی وقتی می‌تواند فقر عمومی یک جامعه را برطرف سازد و جمعیتی را از بحران اقتصادی نجات دهد که اطلاع کافی از نحوه‌ی پیشرفت

اقتصادی جوامع پیشرفتی داشته باشد و در اثر مطالعه‌ی زندگی آنان بداند که علل و انگیزه‌های پیشرفت آن جامعه چه بوده است؟

یا بداند آن جامعه‌ای که باشکست اقتصادی رویرو شده علل انحطاط آن‌ها چیست؟ و چرا دچار فقر اقتصادی شدند؟

وقابل انکار نیست که تاثیر تاریخ در جنبه‌های اخلاقی بیشتر از جنبه‌های علمی و سیاسی است. زیرا هر صفحه از زندگی نیاکان درس عبرت و پندی برای آینده کان است و بهترین آیینه مصفا برای جلوگیری نمودن معایب سیرت تاریخ است. و نتیجه کردار پسندیده یا ناپسند هریک از نیاکان ما که در صفحه تاریخ ثبت گردید بهترین راهنمای اخلاقی برای ما خواهد بود تا جایی که دانشمند بزرگ اگوست کلت درباره اهمیت تاریخ این چنین می‌گوید:

«مرده‌ها برزنده‌ها حکومت می‌کنند.»

شما اگر یک توجه به بهترین کتاب اخلاقی یعنی قرآن بکنید مشاهده خواهید نمود که چگونه برای تهذیب اخلاق و ایجاد سیرت‌های پسندیده و نابودی سیرت‌های ناپسند به پند و شرح زندگی گذشتگان دست می‌زند به طوری که بیش از یک سوم این کتاب آسمانی اختصاص به شرح زندگی پیشینیان دارد.

مولای علی^(۴) نیز مبین قرآن و کتاب ناطق می‌باشد برای آن که اصحاب و یارانش را متنبه ساخته و آنان را به فضایل انسانی و نتایج ارزش‌دهی آن دعوت نماید و از ردائل اخلاقی و عواقب بدبوخت کننده‌ی آن باز دارد زندگی پیشینیان و علل عزت و ذلت آنان را برای اصحاب خود شرح می‌دهد. باشد که در اثر شنیدن تاریخ گذشتگان به خود آیند و ...

آیه ۱۱۱ سوره یوسف: لقد کان فی قصصهم عبره ماه کان حدیثاً یفتری
(همانا در داستان هایشان پندیست برای انسان‌های فهمیده و باخرد).^۱

جای دیگر شرح حال موسی^(۴) و واقعی که در خلال مأموریتش برای راهنمایی فرعون واقع شده می‌گوید:

اَفْلَم يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَهُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَكْثَرُهُمْ مِنْهُمْ أَشَدُ قُوَّةً وَأَثَاراً فِي الْأَرْضِ مَا أَغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ^۲.

(آیا در این جهان گردش نکرده اید تا ببینید فرجام کسانی را که پیش از آن‌ها بوده اند با تعداد و نیرو و آثار زیادتری که داشتند باز نتیجه‌ی کردار خود را دیدند و با نیروی خود نتوانستند جلوگیری از کیفر خدا بنمایند).

۱ - تاریخ انبیاء قصص قرآن از آدم تا خاتم . سید هاشم رسولی محلاتی

۲ - سوره المؤمن: آیه ۸۲

تاریخ و تاریخ نگار :

خوانندگان می دانند ما تاریخ را دوست می داریم و هوادار رواج آن هستیم زیرا :

۱- تاریخ سرگذشت اجدادمان سرزمن ما و عمر ماست با پیشامدها لذت ها و خوشی ها را در بردارد آدمی هم از تماشا و شنیدن ها و گفته ها لذت می برد و این هم در نهاد او نهاده شده.

۲- تاریخ نگار از پرداختن به سرگذشت زندگی مردمان تاریخی (قدیمی) پند می آموزد و خوبی های نیکو یادگیری و از لغتش ها و از بدی های ایشان اندرز بیاموزد و از آن ها پرهیز کند و از پیروزی ها درس یادگیرد و به پیروی از آن برجیزد.

۳- اگرچه خواندن یا نوشتتن تاریخ و ایام گذشته سودی را در برنداشته ولی زیانی را به دنبال نخواهد داشت.

۴- اگر تاریخ را از بهر شناختن آیین زندگانی و راه خود قرار دهد و از پیشامدها و حوادث را درست سنجش نماید و پیوستگی آن ها را بشناسدتا جایی که کارهای جهان همه به هم پیوسته است. امروز چه شده که دیروز چه رخ داده چرا که موقعیت ها، پیروزی ها، گرفتاری ها، بدختی ها، کامیابی ها هیچ کدام بی ریشه و انگیزه‌ی همه آن ها را با بصیرت و دور اندیشی فرا گیرد.^۱

و اما تاریخ دیار سیمای سرخ فام دیروز اجداد و نیاکان و پیشینیان ما را به تصویر می کشد و اصالت مان را به ما بازگو می کند هم چون طنین مابه کوه تاریخ برگ های سبز و زرد زرین درخت کهن‌سال تا اعمق آب و خاک و دل وطن ما ریشه دوانده و با آن خو کرده است. اهتزاز این برگ های حیات این نماد هر صبح و شام و تمامی فصول چشم و دل و جان و روح و روان مان را می نوازد.

تاریخ دیار ما هزار جریب (سرخ گریه) هم چون دریایی مواج تا ژرفایش و حیات ما در این گستره‌ی سخاوتمند ادامه دارد. از آن جای که طبق قانون هر چیزی، چیزی را پدید آورد و او را در دامن خویش بپروراند هرگز آن را رها نساخته و از بین نخواهد برد. ما در این دریای وسیع و عمیق (سرخ گریه) شناور و غوطه وریم و از پدیده های فضایی و منابع زمینی آن فواید بیشمار می بریم و گذران عمر در این دیار با تلاطم‌ش برایمان رموز جاودانه بودن را می آموزد.

۱ - کتاب کاروند کسری به کوشش یحیی ذکاء

هرچند برای یک مکان یا آبادی شخصی این همه اغراق گویی نماید صلاح نباشد ولی با کسب اجازه و به نمایندگی از جانب مردم خوب و دوست داشتنی محل خود پوزش می طلبم که برای نوشتن مطالبی در مورد آبادی پیشگام شدم و عجله در کارم مشاهده شد چون بارها شنیده ام یا گفته اند :

هرچه از عمر می رود نفسی چون نگه می کنم نمانده بسی

پس اندیشیدم که این امر خطیر را خود به دوش بکشم و تا در آینده فرزندان برومند و دانش آموختگان سطوح بالای علمی فرهنگی و هنری این آب و خاک دست به قلم برد و مطالبی شیواز و گویا تر و پویش عمیق تر نمایند و کار ما را تصحیح و تکمیل نمایند و بازهم به این حساب مطالب را نوشتم که میدان را خالی دیدیم و جولان دادیم.

آسمان بار امانت نتوانست کشید قرعه کاریه نام من دیوانه زدند

«گفته اند : شهبازی بی بال در عرصه‌ی آسمان ناتوان و مرد بی سمند در پهنه زمین زبون است هر پیش آمدی را سبب و علتی است سرسرن انتهای آن را بدنبال می آورد.

هم به چنبر گذار خواهد بود این رسن را اگرچه هست دراز

راه راست آواره را از میان وادی های عالم به سرمنزل مقصود می رساند و کجروی و اهمال به شوره زار مرگ می کشاند.»

بسیار کسان مرا برانگیختند که دیده ها و شنیده های خود را در وصف این دیار مان به تحریر درآورم من مدت ها در تردید و سردر گمی بودم سرانجام به این نتیجه رسیدیم که خاموش ماندن هیچ سودی ندارد.

شیخ اجل سعدی شیرازی چه خوش گفت :

که گر مراد نیاییم به قدر وسع بکوشیم به راه بادیه رفتن به از نشستن باطل

بشنو:

پس برآن شدم تا به توصیف مسایلی بپردازم خواننده گان سخت کوش و شکیبا فرجام نیک کار آغاز شده را خواهند دید و جوینده گان دانش آن را خواهند یافت.

و از آن جایی نکات گفته شده از منابع مختلف و مکتوب گذشته در دسترس بوده به اندازه توانم سعی و تلاش و در خور فهم و درکم و تا حدودی نقل و قول از پیران ارزشمند دیارمان در حال حاضر که ایشان سینه به سینه از بزرگان برایم نقل کردن.

چنان چه در خاطر گروهی به احتمال نزدیک که گفته ها و یادداشت ها دور از خرد و پر تناقض باشد این جانب به افرادی که بخواهند بر گفتارم که حرف خودم در آن کمتر به

چشم می خورد خرد ای بگیرند برعهده دیگر نمودن این هاست که دلیلی استوار اقامه کنند. با توجه به آن که در فراهم نمودن این مجموعه بسیار کوشش نمودم با این حال مسلمان از عیب و نارسایی و اشتباه خالی نیست.

با خواندن و نوشتمن تاریخ برای هر حادثه دیگر کوچک و بزرگ و باورها و اعتقادات دیروز و امروز می توان سرنخی پیدا کرد مثلًا شیوه نگارش، وصف مسایل اقتصادی، اجتماعی، زیستی و نوع روابط و کسب تجربه از گذشتگان برای حال و آینده گان هرچند به ظاهر ساده می زیستند ولی این سادگی بسیار ارزشمند و الگوی برای آینده گان در مورد اسناد تاریخی و کهن و بازمانده از اجدادمان برای مان ارزش است و پند.

خواننده ای ارجمند مجموعه ای را که پیش روی دارید بروگی (جزوه ای خرد از کتاب عظیم ایران شناسی (وطن شناسی) است. پنجه ای به سوی یک روسناک این دفتر شرح حال دیار کهن که قدمت تاریخی دارد عرصه ای تاریخ این دیار آن چنان وسیع و پهناور است که من ادعا ندارم تمام زوایای آن را کاویده ام.

از سوی دیگر این تحقیق حاصل رنج های دلپذیر و زحمات لذت آوری است که طی سالیان دراز عمرم بر سرآن نهاده شده و سبب نگارش این کتاب علاقه فطری است که هرگز به بالطبع به اصل یا آب و خاکی که در آن ریشه دوانده و سالیان دراز از موهبت های طبیعی این منطقه بهره مند شده علاقمند که خود این جزیی از ایمان و ارادت انسان است.

گرچه سرخ گریوه با همه خردی که در گذشته تا امروز افراد تحصیل کرده و دانشگاه دیده بسیار در دامن خود پرورانده است ولی تاکنون کسی برای نوشتمن تاریخ این جایگاه کهن قدموی پیش نه نهاده است.

اول آن کس که خریدارش من بودم باعث گرمی بازار شدش من بودم

کتابی که پیش روی شمامت شاید شما آن را یک شبه بخوانید این جانب به یاری خداوند در این بحرغوطه خوردم و اگرچه جمع آوری مطالب این کتاب (از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۹۰) این زمان به طول انجامید. ولی این بار سنتگین به علل مختلف هرگز از شانه بر زمین نهاده نشد.
حدراز عشق؟! حدراز عشق ندانم.

شاید بتوان گفت از امروز سند سربلندی (جایگاه محلی) خود را در دست داریم نه به خاطر اعتبار این اثر و این نگارش بلکه به خاطر حقایقی که در لابه لای این کتاب موجود است. و هم چنین از بعد تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و نمادها (چشم اندازه های طبیعی و پدیده های انسانی) و فرهنگ و آداب و سنت گذشته و امروز این دیار دیگر با دنیا فردا هیچ گونه شباهتی نخواهد داشت و نسل های آینده می توانند به مطالب همه جانبه

دسترسی پیدا کنند و از کیفیات زندگی امروز ما تجربه کسب نمایند. هم چنان که از گذشتگان مان مسایلی را به صورت سینه به سینه تا امروز به سینه کشیدیم.

و این احساس در من فعال شد که از پیران و کهنسالان و ریش سفیدان و بطور جدی در خواست وقت و تمنا بهره مند شدم تا این دین خود را ادا کرده باشم.

بنابراین ادعا ندارم که کار تحقیق کامل و جامع صورت گرفته است چه بسیار مطالب ناگفته و نسنجیده از نظر تیزبین خوانندگان و صاحبان خرد و آگاهان پنهان نخواهد ماند و مثال معروف همه چیز را همگان دانند و شایان ذکر است همیشه تحقیقات تلاش گروهی را می طلبد چرا که دامنه‌ی این گونه مطالعات بسیار وسیع و گسترده است و هرگاه شخصی به تنها‌یی به این گونه امور دست می‌زند بدون تردید اشتباهات و کمبودهایی در کارش وجود خواهد داشت.

ما می‌گوییم در گذشته مردم بزرگی بوده ایم و اجدادما در پنهانه وسیعی از هزار جریب حکمرانی می‌کردند ادعایی درست است ولی در هر حال ادعاست زیرا اگر بپرسند چرا و به چه دلیل جواب این چرا را به درستی نمی‌توانیم بدھیم زیرا نوشته یا کتابی یا اسناد فراوان تری در مورد این ادعا امروز در دسترس نیست البته لازم به ذکر است کتب، مجلات و نوشتگات اوراق زیادی در این روستا براثر بی توجهی و سهل انگاری به دور ریخته شده و یا از دسترس به صورت ناآگاهی مسایل گوناگون از جمله دلیل کوچ و ... فروش خارج گردید این نقص باعث شد که حتی در بین خود ما عده‌ای به این گفتار و آن موقعیت و به این تعاریف و نوشته‌ها به چشم شک بنگرند و برعکس عده‌ای دیگر درباره‌ی اهمیت این روستا و مردمش غلو کنند هیچ یک از این دو دسته نادرست نمی‌گویند. ولی اگر مطالبی را که به نظر می‌رسید و شواهدی در دست هست که اسناد یا نوشتگات را در منزل نزد خود دارند و به عللی هم چون کهنسالی یا میان سالی یا قانع به این نیستند آن‌ها را در دسترس قرار دهند. اگر این اسناد و مدارک معتبر با حوصله تدوین گردد و مورد تحلیل و نقد دقیق قرار گیرد در غیر این صورت قضاوت مستند و ممکن نخواهد بود. شایان ذکر است امروز هر وقت که بخواهیم یا نخواهیم یا ناخودآگاه در جای جای از سرزمین ما و گذشته گان ما صحبت و خاطرات اجدادمان به میان می‌آید که این نشانگر ویژگی ممتاز این دیار کهن و خاموش ما و نیاکان ماست. جا دارد از همین جا از روشن فکران و دوراندیشان و خردمندان و دانش آموختگان سرزمین آشنا مساعدت طلبیم تا نسبت به جمع آوری و نوشنی مطالب و کامل کردن یادگار کوچک من گام بردارند و چشم امید به چنین حرکات ارزنده‌ای را در آینده به انتظار و آیندگان نویددھیم.

چنان که کتاب به عنوان قدیمی ترین و معتبر ترین کانال و پل ارتباطی بین جوامع مختلف در گذشته و حال و آینده است و در همه ادوار همه نسل ها به حساب می آید.

مطلوب آن معیارهای برای ارزیابی و تشخیص سطح توسعه یافته‌گی در زمینه های گوناگون از جمله دانش، آگاهی، آداب و رسوم، سنن عقاید و اعتقادات اصالت و بنیاد و در این مجموعه به عنوان یادگاری کوچک و به جرات می توان گفت ناقص که به اندازه توان و افق دید و وسعت نظر شخصی است و به کمال رساندن حقایق و مطالب ذکر شده را بر عهده فرزندان برومند و دلسوز و وطن دوست این دیار می سپاریم که به حول و قوه الهی گام های موثرتر و ارزشمندتر در این زمینه بردارند تا دیروزمان فراموش نگردد که از فرداها بی اطلاع باشیم.

همچنین تمامی وقایع و آثار و شواهد از بنها و مکان های ویران شده تا نامبرده و از اثر هم چندان شواهدی در دست نیست و به چشم نمی آید از درختان گرفته تا سنگواره ها واژ خاک ها گرفته تا دره ها از کوه ها گرفته تا سابقه ای سکوت و هنوز هم آواز زنگوله ها دام ها که هر صحبتگاهان از آبادی به علفزارها می روند و شام گاهان به آبادی بر می گردند می شنویم و هنوز هم دهقانان سالخورده ای دیارم را که زمین ها را شخم و ورز و گندم می کارند و پویایی و تولید و خرمن ها را احیا نگهداشته اند می باییم و ... همه و همه حکایت از آن دارند که این ها همه جزیی از تاریخ به حساب می آیند از نقوش سنگ قبرهای گورستان های بی آبادی امروز و آثار به جای مانده جزیی از تاریخ و جغرافیای یک محل یا یک ناحیه و یک جامعه کوچک محسوب می شوند.

و از آن جایی که تاریخ دور دراز دیار ما عمق اندیشه ای معماران سرزمین ما است و پاسداری از آن وظیفه ماست.

تاریخ دیار ما سرشار از شور شوق و استیاق آغاز شد و کول بار سنگین تر از صخره های خود دارد و من هم کول باری سنگین تر از تاریخم، تاریخ پر فراز و نشیب و پر رمز و راز سرزمین ما با مسایل جغرافیایی خود چنان گره خورده و گستره ای تاریخی به عظمت و وسعت جغرافیایی ناحیه خود پدید آورده است حال همه در این گستره غوطه ور شدیم تا سرانجام ...

و آخرین سخن ها به قول معروف :

هر نوشته ای به یک بار خواندن ارزد : تمثیل

اگر این کتاب دراز شود و خوانندگان را از خواندن ملامت افزاید طمع دارم به فضل ایشان که مرا از مبرمان نشمارند که هیچ چیز نیست که به خواندن نیزد. (ابوالفضل بیهقی) نظیر : علم کل شیء خیر من جهله لا يخلو سواد عن منفعه (ص ۱۹۷۴ ج ۴ امثال و حکم)

این مجموعه:

این مجموعه به پاس و حرمت و بزرگ منشی و بلند طبیعی مردم با صفا و صمیمی و دوست داشتنی مردان، زنان و فرزندان دیروز و امروز و برای آیندگان جمع آوری نمودم. سرخ گریوه سرزمین زیبایی های طبیعت را با کوهستان های پر طراوات و دل انگیز به همراه شکوفایی گل ها و ترنم جویبارها و زلالی چشم سارها و طنین آب های جاری اش که روح و روان ما را نوازش می دهد پیش کش می کنم.

واز همین جا با حرف هایی از جنس تکرار و بهانه توصیف و تأیید را برای دیارم نا تمام و دیگر بار پنجره ها را برای دیگر دوستان نیمه باز می گذارم تا با تماشایی دیگر و نگاه پر طراوت تر از این روزها برای جلوه گاهی باشکوه و عظیم نگاه برآند و من دفترم را با عشقی عمیق و حقیقی به اندازه‌ی کفایت خود نسبت به دیارم لب بر می بندم و همانند بیان خوش خواجه شیراز می گویم.

چرانه در پی عزم دیار خود باشم چرانه خاک سر کوی یار خود باشم
غم غریبی و غربت چو بر نمی تابم به شهر خود روم و شهر یار خود باشم
... گه گاه : اساس کار من در تهیه این نوشتار همان است که ای کاش می شد. تمام شنیده ها و دیده ها و حقایق را در رابطه با این دیار سبز سرخ فام برای فرزندان این آب و خاک بازگو می کردیم. اگر وصف آن ها می کردیم به طول می انجامید.

امید است با استعانت از توفیقات باری تعالی و هم چنین قدردانی و سپاس و تشکر از عزیزانی که مساعدت فکری و همه جانبی نموده در تهیه و گردآوری و تشویق این کارمرا یاری و همراهی کرده‌اند و از مردان و زنان آبادی و هم چنین از استاد گرانقدر و توانمند جناب آقای فرهاد شهداد عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور واحد بهشهر و خصوصاً یاری و اهتمام و رهنمودهای ارزشمند و کوشش فراوان بی وقفه و بی دریغ و مساعدت همه جانبی پسر عمومی اندیشمند، گرانقدر و صبور و ادیب توانا جناب آقای دکتر حاج حسین منصوریان سرخ گریه عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد واحد قائم شهر دارم.

اعتراف :

هزار جهد بکردم که سر عشق بپوشم نبود بر سر آتش میسرم که نجوشم

دریچه‌ی پوزش

ابتدا در نظر بود که این کتاب در حدود سال‌های ۱۳۸۰-۸۵ منتشر شود. اما دشواری‌های بسیار در کار طبع این مجموعه پیش می‌آمد. و این بار لطف خداوند شامل حال شد و چاپ این کتاب جامه‌ی تحقیق پوشید. امید که این کار ناچیز در نظر ارباب تحقیق به چیزی آید و در خور عرضه شدن به حضور تمامی خوانندگان و فرزندان آبادی خودم سرخ گریوه باشد.

شایان بیان است :

هزاران شکر به درگاه ایزد منان که یاری و احساس شروع این کار را در اندیشه و خیال من به پرواز در آورده و هم چنین سپاسدار لطف و یاری دوستان و آشنايان در توفیق این خدمت ناچیز بسیار مؤثر بوده است. بدین سبب تشکر و سپاسم را نثار طبع بلند و همت بالاو رفیع فراز پروازان می‌داریم و سعادت و کامیابی همه را از درگاه خداوند خواهانم.

هر چند این اثر به جهت اعتلای و احیاء فرهنگ مردم این سرزمین صورت گرفت.
باشد رضایت خداوند یکتا

حدر از عشق ؟

حدر از عشق ؟

حدر از عشق ندانم

نتوانم

نتوانم...

نورعلی منصوریان سرخ گریوه

بهار ۱۳۹۰ - سرخ گریوه

تبرستان

www.tabarestan.info

بخش دوم

هزار جریب
هزار جریب به شهر
سرخ گریوه

تبرستان
www.tabarestan.info

تبرستان

www.tabarestan.info

هزار جریب کجاست؟

مازندران (موز اندرون) موز نام کوهی است که از چمن لار تا بالای تمیشه، چون این دیار در اندرон کوه موز کاین است، موز اندرون گفته اند. و به کثرت استعمال لفظ و طول مدت، این نام از خواطر محو شده و مازندران می خوانند. همو می گوید که کوه و صحراء دیار ولايت طبرستان و مازندران را فرش وادگر گفته اند. این نام را منوچهر اطلاق کرد زیرا که فرش هامون و واد کوهستانی [است] که در آن زراعت می توان کرد. و «گز» دریا را گویند.^۱

یکی از مناطق وسیع و گسترده واقع در جنوب سلسله جبال البرز در مازندران برای خود دارای تاریخ، تمدن، فرهنگ، آداب و رسوم و جغرافیای طبیعی و اقتصادی متمایز با سایر مناطق دیگر دارد به هزار جریب معروف است.

در اغلب کتاب های تاریخی و جغرافیایی به یادگار مانده از گذشته و نیز سفر نامه به این سرزمین اشاره شده است.

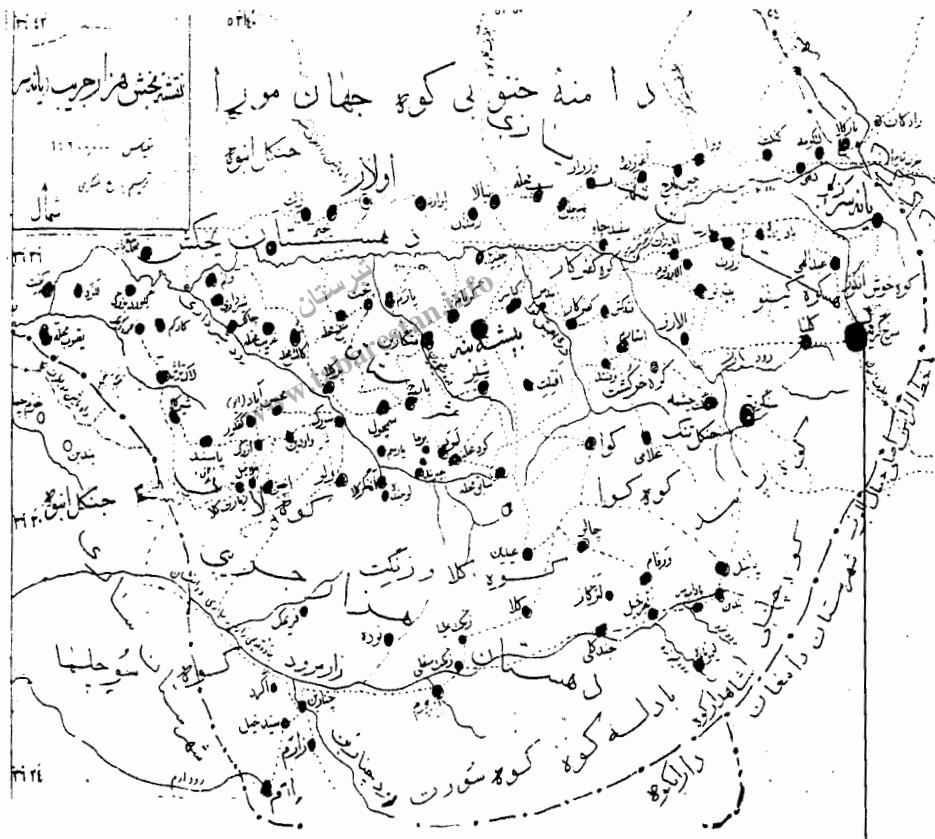
در کتاب سفر نامه مازندران استرآباد که مترجم آن آقای غلامعلی وحید مازندرانی می باشد در مورد هزار جریب به موارد بسیاری اشاره شده است از جمله :

«بلوک هزار جریب دو قسمت عمده داشت یکی چهار دانگه و دیگر دو دانگه می گویند هزار جریب به فخر عمام الدوله پسر امام زین العابدین تعلق داشت.

او پیش از وفات، املاکش را در میان سه پسر خود که یکی از آن ها از مادر دیگر بود تقسیم کرد. بنابراین به دو برادر تنی با هم چهار ششم یا چهار دانگ و به نا برادری آن دو ششم یا دو دانگ دیگر رسیده.»^۲

۱ - تاریخ و جغرافیای ایران - تاریخ مازندران تالیف ملا شیخ علی گیلانی سال ۱۰۴۴ قمری تصحیح و تحشیه . منوچهر ستوده

۲ - سفرنامه مازندران استر آباد ص ۹۷ ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی



ناحیه‌ی مورد پژوهش و تحقیق
 (آبادی سرخ‌گریه)

نقشه‌ی بخش هزارجریب یانه سر

و هم‌چنین در این کتاب به حدود جغرافیای هزار جریب به خوبی اشاره کرده است و آن این که : «هزار جریب محدود است.

از شرق به ساور دامغان،

از جنوب به سمنان،

از غرب به فیروز کوه و سواد کوه

از شمال به بلوک متعدد استر آباد، و اراضی جلگه‌ی مازندران،
دودانگه در جنوب چهار دانگه واقع و محدود است.

از جنوب به کوه بشم که سنگسر را از شهمیرزاد جدا می سازد.

از مشرق به کوه «دیو تنگه» که تا دهکده تودروار دامغان امتداد می یابد.

از شمال به بلوک یا نسر

از غرب به وسیله شاه کوه، از سواد کوه جدا می شود.^۱

و هم در این کتاب حدود هر یک از بلوک دوگانه هزار جریب به خوبی تشریح شده است مثلاً در باب دودانگه آمده است که :

دو دانگه چهار بلوک دارد از جمله :

پشت کوه، نرمان، بنافت و فریم و رود خانه دو دانگه از کوه بشم و جبال مجاور سرچشمه می گیرد و از میان ده پایین کلا جریان دارد و از چهار دانگه جاری و در مشرق ساری به رود خانه تجن ملحق می شود.^۲ هم چنین راجع به بلوک چهار دانگه آمده است که :

«چهار دانگه چهار قسمت است از جمله :

یانسر، سرخ گریه، یخکش و سورتج (یاسورتج)

یانسر که از انزان کوه در شمال تا شاه کوه در جنوب وسعت دارد هم چنین از بلوک چمن ساور در مشرق تا سرخ گریه در غرب به نه بلوک تقسیم می شود : بالا رستاق، انزان کوه، انزان پشت آب، غلامی، کوهسار، اندرون تنگه، لایی، رمدان و برد. مرکز عمدۀ این بلوک یانسر است. در این ناحیه سه کوه است خوش انگور که حاکم در آن جا خانه تابستانی دارد و

۱- سفرنامه مازندران و استرآباد ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی ص ۹۸

۲- سفرنامه مازندران و استرآباد مجموعه ایران شناسی زیر نظر احسان یارشاتر - تألیف هل رابینو ترجمه غلامعلی وحید

مازندرانی

بر قله آن امامزاده‌ای واقع است کوه عبداللهی و کیوان کوه (کینوا) در این محل شصت و هشت امامزاده هست.^۱

در کتاب «از آستانرا تا استرآباد» تألیف دکتر منوچهر ستوده راجع به هزار جریب آمده است که :

«هزار جریب که نام آن در کتب تاریخی مازندران به صورت هزار گوی و هزاره گوی آمده است سرزمینی کوهستانی که حدود چهارگانه آن از این قرار است :

از طرف جنوب به رشته کوه اصلی البرز و از شمال به رشته کوه های جهان مورا و از مشرق به کوه های خوش انگور و یانسر و سرخ گریه و لت کومه و از غرب به رشته کوهی که در امتداد رودخانه تالار و در مشرق آن است.

بخش هزار جریب به دو ناحیه چهار دانگه و دو دانگه تقسیم می شود که :
ناحیه چهار دانگه شامل شهریاری، هزار جریبی و سورتیچی (سورتیچی). و بخش دو دانگه عبارتند از :

نرم آب و بندرج، فربیم (پربیم) بنافت و پشتکوه است.

می توان گفت که هزار جریب با توجه به نقشه های جغرافیایی که از گذشته در دست است تا به امروز یعنی وسیع و گسترده از منطقه کوهستانی و کوه های سواد کوه و کلیجان رستاق علیا در سمت غرب و ارتفاعات شاه کوه و چمن ساور و کوه وزمه و کوه یاریان سرچشمه شمشیر بر و گلدين و سیاه خانی و رود خانه نکا و رشته عظیم و سد مانند جهان مورا و کال نو (دراز نو) که سبب جدایی دریایی مازندران و جلگه های ساحلی و شهر ها و آبادی های شمال البرز از هزار جریب در شمال و خط الرس اصلی کوه های البرز که این ارتفاعات مرتفع مشرف به شهرهای شاهروド، دامغان و سمنان و دشت کویر در جنوب محسوب می شوند گسترش دارد.

و این منطقه خوش آب و هوا (هزار جریب) همراه با چمن زارها و علف زارها و مراتع بیلاقی در حقیقت مادر حقیقی و پیر و قد خمیده شهرهای جلگه ای امروز مازندران می باشد و دو رود بزرگ تجن و نکا رود از کوه های این مناطق کوهستانی و مرتفع سرچشمه می گیرد.^۲
در کتابی دیگر آمده است که «هزار جریب ناحیه بسیار وسیع که پشت کوه های بلند البرز قرار گرفته و بهترین پناهگاه برای نژاد ایرانی در برابر تازیان بوده است و در ادامه آورده است که دو دانگه و چهار دانگه محل عبور لشکریان به استرآباد بوده است.»^۳

۱- از آستانرا تا استرآباد ص ۷۴۸ ج چهارم منوچهر ستوده آثار و بناهای تاریخی مازندران شرقی

۲- تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره‌ی معاصر ج. اول سعید نفیسی

بنا به نقلی در قرن هشتم هجری در دوره علیان ، میر عماد الدین در منطقه هزار جریب حکومت می کرد و هم چنین نیز در همین نقاط میر قوام الدین مرعشی آملی که نتیجه‌ی آن سجادی اند. میر عماد الدین محمود حکومت علوی را در هزار جریب تبلیغ کرد و با هیجده واسطه به امام موسی کاظم ^(ع) می رسید.«

دهکده وریج، فریم هزار جریب که در این زمان در قلمرو استر آباد بود نخستین حکومت شیعه در جهان در سرزمین مازندران و آن هم در منطقه هزار جریب تشکیل شده است.^۱ از آن جایی که وابستگی مردم مازندران خصوصاً مردم هزار جریب به امامان و ائمه اطهار و علی ^(ع) بود در کوهستان‌ها به علت سختی گذر یا صعب العبور بودن، حدود هزار سال پیش وجود بقعه، بارگاه و زیارت گاه فرزندان امامان و معصومین نشانگر حکومت اسلام بود.

در کتاب التدوین فی احوال جبال شروین تاریخ سواد کوه مازندران آمده است ظهور اسلام در ولایت سواد کوه و هزار جریب.

بنا بر مسطورات اهل خبر و اخبار مذکوره، اول کسی که در اسلام و بعد از شروع این نیز با فروغ به طبرستان آمده حضرت امام همام حسن بن علی ابن ابی طالب ^(علیه السلام) بود که در خلافت خلیفه‌ی ثانی - عمر بن الخطّاب - آن بزرگوار مأمور این نواحی و اقطار گردید و در این سفر عبدالله بن عمر و مالک بن حارث الاشترا و قثم بن العباس در خدمت آن جناب - سلام الله عليه - بودند.

садات هزار جریب، اگر چه با مرعشی‌ها بني عم بودند. اما از این طایفه و سر سلسله‌ی هزار جریبی‌ها سید عماد بود که از طرف امیر تیمور در هزار جریب حکومت یافت.

اولاد سید عماد به دو شعبه منقسم شدند :

رضی‌الدینی و جبریلی، و آخر شخص شعبه‌ی رضی‌الدینی، سید حسین نام داشت. و او در هزار و پانصد و بیست و دو میلادی، مقارن نهصد و بیست و نه هجری به امر پادشاه صفوی مقتول شد.

اما شعبه‌ی جبریلی سید روح الله، در هزار و پانصد و بیست میلادی، مطابق نهصد و بیست و هفت هجری، درگذشت و پسرش عبدالله نیز در هزار و پانصد و بیست و هفت میلادی مطابق نهصد و سی و چهار هجری راه سرای دیگر گرفت. و از این شعبه سید هارون و سید معین الدین و سید هاشم و سید حسن تا هزار و پانصد و شصت و پنج میلادی مطابق با نهصد و هفتاد و سه هجری در کار حکومت بوده اند.^۲

^۱ - التدوین فی احوال شروین تاریخ سواد کوه مازندران محمد حسین اعتماد السلطنه ص ۱۰۱ و ص ۳۰۳

^۲ - همان کتاب ص ۳۰۳ تصحیح و پژوهش مصطفی احمد نژاد ، انتشارات فکر روز ۱۳۷۳

علاوه بر آن چه گفته شد بعضًا مشاهده می شود که هزار جریب صرفاً به دهی و یا روستایی اطلاق می گردد.

از جمله این که «هزار جریب دهی است از بخش درود شهرستان بروجرد جلگه متعدد و دارای ۶۱۶ تن سکنه است از قنات مشروب می شود و محصول آن غله است.»^۱ و یا در همین فرهنگ آمده است که :

«هزار جریب دهی است از شهرستان ملایر، دارای ۱۵۸ تن سکنه و آب آن جا از قنات و محصول عمده اش غله است.»^۲

در جلد دهم این فرهنگ اشاره شده است که : «هزار جریب در مشرق قصبهی جلفا، در اسپاهان دهی است از بخش داران شهرستان فریدن ۱۲۰۷ تن سکنه دارد. آب آن از قنات و چشمه و محصول عمده اش غله و حبوبات است و هنر دستی مردم قالی و جاجیم بافی است.»^۳

در کتاب رسم التواریخ محمد هاشم آصف درباره هزار جریب آمده است که : «هزار جریب اصفهان در آن هم خانه ها و اسباب ملوکانه ساخته و فراهم آورده اند و سردر هزار جریب و شهر فرح آباد در قصر جهان آرای جهان شاهی و بهشت آیین شاه سلطان حسین را خراب نمود که در هفت کشور به خوبی این چهار مکان کسی ندیده و نشنیده.»^۴

«هزار جریب در رابطه با باغ و عمارت اطراف زاینده رود اصفهان بحث می کند.»^۵
از آن جایی که هزار جریب هم از منظر گرافیایی و هم از منظر تاریخی به بخش های وسیعی از دامنه های جنوبی البرز در مازندران اطلاق می گردد و پهنه ای بسیار گسترده دارد. اما در این مجموعه تمام سعی و تلاش ما در آن است که به ویژگی های هزار جریب شهرستان بهشهر در استان مازندران به ویژه روستای سرخ گریویه در بخش یانه سر پردازیم و تا از اطالعه کلام جلوگیری نماییم.

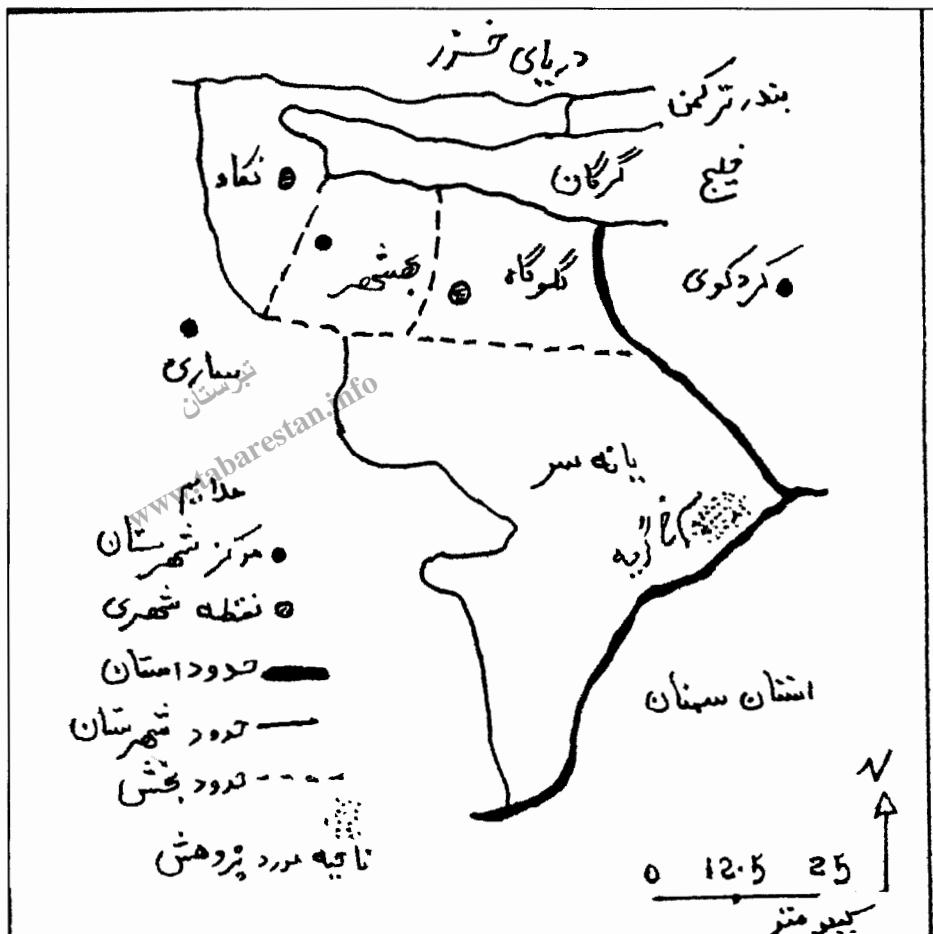
۱- فرهنگ جغرافیا جلد ۶، لغت نامه علی اکبر دهخدا

۲- فرهنگ جغرافیا جلد ۵ لغت نامه علی اکبر دهخدا زیر نظر محمد معین

۳- فرهنگ جغرافیای ایران جلد ۱۰ لغت نامه علی اکبر دهخدا زیر نظر محمد معین

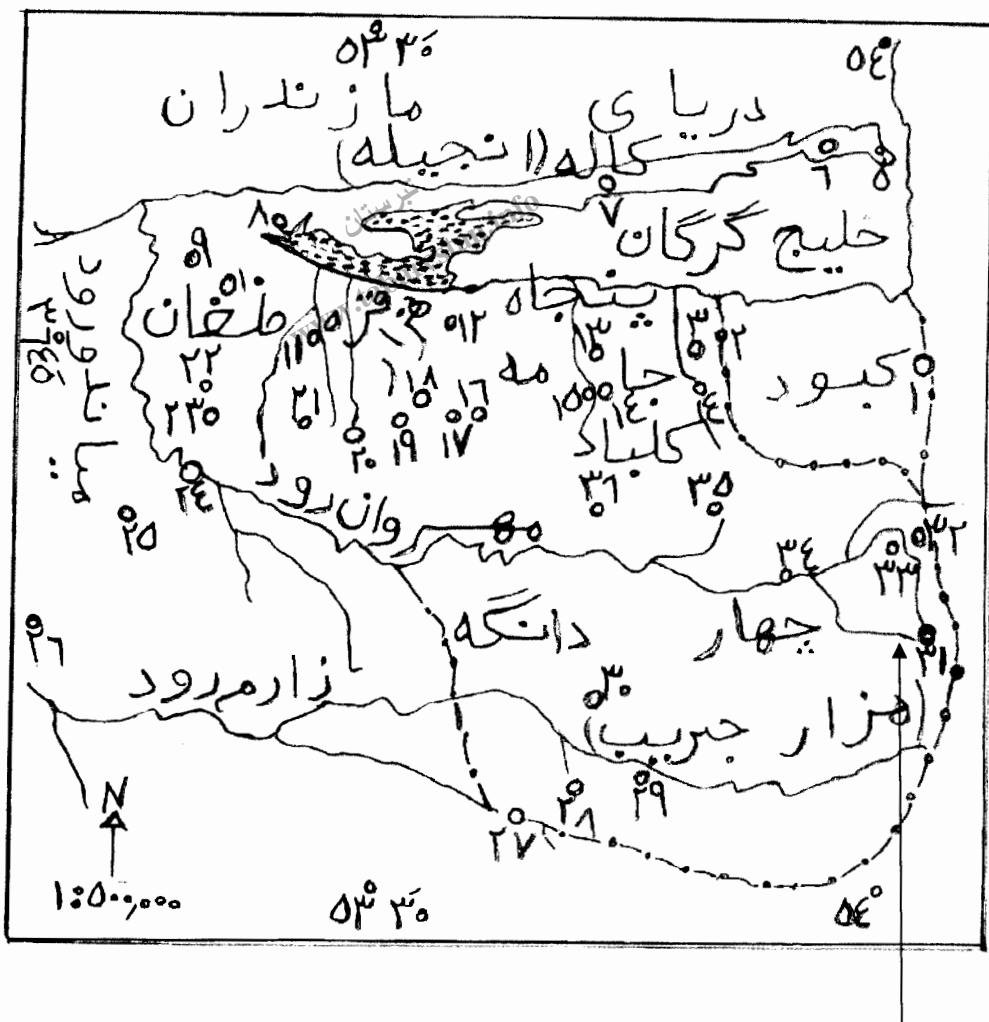
۴- رسم التواریخ محمد هاشم آصف رسم الحكماء به اهتمام محمد مشیری

۵- ترجمه ایرانشناسی زیر نظر یار شاطر انقراض سلسله صفویه تألیف لارنس لاکهارت ترجمه اسماعیل دولتشاهی ص ۶۵۴ و ۱۸۳ و ۵۶۳



نقشه شهرستان بهشهر و بخش های تابعه
ترسیم مجدد: نور علی منصوریان

نقشه تاریخی شهرستان بهشهر
ترسیم مجدد: نور علی منصوریان



موقعیت سرخ گریوه هزار جریب بهشهر (منطقه مورد تحقیق و پژوهش)

هزار جریب بهشهر :

در کتاب سیمایی جغرافیا هزار جریب بهشهر با توجه به تفکیک استان‌های مازندران و گلستان طبیعتاً منطقه هزار جریب نیز دچار تفکیک و جداگانه شده است. و منطقه هزار جریب بهشهر در تقسیمات سیاسی کشور تقریباً منطبق بر بخش یانسر می‌باشد. بخش یانسر در جنوب شرقی شهرستان بهشهر بین سه استان، مازندران، گلستان و سمنان قرار دارد. مساحت آن حدود ۷۶۳ کیلومتر مربع و جمعیت آن طبق آخرین سرشماری عمومی سال ۱۳۷۵ (هـ.ش) ۱۱۸۸۸ نفر است. این بخش به مرکزیت روستا بیشه بنه و مشتمل بر ۲ دهستان به نام‌های عشرستانق و شهداد و ۶۸ روستا می‌باشد.

از خصوصیات بارز این منطقه، کوهستانی بودن آن، تراکم اندک جمعیت، فراوانی منابع طبیعی، از جمله؛ آب، خاک و زمین و غیره است.^۱

در کتاب از آستانه تا استرآباد آمده است:

«در متون تاریخی مازندران به هزار جریب دیگر بر می‌خوریم که این هزار جریب بر دروازه شهر ساری است و زمینی هست متعلق به ونداد هرمذد که املاک خالصه بود و از جریر بن یزید والی خلیفه در طبرستان خرید.»^۲

در همین کتاب آمده است که: «وندا هرمذد نزدیک دماوند می‌زیسته که در زمان حکومت جریرین یزید در طبرستان ونداد هرمذد هزار جریب از خالصجات صوافی را که در حدود شهر ساری واقع بود خریداری نمود بود و این الف جریب (گری) ظاهراً همان ناحیه اطراف سرچشم‌های رود تجن و نکا است که به فارسی هزار جریب خوانده می‌شود.»^۳

روایتی دیگر هم در کتب تاریخی موجود است که حتی چهار ده کلاته را هم جز منطقه‌ی هزار جریب می‌دانسته است و این گونه بیان شد که:

«کوهستان‌های جنوب شرقی مازندران سه قسمت است:

یکی فریم دیگر. اسران رستاق سوم هزار جریب، که در قدیم ونداد نام داشت. و بعد این اسم متوقف و به زبان مازندرانی هزارگری شد که بعد از تعریف، به صورت هزار جریب در آمده است این ناحیه هزار جریب وسیع تر و پر جمعیت تر از فریم و اسران رستاق بوده است و در زمان میر عماد الدین مرعشی متجاوز از دویست قریه داشته و چهار ده کلاته هم جز هزار جریب بوده میر عماد الدین مرعشی نوزدهمین نفر از اعقاب امام موسی بن جعفر - علیه السلام - است و هم چنین در این کتاب آمده است: «یانسر ظاهراً از محلات سرخ گریه است و چهار دانگه پشت کوه و زرکوه، ابواب جمعی سور تچی هاست.»^۴

۱- سیمایی جغرافیای هزار جریب بهشهر ص ۱۵ علی اصغر ریاحی ناشر آیندگان

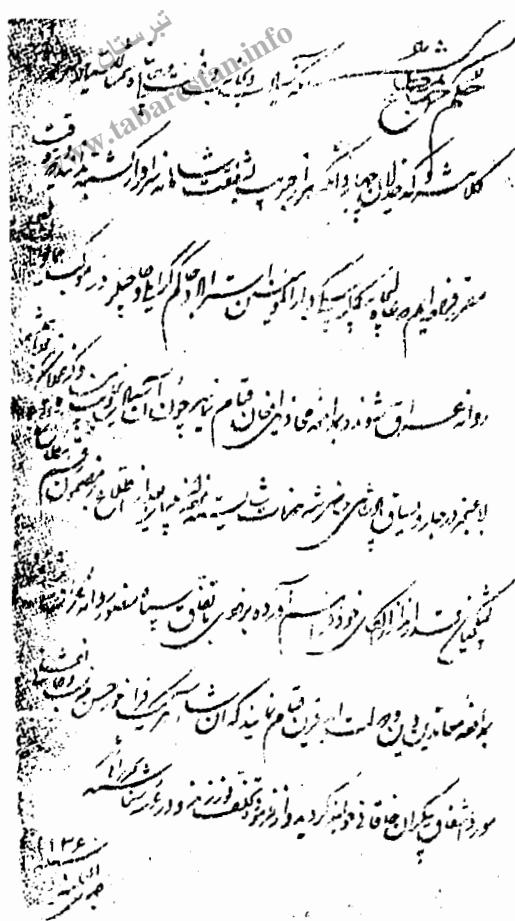
۲- از آستانه تا استرآباد ص ۴ بلدان این فقیه ص ۳۰۴

۳- همان کتاب و مجموعه ایران شناسی زیر نظر یار شاطر ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی

۴- سفر نامه مازندران و استرآباد ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی ص ۹۷

اسناد موجود حکایت از جایگاه هزار جریب در بخش یانسر در دوران گذشته‌ی تاریخی و حکایت از عظمت آن دارد که از جمله آن فرمان شاه طهماسب دوم در سال ۱۱۳۶ هجری قمری که در ضمیمه آورده می‌شود موید این موضوع است.

حکم فرمان شاه طهماسب به مردم هزار جریب بخش یانه سر:



فرمان شاه طهماسب دوم در سال ۱۱۳۶ هجری قمری به اهالی هزار جریب پچهاردانگه (بخش یانسر

فرمان - حکم

۱

فرمان شاه طهماسب دوم (۱۱۴۶ - ۱۱۳۵) مورخ ۱۱۳۶ ه. ق.

دراين فرمان به مير محمد زمان کلانتر و کدخدايان چهاردانگه هزار جريپ دستور داده شده است تا تفنگچيان قدر انداز خود را برای مقابله با قشون افغان به عراق روانه سازند.

بسم الله الرحمن الرحيم

[جای مهر شاه طهماسب دوم]^۱

حکم جهان مطاع شد آنکه سعادت و نجابت و رفت و معالی پناه ثمساً للسیادة میر محمد زمان کلانتر و کدخدايان چهاردانگه هزار جريپ بشفقت شاهانه سرافراز گشته بدانند که در این وقت مقرر فرموده ايم که عاليجاه بیگلر بیگ دار المؤمنین است را بادو حاكم گرایلی و حاجیلر در موکب همایون ما بوده روانه عراق شوند و بمدافعته مخاذبل افغان قیام نمایند چون آن سعادت و نجابت پناه و کدخدايان بفرموده همیشه اباعن جد در جار و یساق پادشاهی حاضر شده خدمات شایسته نموده اند مباید بعد از

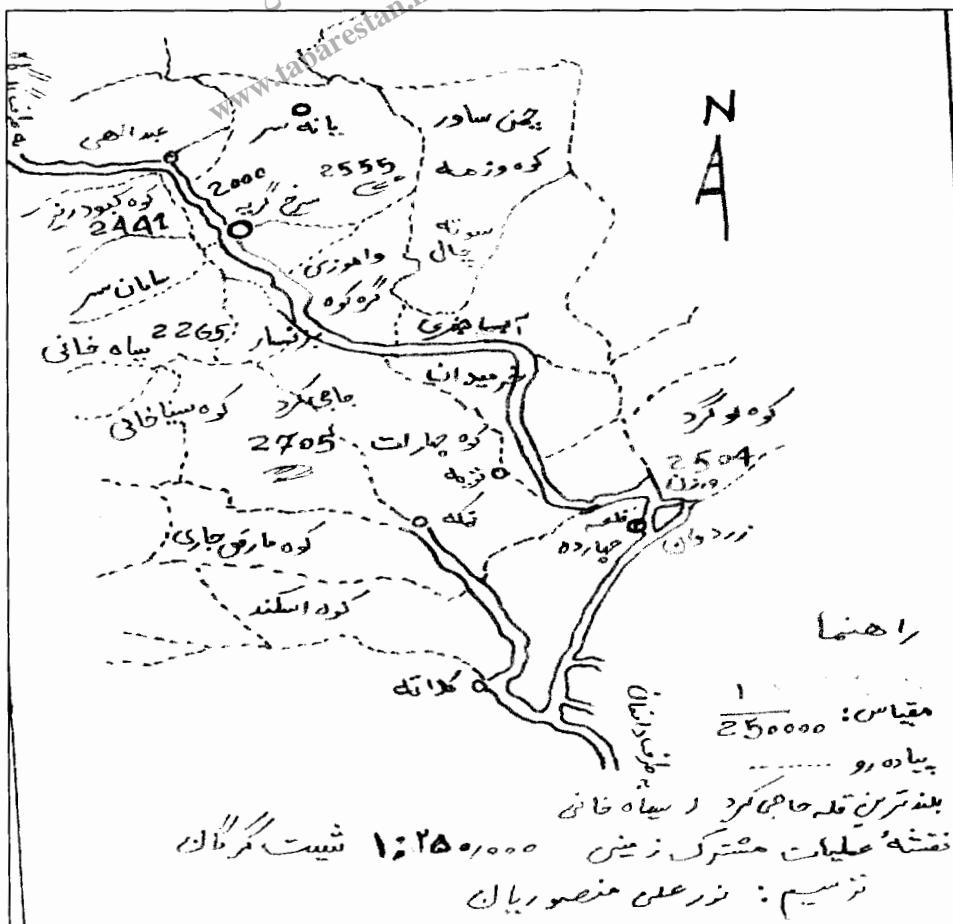
۱- مهر چهار گوش شاه طهماسب دوم باسجع: «بنده شاه ولایت طهماسب» در کلامت بالای آن د بسم الله .

فرمان - حکم فرمان شاه طهماسب دوم به کدخدايان چهاردانگه هزار جريپ:

سرخ‌گریوه کجاست؟

از جمله روستای مهم چهاردانگه که به نظر می‌رسد هم دارای قدامت تاریخی و فرهنگی و نیز دارای یک حاکمیت سیاسی تأثیرگذار در منطقه بوده است. روستای سرخ‌گریوه و یا سرخ‌گریوه است که قریب به یقین نام اصلی سرخ‌گریوه می‌باشد اما در زبان عام مردم به سرخ‌گریوه شهرت دارد.

نقشه‌ی عملیات مشترک زمینی



این اسم از دو بخش ترکیب شده متشکل از سرخ و گریوه.

گریوه به معنی گردنه و جز نخست این واژه-سرخ-احتمالاً به جهت تپه هایی که خاک آن به رنگ سرخ می باشد انتخاب شده است. به نظر ما نامگذاری این روستا به سرخ گریوه حاصل تیزهوشی و ذکاوت کسانی بود که برای اولین بار روستا را سرخ گریوه^۱ نام نهاد.

اگر هزارجریب را روی نقشه های جغرافیایی مطالعه کنیم و همان گونه که شرح آن گذشت به سه ناحیه و بخش وسیعی تقسیم می گردید که غربی ترین قسم امروز در بخش جنوی شهر ساری که به عنوان پلاستاق معروف است که تحت فرماندهی محلی اداره می شد. سمت میانی هزار جریب بخش جنوی شهر نکا واقع است. که آن هم تحت فرماندهی محلی به نام سورتیچی ها اداره می گردید. و شرقی ترین ناحیه آن به عنوان بالا رستاق معروف است که تحت فرماندهی محلی با عنوان فامیلی هزارجریبی یا مصباح هزارجریبی و یا مسعود هزارجریبی اداره می شد.

با توجه به آن چه که قبل^۲ نیز گفته شد کل هزار جریب به دو بخش دو دانگه و چهار دانگه نام گذاری شده که مرکزیت بلوک چهاردانگه در سرخ گریوه قرار داشت و در بخش شمالی این روستا دو رشته کوه عظیم به نام های کبودریزبالا (خوش انگور) و کبود ریز پایین (کوه کینوا) قرار دارد.

و علت مرکزیت این روستا از آن جا ناشی می شد که قریب ۳۲ روستای دیگر، کوچک و بزرگ در حومه و اطراف آن واقع بوده. که جز روستای سرخ گریوه بوده است. به علت مهاجرت و عوامل طبیعی به تدریج تخلیه و ویران شده اند که آثار و بقایای اغلب آن ها هنوز موجود است. و بنا به قول افراد کهن سال و سال خورده‌گان، در روزگار گذشته این روستاهای ویران شده کنونی، برای خود دارای طراوت و سر زندگی بوده اند. از جمله این روستا که هنوز هم در فرهنگ و زبان مردم جاری است عبارتند از:

بالا خیل، خطیر خیل، تلکابنی، کات ماتی، بند سر، پایین و بالاکروچ، آجاگاله، سامان سر، پلردد، نوده، بزنسام، اسطل شارام، کفتر کولی، پل چال، سیاه خانی و کهنه کلیا و معصوم زاده پیش، ون چال، گهواره کوه، پیاز چال (فیاض چال)، سنگ نو و ...

۱- در شاهراه بزرگی خطر بسی است. آن به کزین گریوه سبکبار بگذری

۲- خوش انگور بوده یعنی خوش به آن گوری که در اینجا دفن شد.

سرخ گریوه به جهت اهمیت سیاسی که در گذشته داشته، بسیاری از امکاناتی که اغلب روزتاهای هزار جریب هنوز تا حال از آن بی بهره می باشند این روزتا بهره مند بوده است. از جمله، آب لوله کشی، جاده های ارتباطی و سایل ارتباطی از جمله تلفن، که آثار و بقایای آن از قبیل بلندگو سیم در منزل محمد رضا خان هزار جریبی و همچنین در حنگل های اطراف روزتا مشهود است که عمدتاً بین دو بلوک معروف چهاردانگه یعنی روزتای سرخ گریه و یانسر برقرار بوده است.

بر حسب اسناد و مدارک موجود به ویژه از اواخر دوره قاجار و مکاتباتی که صورت می گرفت، مرکزیت سیاسی هزار جریب را در سرخ گریوه فوت می بخشند و این نامه های اداری که بعضاً به صورت تلگراف بوده، عمدتاً به نام علیقلی خان هزار جریبی ملقب به مسعودالملک که مدت زمانی حکومت استرآباد را نیز در اختیار داشت صورت می گرفت.^۱

البته درباره شخصیت علیقلی خان هزار جریبی بعداً اشاره خواهد شد شخصیت هایی که با مسعودالملک هزار جریبی مکاتبه داشتند ترکیبی از شخصیت های سیاسی و نظامی و حتی علمای بعضی از حوزه های بزرگ دینی بوده اند. بخشی از این مکاتبات بصورت دست نوشته ها باقی مانده است.

از جمله این مقامات ارشد مملکتی می‌توان به افرادی چون: قوام‌السلطنه^۲ و سپهبدار اعظم^۳ و ناظم‌الایاله^۴ و مخبر‌الدوله^۵ و کمیته ویژه رفع اختلافات متشکل از افرادی همانند، مستشار‌الدوله، وثوق‌الدوله، صنیع‌الدوله و دیگران^۶ و نیز تلگراف سوم ماه ربیع‌السال ۱۳۲۶ هجری قمری از طرف حجج‌الاسلام به محمد‌علی‌شاہ که به همه ولایات ارسال شد از جمله استرآباد و علمای بزرگی هم چون محمد‌کاظم خراسانی و عبدالله‌مازندرانی و دیگران^۷ و دست خط محمد‌علی‌شاہ قاجار مبنی بر حفظ اساس مقدس مشروطیت و مسلک مشروطه خواهی^۸ و نامه‌کنسول روسیه^۹ به مسعود‌الملک و غیره را می‌توان اشاره کرد. که همگی دلیل بر جایگاه ویژه‌ی او در عرصه‌های سیاسی و نظامی می‌باشد و از آن جایی که خاستگاه ایشان روستای سرخ‌گریه بوده است. و لذا همین امر به موقعیت سیاسی و امنیتی این روستا افزوده است.

با این وجود و علی‌رغم شأن و پایگاه که این روستا در مقایسه با روستاهای مجاور داشته است. نمی‌توان تاریخ دقیقی از شکل گیری آن را بیان نمود. علی‌الظاهر این روستا در گذشته‌ای دور به نام‌های بالا رستاق، قلعه و تنگ دره مشهور بوده است. قلعه از این بابت که دور تا دور آن حصار از جنس چینه کشیده بوده‌اند. که آثار و بقایای آن هنوز به چشم می‌خورد و دلیل نام گذاری آن به تنگ دره هم به خاطر رودخانه بزرگ بود که از کنار این روستا یعنی ضلع غربی و شمالی آن می‌گذشت که در نقشه‌های جغرافیایی طبیعی به نام رودخانه تنوره آسیاب معروف است همان‌گونه که اشاره شد بسیاری از روستاهای اطراف به دلایل گوناگون؛ از جمله: مهاجرت، به خرابه‌ها و زمین‌های مزروعی بدل شده‌اند که هنوز نام‌های گذشته را با خود به همراه دارند از جمله این اسامی که در نقشه‌ها منظور نشده ولی مردم دیار ما و سال خورده‌گان بعضی از آن‌ها را به یاد دارند برای نمونه در کتاب سفرنامه مازندران نام بعضی از روستاهای از جمله:

بالارستاق، آغا زمان، سنگ کروچ، سیاه خانی و سرتخته و غیره... بیان شد.^۱

در حضرت - هر را که هب بای آرسن پهلوی دامنه
رف تو

الله اکبر
با خواسته خیر
تبرستان

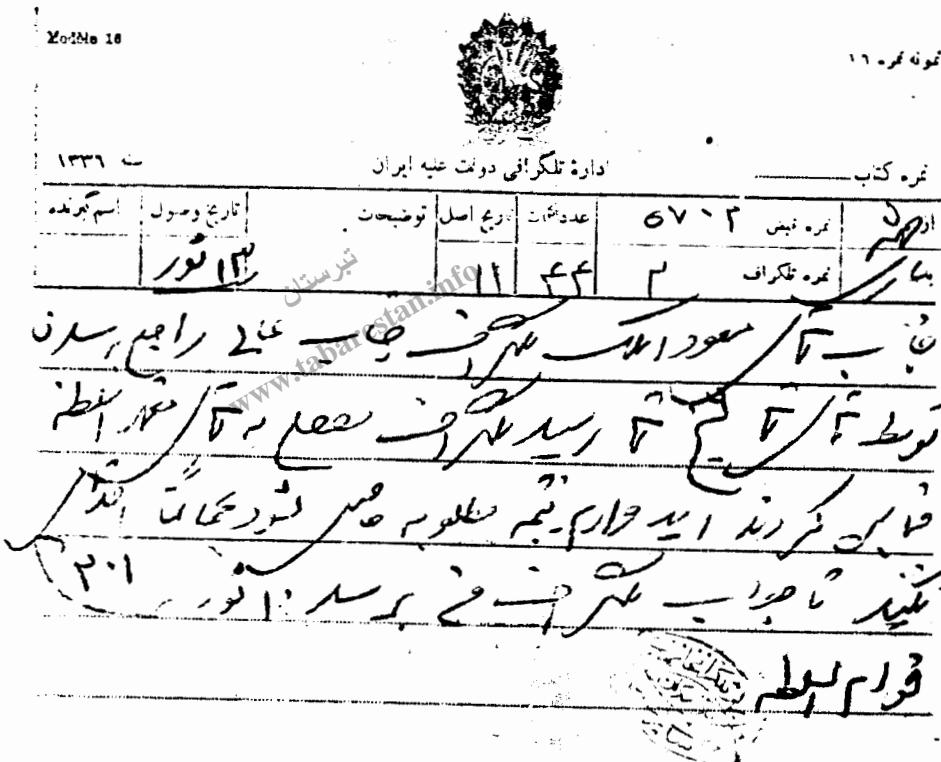
سرخ گریه به مسعود الملک - راجع به اساس مشروطه طلبی

الله
دامت برآمد

از لحاظ شرفی بـش فـلـغـانـیـ صـوـبـخـانـهـ معـمـدـ اللـهـ شـوـكـتـ مـوـارـهـ لـرـسـخـانـهـ بـخـفـاعـهـ
کـمـزـنـ مـدـعـوـهـ

الله اکبر
با خواسته خیر
خوبی موند
که با (لعل) از

نامه ای به یانه سر و سرخ گریه - راجع به مشروطه طلبی و ...
به سالار اکرم و مسعود الملک (علی قلی خان) هزار جریبی



تلگراف از تهران به ساری -

از جانب قوام السلطنه به علی قلی خان (مسعود الملک هزار جریبی)



از مبنی به تحریر اداره تبلکر افغان دولت علیه ایران صفحه

تلکراف از تهران به استرآباد - به سالاراکرم و مسعودالملک(علی قلی خان) از سوی محمدولی خان سپهبدار اعظم



از به اداره تکرافی دولت علیه ایران

نمره	عدد كلمات	تاريخ احصل على طلب	اطلاعات
	٤٥	روز ساعت دلیقه	/

سیمین هکام و دلیل مالک محمد به که آنکه معاشره نانی نظر بمن صدای داشت
در هنر راقی هنر سلطنت مردم شرط زده از هم ربط با عبارات فرموده اند
سردار پسند و طلب عالی که در امور این دارند تجویی سیمین ملت وزارت داد
را بعده نهاد هنر عظم این والدار نصیر از راپورت خواست و که امور این
را بخوبی نهاد هنر عظم این و دستور هم نخواسته بدل این را

1

10

تاریخ ۲۷ شهر مهر ۱۳۹۷ ساعت ۰۶ دقیقه کار نیل



نامه از امیر تاک افیش و علی اوزان

مناسن	مشتی	تاریخ اصل مطلب	اطلاعات
ساعت	دقیقه	ساعت	دقیقه
۱۲۴	۵۵		

توسط معاشر اذ اقان علیع خا مرتب خا ب دزیر در فخر عالی بر حسب حکم رایی همراه
اصبر تک مردار امید رفاقت رازند و میمه اللطف اخراج خانه سب دوی لی زوار از
مرصد قرار در تیر دله خواجه نهاد آنها از قرار حکم تا زدن شد که صلاحی طرفین

ناظم رداء



(۳)

بنام معلم ملک اذ اقان	نام	کمینه طلب	کفر شد	کفر شد
ساعت	دقیقه	وقتیل	کل	تاریخ
			۱۳۲	

از تهران به ساری - به علی قلی خان سرتیپ از طرف ناظم الا ياله

مله‌ن ببروئ روله هی هون اراده ملوکانه برای خواسته درآرفته
 هر که مژده مخدود و معنیز ملبت محبت لکه ای داشت که
 مژده ای را نشانمیم ام که جای را لازم اطلع به هی تان داشت
 قانونی اختیارت با تاهم ببرش اذقت رحما از طرف ترکی
 سُرُف ملوکانه دلخواه شهر بختیاره برار اطلع شانو سُتم
 مخبر ارسانی وزیر تعاون و پشت

تبایخ ۱۱، بسرا ابر رسیده است

از تهران به روایی ولایات از جانب اراده ملوکانه از طریق مخبرالدوله (وزیر تلگراف)

رز مهرا ن رز طرف لیسته لعموم وله بات
 حضور خانه سکون عظیم محترم انجمن ؟ می ای ای ترو و لیکر دعویم ایلے دسته
 حضرت ره و اطین ن عرب عجم ابندی و طعن و طعن من شعادت و ترقه
 حملت اخیراً میتوکه بینه اشغال مردم غصه زیگان علیحضرت احمد رضا^{رض}
 خلد ره معلم و سلطان دهمرا هر دسته دسته جست دز راه عظم و دسته
 مجید ری که رز طرف اعضاء کمیته و راسته برای رفع اسهام دسته^{بررسی} از
 ولصومی در رفع تعطیل مژده بیت رهانی میصدوبی، دسته اصراف نون^{پاک}
 است، آنچه بعده امروز تبرف صمیم ب روز ۲۰ بهمن یافته و عضوه
 کمیته تبرف نکرست آن، هر شهود چون صمد و رامینه دسته^{بررسی} غصه زیگان
 اعف و کمیته دعویم ایلے غیرت سند ایران بعده اعلام دعویم برادران دلخوا
 رز راه لنه در نسته اجراه ب تبریز و اعلام آن اقام کرد و این داعلی لز
 عین مظموں دسته بارگردان رکر میت دز راه عظم که متشه
 نشی رخواه یافت موکول بخوبی امیده است ب مردم غصه زیگان افراد
 ۲۰ بهمن دهمرا هر دلوجه عزم متن علنی فیت و شعادت سنته دسته^{بررسی}
 درس یه توجیه است اوی و هم علیهم السلام و با قبال همایونه و معاونین^{قوی}
 مژده بیت و صور اتفاق و اتفاق مقدمة در و متنی رخواه^{لز} عطفه کمیته

حکایت امام جعیہ حسن عسکری مصباح حکایت امام رضا علیحضرت حسن عسکری

شاداف ۲۰ ربیعین سنه ۹۸۵ رز طرف تجھ بسم کف ب ۶
بروط رکر اوزرا دھنور امیر ملکانہ فخر جمع ائمہ بافتہ بھروسہ بروکھ
اہمن است که ملت علیہ عطا نہ با ان روح جنتوں زادتہ ای و عدم فہرست جم
کا کتنے فر کان سکھ لذ اور امیرت ہے نہ ہم ہوں لذتہ کہ امیر سلطنت پر پڑھ
بعلم و قوت دل کر دینے میں دھرم کت متوتف بر مژروطہ است عالمی رخ
مرد طبیعت نہ ہم دل میں را سرینہ دست کرن گا قریبی منشو خواہ لفہ
کشیدے سو رحظہ اپریاں بخت برکتہ چینیں پتھر داد بائیہ ناصہ رک
پھر ضوان لیہ علیہ ائمہ سر مقہ در را اس تو رفر جنم پعید پہنچہ نوبت آجہ رک
بایاں امیر سر سرہ اح طہ خائن خجوہ و حاشیاں دینے دھرم کت باہمہ
سلطنت لو ما فیونا جنہ الف دلار و فیٹ شرید دلخیر میقہ دل اندھ
نھیز و اعرا قردا اموال مسلمان دل تر نقوص ہمکر دل دل اچھ داعی ن را
بی قطف و طبیعت لعلیکہ دل خضظر دینے دھلت دھلت دل رخ ۸۰ داریم
دھلت خواہ نہ در اکھام رتہ اس تاریخ عدم قطع دل الطر را است ۱۱ نھو
قوہ دھر دھر دھر دل
ل دل ج دل رت بیع دل سلطنت ملک دل دل نچہ کو دل
بی فیشر دل فر دل کھ دل دھلت دل رخ ہم دل
دھنی رت اموال مسلمان دل سعیہ اعاظم علامی بخاری ۷۰ نہیں ای نہیں ایست

تلگراف ۳ رجب ۱۳۲۶ هجری قمری از طرف حجج اسلام محمد کاظم خراسانی و عبدالله مازندرانی از نجف به شاه

سولدر بکت نادر که ۱۷۴۲

چون ترفه حاره ته مین قوب انبیاء طلحه که اولیده رو خانه، تئشنه
 شیراز شیر منظمه نظر و تئشیه بیان اکلام من همکنند عده رایمعه
 سفهور یا بیل، است دباره من اعمال آنچه نیات سفه سرخ پیش
 هر چشم و نقصه هر گوهر که تو من قوب و تئشیه از دکان عامه
 بعده تو از شر لذم است علمه اداره صریح دسته سمنی محضر اکابر
 چوهم میویم که مفردیت ایران در ردی ایمان ملکه دیگر، و سیاست
 فی نون ای تئز برقرار و سواره ای مملکت را ای تهدید مدارا
 تحریر ۱۳۲۷ ربیع اول

سجاد دست خط همایونی - محمد علی شاه قاجار

شهر ربیع الثاني ۱۳۲۷ قمری

کوکه میگردید ریگ را خواهان
 صدر خوش بگشایند خوش بگشایند روزهای پس از رسانید
 دیده است دست و فکاهت و کند خواه فقط شوکه خدایم آنکه در قشم تند
 خوش خود را نه بخواهی که صد زبان ادیت مایه و خلود هم قادن بهترین رفت
 صدر را بیش داشت آن بزم دلایت ای عالمه را که بخوبیه سرمه
 ملت اسلام را بمنه خود را دلایت تو کنیه بیرون شود در این روزهای
 در این روزهای سرمه خوش بگشایند خود را خواهان شایسته
 بکار عفان خوار شده بسازن خود عودت غمیم دامادیم سید نادر
 ای شفیر دیرقه علیمه شیم به این بزم خوش بزود خواه را در این
 هست تحقیق کمال ای دیربه را خوش بگشایند بگذشت خود را بخواه
 در این روزهای سرمه هست دست بگشایند زردیه بعده دلخدا دزدیده
 در این روزهای سرمه هست برداشتم دنیام را خود خود خواهد بسازن
 خوش بزود خواه ای دیربه را خوش بگشایند خود خود خواهد بسازن
 ای خود خود خواه ای دیربه را خوش بگشایند خود خود خواهد بسازن

نیا ب مسعود الملک

ارلا ب ملاده نیوچه باشید و بعد از اینجا
مارسید زیاده از مهد خوشحال شد بگم که وجود
نمایم از باشید و نظر خدا ناخوشان رفته
شده این ب لول رفته و لکه عالم از آن
از بول بیزند و هنوز عرض علام بیهیاند
ب خدمت اینها بند این دستوره مکافیه بیانی ای
زدم که بینی بیزند بیزند شاید بیزند اینها ای
اکبر بکه دفعه در بکر علا فات بیشود بیزند باشند
خواهم زد و هر یک بیزند از من کسر نمیشوند بیانش بیزند
در بکر عرض علام و اعلام این بند و خدمت اینها
جناب معاشر غرفتگی خان ب مرزا شاه اینها ای
آخرالثان خوبیست و با پیر خوب باشد عیند اینها
نیز زندگانیه را رویچه غصم دارد و علام
و هر مرزا پیش دارید بیفر باید عمل خواهم آورد
آنها عصر را علام خواهند بیند و این دو نموده
بنابراین اینها خوبند بینند و بنابر آنها سپه را
علام خواهند بینند و بنا فر ایام طلاقند باد
مخاطب نمایم هر چه عرض فرمد

Жина сүрөткөн; сиңүй болыно
шының үлесінде же дар кедене
жасынан да маңында үлгүлөн.

Дабыс 88 Түркестан макон жина
ке балық и миң ке жаңаша да ишо-
на енде бәрбәр мегүйді! Мұнда
Дабыс-Балық балық настолық мәд-
жиди үйрекшінде ғанаңыз бүкілес
Сәғдес шынынан да көрнеки и миң,
Күмән иті, ғалым мен анында да
хорош көңіл Акпәндайды. Заманда,
Ежелгі жағында да оғастында
а ке жаңылашты кесеренің міндет-
нан Балық көн Түссең.

18 ғинуар 1907 ж. Төңірлеме
Р. І. Негізде мадауды, әмбін
6-жылдың 1-жыл / шайтанын
Оңтүстік Қазақстандағы өзінің
6-жылдың 1-жылдың өзінің
Балық макон жина да Түссең

Same Пресека-штадтъ,
Анностхенъ Гаупт-архъ,
и Куръ-деръ Курн-Данзъ!

Піорнаніе прошу Ваше сод-
ружество між, якщо Ваше Управлі-
ніе допоможе її від'їзду
для землі від поїздки до
міст Масандрия. Також
не умію я Ваше землі від-
дати? Я можу якщо не
зупадіти Даско-Данзъ, інді
я хаче Ага? Примуся як
як єдиний між отаман-
ським ділам, якщо як чин
її надії від Примуса! Капітанії
наші пролуки від - Кутманії,
Кис-Біл, із-від Кепа, Токмакін-
і від Гону. Мені ж від'їзд

معرفی اجمالی آبادی سرخ گریه هزار جریب :
موقعیت روستا بر اساس آخرین تقسیمات سیاسی .
ناحیه مورد پژوهش و تحقیق و توصیف در یک نگاه کوتاه .
آبادی سرخ گریه از دهستان شهدا - واقع در بخش یانسر - از توابع شهرستان بهشهر جز
استان مازندران می باشد .

فاصله آبادی از مرکز دهستان ۱۵ کیلومتر و از بخش ۲۵ کیلومتر و در ۹۰ کیلومتری جنوب
شرقی شهرستان بهشهر استقرار یافته و راه دسترسی جاده اسفالت . موقعیت استقرار آبادی
در منطقه‌ی کوهستانی دره‌ای . دامنه‌ای از نظر شکل با یافت قدیمی متصرف و شکل فعلی
روستا پراکنده .

با اقلیم سرد کوهستانی و در ارتفاع ۲۰۰۰ متری از سطح آبهای آزاد جهان و دارای ویژگی
های طبیعی از جمله :
زلزله، سیل، رانش زمین(لغزش - رانش)، رعد و برق و بندرت خشک سالی و منابع تأمین آب
در بخش شرب و کشاورزی چشمه‌ها و نزولات جوی می باشد .

تبرستان

www.tabarestan.info

بخش سوم

جغرافیا

موقعیت جغرافیایی

ناهمواری ها

زمین شناسی

چین خوردگی ها

کوهها و ارتفاعات

جغرافیا :

بنا بریک تعریف :

جغرافیارا علم به محیط زندگی است و بدون تردید اولین دانشی است که هر انسان متفکری با آن مواجه می‌گردد و به همین علت است بعضی از دانشمندان آن را مادر تمام دانستنی های بشری و به اصطلاح ام العلوم دانستند.^۱

دکتر لطف الله مُفخم :

اگر :

محیط زندگی بشر را ((جهان))

و

علم جغرافیارا ((شناسایی محیط زندگی بشر)) تعریف کنیم می‌توانیم :

علم جغرافیا را ((جهان شناسی))

و

جغرافیدان را ((جهان شناس))

نام گذاریم.^۲

۱- جغرافیا در ایران از دارالفنون تا انقلاب اسلامی- دکتر محمد حسن گنجی

۲- همان منبع ص ۴۹۹

نگاهی به جغرافیای طبیعی سرخ گریوه:

موقع جغرافیایی - موقعیت

۱- موقعیت ریاضی

۲- موقعیت نسبی

۳- موقعیت ادراکی

۴- موقعیت وسعت

۱- موقعیت ریاضی :

موقعیت جغرافیایی روستای سرخ گریه :

در طول جغرافیایی $\times ۳۰^{\circ} ۵۴^{\prime}$ (دقیقه و درجه)

و عرض جغرافیایی $۳۳^{\circ} ۳۶^{\prime}$ (دقیقه و درجه)

و در ارتفاع ۱۹۴۰ متری در دامنه جنوب غربی کوه خوش انگور واقع می باشد.^۱

۲- موقعیت نسبی :

این روستا از توابع شهرستان بهشهر حد فاصل بین شهرهای گلوگاه و دامغان در یک منطقه‌ی کوهستانی واقع گردیده از شمال به روستاهای یانسر و عبدالله‌ی، از جنوب به نمکه و چهارده، از روستاهای شهرستان دامغان، از شرق به روستای چمن ساور از روستاهای گرگان و از غرب به روستای کلیا از توابع شهرستان بهشهر محدود است. که روستای مورد نظر با مشخصه‌ی خاک، کوه و تپه‌های سرخ فام در ۹۵ کیلومتری جنوب شرقی بهشهر واقع شده است. از دیر باز با نام‌های بالارستاق، بالا خیل، خیطر خیل، قلعه و تنگ دره و امروزه با نام سرخ گریوه (سرخ گریه) از آن یاد می شود.

فamilی ها و پسوندهای نام خانوادگی بسیاری از مردم روستاهای غرب شهرستان گرگان با عنوان :

بالارستاقی، بالاخیلی، خطیری، قدمنان، بیدرها، نوده، هزارجریبی و ... از اسمی گذشته‌ی سرخ گریه گرفته شده است.

^۱- فرهنگ آبادی‌ها و مکان‌های مذهبی کشور ص ۳۰۷، محمد حسین پاپلی یزدی.

۳- موقعیت اداری:

به استناد نقشه‌ی موجود در صفحه ۵ کتاب اشرف‌البلاد، این روستا در قبل از انقلاب اسلامی از نظر تقسیمات کشوری جز توابع شهرستان ساری بوده است. که به قول مؤلف وصله ناجوری بوده. اما بعد از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی این روستا جز بخش یانسر هزار جریب از توابع شهرستان بهشهر قرار گرفت.



نقشه‌ی شهرستان بهشهر به تفکیک: بخش‌های دهستانها نقاط شهری و دهات مهم آن برای مقایسه با دهات شهرستان ساری در بخش هزارجریب چهاردانگه ترسیم مجدد: نورعلی منصوریان

با توجه به این که، این روستا در ناحیه‌ای واقع گردیده، که دقیقاً نمی‌توان جایگاه سیاسی آن را تعیین نمود. زیرا به عنوان مثال امور مربوط به محیط زیست تحت حفاظت محیط زیست شهر کردکوی می‌باشد از نظر جنگل بانی از سوی شهرستان بندرگز مورد حفاظت و حراست است. امور مربوط به انتخابات و آموزش و پرورش از جانب شهرستان بهشهر انجام می‌پذیرد و در نهایت این که کارهای عمرانی به ویژه بعد از انقلاب از سوی شهرستان دامغان پیگیری و نهایتاً به انجام می‌رسد.

با این توصیف این روستا در واقع دچار یک سردرگمی سیاسی برای عرضه و رفع نیازمندی‌های خود است.

۴- وسعت :

با توجه به این واقعیت که زمین‌های مزروعی و مراتع طبیعی به شکل تلفیقی است لذا با دقت کافی نمی‌توان وسعت منطقه مورد نظر را بطور دقیق محاسبه نمود. در ضمن وسعت هر منطقه نیاز به نقشه‌های دقیق می‌باشد.

با توجه به مطالب بیان شده، در موقعیت اداری، محدوده اراضی منطقه دچار کشمکش‌های اداری، از دیر باز بوده و هنوز هم ادامه دارد مع الوصف می‌توان حدود تقریبی آنرا ۷ الی ۸ هزار هکتار تعیین نمود.

ناهمواری‌ها :

این روستا که در واقع کوهستانی است در بین کوه‌های سلسله جبال البرز قرار دارد که حاصل چین خوردگی‌های زمین‌شناسی در دوران سوم و چهارم زمین‌شناسی می‌باشد.^۱ در ضمن نوع سنگ‌های موجود در منطقه در اغلب نمونه‌های آن از نوع آهکی می‌باشد. با توجه به کتب و اسناد و نقشه‌های موجود، کوه‌های شمالی ایران قسمتی از چین خوردگی‌های بزرگ آلپ و هیمالیا هستند.

نظر به نقشه زمین‌شناسی شهرستان بهشهر منطقه مورد مطالعه مربوط به دوران دوم، مژوزوئیک (مزوزوئیک) و از نوع رسوبات کرتاسه و ژوراسیک می‌باشد. کوه‌های جوان منطقه هنوز فرصت فرسایش پیدا نکرده‌اند. منطقه مورد مطالعه یک منطقه کوهستانی مرتفع است کوه‌های موجود در این منطقه از سمت غرب، شاه کوه پس از قرا یانسر و سرخ گریه شروع شده تا رود تجن ساری ادامه دارد. طول آن تقریباً به خط مستقیم و جهت شرقی و غربی دارد و این رشته به واسطه داشتن دره‌های زیاد و هولناک و با توجه به قرار گرفتن آبادی‌ها در آن بر اسامی مختلفی چون خوش انگور، کینوا (نینوا)، خركشت، کفترکار و کوا و بلندترین آن کوه خوش انگور به ارتفاع ۲۵۵۵ متر در منطقه خودنمایی می‌کند.

زمین‌شناسی :

نهشته‌ای^۲ چشم‌های (دوران نوزیستی و سنوزوئیک) در جنوب روستای سرخ گریه بخصوص منطقه شاهرام (شادام)–نوده–پلرد–بزنسام و اسبه خانی شامل نهشته‌ای چشم‌های، سلت و رس دیده می‌شود.

قابل ذکر است فسیل‌های فراوان جانوران کوچک دریایی در جای جای این سرزمین بچشم می‌خورد و تنوع خاک و رسوبات و ته نشست‌ها حکایت از آن دارد که رسوبات دوره‌های زیادی را می‌توان با توجه به فرسایش شدید در منطقه مشاهده نمود و از نظر زمین‌شناسی فسیل‌ها و سنگ‌ها را باید مورد تحقیق و آزمایش قرار داد شایان ذکر است فسیل‌هایی در دست است که متعلق به حدود ۴۰ میلیون سال پیش است (دوره نئوسن).

۱- کتاب زمین‌شناسی و تکامل سال ششم طبیعی

۲- نهشته = رسوب

چین خوردگی‌ها :

از آن جایی که مهم ترین چین خوردگی‌ها در طول تاریخ زمین رخ داده اند عبارتند از :

۱- چین خوردگی هورنین

۲- چین خوردگی کالدونین

۳- چین خوردگی هرسینین

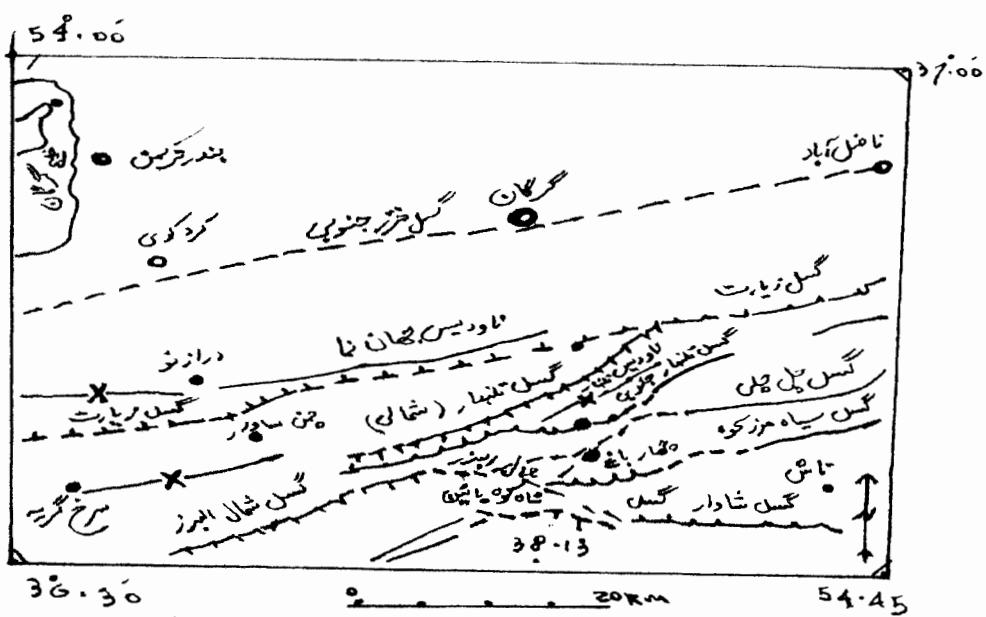
۴- چین خوردگی آلپ (جدیدترین چین خوردگی روی زمین است و قریب ۴۰ میلیون سال پیش بوجود آمد).

غالب سلسله جبال مرتفع امروزی همانند هیمالیا و البرز و قفقاز در آسیا، آلپ و کارپات در اروپا و آند در آمریکا جز چین خوردگی‌های آپند.

زمین شناسی و تکامل:

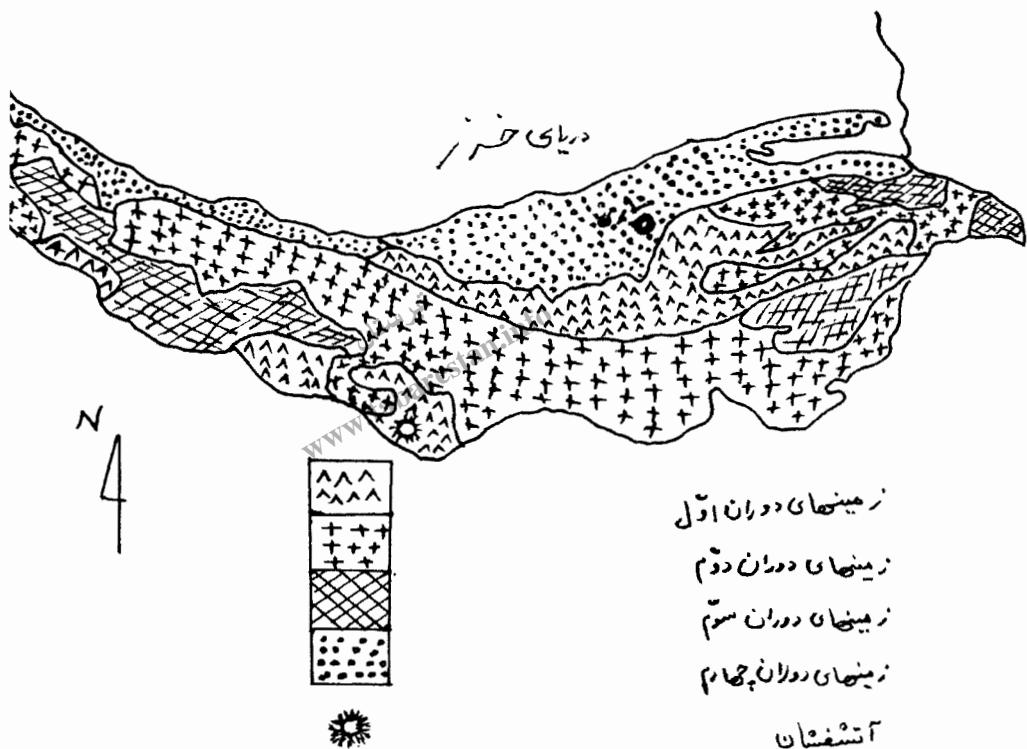
با توجه به اطلاعات کمی که از زمین شناسی داریم ولی با مشاهده گاه بی گاه و در جای جای این منطقه به خاک ها فسیل ها، سنگ واره ها و سنگ هایی برمی خوریم از جمله:
جانوران دوران دوم:

- ۱- آمونیت ها (سراتیت- کاردیوسراس و هارپوسراس)
- ۲- بلمنیتها (روستر- دووالیا- بلمنوپسیس) و نمونه های زیادی از جانوران دوران سوم دیده می شود (نومولیتها) از بی سران که از نرم تنان فراوان دوران سوم بودند. مهم ترین آنان کاردیتا و پکتن ها هستند. در دوره پلیوسن، رخساره های خشکی ایران از جنس کنگلومرا و ماسه سنگ است. که از تخریب کوه ها تشکیل شده است. این رخساره ها در دامنه جنوبی البرز گسترش دارد و به نام کنگلومرا هزار دره موسومند. نمونه های زیادی از این رخساره ها در اطراف این روستا به فراوانی یافت می شود.
از این منابع و ذخایر به جهت بهره وری و جنبه اقتصادی قابل پیگیری و مطالعه است که در این فرصت توصیف آنان نمی گنجد.



نقشه ساختارهای عمده‌ی ناحیه گرگان

ترسیم: نورعلی منصوریان



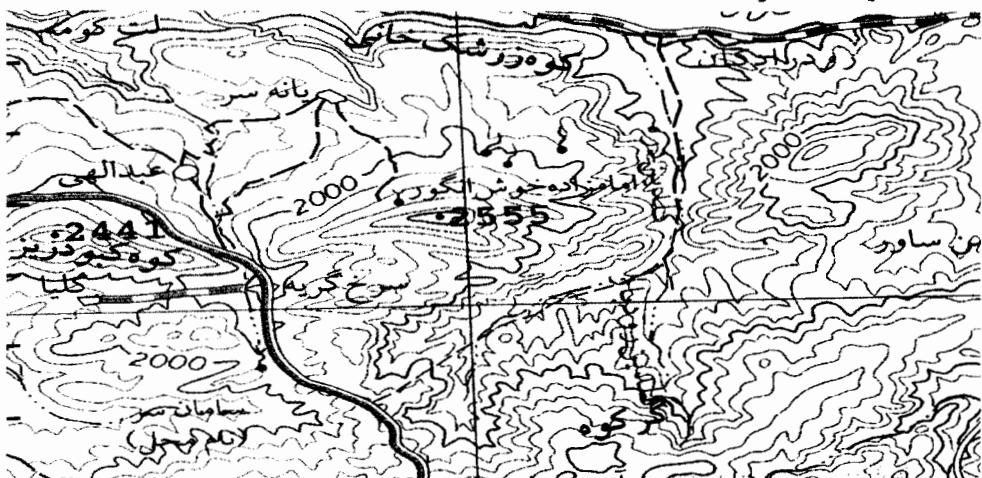
نقشه‌ی زمین‌شناسی

تشکیلات زمین‌شناسی . نواحی غربی و مرکزی و شرقی استان مازندران

ترسیم مجدد: نورعلی منصوریان

کوه‌ها و ارتفاعات دیار سرخ گریه^۱

- ۱- کوه سیاه خانی: با ارتفاع ۲۷۰۵ متر که در فاصله ۱۰ کیلومتری جنوب روستای سرخ گریه قرار دارد.
- ۲- گهواره کوه: (گره کوه) با ارتفاع ۲۵۷۰ متر در فاصله ۱۰-۱۲ کیلومتری جنوب شرقی روستای سرخ گریه قرار دارد.
- ۳- کوه خوش انگور: (کبود ریز بالا) با ارتفاع ۲۵۵۵ متر متصل به روستا شمال شرقی واقع می‌باشد.
- ۴- کوه کینوا: (کبود ریز پایین) با ارتفاع ۲۴۴۱ متر متصل به روستا در شمال غربی واقع شده است.
- ۵- کوه لا به لا: (لابلای) با ارتفاع ۲۵۵۵ متر در ۸ کیلومتر شمال شرقی واقع شده.
- ۶- کوه لوکرد: (کفتر کولی - مشتی خاسه) با ارتفاع ۲۵۰۴ متر متصل به روستا در سمت جنوب قرار دارد.
- ۷- کوه وزمه: با ارتفاع ۲۳۳۰ متر ۱۵ کیلومتری شرق روستا قرار دارد.
- ۸- کوه پهلوان: دوک (دوگ) ۳ کیلومتری جنوب روستا واقع شده است.
- ۹- کوه سامان سر: (رواکولی یا کول بن) ۳ کیلومتری جنوب روستا واقع شده است.
- ۱۰- کوه‌های خوکالی، بالاخیل، خطیر خیل، گت لت، ون چال و ... اطراف روستا را احاطه کرده‌اند.



۱- گیتا شناسی ایران، جلد اول ، کوه‌ها و کوه نامه‌های ایران ، عباس جعفری

در این قسمت به عنوان نمونه به معرفی و موقعیت و توصیف چند کوه می پردازیم:
کوه کبود ریز بالا (کوه خوش انگور):

کوه خوش انگور به ارتفاع ۲۵۵۵ متر به صورت دیوار صخره‌ای، در امتداد ضلع شمال شرقی روستا کشیده شده است که بخش شمالی آن به علت رطوبت مناسب پوشش گیاهی و درختان متنوعی دارد. از آن جمله می‌توان به راش، ممزز، بلوط، ون (زبان گنجشک) بارانک (سوربوس) و گونه‌های افرا (کرف) سفید کرکو، سیاه کرکو و ... اشاره نمود. بخش جنوبی آن به علت فقدان رطوبت کافی و صخره‌ای بودن پوشش گیاهی تنک از نوع کچف و گونه‌های خاصی از درختچه‌ها از تیره ارس و بوته‌های گون پوشیده شده است. که صرفاً برای مصارف خانگی و تغذیه دام‌ها اهمیت دارد.

کوه کبود ریز پایین (کوه کینوا):

این کوه با ارتفاع ۲۴۴۱ متر به صورت دیوار صخره‌ای، در امتداد ضلع شمال غربی روستا کشیده شده است. بخش شمالی آن همانند کوه خوش انگور از تنوع درختان صنعتی برخوردار می‌باشد. اما بخش جنوبی آن کاملاً شبیه دامنه جنوبی کوه خوش انگور از پوشش گیاهی تنک پوشیده شده.

کوه سیاه خانی:

کوه سیاه خانی با ارتفاع ۲۷۰۵ متر حد فاصل بین دو استان مازندران و سمنان در بخش جنوبی روستا واقع گردید. به علت محل تلاقی دو نوع آب و هوای سرد کوهستانی و ناحیه گرم و خشک از نواحی کویری، پوشش گیاهی دوگانه‌ای دارد در قسمت‌های شمالی و پای کوه، از تراکم بیشتر درختان و در ارتفاع بالا فاقد هر گونه پوشش گیاهی می‌باشد که جز مراتع این منطقه (حاجی کردیا حاجی کارد) محسوبی گردد.

گهواره کوه (گره کوه):

این کوه در بخش جنوب شرقی روستا واقع شده است. دارای پوشش گیاهی از نوع استپی است که مراتع خوب منطقه به حساب می‌آید. صرفاً مصارف دامی دارد. این کوه بر فراز منطقه ارس بند بصورت گهواره خود نمایی می‌کند. برترین و شکل‌ترین قله در منطقه است. وجود دفینه‌ها و ظروف سفالی با رنگ و لعاب و نقش متفاوت و متنوع و آثار گورستان قدیمی و دیگر شواهد گواه بر محل زندگی در گذشته بوده است.

کوه وزمه:

کوه وزمه در بخش شرقی روستا و منتهی‌الیه شرقی کوه خوش انگو و کوه لابه لا (لابلای) واقع می‌باشد که پوشش گیاهی آن صرفاً از نوع درختان صنعتی مانند: ارس سرو کوهی می‌باشد.

این که از یک تنوع خاص برخوردار می باشد. که در بین سایر کوه های منطقه از یک ایهت ویژه بهره مند می باشد. دارای پستی و بلندی متعدد، که تا کنون کمتر کسی به آن دست یافته و از مناطق کاملاً بکرو ناشناخته منطقه است.

«در ضمن ارتفاع آن ۲۳۳۰ متر که سرچشمme رودهای شمشیر بُر و گلدين روبار قالدین روبار می باشد.»^۱

شایان ذکر است در مورد این (پدیده) کوه وزمه در بعضی از کتاب ها و هم چنین در باور های مردم دیار ما از گذشته های دور تا امروز هست که نقل گوشه ای از آن را با ذکر منبع آن برای خوانندگان بازگو می کنیم.

[آثار لنگر کشتی چندین هزار ساله در ارتفاعات رشته های البرز حومه بهشهر : وزمه کوه.]
در قسمت شرقی قریه یانه سر چهار دانگه هزار جریب معروف به بلوک شهریاری کوهی وجود دارد که بنام وزمه کوه مشهور است. پیرامون این کوه بر خلاف تمام اصول جغرافیایی مناطق مازندران است به دین کیفیت اطراف تمام کوه مزبور تماماً شوره زار و رمل میباشد. اشجار جنگلی که در آن منطقه روئیده میشود کلیه سرو و کاج جنگلی طبیعی است. این گونه درختان حتی برای نمونه در مناطق کوهستانی بهشهر دیده و روئیده نشده است. در بالای وزمه کوه که نسبت به رشته های مجاور خود مرتفع تر میباشد. آثار دکل کشتی توسط چوپان ها ملاحظه و مشاهده شده است.

نگارنده : از نظر علاقمندی با زحمات طاقت فرسا پیاده منطقه مزبور را جستجو و تفحص نمودم متأسفانه بواسطه عدم اطلاع از منطقه مزبور و گرمای طاقت فرسا موفق به کشف آثار لنگر کشتی نگردیدم ولی برای اطمینانی که آیا این آثار در آن منطقه وجود دارد یا خیر تحقیقات دامنه داری نموده ام عده زیادی از دامداران که شخصاً آثار مزبور را از نزدیک دیده اند موید این گفتار خواهد بود.]^۲

توضیح شماره ۶ :

کوه لوکرد (کفتر کولی، کفکالی) معروف کوه مشتی (مشدی خاسه) در سرخ گریه.
این کوه که در قسمت ظلیع جنوب آبادی فاصله ۱ کیلومتری و متصل به روستا است با ارتفاع ۲۵۰۴ متر و پوشش جنگلی داستان ها و مطالبی از قول کهنسالان ما از زنان گرفته تا مردان هنوز زیانزد آنان است. که شرح و وصف آن اینجا وقت نیست. و در جای خود اشاره ای کوتاه به آن می شود.

[[رابین هود مازندران !

۱- کوه ها و کوه نامه ایران - جلد اول، عباس جعفری.

۲- تاریخ و جغرافیای شهرستان بهشهر. گردآورنده : سید حسن قلعه بندی ص ۱۰۲

مشدی قهرمان افسانه‌ای تبرستان.

که چون من نمام در این روزگار به کوه‌ها بماند زمن یادگار

... محسن احمدی، فرزند قاسم (معروف به مشدی) از مبارزان اواخر عهد قاجار و دوره‌ی پهلوی اول می‌باشد. زادگاه مشدی روستای پرور (به گویش محلی پلور peLiver) از روستاهای شمال شرقی شهرستان مهدیشهر (سنگسر) که تا قبل از انقلاب اسلامی از توابع دودانگه‌ی شهرستان ساری محسوب می‌شده است. او از طایفه‌ی قرقچی و تیره‌ی احمدیان در پرور بوده است. تاریخ مرگ او را برخی ۱۳۱۶ و برخی ۱۳۱۸ شمسی می‌دانند.

مشدی پروری، در فرهنگ و فولکلور مردم مازندران جایگاه ویژه‌ای دارد؛ پس از گذشت هفتاد سال از مرگش، هنوز شاعرانی در وصف او شعر و چگامه‌ی سرایند:

خامبیه البوس و ترنه بووشم بسون مشدی پلور بمیرم

یا درباره‌ی او رمان می‌نویسند. برخی او را میرزا کوچک کوچک، یاغی و در زمرة‌ی عیاران و مبارز علیه رضا خان می‌دانند. آن‌چه مسلم است، مشدی اشعار فراوانی علیه رضا خان و کشف حجاب دارد، به عنوان نمونه

به نام خداوند لیل و نهار ز پور زغالی بر آرم دمار

رضاشی الاشتی شده پادشا یکی تازه قانون نموده پپا

زنان سر برنه به بازارها خدایا بگیر این چنین شاه را

وی برخی از اشعار منظومه بلند خود را که بر وزن و سبک شاهنامه است روی ستون‌های چوبی خانه‌اش به خط شکسته حک کرده بود.

و مشدی در باور بسیاری از کهنسالان البرز، یک قهرمان است.

حتی برخی مکان‌های جغرافیای مازندران به اسم مشدی ثبت شده است. مثلاً در سرخ گریوه (از روستاهای هزارجریب واقع در جنوب شهرستان بهشهر) مکانی به نام مشدی خاسه (masdi xase) وجود دارد که اشاره‌ای است به اطرافگاه و کمینگاه مشدی و یارانش.^۱ مشدی از دیدگاه محققان و پژوهشگران معاصر استاد پناهی سمنانی، در کتاب «تاریخ» در ترانه {۱} که اخیراً انتشار یافته است {۲} آورده: مشدی که در شمال شرقی ایران (سمنان، خراسان، مازندران و ...) شهرت و محبویتی چشمگیر و افسانه‌ای یافته، از عصیانگران عهد رضا شاه پهلوی است. پیرامون زندگی او اطلاعات انبوه اما آشفته و متناقض در ذهن و زبان و سینه‌ی مردم نواحی یاد شده وجود دارد...

۱- ماهنامه‌ی فرهنگی، اقتصادی، استان مازندران - سال سوم

شماره ۲۷-آبان ۱۳۹۰ ص ۱۲

برگرفته از کتاب عقاب کوهستان. محمد رضا گودرزی پروری

بخش چهارم

تبرستان

www.tabarestan.info

اقلیم - آب و هوا

منابع خاک

منابع آب

پدیده های طبیعی و انسانی

تبرستان

www.tabarestan.info

اقلیم :

آب و هوا :

«آب و هوا که عبارت است از میانگین شرایط جوی یک منطقه متأثر از میزان بارندگی، رطوبت هوا و دامنه تغییرات درجه حرارت می باشد.^۱

از آن جای که ارتفاع هر منطقه در نوسان آب و هوا تأثیر بسزایی دارد این منطقه به علت، برخورداری از مناطق کوهستانی از آب و هوای مخصوص به خود بهره مند می باشد. زیرا قرار گرفتن بین دو منطقه آب و هوای شمال به عنوان آب و هوای معتمد مرطوب خزری (از نوع سرد کوهستانی) و از جنوب، به منطقه آب و هوایی گرم و خشک باعث دوگانگی آب و هوایی می شود. در مجموع آب و هوای سرد کوهستانی در منطقه حکم فرماست. یعنی : دارای زمستان سرد و پر برف و تابستان معتمد، خنک و مطبوع است.

باد :

«جريان هوا به علت اختلاف فشار میان نواحی فرابار و نواحی فربار، هوا جابه جا می شود هوای انباسته شده در کانون های فرابار سنگین تر است و به این دلیل به طرف کانون های فربار جريان می یابد از اين جريان هوا باد به وجود می آيد.»^۲

و هم چنین باد عامل اصلی پیدایش پستی ها و گودی های بزرگ نیز می شود. باد موجب تشدید خشکی و افزایش میزان فرسایش می گردد.

در مجموع، از جابه جای هوا باد بوجود می آید. با توجه به انواع مختلف باد، در منطقه مورد نظر، بادهای محلی به نام های گردباد، باد دمه، باد خوش و نسیم یا باد ملایم در هنگام صبح و عصر در طول سال نیز در این منطقه جريان دارد. لازم به گفتن است که در اواخر تابستان و اوایل پاییز مدت ۳۰ الی ۴۵ روز یک نوع باد از نوع شدید هم در این منطقه می وزد، که آثار آن تکان شدید شاخه های درختان و سوت کشیدن است. این نوع باد، در کتاب اقلیم شناسی دکتر ابراهیم جعفرپور به عنوان باد تند معرفی شده است.

بادهای محلی که در سرزمین های کم وسعت می وزند، و هم چنین نسیم ها، بادهای ضعیفی هستند که در نواحی کوهستانی هنگام روز باد ملایم از دره ها که دیرتر گرم می شوند به طرف قله ها، و در شب به عکس، از قله ها به سوی دره ها و کوهپایه ها می وزد که به آن نسیم کوه و دره می گویند.

۱- فرهنگ و اصطلاحات جغرافیا

۲- جغرافیای عمومی ایران ص ۳۴ ، فرج الله محمودی

نقش باد در منطقه، باعث زودی فصل خزان می باشد که این عمل در یک مدت کوتاه در منطقه مشهود است.

«باد سبب جابه جا کردن مواد ، ایجاد خراش و ساییدگی در سنگها، پدید آوردن تپه ها، تشکیل رسوبات و پیوسته سطح زمین را تغییر می دهد.»^۱

مه (نزم- یا نزب) :

مه گرفتگی یکی از ویژگی های آب و هوایی در این منطقه است. مه گرفتگی گاهی سبب تفکیک شرایط آب و هوایی گرم و خشک از معتمد مرطوب خزری می شود که این پدیده در فصل گرما موجب شگفتی سیمای طبیعی این منطقه آبادی سرخ گریه می شود.

بارش باران و تگرگ :

وضعیت بارش و باران نسبتاً رضایت‌بخش و کفاف مسایل زیستی همه جانبه را می‌نماید. بارش تگرگ در این منطقه به علت بالا بودن ارتفاع گاه و بی گاه صورت می‌گیرد.

رعد و برق :

در فصل بهار و پاییز در این ناحیه این عمل بسیار شدید می باشد. شواهد بسیار در دست است که این منطقه میدان مانور عمل رعد و برق می باشد این پدیده یکی از جذابیت های آب و هوایی منطقه است.

۱- جغرافیای عمومی ایران ص ۴۲، فرج الله محمودی

یخ‌بندان:

«با توجه به آمار و اسناد موجود در کتاب‌های آب و هوای ایران روزهای یخ‌بندان در البرز مرکزی ۲۴۰ روز و در زرد کوه (زاگرس) ۱۸۰ روز می‌باشد وضعیت یخ‌بندان این ناحیه بطور تقریبی ۴ تا ۵ ماه می‌باشد.»^۱

فشار هوا:

فشار هوا در این ناحیه با توجه به تغییرات ارتفاع متفاوت است.

«وجود کوه‌های بلند و تنوع توپوگرافی سبب شده است توزیع مکانی درجه حرارت از الگوی خاصی تعییت نکند.»^۲

این ناحیه با توجه به شرایط گفته شده، از این قاعده مستثنی نمی‌باشد.

تابش:

- پایه انواع حیات نور خورشید است.

«از آن جایی که تابش خورشید نیز متأثر از ارتفاع مناطق بوده، لذا نوسانات تابش در نواحی کوهستانی ایران بیشتر از زمین‌های پست است. در نتیجه حرارت هم تغییرات چشمگیری را نشان می‌دهد.»^۳

باران و برف:

تراکم توزیع بارندگی بیشتر در فصل بهار بوده زیرا در نیمه فصل پاییز تا اوایل اردیبهشت بیشتر نزولات جوی به شکل برف بوده و هم چنین در طول تابستان کمبود باران کاملاً احساس می‌شود

۱- آب و هوای ایران ص ۷۶، بهلول علیجانی

۲- همان کتاب، ص ۶۲

۳- همان کتاب

وازگان مربوط هوا و اقلیم منطقه هزارجریب و سرخ گریه :

- ۱- شلاب : ریزش تند بارش باران به زمین
- ۲- شدرم (شوره) : بارش نرم و آرام
- ۳- نزب (نزم) : نزب کوره = مه ابر نزدیک به زمین دو چهره نزم خشک. نزم مرطوب
- ۴- خوشاه : باد بسیار آرام شبیه نسیم و زمان شروع اوایل تابستان در این ناحیه می- باشد. حدود دو هفته از سمت شرق می ورد.
- ۵- دمه : بارش باران، سرما و باد در یک زمان که معمولاً با کاهش دما و کولاک همراه است.
- ۶- ایاز، ایاس(شبینم) : در شبها به علت برودت هوا، صاف بودن آسمان در سحرگاهان، بر سطح گیاهان، سنگ‌ها، علفزارها می‌نشینند و آرام آرام بر اثر تابش خورشید و گرما ناپدید می‌گردد. این پدیده بسیار جالب، تماسایی و نشاط آور و فایده دارد و چهره دیدنی و چشم انداز بسیار بدیع در مزارع، مراتع و علفزارها جلوه می‌کند.
- ۷- حصار : پدیده‌ی دیگری که معمولاً با شروع فصل سرما و هوای سرد همراه با یخ تمامی سطح زمین را می‌پوشاند و بر اثر تابش آفتاب از بین می‌رود. برای گیاهان، زراعت و ... مضر است. چهره یخ و یخ بسته دارد معمولاً فصل، که رو به سرما می- گذارد این پدیده مشاهده می‌گردد. «مه یخ زده»^۱
- ۸- تاور (تابر) : دامنه‌های رو به آفتاب، معمولاً صخره‌ای، کم پوشش، گرم، باد پناه و هم‌چنین صخره‌هایی با شیب تند است. بالا تاور (بالا کهو رز) و پایین تاور (پایین کهو رز)
- ۹- نسام (نسوم) : سایه روبرو به باد، معمولاً خاکی، مرطوب با پوشش گیاهی انبوه و شیب آرام که تفاوت چشم گیر در آب و هوا و مسایل زیستی، جانوری، گیاهی و ... دارد

^۱- اقلیم‌شناسی، ص ۱۴۱، ابراهیم جعفر پور.

خاک و خاک شناسی :

«خاک هر منطقه نتیجه تاثیر آب و هوای، موجودات زنده، سنگ مادر توپو گرافی و زمان تشکیل می شود.»^۱

با توجه به این که مهم ترین عنصر کشاورزی خاک می باشد فرصت زیادی برای ساخته شدن آن نیاز است لذا اهمیت ویژه ای را در فعالیت های کشاورزی دارد چرا که تشکیل یک سانتی متر خاک حدود هزار سال زمان نیاز دارد.^۲

لذا به استناد تحقیقات به عمل آمده از سوی مؤسسه تحقیقات خاک و آب سرجنگل داری منطقه ساری، از خاک زمین های مزروعی و همچنین یکی از مراتع این روستا، بنام حاجی کرد، نتیجه حاصل به شرح ذیل در جدول شماره ۱ آمده است.^۳

خاک قهوه ای جنگل دگرگونی، جنس رسی، سبک روی هم رفته ناهمواری خاک زیاد و ضخامت خاک کم است.

		Clay	Silty	Saund	پتانسیم قابل جذب	فسفر قابل جذب	کربن آلی	Ph اسید
لومی	L	۲۶	۴۷	۲۷	۲۸۰	۲۲	۲/۱	۷/۴
رسی - لومی	C-L	۳۰	۴۷	۲۳	۱۶۰	۱۳	۲/۶	۷/۷
ماسه - لومی	S-L	۲۶	۴۷	۲۷	۲۴۰	۲۳	۲/۱	۷/۵

جدول شماره (۱) – نتیجه آزمایش خاک منطقه حاجی کرد (حاجی کارد سرخ گریه)

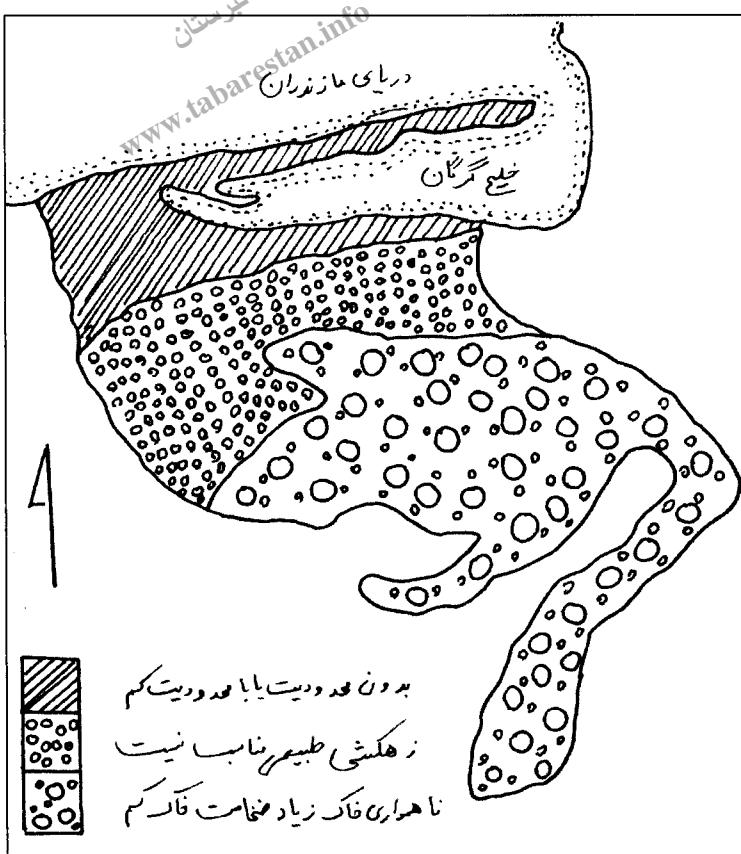
۱- جغرافیای خاک ها، ص ۹۲، پرویز کردوانی.

۲- جغرافیای اقتصادی عمومی و کشاورزی، ص ۷۲، بدی فر.

۳- سر جنگلداری منطقه ساری.

جدول شماره ۱- نتیجه آزمایش خاک منطقه حاجی کرد سرجنگل داری منطقه ساری با توجه به داده های جدول بالا خاک های این منطقه از نظر پتانس غنی بوده ولی از فسفر و ازت ضعیف می باشد و به همین منظور برای کشاورزی بر روی این خاک استفاده از کودهای ازته و فسفات و سوپر فسفات ضروری می باشد.^۱

[در ضمن نقشه مربوطه به وضعیت خاک های شهرستان بهشهر در صفحه بعد بیانگر این مطلب است.]



ماخذ: با تغییراتی از طرح منطقه ای گیلان و مازندران - وضعیت خاک منطقه ای بهشهر
ترسیم مجدد: نورعلی منصوریان

۱- وزارت کشاورزی- موسسه تحقیقات خاک و آب منطقه ساری.

منابع آبی :

آب :

در محدوده این روستا تعداد دره های کوچک و آبراههای فصلی وجود دارد. هنگام بارندگی و ذوب شدن برفها آب در آنها جاری است. در فصل تابستان خشک می گردد. میزان آبدهی آنها دقیقاً مشخص نشده است. فصل آبدهی این آبراهها معمولاً بهار و پاییز است علاوه بر دره ها و آبراههای فصلی، تعداد چشمه های دائمی نیز در منطقه وجود دارد. دارای آب فراوان می باشد. و از این چشمه ها می توان علاوه بر شرب دام، جهت آبیاری اراضی کشت علوفه استفاده نموده با این وصف وضیعت آب نسبتاً مطلوب می باشد.

چشمه :

چشمه ها که آب زیرزمینی را بطور طبیعی به سطح زمین منتقل می کنند و یا محل جوشیدن و جریان یافتن دائمی یا موقت آب را از درون زمین به خارج چشمه می گویند. چشمه های این منطقه که آبدهی آنها غالباً دارای نوسان است این نوسانات از تغییرات میزان تغذیه ناشی می شود. در ضمن لازم به ذکر است تعداد چشمه های بهنام این منطقه عبارتند از :

چشمه جفری، چشمه اسبو خانی، چشمه سرتیپ، چشمه شاهرام (بنه سری)، چشمه بالاخیل، سنگ چشمه، نظر چشمه، چشمه سامان سر، سه چشمه در تیرپرو، چشمه فک بن، چشمه لوکرد، تریاک چشمه، چشمه موزی بن، شارام و ده ها چشمه که آب آنها هر چند کم ولی دائمی هستند. در این منطقه وجود دارد.

لازم به ذکر است آب چشمه های جفری و اسبو خانی جز حوضه ای آبریز رود تجن ساری می باشد و آب سایر چشمه ها و منابع آبی جز حوضه ای آبریز رود نکا می باشد.

آب آشامیدنی آبادی از چشمه های از جمله :

چشمه ای سرتیپ - سنگ چشمه - تریاک چشمه - چشمه ای بالاخیل تأمین می گردد. و آب مصرفی حمام نیز از دو چشمه در لوکرد النگ تأمین می گردد.

لازم به ذکر است که آب لوله کشی از سال های ۱۳۴۸ از سوی سپاهیان بهداشت در سرخ گریه با هم یاری مردم آبادی لوله کشی فلزی انجام شده بود.

چشمه جفری، چشمه اسبو خانی و چشمه تنگه ای حاجی کارد (حاجی کرد) :

منابع آبی این سه چشمه در ارتفاعات سرخ گریه و از مزارع و مراتع بز نسام و اسبه خانی و دهانه ای حاجی کرد منشأ می گیرند و پس از به هم پیوستن شرقی ترین و طولانی ترین رود

سر چشمه‌ی رود خانه‌ی تجن است. و بقیه‌ی آب چشمه‌های این آبادی به حوضه‌ی رود نکاء می‌پیوندد.

رودخانه :

معروف‌ترین رودخانه که از بخش جنوبی کوه خوش انگور جریان دارد و همچنین از قسمت‌های کوه کبود ریز و سایر ارتفاعات بلند منطقه سرچشمه گرفته و محل تلاقی آنان در بخش شمالی روستا می‌باشد که از بریدگی بین دو طاقدیس (خوش انگور و کبود ریز کینوا) گذر می‌کند. باعث پیدایش دره‌ای معروف به «تنوره آسیاب» شده است و آب آن نهایتاً به حوضه‌های آبریز رود نکا می‌پیوندد.

«نهرهای شاهکوه تاش و چهار باغ که از چمن ساور به یانسرق سرخ گریه جاری هستند و بعد از پیوستن به یکدیگر، زار مرود را تشکیل می‌دهند که به رودخانه نکا که بین ساری و اشرف جاری است می‌ریزد بلوک سرخ گریه که شامل یخکش نیز هست از جنوب محدود است به کوه تیر پرو و کوه کفترکولی، از شمال به کوه خوش انگور، از مشرق به خطیر خیل، از مغرب به ده کلیا و نهر استالم یا استارم.»^۱

رودها و دره‌های سرخ گریوه :

رودخانه شارام کله پچ- (کله پچ دره) دره سیستان-دره خوکالی- دره تنوره آسیاب- دره خرتنگ- دره مغزکره- (دره کول بند- دره سامان سر، دره عباس غلام- دره هلی چشمه- قالدین رobar- دره فیک بن- دره هشت پدر- دره تیرپور- دره طاموزی- دره وا موزی و دره های بالا خیل- دره خطیر خیل- دره مهدی قلی سوته- دره سنگ نو- دره ننسنی- دره سوراخ دار چکل- دره هود دره- دره اربیت- دره یا رودخانه موزی بن شارام- دره نوده پلرد- دره امام زاده شاهرخ- رودخانه حاجی کارد تنگه (محمد علی بیگ قهوه خانه سری)- رودخانه لوکرد النگ- دره کنگل چشمه- رودخانه و دره بز نسام- دره خرس دره و دره ی دره ته (چکلک پشت) و ... که بعضی از این دره‌ها در ماههای گرم سال بی آب می‌گردند).

۱- مجموعه ایران‌شناسی، ص ۹۸ تالیف: هـ رابینو سفرنامه مازندران و استرآباد ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی.

سرخ گریه یا سرخ گریوه ، جلوه ای از شکوه طبیعت و تاریخ :

یکی از جالب ترین ویژگی های طبیعی منطقه‌ی مورد مطالعه که راز تنوع گیاهی و جانوری و حتی به جرات می‌توان گفت شرایط متفاوت (آب و هوا و ...) را در خود نهفته دارد، این است که سطح ارتفاع این ناحیه به فاصله ۸۰ کیلومتر از صفر^(۰) به حدود ۲۷۰۰ متر می‌رسد. به همین دلیل نیز به راحتی انواع گیاهان و جانوران مربوط به ارتفاعات مختلف جغرافیایی رامی توان دید. و به همین خاطر در این منطقه جلوه ای از شکوه طبیعت و تاریخ یک جا به هم آمیخته‌اند.

جنگل‌های وسیع سوزنی برگ بی‌خزان و جنگل‌های پهن برگ خزان دار از شهرتی برخوردار است که می‌تواند به عنوان یکی از نخجیره گاه با ارزش زیست‌گره به شمار آید و در واقع از دیگر زیبایی‌های خیره کننده، در منطقه سرخ گریه تغییر دائمی مناظر و جایگزین مناسب و متنابض چشم اندازهای مرتعمی و جنگلی وسیع در سراسر سطح این منطقه است.

پدیده‌های طبیعی و انسانی :

پدیده‌های طبیعی و انسانی موجود در آبادی عبارتند از :

۱. غار دیو خانه در ارتفاعات که هو رز پایین (کینوا)
۲. غار لابلای (لابه لا) در پای کوه که هو رز بالا (خوش انگور)
۳. استل شارام (استخر) یا آبگیر طبیعی.
۴. تپه‌های باستانی.
۵. آرامگاه امام زاده شاهرخ ارس بند.
۶. تپه‌ی باستانی بندسر (کات ماتی) - تپه‌ی نوده، پلرد
۷. گورستان‌های بدون آبادی -
۸. آغول‌ها (چفت‌ها) با سابقه‌ی حدود ۱۰۰ سال در مراتع و مزارع سرخ گریوه

غار دیو خانه (دب خانه چکل)، قلعه دیو خانه :

۱. غار دیو خانه : که نماد مقاومت و پایداری در برابر دشمنان یا هجوم متجاوزین است بر سطیح کوهی (بنام کبودریزپایین(کوه کینوا، پایین تاور، پایین کئورز) با ارتفاع ۲۴۴۱ متر در قسمت شمال روستای سرخ گریه به فاصله تقریبی ۱کیلومتری قراردارد. و یا احتمالاً به قولی محل عبادت یا پرستشگاه در دیرزمان ها بوده است. که در مورد این جایگاه هم تحقیق نیاز هست و هم پژوهش همه جانبی دارد. که در این فرصت مجال شرح آن نیست.
 ۲. غار لابلای (لابه لا) : در قسمت انتهایی کوه لابه لا (کبود ریز بالا) در فاصله حدود ۸ کیلومتری شمال شرق سرخ گریه قرار دارد. که به غار سوراخ دار چکل معروف است. که از بزرگان ما در مورد اشیای پنهان شده در آن حرف و حدیث ها بود که در مورد شرح آن اینجا فرصت یار نیست.
 ۳. استل (استخر، جمجمه) : در یکی از مراتع و مزارع در فاصله ۶ کیلو متری جنوب شرقی سرخ گریه که وسعت آن حدود ۳۰۰۰-۲۰۰۰ مترمربع در طول سال آب دارد. بدون تأمین آب از چشمه یا رود یا جویبار.
 ۴. جمجمه یا گلفشان پل چال : در فاصله ۵ کیلومتری جنوب شرقی آبادی پدیده طبیعی (گل فشان) که خود جای بحث و مطالعه جداگانه در زمین شناسی دارد و از بحث ما خارج است.
 ۵. وجود تپه های باستانی و خاک ریزهای مصنوعی یا دست ساخت : که توضیح و شرح و توصیف و محل استقرار آنان در این کتاب فرصت نیست.
 ۶. آرامگاه یا مقبره امام زاده شاهرخ در ارس بند (معصوم زاده) : در فاصله ۷ کیلومتری قسمت شرقی آبادی.
- لازم به بیان است متولی این امام زاده از گذشته تا امروز که مسئولیت را با افتخار پذیرا بودند و هستند عبارتند از :
۱. جانعلی هاشمی
 ۲. مصطفی حیدری
 ۳. خسرو منصوریان
 ۴. زلفعلی (سیف الله) ذهبی
 ۵. بخشیعلی (علی) ترابی
 ۶. طاهر حیدری

بخش پنجم

جغرافیای زیستی
پوشش گیاهی
زیستگاه جانوری
زیست محیط

تبرستان

www.tabarestan.info

سیمای جغرافیای زیستی:

سیمای جغرافیای زیستی این ناحیه را می‌توان از سه جهت بررسی کرد.

- ۱- پوشش گیاهی
- ۲- زندگی جانوری
- ۳- مسایل زیست محیطی

۱- پوشش گیاهی :

پوشش‌های گوناگون و پی در پی گیاهان در نواحی کوهستان با دمای هوا و با ارتفاع تغییر می‌کند و همچنین دامنه‌های کوهستانی به‌طور یک سان از نور و گرمای خورشید بهره مند نمی‌شود. به همین خاطر با توجه با ارتفاع پوشش گیاهی گوناگون مشاهده می‌شود.

رویش گیاهی طبیعی در این منطقه هم که بشر در بوجود آوردن آن نقشی ندارد در مجموع با توجه به وضع آب و هوا و نوع خاک و ناهمواری‌های این منطقه می‌توان نتیجه گرفت که منطقه مورد نظر پوشیده از انواع گیاهان و رویش‌ها و آرایش‌های گیاهان طبیعی و درختان صنعتی و غیر صنعتی می‌باشد.

در طی دوران گذشته به علت غفلت و نا‌آگاهی به دست افراد بومی و حتی گاهی به‌دست افراد غیر بومی تخریب گردیده است. این محل که در واقع محل تلاقی دو نوع آب و هوای گفته شده از مراتع متعدد و متنوع نیز برخوردار است و پوشش گیاهی هر یک در اغلب موارد مشابه به هم می‌باشد و از یک کثرت و تراکم بهره مند است.

پوشش گیاهی منظره‌ی استپ و چمنزارهای کوهستانی به‌طور جداگانه یا در هم، ویژه‌ی ناحیه کوهستانی است. نوع پوشش گیاهی با توجه به ارتفاع تغییر می‌کند روی هم رفته پوشش گیاهی منطقه به صورت جنگل طبیعی، مراتع و چمنزار می‌باشد.

به‌طور خلاصه درختان و پوشش نباتی هر مکان با توجه به آب و هوا و موقعیت جغرافیایی قرار گرفته شده است. و مرزی که طبیعت مشخص کرده نه انسان، مگر غلبه بر نظام طبیعت که هنوز ما به آن جا نرسیده‌ایم.

پوشش گیاهی و منابع جنگلی در این روستا و محدوده آن به چند صورت مشاهده می‌گردد: پوشش جنگل انبوه، نیمه انبوه و تنک که در هر صورت از نظر سازمان جنگل بانی طبق نظر کارشناسان تحقیقات جز جنگل که همه جا تحت کنترل و نظارت و مورد حمایت و حفاظت می‌باشد. از نظر تیپ و گونه در شمال، جنگل پهنه برگان و انبوه (نسام، تنگه و ول کوپاه)، در جنوب معمولاً در خنچه‌های کوتاه قد و سوزنی برگان (تاور).

وجود گونه‌های مختلف گیاهان و گل‌های دارویی و معطر با توجه به دیگر پدیده‌های طبیعی و بکر و سرزمنی گل که هر یک از آن‌ها دارای فواید ارزشمند می‌باشد. و چشم و دل و جان هر بیننده آشنا و غیر آشنا و رهگذران را در فضول سال می‌نوازد و گاهی شگفتی به همراه دارد همین تنوع گل و گیاه و پوشش گیاهی که توانسته تنوع زیستی را در این منطقه ایجاد کند که می‌توان از آن به عنوان طبیعت پنهان یا رازهای پنهان یاد کرد.

به ذکر چند نمونه از این موهاب البهی که در واقع نوازش روح انسان و درمان جسم را به دنبال دارد اکتفا می‌کنیم:

«شقایق کوهی، سنبل کوهی، شمعدانی وحشی، گل زعفران (زعفران وحشی)، کاکوتی، گل گاو زبان، شاه تره، گل گندم، گل زنبق، خاکشیر، آلال‌های وحشی، بابونه، پیچک صحراوی، (انواع عشقه)، گل چایی، گل شیپوری، گل نسترن، میخک کوهی، بارهنگ، گل نرگس، علف هفت بند، کاسنی، پرسیاوشان، گل یاسمن، گل نیلوفر، گل ماهور، فرفیون، داودی کوهی، زینج (گل پر)، آویشن، گل گوش بره، گل گون یا دازه و ده‌ها گونه دیگر را می‌توان نام برد.»^۱ فواید چند نمونه از گیاهان دارویی در مزارع و مراتع به اختصار اشاره می‌شود.

۱- گل گاو زبان (اشکو) :

در چند رنگ، فرم و اندازه که تسکین دهنده‌ی قلب و اعصاب و ... می‌باشد.

۲- استو قدوس (اسطوط خودوس گیاه لاواندا) :

عطیری خوش بو، ساقه‌ی باریک، همیشه سبز، بی خزان برگ گل برای طعم چای، سالاد غذا، آرام بخش، ضد نفح، کم خونی، مقوی اعصاب خستگی روحی و اضطراب و افسردگی درد عضلات، سرفه، آسم و ... می‌باشد.

۱- فلور رنگی ایران بخشی گیانا شناسی احمد قهرمان

- فلور ایران احمد پارسا

- فلور ایرانیکا- کارل هینز ریشنگر- رستنیهای ایران- نوشتۀ صادق مبین جلد ۱ تا ۹ موجود در ایستگاه تحقیقاتی پاسند.

۳-کاسنی :

تب بر، بیماری های کبدی، بیماری های کلیوی، بیماری اعصاب، ضد کلسیترول و تصوفیه کننده خون و ضد یرقان است.

پسرامی - چندین کتاب معرفی

می تشنر از رجیسترا - دلمو مدیا مردم از جواد بود

تبرستان

www.tabarestan.info

کاسنی

اسم علم : *Cichorium intybus*

د خواص دارویی کاسنی :

کاسنی عالی نیست و در صدر دارکاره نامه نیست، اسولین، مانن کار و قند که می باشد، بنی سولاد که نیز همانها را باز برد و بنی اطراف این شهر معدود می شوند. می تشنر اشتو را فرموده می نماید. از جشنواره کاسنی هشتم آبله به بی کاری بینی، سلطانی کی انتظاری نیست و نیز در راه پیش از ورودی هزار آشیانه و سیستمی دارد. خود اسولین مرجوز در رشته زنده از مشهورترین درمانها نیست (هر چهار قند) دارد.

نامه دانشجویان گیاه شناسی در سرخ گریه و فایده ای یکی از گیاهان دارویی
دانشمنی ش دارند.

د لکن مصرف کاسنی :

لکن از عجیب این چیز نیست که در این کار کمال تغییر نمود، و بین بدنه نیز بود. برینه و سرینه با بعد از این روزات
نه بجهت اینست که در حالت خوب می شود. حکایت شنید که در شرکان دارالعلوم تسبیح ادویه و ملمس پنهان است
و علاوه قطعاً توجه نویج (امانه حمد و قدر) از این حکایت در مقدمه ای اکثرب حیث هم در همه رفته می شود.

* نیز بروانست نوشته : شهربور تابا از خبر

نامه دانشجویان گیاه شناسی در سرخ گریه و فایده ای یکی از گیاهان دارویی

۲- جنگل و جنگل داری :

جنگل^۱ که یکی از منابع عمده تجدید شونده است. می تواند خمن بهره برداری اقتصادی، موجب اعتدال هوا و سلامت محیط زیست باشد.

«جنگل از فرسایش خاک جلوگیری می کند و برای حیات موجودات زنده اکسیژن تولید می کند.»^۲

«هر جنس اسناد و مدارک موجود در ایستگاه تحقیقات جنگل و مرتع پاسند تحقیقاتی که از سازمان تحقیقاتی کشاورزی و منابع طبیعی کشور سال ۱۳۷۲ از جنگل های این روستا به عمل آمده چنین بیان شد که قسمت های شمالی آن پوشیده از جنگل های پهن برگ، گونه هایی از:

بارانک یا گاران، راش (مرس)، کرف (کف)، ممرز، بلوط، کچف (کچب)، گیلاس وحشی (الو گک)، تلکا (گلابی وحشی)، ون، افرا، زیندار (برگهای خوراک خوب و مقوی برای دام) بصورت پراکنده می باشد. جنگل های این منطقه اغلب تنک بوده و به عنوان جنگل های تجارتی تجاری مطرح نمی باشد، لذا باید از بهره برداری از آن اجتناب نمود.

تفصیل گونه های گیاهی همچون واشنگور (اشنگور) انواع سوزنی برگان همیشه سبز به نام درختان و درختچه های:

درختچه های آرس (بالشتک خرس)- فک- بید مشک- اسبه دار (سپید دار) هالوچه (هلی)،- از گیل (کندس)- زرشک- ورگ تلی- لم (تمش وحشی)- ولیک (سرخ و سیاه)- درختچه های شنی وحشی (تل سه)- آل- وجرد- شنی و گونه های دیگر که ذکر نام همه آن ها در اینجا مجال نیست.

لازم به ذکر است چوب وجود بسیار کم به عنوان چوب دستی و عصا مورد علاقه خصوصاً مسلمانان، به قولی مورد علاقه امامان و معصومین و ائمه بوده است. (نقل از کهنسالان) در قسمت های شمال شرقی، جنگل انبوه بوده و دارای کیفیت مطلوب تری است. در مجموع جنگل های حمایتی به حساب می آید.

^۱- در خان و درختچه های ایران ، حبیب الله ثابتی.

در قسمت شرقی، شامل جنگل‌های آرس که سوزنی برگان بومی می‌باشد به علت سطحی بودن خاک و شبیه دار بودن آن، حساسیت نسبت به فرسایش به عنوان جنگل حمایتی مطرح که باید برای احیای آن بیشتر تلاش نمود.^۱

قسمت جنوبی منطقه، شامل جنگل‌های از نوع بلوط، کچف، ون و مرز که نسبتاً انبوه بوده و در دامنه شمالی کوه سیاه خانی واقع شده است.

لازم به ذکر است که جنگل‌های منطقه تحت حفاظت و حمایت مرکز جنگل‌داری استان مازندران و شهرستان بهشهر می‌باشد عمدۀ مصارف در بخش‌های ساختمانی است که با مجوز، قطع و بهره برداری از آن ممکن و میسر است.

نگاهی به اهمیت و حفظ منابع تجدید شونده، و زیستگاه‌های طبیعی و منابع طبیعی که پشتوانه ای اصلی پیشرفت و توسعه می‌باشد. درخت، نماد سرسیزی و چشم افزای طبیعت زاینده و پر برکت است انسان با بی توجهی به طبیعت و محیط زیست و اندانستن قدر و ارزش درختان و پوشش گیاهی، زیستی، جانوری و ... در واقع ریشه حیات خود را قطع می‌کند.

۱- مرکز و ایستگاه تحقیقاتی جنگل و مرتع پاسند (بهشهر)

۳- زندگی جانوری (جولانگاه جانوری) :

به محدوده‌ای از منطقه که حیوانات وحشی و پرندگان و سایر موجودات با توجه به آب و هوای منطقه هر یک در قلمرو خاص خود به زیست ادامه می‌دهند. به دلیل فراوانی پوشش گیاهی و رستنی‌های جنگلی و نیز اقلیم مساعد و پستی و بلندی-های متنوع، موجب گوناگونی نوع جانوران گردیده است. مهم‌ترین حیوانات آن‌ها عبارتند از: بلنگ، بوزپلنگ، ببر، خرس، گوزن، قوچ، میش، خوک، گرگ، روباه، بز وحشی (کل)، گورکن، تشی (خارپشت) می‌باشد.

پرندگان موجود عبارتنداز:

کبک، کبوتر، کرکس، کلاح، عقاب، قوش (واشه)، دراج (واحسین)، هوالک، سار، هدهد و بلدرچین (وردک) انواع گنجشک ساتان، اغلب پرندگان بومی منطقه‌اند. اما در خصوص جانور (ببر) که گویا کارشناسان محیط زیست از انقراض نسل آن از بیست سال گذشته در جنگل‌های مازندران خبر داده‌اند در بهار سال ۱۳۷۲ در دامنه غربی کوه وزمه و لابدلا (لابلای) یک مورد دیده شده توسط یکی از افراد محلی که این موضوع می‌تواند دلیل بر ادامه حیات این جانوران در این منطقه باشد.

۴- حیات و زیستگاه جانوری :

شرایط ویژه اقلیمی مساعد و پوشش گیاهی متعدد و متنوع با گونه‌های فراوان گیاهی توأم با پوشش جنگل‌های انبوه، نیمه انبوه، تنک و درختچه‌های کوتاه قد و مراتع وسیع و دشت‌های باز و علف زارهای و اراضی گسترده با پوشش استپی و کشتزارهای این سرزمین با گونه‌های مختلف حیوانات جنگلی، وحشی و اهلی که تا امروز به حیات خود ادامه داده‌اند و همچنین زیستگاه‌های پستانداران و پرندگان و قلمرو درندگان و میدان باز و مامن خزندگان که تا حال تقریباً حفظ می‌باشد و زندگی مسالمت آمیزی را در این منطقه سپری می‌نمایند.

از جمله:

مار (چند گونه) دیموزد (آفتتاب پرست) عقرب، کژدم، مچکل (سوسسما) انواع کرم‌های خاکی، شب تاب، انواع بند پایان؛ (رتیل، خرچنگ، توبند و ...) را می‌توان نام برد.

مسایل زیستی محیطی :

منطقه کوهستانی هزارجریب به ویژه روستای سرخگریه که از تنوع طبیعی و پستی و بلندی-های متعدد برخوردار می باشد دارای محیط سالم و به دور از هرگونه آلودگی های طبیعی و غیر طبیعی است به همین جهت از آب و هوای پاک و مصفا برخوردار است. لذا زمینه های رشدو پرورش گیاهان طبیعی از هر نظر برای تولید مثل حیوانات مناسب می باشد. به طور کلی محیط این منطقه که بیشتر به سبب عدم رشد صنعت و تکنولوژی بسیار بکرو دست نخورده باقی ماند.

از مواهب الهی طبیعی است که فضای آرام و بی دغدۀ ای را به وجود آورده است. گستردگی و بسط این محیط که می توان گفت در حصاری از کوه های مرتفع منطقه واقع شده در خور توجه است و هر نقطه ای از آن نیز متنوع و سرشار از زیبایی و شکفتی های آفرینش است. حیات وحش در این منطقه اگر چه از ناحیه ای بعضی در معرض خطر است اما با حمایت سازمان حفاظت محیط زیست از یک سو و صعب العبور بودن بعضی از نواحی از یک سوی دیگر به نوعی در تداوم و استمرار حیات وحش تأثیر بسزایی داشته است.

تبرستان

www.tabarestan.info

بخش ششم

تبرستان
www.tabarestan.info

تیپ شناسی روستا

جمعیت

مهاجرت

ویژگی فرهنگی

توریسم و گردشگری

واحدهای بهداشتی و درمانی

تبرستان
www.tabarestan.info

تیپ شناسی روستا:

«این واقعیت را بپذیریم که حدود نیمی از جمعیت کشور در مناطق روستایی زندگی می‌کنند و عوامل موثر در ترکیب بافت کلی آن مبتنی بر تنوع در تیپ، معیشت، زبان، فرهنگ و قومیت می‌باشد.»^۱

با آن توصیف در یک نگرش کلی می‌توان روستاهای را به سه بخش عمده تقسیم بندی نمود از جمله :

- ۱- روستاهای مرکزی یا گرد آمده.
- ۲- روستاهای پراکنده.
- ۳- روستاهای بینایی.

با دقت و بررسی ویژگی‌های روستایی که در کتاب ذکر شده، به این نتیجه می‌رسیم که روستای سرخ‌گریه در ردیف روستاهای مرکزی یا گرد آمده می‌باشد. تراکم منازل مسکونی، وحدت قومی، زبانی، فرهنگی و اعتقادی و همچنین چشم اندازهای جغرافیایی زیبا طبق عکس موید این واقعیت می‌باشد.

تعداد جمعیت :

تعداد جمعیت و خانوار و تغییرات آنها در چند دهه اخیر بر حسب آمارهای موجود در مرکز بخش یانسر هزار جریب به شرح زیر است :

سال	خانوار	جمعیت به نفر
۱۳۵۵	۲۸	۱۳۸
۱۳۶۴	۳۰	۱۸۰
۱۳۷۰	۲۸	۱۴۱
۱۳۸۵	۱۹	۹۰

جدول تغییرات جمعیت روستای سرخ‌گریه در فاصله سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵

خانه بهداشت روستای سرخ‌گریه (آمار و برنامه و بودجه)

لازم به ذکر است که در سال (۱۳۷۴) تعداد ۱۰ خانوار به تعداد ۵۹ نفر جمعیت که آمار موجود، مختص به جمعیتی است که طول سال در روستا ماندگار هستند. بر حسب آمار موجود مربوط

۱- مبانی جغرافیای جمعیت، مسعود مهدوی.

به سال ۱۳۷۴ که از سوی خانه بهداشت روستا تهیّه شده مجموع جمعیت ۵۹ نفر می باشد که ۲۷ نفر آن مرد و ۳۲ نفر آن زن می باشد.

وضعیت جمعیت غیر ثابت در سرخ گریه :

قابل توجه است تعداد جمعیت و خانوار در این روستا از سال های ۱۳۸۵ - ۱۳۸۵ - ۱۳۵۵ در جدول زیر آمده است.

۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۸۹	بر حسب سال
بر حسب خانوار	۷۰	۷۹	۸۸	۹۵	
بر حسب تعداد افراد	۵۵	۴۰	۴۵	۴۲۵	

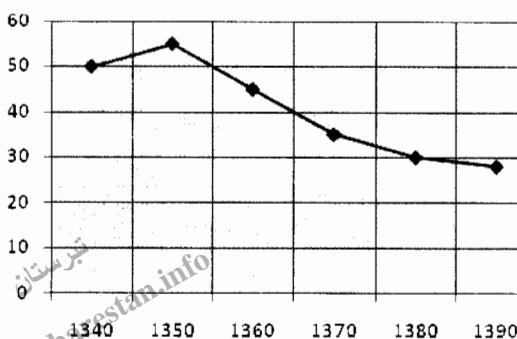
جدول مرگ و میر و تولد این جمعیت در سال های ۱۳۷۸ - ۱۳۹۰ :

سال	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	تولد
مرگ و میر	۷	۳	۲	۴	۱	۲	۱	۲	۱	۱	-	-	
	۱	۱	-	۳	-	۲	۲	۱	-	۱	-	۲	

جدول بر اساس آمار خانه بهداشت روستای سرخ گریه

تحولات جمعیت:

با توجه به نمودار زیر جمعیت ماندگار روستا سیر نزولی داشته است.



جدول ساختار جمعیتی سرخ گریه :

گروه سنی	تعداد	تعداد زنان
۰-۱	-	۱
۱-۴	۲	۳
۵-۹	۳	۰
۱۰-۱۴	۶	۴
۱۵-۱۹	۴	۷
۲۰-۲۴	۶	۸
۲۵-۲۹	۵	۴
۳۰-۳۴	۲	۱
۳۵-۳۹	۲	۴
۴۰-۴۴	۳	۳
۴۵-۴۹	۲	۰
۵۰-۵۴	۲	۲
۵۵-۵۹	۱	۳
۶۰-۶۴	۰	۱
۶۵-۶۹	۲	۱
۷۰-۷۴	-	۲
۷۵-۷۹	۲	۱
۸۰-۸۴	۲	-
بیشتر و ۸۵	-	-
جمع کل	۴۴	۴۶

جدول ساختار جنسی جمعیت در سرخ گریه

آمار جمعیت بر حسب سن و جنس در سال ۱۳۸۶
 خانه بهداشت سرخ گریه جمعیت ثابت (ماندگار) جمعیتی که بیشتر از شش ماه
 می مانند

ترکیب سنی جمعیت روستا در سال		
گروه سنی	تعداد	تعداد زنان
۰ - ۴	۵	۵
۵ - ۹	۵	۵
۱۰ - ۱۴	۱	۱
۱۵ - ۱۹	۲	۲
۲۰ - ۲۴	۲	۲
۲۵ - ۲۹	۴	۵
۳۰ - ۳۴	۲	۲
۳۵ - ۳۹	۱	۱
۴۰ - ۴۴	۱	۱
۴۵ - ۴۹	۳	_____
۵۰ - ۵۴	_____	_____
۵۵ - ۵۹	۱	۱
۶۰ - ۶۴	۱	۱
بیشتر -	۲	۳
جمع کل	۲۷	۳۲

جدول ساختار جنسی جمعیت در سرخ گریه

مهاجرت :

«مهاجرت یا کوچ نشینی که عبارت است از حرکت منظم سالانه یا فصلی قوم یا قبیله‌ای در ارتباط مستقیم با عوامل محیط و شرایط انسان اجتماعی جهت ارتزاق خود انجام می‌دهند.^۱

مهاجرت و کوچ در این روستا قدمت طولانی داشته تا حدی که امروز آمار جمعیتی نشان می‌دهد که اکثریت مردم برای رهایی از مشکلات طبیعی به مهاجرت اقدام می‌کنند.

«کوچ که نتیجه و تسلط جبر طبیعی است.^۲

مردم این منطقه را در برگرفته و گروه‌های مهاجر را تشکیل داده اند که از گذشته‌های دور گروه‌های مهاجر از روستا به این حرکت ادامه داده و به روستاهای و شهرهای گرگان، بهشهر و کردکوی کوچ می‌نمودند. اما در حال حاضر اکثر مهاجرین از روستا به شهر کردکوی بسر می‌برند که مشاغل عمده آنان بصورت پیشه وری کسب و تجارت در زمینه‌های گوناگون می‌باشد، و بعضی از قشراهای جوان به امور صنعتی فنی روی آورده اند، در مجموع سطح زندگی آنان با توجه به درآمد نسبی، متوسط می‌باشد. اما آن‌چه در بحث مهاجرت در جوامع روستایی مسئله ساز است، مهاجرت به شهر و روکود جمعیت روستاهاست.

«کوچ یا تغییرات مکان خود بر دو نوع است :

۱- مهاجرت قطعی

۲- مهاجرت فصلی^۳

ذکر این نکته ضروری است که صورت‌های دو گونه مهاجرت با ارائه تصویر و هم‌چنین مهاجرت روستا به روستا و مهاجرت روستا به شهر در این منطقه صدق می‌کند.

مهاجرت قطعی از روستای سرخ گریه به روستاهای و شهرها از جمله :

گرگان، بهشهر، کردکوی، روستاهای نامن گرگان، آق قلا (یامپی)، چفر، تخشی محله و ... بوده است.

مهاجرت فصلی از روستای سرخ گریه به روستاهای و شهرها از جمله :

بهشهر، گرگان، کردکوی، تهران، مشهد و روستای سارو، پاسند، نامن گرگان و ... می‌باشد.

همان‌طور که در کتاب جغرافیای کوچ نشینی قید گردید :

«زمان کوچ منطبق با تغییرات محیط طبیعی است نه اختیار افراد و انسان»

۱- جغرافیای کوچ نشینی صفحه ۱۰۳، سید رحیم مشیری.

۲- همان کتاب، ص ۱۰۳.

۳- مبانی جغرافیای روستایی، ص ۱۶۴، مسعود مهدوی حاجیلویی.

این واقعیت کاملاً مشهود است و همین امر موجب شده است که یک سری از مشاغل سنتی از جمله کشاورزی دامداری، صنایع دستی به تدریج به فراموشی سپرده شود و جوانان و قشرهای تحصیل کرده کمتر مقید به انجام امور سنتی هستند.

دلایل مهاجرت :

با توجه به اهمیت مهاجرت و ریشه یابی آن در جوامع گوناگون بی‌گمان اساس اغلب مهاجرت‌ها صرف نظر از جنگ و خونریزی نظایر آن ریشه در شرایط آب و هوایی منطقه، فقدان درآمد کافی، ضعف اقتصادی، کمبود امکانات رفاهی و اجتماعی، عدم زمینه برای رشد و ادامه تحصیل، و فقدان بهداشت و درمان و همچو از همه نبودن فرصت‌های شغلی متنوع به منظور جذب جوانان و مردم برای کسب درآمد می‌باشد.

کوچ و کوچ نشینی و برگشت مجدد :

گذشته از این که افرادی سال‌ها دور این دیار را ترک کرده امروز موردی مشاهده می‌گردد که به وطن علاقه و دل‌بستگی پیدا کرده اند تعداد زیادی از خانوارها این سابقه کوچ، کوچ-نشینی یا بیلاق و یشلاق را ادامه داده اند.

هر کسی کو دور ماند از اصل خویش باز جوید روزگار وصل خویش

امروزه با توجه به ویژگی‌های خاص اقلیمی و مکانی و ... افراد از استان‌های سمنان (دامغان) و استان گلستان (گرگان-کردکوی-بندر گز) و از استان مازندران (ساری-بهشهر-نکا) با تهیّه و خرید زمین و احداث بنا بصورت خوش نشین در فصل تابستان در این روستا زندگی می‌کنند و این روند از جانب غیر بومی‌ها رو به افزایش است.

یادگاران فصل‌ها، ساکنان دایمی :

ماندگاران دایمی و خط نشینان و صیانت کنندگان این دارالمرز روزگارهای دور را با همت والا و فدایکاری و استقامت پیشه کردند تا همیشه چراغ روشنایی این آبادی در روزها و شب‌های پر برف و یخ‌بندان سرد و سخت طاقت فرسا پاییز و زمستان روشن بماند و با این پایداری و صفا گرما بخش روستا به شمار می‌روند

این خانوار‌ها عبارتند از :

- | | |
|------------------|------------------------|
| ۱. مصطفی حیدری | ۵. حمیدره انجام |
| ۲. بخشعلی ترابی | ۶. حسین اصغری |
| ۳. خسرو منصوریان | ۷. نجات عالیشاهی |
| ۴. فرامرز حیدری | ۸. زین العابدین کلیایی |

ویژگی‌های فرهنگی، فرهنگ عامه:

(شرح مختصری از دیرمان‌ها و یادمان‌های دیار سرخ گریه):

«بی تردید برای درک حقیقی و هویت هر قومی باید فرهنگ عامه یا فولکلور آن را شناخت. در تعریف آن گفته اند:

مجموعه آداب و رسوم، عقاید، عادات، افسانه، حکایت و تصنیف‌های یک قوم را فولکلور یا فرهنگ مردم آن قوم می‌گویند. اما عدم توجه به فرهنگ عامه، ما را از زوایای زندگی پیشینیان محروم می‌کند و این امر حاصلی جز از خود بیگانگی ندارد.^۱

دریچه فرهنگ و ادب:

آداب و رسوم:

قدمت فرهنگ و تمدن، آداب و رسوم مردم این منطقه را باید در آثار تاریخی بهجا مانده جستجو نمود و اگر چه امروز بقایای فرهنگی، رشد و تعالی فکری مردم را در گذشته نشان می‌دهد. اما چنین بر می‌آید که اساس فرهنگ و تمدن این مردم را باید در روزگار ساسانیان به کندوکاو پرداخت، زیرا سکه‌هایی که سال ۱۳۶۰ در فاصله یک کیلومتری روستا کشف گردید از قدمت دو هزار ساله برخوردار است. که این خود دلیل متقن بر حضور مردم در حدود ۲۰۰۰ سال پیش در این منطقه می‌باشد.

ساختمان‌هایی در روستا وجود دارد که در دیوارها و چوب سقف و بدنه آن‌ها بسیاری از آیات قرآن تصویر شده و خوشنویسی‌های دیوارها نیز حکایت از ذوق و علاقه مردم به هنر می‌باشد. آن چه می‌توان از آداب و رسوم مردم گفت پاییندی به آداب و سنت ملی و منطقه‌ای و تقيید آنان به برپایی آن همانند سایر مردم این مرز و بوم در خور ژرف اندیشه است.

باورها:

پیران ما از زنان گرفته تا مردان که صحبت‌هایشان پراز افسانه‌ها و داستان‌های که قدمت دارد این مسائل یا گفته‌ها بسیار شنیدنی است. مثل دیدن یا شنیدن قیافه و صدای موجوداتی همچون:

دیو، جن و پری، آل، هلنگستی و حضور خضرنی که این وقایع در گذشته‌های دور در مناطق دور دست همچون مناطق بکر جنگل‌ها، راه‌های جنگلی، مزارع، و مراعع دور دست و مکان‌های

۱- کتاب بهشهر در مسیر توسعه، اولین همایش توسعه، علمی، فرهنگی و اقتصادی شهرستان بهشهر مرداد سال ۱۳۸۳.

خلوت راههای باریک و کم تردد و قبرستانهای قدیمی و آبادیهای ویران شده و دره ها و گذرگاههای اتفاق افتاده است.

نمونه هایی از اعتقادات و باورها عبارتند از :

۱- اعیاد : عیدنوروز، عید سعید فطر، عید سعید قربان، عید غدیر ولایت، عید مبعث.

۲- لال پلاگیر: شخصی که در خانه بیمار دارد. شب دوشنبه یا چهارشنبه با در دست داشتن پلاگیر (کفگیر) در خانه شخص دو زن دارد می رود و جهت شفای بیمار خود از آنان طلب تبرک می جوید.

۳- کشنن قورباغه : اگر قورباغه ای را می کشنند می گفتهند هوا بارانی می شود.

۴- خواندن جغد در شب : اگر در نزدیکی خانه شخصی جغد به خواند شگون خوبی ندارد. سعی بر دور کردن او می کند.

۵- چله افتادن تفنج شکاری : خوردن گوشت شکار توسط زن زائو موجب چله افتادن تفنج شکارچی می گردد که دیگر نمی تواند شکار کند.

۶- سوزاندن دست خط : شخص با سواد که موجب بدخشه می گردد.

۷- پوست مار : وجود پوست مار در خانه موجب عدم شیوع بیماری چشم درد در خانه می شود.

۸- آب ریختن روی آتش : اعتقاد برآن است شخص که برروی آتش، آب می ریزد صاحب فرزندنمی شود.

۹- بارش باران ۶۶ : اعتقاد برآن است که ۶۶ روز بعد از فصل بهار باران می بارد که به آن باران نیسان گفته می شود. که آبش شفابخش، گوارا، مبارک، عزیز و برای خود و فرزندان و حیوانات و ... می باشد.

۱۰- شیران کشیدن : با پختن آش شیر برنج در مکان مذهبی امامزاده ها و مساجد منتظر ماندن باران (نذر باران)

۱۱- ساعت خوش : اصطلاحی برای کوچ یا ساکن شدن، مسافرت، شروع کار، بوسیله استخاره و مراجعه به کتب دینی صورت می گیرد، مرسوم است.

۱۲- پرده شکنی : دختری که تازه نامزد گرفته باشد از طرف خانواده داماد فامیلان دو طرف را به خانه عروس دعوت می کنند و افراد جهت کم نمودن خجالت عروس خانم به وی هدیه می دهند. (رونمانه)

- ۱۳- چاوشی (چهوشی) : رفتن یا برگشتن زایر از اماکن مقدس مانند زیارت مشهد، کربلا و حج که توسط شخص چاوشگر صورت می‌گیرد. نمونه‌ای از این اشعار :
- اول به مدنه محمد مصطفی را صلوات دوم به نجف علی شیر خدا را صلوات
در کربلا حسین(ع) سرجدا را صلوات در طوس رضا غریب القربا را صلوات
- ۱۴- شاخ گوزن : وجود شاخ گاو کوهی در منزل یا پشت بام ساختمان باعث می‌شود که آن بنا از گزند مار در امان باشد.
- ۱۵- ۵- چله : نرفتن به منزل زائو تا قبل از ده روز که موجب صدمه به مادر و کودک می‌شود و اعتقاد برآن است که زائو را در این مدت تنها نگذارند.
- ۱۶- توبه به کشت بعضی از حبوبات : توبه به کشت محصولاتی چون نخود و ... که اعتقاد براین است باعث صدمات به خانواده می‌شود.
- ۱۷- تنها نگذاشتن زن زائو در خانه : زنی که تازه کودک به دنیا آورده بالای سرش روی بالش وسایلی مانند کارد، قیچی، نان، قرآن می‌گذاشته تا موجودات افسانه‌ای به زن زائو یا کودک آسیب نرساند.
- ۱۸- عطسه زدن (صبر آمدن) : هنگام مسافرت یا قصد رفتن به محل کار یا بیرون رفتن از خانه دارد باید چند دقیقه تحمل بکند و بعد از مدت کوتاهی کار را انجام دهد.
- ۱۹- گرفتگی خورشید و ماه : گرفتگی این دو پدیده راکه یک جریان طبیعی است این‌گونه تعبیر می‌کردند که ازده‌ها آنان را به دهان گرفته برای این‌که ازده‌ها بترسد آن‌ها را از دهان رها کند با شلیک تیر تفنگ یا زدن ظروف مسی لگن (طشت)، مجمع بزرگ سینی، چلک (سطل) ساز می‌زند.
- ۲۰- آش پشت پا : آشی که بعد از مسافرت اماکن متبرکه و خدمت سربازی، ورود به دانشگاه‌ها و ... برای سبکی احسان و خیرات می‌کنند.
- ۲۱- آب ریختن : اگر در شب آب به بیرون یا حیاط خانه بریزند باید بسم الله بگویند. تصور دارند احتمال دارد آب روی موجوداتی چون جن و پری بریزد و این موجودات به شخص و افراد خانواده شان اذیت برسانند. و یا خانواده آنان را نفرین کنند.
- ۲۲- پس غنچه : هدیه جهیزیه عروس به اقوام داماد پس از مراسم عروسی است که معمولاً البسه (لباس، پارچه) می‌باشد.
- ۲۳- آب کشیدن سجاده نماز : به منظور درخواست باران از خداوند در زمان خشک‌سالی.

۲۴- چهل تاس (کاسه) : نوشتمن چهل اسم اعظم خدای متعالی بر روی ظروف مسی و بردن آن به حمام تا آن شخص از گزند جن در امان باشد.

۲۵- کام گرفتن نوزاد : کام گرفتن نوزاد یا کودکان تازه بدنسی آمده با تربت امام حسین^(ع) و گفتن اذان و اقامه در گوش راست و چپ.

۲۶- مراسم روز هفتم علم در گردش : تقسیم تکه های نان جهت تبرک و قربانی پای علم چون گاو، گوسفند دادن چای، شربت و شیر... نمونه های اشعار :

این علم از کیست که بی صاحب است صاحب او کشته و یا غایب است

این علم از سرور گل گون قباست این علم از شیرصف کربلاست

۲۷- دهه خوانی : در ماه محرم در منازل بعضی خانواده ها چون نذری شب های تاسوعا و عاشورا و صبح خوانی نمونه ای از اشعار :

ای صبح تیره رو به چه رو می شوی سفید فردا حسین تشهی حگر می شود شهید

ای صبح هم چو شام چه وقت دمیدن است این جانه وقت فرصت و بی جا دمیدن است
فریاد از این عزا در دشت کربلا

از جمله خواندن خروس، قرار گرفتن حالتی از تکه نان روی سفره، افتادن قاشق از دست، جارو کردن بچه ها، ردیف شدن ظروف سر سفره، دلیل آمدن مهمان می دانند. نمونه های دیگری از این باورها در بین مردم وجود دارد که در این کتاب مجال شرح و وصف آن برای آنان نیست.

جشن ها و مراسم بومی محلی :

وضع ازدواج :

مراسم برگزاری جشن عروسی و مراسم خاص در آبادی از زمان های دور بسیار باصفا و شنیدنی است که توصیف هر مرحله خود بحث و شرح مفصل می خواهد. این جا به جهت آداب و رسوم خاص خود در کتاب به آسانی نمی گنجد به عنوان نمونه :

۱. طریقه انتخاب همسر برای جوانان

۲. خواستگاری

۳. شیرینی خوری

۴. دوران نامزدی

۵. مهریه شیر بها ، جهاز عروس و برپایی مراسم عروسی

ضرب المثل ها رایج در منطقه :

- ۱- اسب جه دکتمی، اصل جه نکتمی. حفظ اصالت و شرافت انسانی.
- ۲- بئوتمی هلا، دکتمی بلا! عمل نکردن به وعده ها موجب گرفتاری است.
- ۳- پیش دکته آدم دمبال د نشنه. بی توجهی به افراد عقب مانده و ضعیف.
- ۴- تف دینگنی کفنه دل سر .
- ۵- چشم ون خاشه سوهادیه .
- ۶- خالی خرمن لیفا زنده.
- ۷- دریای اُر سگ نجست نکانده انسان های بزرگ با سرزنش دیگران حقیر نمی شوند.
- ۸- روزی رِ صب بخش کاندنه.
- ۹- مرد سِلاب هسته، زن پر زین. زن خوب اقتصاد خانواده را کنترل می کند.
- ۱۰- سروصدرا همه زومای سرئه عاروس سره خور نی یه. بی خودی دل خوش می کنند.
- ۱۱- شم تشن رِ اُزمبی.
- ۱۲- صدمن شیرما یه هسته.
- ۱۳- عالیشاه عار دست ندنه ! هیچ وقت افراد طایفه با هم بدنمی شوند اگرچه در ظاهر درگیر شوند.
- ۱۴- غم روزیه ون بخار دنه ! غم در سرشت طبیعت وجود دارد.
- ۱۵- فقیر آدم کدخدان خوانه ! آدم بی چیز نیاز به قیم و سیاستمدار ندارد.
- ۱۶- قرض هکان ، ورز هکان. با استفاده از تمامی امکانات زمینه های پیشرفت را فراهم کردن.
- ۱۷- کم بکار ، نم بکار.
- ۱۸- گدا یتنا بو خِر درستُوا !
- ۱۹- لقمان دِ حکمت یاد دنه.
- ۲۰- مارِ بو بتنه از شیر دایه هسته !
- ۲۱- نا آسیو دارمی نا اُ دنگ.
- ۲۲- وشان خاش وه آقانه. به درد کسی نخوردن و در فکر خود بودن.
- ۲۳- هرچی بز کمتر، ون آش آش کمتر. ثروت و قدرت کمتر مسؤولیت کمتر.
- ۲۴- یتا وَره دِ تا مار ! کمال آسایش و تنعم.

اوزان و مقادیر در (عرف مردم دیار ما) :

ریشه برخی اوزان، مقادیر و مقیاس ها، واحد ها، گاه به گذشته های دور باز می گردد. و هم-
چنین گاهی نیز با گذشت زمان این واحدها و مقادیر مورد استفاده دیگری پیدا می کردند.

یک کیله تیم شو : هر کیله تیم شو حدود ۵۰۰ متر مربع زمین

یک خالم : هر خالم زمین حدود ۳۰۰ متر مربع

یک وردش

یک بار : زمینی حدود ۱۰۰۰۰ متر مربع یا ۱۲۰ کیلو تیم شو.

یک تاچه (هاله) : یک کیسه گندم جو و عدس و ... حدود ۰۸ کیلو.

یک چارک : حدود ۱۰ سیر.

یک کال - یک مشت - یک منگ - یک کیله - یک بغل - یک سرو ...

یک پوت (پوط) : روسی است معادل ۱۶ کیلوگرم.

یک گروان : حدود ۵۰۰ گرم (حدود دو پنجم کیلو).

یک من : (یک من تبریز ۳ کیلو، یک من (لطر) - ۴/۵ کیلوگرم.

یک چتوار : روسی حدود ۱۲۵ گرم چای و تنباکو.

یک بن : یک بن پیاز - یک کشه همه - یک چکله سیر - یک تن رزه نون و ...

کود (کوت) : برای سنجش و مقیاس حدسی محصولات گندم - جو - عدس - کاه و هیزم و ...

کر (کرکوپا) : یک واحد شمارش - چین گاله (چینگاله) - دسته انازم - وام بار - کروچ (کروچ).

واحدهای طولی :

یک آرنج : فاصله آرنج یا سرانگشت میانه حدود ۱۲۵ سانتیمتر.

یک ذرع : برای متراز پارچه حدود ۱۰۴ سانتیمتر.

یک شاب / قدم : گام معادل ۱ متر.

یک گز : حد فاصل پنجه‌ی دست تا نوک بینی کشیده حدود ۱۰۰ سانتی متر.

یک متر : برابر ۱۰۰ سانتیمتر.

یک منزل : فاصله ۶ تا ۷ کیلومتر را گویند.

یک فرسخ : فاصله حدود ۶ کیلومتر را گویند.

یک خرمن کافه : حدود ۵۰ متر مربع زمین.

چلک (چلکه) : مقدارش از یک کیسه کمتر باشد. نصف کیسه گندم - جو - عدس - سیب زمینی و ...

لتک (لتکا) : باغچه‌ی کوچک زمین‌های جالیز سبزی حدود معین ندارد. تفاوت دارد.

مشت : مقدار محصولی که در سرخرمن از جانب صاحب بار که وزن معین و ثابت ندارد به گنجایش ظرف و مشت شخصی بستگی دارد ۲ تا ۵ مشت به افراد نیازمند می‌دهند.

یک وجب: معادل ۲۰ تا ۲۵ سانتی متر

یک وردش: زمین زراعی معادل ۲۰۰ تا ۳۰۰ متر مربع

یک نوع شمارش بار محصول در خرمن ها :

بعد از پاک شدن دانه از کاه، شخص مسن تر و مورد اعتماد و با دردست داشتن کیل (کیله) روبه قبله می نشینند و شروع به پیمان کردن و بارگیری گندم و جو و عدس و ... طبق رسوم گذشته می کند.

شعار یا زمزمه ای با این مضامین دارد

یک به نام خدا	یک و یک و یک و یک
دو برکت هداخدا	دو و دو و دو
سه نام محمد ^(ص)	سه و سه و سه
چار دین محمد ^(ص)	چار و چار و چار
پنج تن آل عبا	پنج و پنج و پنج و پنج
شش، شیشه	شش و شش و شش
هفت، هفته	هفت و هفت و هفت
هش شای خراسان	هشت و هشت و هشت
نوهه، نوهه	نه و نه و نه
ده برکت هاده خدا	ده و ده و ده

با پایان این شمارش یک پا کیسه یا یک پا جوال اندازه گیری یا سنجش شد.
 پا معادل: واحد سنجش حدود ۶۰-۷۰ کیلو گرم
 پامعادل: واحد شمارش ۱ گاو نر کاری یک پا (ورزا)-۱ پا جوال-۱ پا وnde و ...

بازی‌های سنتی(بازی‌های محلی) :

در مازندران دختران و پسران در سنین مختلف خصوصاً در روستاهای اندیشه ای بازی‌ها محلی به یادگار مانده می‌پردازند چون هوش و حافظه به دقت در بازی‌های کودکانه و محلی برای فرزندان نیاز ضروری به حساب می‌آید که تاکنون تعدادی از این بازی‌ها هنوز در خطور ما زنده است. البته همه این بازی‌ها از ابزار و امکانات محل زندگی و عدم نیاز به تجهیزات و اماکن خاص است. از آنجایی که زمین بازی جامعه‌ی کوچکی است با آداب و رسوم و قوانین خاص که پایه تربیت و مسؤولیت‌های اجتماعی برای زندگی در جامعه‌ی بزرگتر و همچنین می‌توان در میدان بازی با روحیه و استعدادهای افراد آشنا شده و این باعث رشد و شکوفایی استعدادها می‌گردد و قابل توسعه و ارشاد و هدایت قرار می‌گیرد. و از آنجایی که برای دوران کودکی کودک بازی جز لاینفک زندگی اوست و طبیعت او اقتضا می‌کند که تحرك پویایی و جنب و جوش زندگی شخصی که به نظر می‌رسد جز فطرت نهفته در ذات بشر است.

و در بازی کودک می‌آموزد که بازی مبارزه است، تلاش است، تحرك است، بازی فن است، بازی سرگرمی است در رقابت، و بهتر از همه تفکر و خلاقیت و غیره ... است. همچنین به نقاط ضعف و قوت خود پی می‌برد. می‌آموزد، تجربه کسب می‌کند، تصمیم و اراده را به کار می‌گیرد. با توجه به مسایل عنوان شده شخص می‌تواند در انواع بازی‌ها سرگرمی‌ها شخصیت خود، حتی دیگران را تشخیص دهد و برای خود و دیگران حرمت قایل شود. و بسیاری از نگرانی‌ها، اضطراب‌های، با این عمل حل و با جدیت و در پی شکوفایی تمام استعدادها در آیندگام‌های کوچک را شروع و به مقام‌های بالاتر جسمی، اخلاقی، رفتاری، مسؤولیتی و غیره ارتقاء به بخشد.

با توجه به بازی‌های گوناگون و بسیار جذاب و جالب و متنوع و ارزشمند هدف‌دار، در دوران کودکی و نوجوانی حتی دوران جوانی در مراسم جشن‌ها و عروسی‌ها افراد متأهل هم در بعضی از بازی‌ها شرکت می‌کردند و بازی‌ها دارای پیام و انجیزه و هدف بود و به فراوانی مشاهده می‌شود. متأسفانه تمام بازی‌ها در این موز و بوم و آب و خاک و زمین بین فرزندان ما بسیار بسیار کم رنگ و حتی به جرأت می‌توان گفت بی رنگ شده است. شاید امرroz کودکان و نوجوانان ما به علت رشد و توسعه صنعتی و سایر تباططات انواع سرگرمی‌های بی درد سر که کاری با این روند نداریم. [به عنوانی که گفتیم و نگفتیم دیدم و ندیدم بدانیم و ندانیم به قول معروف از ما گفتن و از دیگران شنیدن یا نشنیدن .]

ذکر نمونه ای از بازی های مرسوم در دیار ما، عبارتند از :

چولنگ بازی، گالی مار بازی، علی ولی زو، چشم دلیکا، لیله بازی، تب چو، تب فرار، تب موس، چهار خر، کوتک بازی، پشت کوتک، درنه بازی، باز باز یکی شد، کمر کاشتی، لنگ کاشتی، پلنگ لاش، لال بازی، بُرده بُرده، خر تو خر تو، هفت سنگ، چو اسب سواری، ریسمان بازی ، سفال اسب سواری، چهل کل، خط در کانک، کمربند بازی، کلنگ بازی، رسی رسی ته بیا بنه من بررسی، تپ تپ خمیر شیشه پر پنیر دست کی بالا، اشتر اشтра به اشترا اشتر کجا همین جا، دستعمال بازی، کالا هوشه، خورشید خانم آفتاب کن، ادنگ تیر، چهار خر، مرده بازی، پَر پَر، کش مُر، خرک بازی، بن پریکا، زُمزمه (زمی زمی) زم زم زم زمی، دست آن یکی این جور می زُمی خَر ما دست کی بالا و ... و خُرما زرینگ چه گل بهار نازنین تکیه دله گدازنی بخارده نون و سمنی- بسوته ون تک و فنی همه همه چندتا و ...

لازم به ذکر است

«هر چه جوانان عصر ما به تمدن درخشنان کشور ما و روزگاران گذشته بیشتر آشنا شوند و بکوشند با نگهداری از سنتها و آیین های محلی خویش دانش و هنر نو را فرا گیرند و به این حقیقت که در دوران بسیار گذشته به آن مرحله از تمدن رسیدن که از نظر تنوع بازی ها سرگرمی ها، ورزش ها به کار گیری حواس نیرومندی تن چالاکی از نظر تناسب اندام و انواع تفریح در زمینه های مختلف زندگی اجتماعی، بهداشتی می نگریستند می توان مایه ی مباراکات و غرور ملی محلی دانست حتی قادر باشیم آیین های نیاکان خود را زنده نگه داریم که حفظ این سنتها و باورها وظیفه ملی محلی به حساب می آید.»^۱

به عنوان مثال یک نمونه از بازی محلی در اینجا ذکر می شود :

بر روی کاغذ با ذغال یا مداد نام چل کل (چهل کچل) را می نوشتند و آن را به دو طرف کله اسب و یا گاو یا الاغ مرده که ریسمان از دو قسمت آن عبور می دادند دو گروه در دو سمت، از بچه های دختر و پسر نوجوان دوسر ریسمان را می گرفتند در چند روز بارانی به کوچه و پس کوچه های آبادی براه می افتادند و سرود این چنینی می خوانندند :

۱- بازی های محلی : محمد پروین گنا آبادی، چاپ تهران، مصور، انتشارات طوس، ۱۳۵۵ (۲۵۳۵).

سرود :

«خر تو، خر تو، خر بمرده کالوم دله یا قرآن و یا کتاب فردا بوشه آفتاب.»

«ما فرزندان چشم به راه خورشیدیم و روزهای بارانی بس است.»

یا سرود :

«خورشید خانم آفتاب کن، یک مشت برنج تو آب کن، ما بچه های گرگیم، از سرمایی بمردیم.»

و به درب همه خانه ها می رفتند و صاحبان خانه با شنیدن صدای آشنا و این حرکت برای این گروه از نان، چای خشک، قند، شکلات، پول، نبات، تخم مرغ و هدایای دیگر می دادند. و در حقیقت بعد از چند روز هوا صاف و آفتابی می شد و بارش هم بند می آمد هر چند که این امر طبیعی است ولی رضایت بچه ها را جلب می کرد.

تیم های ورزشی :

ورزش در روستاهای مختلف وجود داشت. و بازی و ورزش در این آبادی از دیر باز حیات داشته و تا کنون به حیات خود به شیوه خود جوش ادامه دارد.

از جمله ورزش ها و بازی های قدیمی یا گذشته که امروز کمتر رنگ و بو دارد همانند : اسب دوانی، تیر اندازی، شنا (سنو) کشتی محلی، والیبال مرسوم بود.

در دهه های اخیر تیم های ورزش فوتبال جایگزین اکثر بازی های بومی و سنتی شد. البته امروز درخشش ورزشکاران آبادی چشمگیر است و بازیکنانی در سطح زیر گروه کشوری مطرح هستند.

قابل بیان است مدت‌ها در پهنه‌ی وسیع روستاهای هزارجریب بهشهر مسابقات فوتبال برگزار می شود. و تا این مدت این تیم ها حدود ۱۰۰ بازیکن و ۳۰ ورزشکار یک دست فوتبال در چند تیم دارد.

تا کنون این تیم های ورزشی در منطقه هزارجریب بهشهر با کسب هشت بار مقام قهرمانی و یک بار نائب قهرمانی دست یافتند.

• تیم های ورزشی عبارتند از :

- ۱- تیم شهداي سرخ گريه.
- ۲- تیم پایگاه ولیعصر سرخ گريه.
- ۳- تیم دهياری سرخ گريه.
- ۴- تیم شادروان محمد زمان زمانی سرخ گريه.

نام چند ورزشکار کشوری :

- ۱- آرش طهماسبی رشتہ ورزشی (تیر اندازی) قهرمان کشوری آسیایی.
- ۲- مهرداد طهماسبی رشتہ ورزشی (فوتبال) لیگ یک کشوری.
- ۳- رضا زمانی رشتہ ورزشی (فوتبال) استانی.
- ۴- غلامرضا حیدری - کاراته کشوری - تیم ملی امید کشوری
- ۵- ساسان زمانی نامنی - بازیکن باشگاه ملوان بندر انزلی - تیم ملی امید ایران (گلستان)

• شکارچی های معروف سرخ گريه:

- ۱- حاجی خان مسعودی
- ۲- کربلايی ولی الله حیدری
- ۳- محمد علی خان مصباح
- ۴- حسن خان مصباح
- ۵- هادی طهماسبی
- ۶- اکبر طهماسبی
- ۷- بخشعلی ترابی
- ۸- مصطفی حیدری
- ۹- عیسی حیدری (عرضاجان)
- ۱۰- قلی طهماسبی
- ۱۱- نوروز علی هاشمي
- ۱۲- عطا الله ترابی
- ۱۳- گل علی منصوریان
- ۱۴- طاهر حیدری

موسیقی و فولکلوریک :

مرواری بر موسیقی و فولکلوریک، زمزمه ها و رنچ ها و شادمانی مردم دیار ما مانند سایر موسیقی ها بر گرفته از تاریخ فرهنگ و باورهای قومی بیان کننده دردها، رنچ ها، زیبایی ها و شادمانی های این سرزمین می باشد طی سالهای دراز زمزمه هایی که بیانگر و نشان دهنده خاطرات مردان و زنان ما که مجموعه ای بسیار غنی در دیار ما بوجود آورده است مجموعه ای که به لحاظ تنوع و محتوا بسیار غنی و شنیدنی است از جمله، تصویف ها، آوازها و سرودها عبارتند از :

کتویی، طبری یا امیری، رعنای نجمما، صنم حقانی، صنم برجیدر بیک، عاشق لیلی، طالب طالبا، کیجا جان، نوروز خوانی، گهواره سری، عامی دتر جان، عباس مسکین، گریه موری و ... می باشد که تداعی کننده خاطرات مردان و زنان این مرز و بوم است.

نوازش یا نواجش :

نوازش یا نواجش آوازی است که در ارتباط با فرزندان، بستگان گاهی مادران برای فرزندان خردسال می خوانند، که به آن نواجش (ناز) می گویند.

چاووشی(چهوشی) :

چاووشی نغمه یا سرودی است که بسیار پر نغز پر محتوا و بسیار حزن انگیز است در مراسم خاص خوانده می شود گذشتگان ما تا امروز اینها را رسینه به رسینه زبان به زبان انتقال داده اند ولی متأسفانه امروزه این رسم و رسوم بسیار کم ارزش و کم رنگ خصوصاً در بین جوانان و وارثان ما به چشم می خورد که جای تأسف است.

به طور خلاصه آوازهای ذکر شده را معمولاً زنان در انواع فعالیت های همچون محل کار، فعالیت در مزارع، کار در خانه، کارگاه های انفرادی، در منزل کارچال (کار چال ها)، در زمان آشپزی، تکان دادن گهواره خردسالان و فرصت ها فراغت، تنهایی و خلوت با خود در عروسی و عزا، مراسم گورستان زمزمه می کنند.

مردان در محل کار معمولاً چارودارها (چار بدارها)، چوپانان و گالش ها زمزمه می کنند و حتی در مراسم شادمانی، جشن ها، مولودی مرسوم به رج (طوری- ردیف خوانی) می باشد. سازهای این دیار همانند: ۱- لله، ۲- نی چوپانان و ۳- فلوت می باشد.

زبان و گویش :

زبان و گویش و لهجه در حقیقت ارزش و بها و منزلت و اصالت و ریشه هر قوم یا مردم هر مکانی چه از نظر ملی منطقه ای و خانوادگی نهفته در فرهنگ و آگاهی و دانش انبوه کلمات و معانی آنان است از آن جایی که معانی گوناگون یک کلمه در گویش ما اهمیت و ارزشمندی زبان ما را می رساند با این تفاوت به جرأت می توان گفت که مازندرانی یا طبری یک لهجه نیست بلکه یک زبان، پر محتوا، عمیق، ریشه دار زنده می تواند باشد. چون طرفداران زیادی دارد که خود نشانگر عظمت این زبان است و همچنان که این زبان می فهماند گروهی در یک کشور در ناحیه یا منطقه وسیع با این حرفها و کلمات تلفظ و گفتگو می کنند در حقیقت چیزی جز علاقه مندی فطری و ذاتی ما فرزندان این مرزبوم نیست.

زبان و لهجه :

زبان مردم این منطقه زبان محلی مازندرانی است که جهت مهاجرت های فصلی لهجه های خاصی به تدریج وارد زبان و گویش مردم شده است. تا حدودی به صحبت های فارسی مبدل شد.

دین و مذهب :

مردم این روستا شیعه مذهب و از پیروان خاندان ائمه اطهار هستند با حضور خود در مراسم به ویژه در طول سال به مناسبت های گوناگون ارادت خود را ابراز می نمایند. و همچنین نامگذاری فرزندان آنها از اسمی ائمه یا اسمی ایران باستان است.

قربان، قدیر، خلیل، هادی، اسماعیل، محمد، حسین، یوسف، موسی، اکبر، صادق، مسلم، هانی، بخشعلی، سلطانعلی، عبدالعلی، عبدالحسین، اسفندیار، بهمن، بهرام، امیر، عطا، محمد رضا، مظفر قلی، علی اکبر، علی جان و ...

صدیقه، فاطمه، راضیه، مرضیه، کبری، خدیجه، صغیری، مریم، گل یمن، گل جهان، گل دنیا، گل اندام، نورجهان، ایران، زبور، زبیده، سیمین، مهرناز، سوسن، ماه سلطان، آتوسا، ماه جبین، جانت، مهتاب، مبینا، بلقیس، تاج ماه، ماریان، سیما، سمانه، شهریار، سلطنت، ثریا، شهر بانو و ...

انوشیروان، خسرو، فرامرز، هوشنگ، آرش، سیامک، مازیار، تهمینه، ایرج، داراب، تهماسب، رستم، سهراب، شاهرخ، بیژن، فرهاد، منوچهر، بابک، جهانگیر، فریدون، نوروز و ...

اماکن مذهبی :

این روستا دارای مکان های مذهبی به شرح زیر است :

۱. یک مسجد بزرگ بنام «گت مسجد» مسجد علی قلی خان مسعود الملک که این مسجد در خانه سرای ایشان در بافت داخلی ساختمان بیرونی با زیر بنای حدود ۱۰۰۰ متر مربع و دارای کلاس درس و کتابخانه تکیه و تجهیزاتی که شرح و توصیف این بنای بسیار قدیمی و پر ارزش این جا نمی گنجد و نقل از سالخوردگان ما قدمت بالای ۴۰۰ ساله داشت.
۲. مسجد کوچک بنام «خرد مسجد» معروف مسجد حاج محمد تقی خان بالارستاقی که در وسط آبادی برپا بود و بعضًا در بعضی از ستونهای چوبی آن تاریخ حک شده سنه ۱۲۲۵ به چشم می خورد می باشد.
۳. «حسینیه معروف» که در ساختمان شخصی یکی از اهالی واقع شده است (بنای اندرونی آقای علی قلی خان مسعود الملک که در آن مراسم ویژه ماه محرم (عاشروا) و ماه رمضان بر پا می شود).

لذا فهرست وار جهت اطلاع بازگو می کنیم که این جا مجال توصیف و بیان پر دامنه و ویژگی های خاص ماه های یاد شده که ریشه عمیق در فرهنگ و باور ما دارد نیست.

۱. حضور جدی و مستمر فرزندان این آب و خاک تحت هر شرایطی جهت برپایی آیین های کهن مذهبی در این ایام در سرخ گریه.
۲. مراسم خاص ماه رمضان قرائت قرآن مسایل عبادی سیاسی و افطار دهی در اکثر شب ها خصوصاً شب های قدر، و مراسم روز عید فطر.
۳. دسته روی، خرج کشی (خیرات و احسان) و جلسات روزانه دهه خوانی در اکثر منازل.
۴. علم گردانی در روستا از صبح روز هفتم که این روز را مختص به یاد علمدار صحرای کربلا قمر بنی هاشم حضرت ابوالفضل عباس^(۴) و پذیرایی ناهار همه اهالی با پختن آش کشک شخصی به نام ارضا جان معروف به علی رضا جان حیدری که زبان زد خاص و عام است.
۵. شب زنده داری شب های عاشورا و تاسوعاً و برپای مراسم قتل ابا عبدالله الحسین^(۴).
۶. صبح خوانی (صبح تیره رو) : قطعه معروف (ای صبح صادق وا مشو).

ای صبح تیره رو به چه رو می شوی سفید
فردا حسین تشنه جگر می شود شهید
فریاد از این عزا در دشت کربلا و ...

۷. دسته روی روز دهم عاشورا (روز قتل) هیئت و دسته عزاداران از روستا کلیا به روستای سرخ گریه. «مقبره امام زاده شاهرخ» (معصوم زاده) در فاصله‌ی چند کیلومتری شرق روستا (ارس بند) قرار دارد.

علم دار یا (علم گردان) : ۱- حاج محمد شعبان صفری ۲- عابدین خطیر ۳- حاج علی صفری و ...

راویان خاموش :

(قبرستان ها گورستان ها مزار ها) سنگ قبر ها و سنگ گور ها
نگاهی گذرا بر نقوش حک شده بر سنگ مزارهای این روستا :
هنوز آثار و شواهد زیادی در دست و موجود است که بروی آن تصویر و طرح و نقشه اشیای
کشیده شده است از جمله :

نقشی که بر سنگ گور زنان و مردان حک شده و تصاویر مهر و نماز، تسبیح، شانه، قرآن،
انگشت، خنجر، تپانچه، نیزه، قممه، قیچی، گوشواره و دهها شکل دیگر که برایمان تفهیم
نیست. گواهی براین مدعاست.

با این حال در اثر برف و باران و طوفان های شدید و بادها و عوامل اقلیمی دیگر دچار
هوازدگی فیزیکی و شمیابی شده با این حال تا امروز باقی مانده که این خود جای پژوهش و
تحقيق دارد. و حفظ و هویت و قداست آن ها ضرورت است.

لازم به ذکر است تعداد گورستان ها به جای مانده از دوران دور تا اکنون در اطراف این آبادی
عبارتند از :

- ۱) قبرستان تپه سر (حدود ۷۰۰ متر) بزرگترین قبرستان آبادی .
- ۲) قبرستان سامان سر (۲ کیلومتر).
- ۳) قبرستان بالا خیل (۲ کیلومتر).
- ۴) قبرستان کل زیور چشمه سر (وسط آبادی).
- ۵) قبرستان کهنه کلیاء (دباله) شاید قدیمی ترین گورستان منطقه باشد (۵ کیلومتر).
- ۶) گورستان پیاز چال (فیاض چال) (۶ کیلومتر) اسبه گردنه بالا تر از مرتع سیستان.
- ۷) قبرستان اردو بازار در میان بند و گهواره کوه و ...

خطوط تصویری :

خطوط تصویری قبر و نقوش :

شایان ذکر است فواید خطوط تصویری در سنگ قبر در آبادی ها.

... و در این جا لازم می دانم که به اهمیت کشفیات جدیدی که امثال فرانسو آشامپولیون مصوشناس فرانسه و هانری را ولینسون کاشفین رموز خطوط تصویری ((هیرو گلیف)) و خطوط میخی اشاره نمایم.

زیرا بر اثر قرائت خطوط مزبور بود که یکی از بزرگترین موقیت های علمی نصیب دانشمندان جهان گردید و در نتیجه آن قدمی بسیار مؤثر در تاریخ اکتشافات جغرافیایی و تاریخی برداشته و مسایل دشوار علمی حل شد و مورخان توانستند دوره‌ی تاریخی بشری را از هفتصد سال پیش از میلاد که تاریخ یونان شروع می شود به چهار هزار سال قبل از میلاد بررسانند؛

و به کمک خطوط تصویری تاریخ مصر را از ۲۸۰۰ سال پیش از میلاد که احرام ثلاثه بنا شده تنظیم کنند. و به کمک خطوط میخی تاریخ ۳۰۰۰ ساله ایلام، کلده آشور و بابل را تا اندازه ای روشن نمایند.^۱

۱- فرهنگ مکتشفین جغرافیایی و جغرافی نویسان مشهور جهان نویسنده- پروفسور نصر الله نیک بین ص ۲۴.

صنعت توریسم و گردشگری روستا :

این روستا که در محاصره‌ی کوهها و ارتفاعات متعددی می‌باشد از یک تنوع ویژه برخوردار است که این صفات به چشم اندازهای طبیعی روستا چهره‌ای دیگر بخشید جذابیت مناظر شگفت انگیزه آن جهت سیر و تفرج مسافران شهرهای دامغان، بهشهر، گرگان و کردکوی و بندرگز و گلوگاه علاقه‌مندان و دوستداران طبیعت در خور توجه است. که این خود از باست زندگی جانوران تا پوشش گیاهی، دوگانگی شرایط اقلیمی، آب و هوا، کوههای مرتفع، دره‌های فراوان و پر شیب و عمیق، زندگی صحرا نشینی، کوچ دامداران در مراتع سرسیز و چشم‌های ساران، وجود آبشار و رودخانه‌ها از روی ارتفاعات این مناطق و صخره‌ها چشم اندازهای جالبی را خلق کرد.

چشم اندازهای طبیعی و انسانی :

برای مثال دور نمایی از قله دماوند و کوههای شاهکوه (شاهرود) و مشرف بودن این ناحیه به کوههای البرز و دریا مازندران و خلیج گرگان و شبه جزیره میانکاله و شهرهای بندر ترکمن، صحrai ترکمن، سواحل زیبا و دریایی بندر گز و جزیره آشوراده و ... را می‌توان مشاهده کرد.

تفاوت پوشش گیاهی دامنه‌های شمالی و جنوبی ارتفاعات و از سمت جنوب روستا تسلط بر مناطق کویر استان سمنان وجود گونه‌های گل و گیاه داروئی و معطر در فصول سال با توجه به پدیده‌های طبیعی و مصنوعی، غار دیو خانه، بارگاه امامزاده شاهرخ، تپه‌های باستانی، احداث جاده شمال به جنوب گلوگاه به دامغان از قلب این روستا، از دیگر جاذبه‌های توریستی این روستا می‌باشد.

برج رادکان :

«این بنا ۴۰ متر ارتفاع دارد و مقبره اسپهبد ابو جابر بن محمد بن ونداد بن باوند است. تاریخ آن ۱۰۱۶/۴۰۷ است و تکمیل برج در ۱۰۲۰/۴۱۱ بوسیله‌ی احمد بن عمر صورت گرفت. این ساختمان دارای کتیبه‌ی جالبی است که به گفته‌ی «پوپ»: بسیار هنرمندانه نوشته شد ... از تمام کارهای تزئینی آن ماهرانه تر و استادانه تر طرز به هم پیچیدگی حروف عمودی است که به یکدیگر گره خورده و در بعضی قسمت‌ها بیش از حد در هم و پیچیده است.»^۱

۱- کتاب راهنمای شمال ایران ص ۱۴۶، فرخ غفاری، انتشارات سازمان جلب سیاحتان.

- (۱) تسلط بر برج رادکان در فاصله ۱۵ کیلومتر شمال شرقی روستای سرخ گریوه واقع است.
- (۲) اردوگاه‌های معروف به لشکر گاه یا نسر و امامزاده خوش انگور، رودخانه رباط گلدين
- (۳) خودنمایی تنگه حاجی کرد (حاجی کارد بقنه)
- (۴) جود حوضچه‌های طبیعی و آبشارهای متعدد در بعضی رودخانه‌ها جلوه دیگری به طبیعت داده که هر یک از حوضچه‌ها دارای ابعاد و اشکال مختلف و آبشارها با ارتفاع متفاوت
- (۵) همچنین پوشش انبوه و پر وسعت درختان سوزنی برگ جنگل ارس بند و دهها منابع و اثر دیگر تفاوت سیمای تپه‌ها و کوه‌ها بخش شمالی و جنوبی و برجستگی‌ها
- (۶) استخر طبیعی (اسطل شaram) و جمجمه پل چال (گل‌فشن)
- (۷) غار دیوخانه، غار لا بلا معروف به (سوراخ دار چکل)
- (۸) آبشارها: محل اتصال دورودخانه‌ی (دره‌ی عمیق) دره‌ی تنوره آسیاب با دو آبشار این سرزمین با گذرگاه‌های صعب العبور دیروز که به آسان‌ترین خطوط ارتباطی مبدل گشت دیار اندیشه‌های سرزمین مفرح و آرام بخش برای اوقات فراغت بود در این جلوگاه نقش بسته طبیعت نیاز به پژوهش و تحقیق همه جانبه دارد، گرچه بکر ماندن آن هنوز به عنوان جولان گاه کمیاب ترین گل‌ها، حیوانات، پرندگان، محسوب می‌شود. به علت ارزشمندی از آن به عنوان طبیعت پنهان با رازهای فاش و آشکار می‌توان یاد کرد. که هر یک از مسایل ذکر شده قابل تأمل و ژرف اندیشه‌ی دارد.
- با توجه به مسایل عنوان شده سرخ گریه به دلیل وجود آثار و ابنيه تاریخی، فرهنگی یکی از روستاهای کهن محسوب می‌شود در صورت احیاء و بازسازی این آثار زمینه جلب توریسم و سیاحان را فراهم خواهد نمود.
- از جمله بناهای قدیمی :
- ۱- ساختمان های علی قلی خان مسعودالملک دو واحد اندرونی، بیرونی.
 - ۲- ساختمان مظفرقلی خان طهماسبی یک واحد.
 - ۳- ساختمان محمد قلی خان مصباح هزارجریبی دو واحد اندرونی، بیرونی.
 - ۴- ساختمان عنایت الله خان (مسعود لشکر) مهدی خان مسعودی یک واحد.
 - ۵- کاروان سرای معروف به سر طویله. (محمد قلی خان مصباح نظام)
 - ۶- بناهای طرح قدیم یا خانه‌های عادی روستایی با شکل خاص و سنتی تعداد آنها در آبادی زیاد است.

پیشینه‌ی فرهنگی (دریچه‌ی علمی، فرهنگی، ادبی) :
وضع سواد در سرخ گریه :

هر چند این آبادی در یک نقطه دوردست و در دل کوه‌های بلند البرز شرقی استقرار داشت و کوتاه ترین فاصله تا شهر حدود ۹۵ کیلومتر (بهشهر) راه مالرو بوده و این خود می‌توانست یک مشکل اساسی در وضعیت سواد مردم بوده باشد. ولی به علل مختلف موقعیت خاص از جمله شخصیت‌های مذهبی، علمی، سیاسی، ادبی، هنری، و فرهنگی و ... این روزتا از اهمیت خاص وقابل توجه برخوردار بوده و هست و خواندن و نوشتن و کتابت متداول بوده با وجود این مسایل از مدارس قدیم (مکتب خانه‌ها) گرفته تا مدارس جدید که بیشتر مسایل نقل شده، عیان است و کمتر بیان.

استنادی از سال‌های ۱۳۱۶ هجری قمری مکتب خانه و کلاس درس وجود داشت. (آخوند- ملا)

استنادی از سال‌های ۱۳۱۲ هجری شمسی مدارس جدید و کلاس درس وجود داشت. (علم- آموزگار)

و کتابت و هنر خوش نویسی (اشعار و مرثیه سرایی) و حافظ خوانی و ... هم در عرض این سال شد که شایسته بیان است. نمونه در ضمایم کتاب به تصویر در می‌آید و نقش تحصیل و سواد آموزی آن روز سبب درخشش فرزندان امروز این دیار شد که اکنون جای بس افتخار و بالندگی ما و نیاکان ما را به دنبال خواهد داشت.

که آگاهی روح بلند و بیدار آنان از وضعیت علم و آگاهی و فرهنگ وارثان خود که امروز در سطوح مختلف با درجات بالای علمی و فنی و تخصصی در پست‌های حساس در کشور و در اقصا نقاط این سرزمین پهناور و حتی خارج از کشور ایران به عنوانی از جمله سفیر کبیر (علوم سیاسی) و دکترای در رشته‌های تخصصی از اساتید دانشگاه و مهندسی صنایع و معادن و فرهنگیان و دانش آموختگان در رشته‌های متنوع که نام و آمار ارقام این عزیزان خود فرصت و بحث جداگانه می‌طلبد که در حوصله این کتاب نمی‌گنجد.

واحد آموزشی:

تحصیل در روستا در گذشته های دور به صورت مکتب خانه متداول بوده و دبستان عادی در سال ۱۳۳۷ و از سال ۱۳۴۴ به صورت سپاهی دانش و بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی و با توجه به تعداد کم دانش آموزان، دبستان توسط یک آموزگار به صورت چند پایه اداره می شد.

لازم به ذکر است که بعد از انقلاب اسلامی یک واحد آموزشی سه کلاسه بنام:

آموزشگاه «شهید خانعلی منصوریان» توسط آموزش و پرورش شهرستان بهشهر احداث شد.

شايان ذكر است: آقاي فتح الله ملكى برنتى متولد ۱۳۰۰ متتصدى تعليمات متوضه‌ي آموزش و پرورش شهرستان بهشهر در گزارشى نوشته اند: «در سال ۱۳۴۴ يك سپاهی دانش با ۲۲ دانش آموز در روستای سرخ گريه مشغول خدمت بود. ۱۳۴۶/۲/۲۲ گزارش».

ضمناً معلمین و آموزگارانی که از روزگارهای بسیار گذشته در این روستا به خدمات آموزشی مشغول بودند می توان اشاره نمود.

سال تحصیلی	تعداد دانش آموزان	اسمايی معلمان
۴۸-۴۹	۲۲ نفر	خسرو قاسمی سپاهی آذربایجان
۵۰-۵۱	-	براتی سپاهی - درگز خراسان
۵۲-۵۴	-	حسین خلبانی کشیر خیل
۵۳-۵۴	-	بیژن فرسا گیلانی
۵۴-۵۵	۲۱ نفر	بیژن امینی رستمکلایی
۵۶-۵۷	۳۲ نفر	اصغر بابائی سارویی
۵۸-۵۹	۸ نفر	رحمت جمشیدی شهرمیری
۵۹-۶۰	-	محمد رضا شیریان بهشهر
۶۱-۶۲	۲۳ نفر	رشید خیر خواه - رسول ایمانزاده
۶۲-۶۳	-	محسن مداح بهشهر
۶۳-۶۵	۳۶ نفر	اسماعیل بابائی سارویی
۶۵-۶۶	۲۶ نفر	مبینی نکاء
۶۶-۶۷	-	صالحی زینوندی
۸۰-۸۴	۱۰-۱۱-۷ نفر	موسى الرضا کلاگر بندرگز
۸۴-۸۵	۴ نفر	بهنام کریم خانی - گلوگاهی
۸۵-۸۶	۴ نفر	زين العابدین یعقوبی خورشید کلاهی
۸۶-۸۷	-	-

(جدول آمار دانش آموزان و معلمان از سالهای ۴۸ تا ۸۶ روستای سرخ گریه)

قابل بیان است از سال های ۱۳۸۶ تا سال ۱۳۹۰ دانش آموز ندارد و آموزشگاه تعطیل است. و همچنین طبق اسناد موجود و دست نوشته های نمونه های از معلمان در گذشته های بسیار دور در سرخ گریه به پیوست.

- ۱- آخوند ملاهادی خلف آخوند ملاعی یزدی الاصل ساکن سرخ گریه
- ۲- آفاسید حسن خلف کهف الحاج حاجی میرقربان دامغانی
- ۳- شاعر نویسنده مرثیه سرا مشهور و معروف مظفر قلی خان طهماسبی سرخ گریه
- ۴- معلم رضا رضاییان زاده عوض آبادی (معروف به مدیر)
- ۵- آخوند کربلای ملا میرزا قدیر ذهبی سرخ گریه
- ۶- مرثیه سرا حافظ قرآن اذان گو معروف کربلایی محمد علی منصوریان.
- ۷- آخوند شیخ ملا محمد تقی حیرتی الارزی
- ۸- شیخ نعمت الله روزبهی
- ۹- ملا فضل الله ترابی - شاعر - در مرثیه سرایی و داستان گویی مهارت داشت.
- ۱۰- ملا محمد کاظم هزار جریبی
- ۱۱- ملا محمد صادق هزار جریبی
- ۱۲- حمزه خان مسعودی که در شاهنامه خوانی و نقد و نقل آن هنری خاص داشت.
- ۱۳- خانم کربلایی رقیه - معروف به شازده همسر علی قلی خان مسعود الملک هزار جریبی
- ۱۴- خانم باجی ملا آسیه

(اسناد پیوست نمونه های از هنر دست خط و نام نشان دانش آموزان معلمان یادشده) لازم به ذکر است که حضور آقای رضا رضاییان زاده (معروف به مدیر) در سرخ گریه داستان جالب و خواندنی دارد که شرح آن خود در حد یک کتابچه خواهد بود. شرح و تفسیر آن متناسفانه در این کتاب نمی گنجد.

سُلْطَانًا مَيْنَا إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدُّرَكِ أَكْأَسْفَلٍ مِّنَ
 النَّارِ وَلَنْ يَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا إِلَّا اللَّهُ بَيْنَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا
 بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ فَإِذَا لَمْ يَكُنْ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ
 وَسَوْفَ يُوَسِّيَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا مَا يَفْعَلُ الظَّالِمُونَ
 يُعَذِّبُهُمْ أَنْ شَرَّكُوكُمْ وَأَمْنَتُمْ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلَيْهِمَا

هَذِهِ الْكِبَرُ الْمُذَنَّبُ لِلْحَقِيقِ الْفَقِيرِ

مظفر قلی طهماسبی الیوم عشرون فی شهر شعبان

فی سنہ ثالث و سی تون و ثلریثہ مائے بعد الف
 من هجرۃ التویہ والمصطفویہ زوارہ سمع آسرد ڈرام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْوَافِقُ عَلَى الصُّدُورِ وَالْمُطْلَعُ عَلَى السَّرَّائِرِ

اَللّٰهُمَّ وَفِي عَيْنِي بَهْرَمٌ وَفِي عَيْنِي بَهْرَمٌ وَفِي عَيْنِي بَهْرَمٌ

آتَاهُنَّا بَهْرَمٌ وَهُنَّا بَهْرَمٌ وَهُنَّا بَهْرَمٌ

بَهْرَمٌ فِي هَذِهِ جَهَنَّمِ وَبَهْرَمٌ فِي هَذِهِ جَهَنَّمِ

دَشْتَهُ بَهْرَمٌ دَهْرَهُ بَهْرَمٌ دَهْرَهُ بَهْرَمٌ

وَهُنَّا بَهْرَمٌ وَهُنَّا بَهْرَمٌ وَهُنَّا بَهْرَمٌ

تَوْبَتْ آن سُونَارَمْ بَهْرَمَةَ دَهْرَهُ بَهْرَمَهُ دَهْرَهُ بَهْرَمَهُ

وَبَهْرَمَهُ دَهْرَهُ بَهْرَمَهُ دَهْرَهُ بَهْرَمَهُ دَهْرَهُ بَهْرَمَهُ

الْمُلْكُ بَهْرَمَهُ دَهْرَهُ بَهْرَمَهُ دَهْرَهُ بَهْرَمَهُ

بَهْرَمَهُ دَهْرَهُ بَهْرَمَهُ دَهْرَهُ بَهْرَمَهُ دَهْرَهُ بَهْرَمَهُ

۱۳۱۹

نَعْشَرُونَ شَرْصَفْرَزْ ثَوْرَ

مَوْلَى يَوْمَئِنَ الْمَكَدَّ بَيْنَ كُلَّا وَعَنْتَعَا فَلَيْلَةُ لَقَمْ جَرْجُون
 قَعْدَلَ يَوْمَئِنَ الْمَكَدَّ بَيْنَ قَلْذَأْفَتَلَ لَهَمْ لَكَعْنَ
 لَا يَرْكَعُونَ قَعْدَلَ يَوْمَئِنَ الْمَكَدَّ بَيْنَ طَبَاقَ
 حَلَقَبَثَ بَعْلَهُ يَوْمَئِنَ كَبَرْ سَبَرْ سَبَرْ

رحموم کهف العاج حاج طابی

میتوان خامعات ۱۳۱۶

بَحْبُوحَ زَمَشْ عَالِبَزْ فَضَيْلَرْ عَمَابْ أَخْزَرْ مَلَدْ حَمَرْ كَادَرْ خَرَبَرْ
 صَادَرَنَدْ اَسْوَارْ عَظِيمَرْ مَتْ بَغْلَاءَرْ
 الْمَهَرْ هَرَعَا لَزَفَ نَسَدَرْ دَمْ

نمونه دست خط آخوند ملا محمد هادي سرخ گریه

کتابت: سال ۱۳۱۷ قمری

فَنَاهِمْ عَالَمَيْ دَارَانِ دَارَانِ بَعْنَانِ دَارَانِ
وَزَرَعَ عَشَرَعَ مُهَذَّبَ دَارَانِ دَارَانِ
١٢١ / دَارَانِ دَارَانِ دَارَانِ دَارَانِ دَارَانِ دَارَانِ

ردیف	شاغردان	نام پدر	شاغردان	نام پدر
۱	اختر خانم	دختر مصباح نظام	طوبی خانم	دختر مصباح نظام
۲	احمد علی خان	پسر منصور السلطنه	عبدالله خان	پسر اسدالله خان
۳	اسحاق	پسر آقا محمد زمان	عبدالله	پسر کربلايی محمد علی
۴	ابران خانم	دختر مصباح نظام	عصمت خانم	دختر منصور السلطنه
۵	پهرام	پسر مهدی خان	علی محمد خان	پسر دایی احمد علی خان
۶	تقی خان	پسر مصباح نظام	غلام حسین	پسر مهدی
۷	جان علی	پسر زین العابدین	غلامعلی	پسر مظفر قلی خان
۸	جهان خانم	دختر مصباح نظام	قربان	پسر کربلايی محمد علی
۹	حاجی	پسر یحیی سابقی	محمد حسین	پسر کربلايی قدیر
۱۰	حسن خان	پسر مصباح نظام	محمد علی خان	پسر مصباح نظام محمد قلی
۱۱	حسین علی	پسر مظفرقلی خان طهماسبی	مبین	پسر محمد باقر
۱۲	رحمت	پسر حبیب خان	محمد	پسر کربلايی ولی الله
۱۳	زهرا خانم	دختر مصباح نظام	مسعودی (عنای (ت)	پسر مهدی خان
۱۴	سیف الله	پسر حبیب خان	مصطفی قلی	پسر مظفر قلی خان
۱۵	سیف الله	پسر عابدین	ملوک خانم	دختر مصباح نظام
۱۶	شفیع	پسر کربلايی محمود	میرزا علی	پسر یحیی سابقی
۱۷	شهربانو خانم	دختر منصور السلطنه	یعقوب	پسر محمد زمان
۱۸	طاهره خانم	دختر مصباح نظام	منوچهر خان	پسر جهانگیر خان تیموری

اسامی شاگردان مرحوم زنده یاد مدیر رضا رضائیان زاده (عوض آباد دامغان)

در سرخ گریه هزار جریب از مهر سال ۱۳۱۲ تا آخر شهریور ۱۳۱۷ به شرح زیر می باشد.

یک شخصیت فرهنگی :

این روستا دارای قدمت فرهنگی بسیار است از جمله شخصی بنام میرزا عباس نشاطی از اهالی دهکده‌ی سرخ گریه هزارجریب مازندران [است] و در حدود سال (۱۲۰۰ هـ) (۱۱۶۵ ش) [به نقل صاحب کتاب مکارم آثار میرزا محمد علی معلم حبیب آبادی اصفهانی] متولد شد و یکی از شعرای دربار محمد شاه قاجار بود و در قصیده و غزل استاد و در منقبت ائمه‌ی هدی^(۴) منظومات شیوایی دارد، در هجو گویی نیز ید طولایی داشته و مرحوم هدایت در مجمع الفصحا می‌نگارد که :

در آخر عمر از اهagi دست کشیده و توبه نمود. مشارالیه دریندو حال از مداحان منوچهر معتمدالدوله که از رجال عهد فتحعلی شاه و محمد شاه قاجار بوده و منوچهر خان به خرج خودش دیوان وی را به چاپ خانه سنگی دارالخلافه تهران ظاهرا در سال ۱۲۴۴ هـ. ق به چاپ رساند. مرحوم اعتمادالسلطنه در جلد سوم کتاب منظظم ناصری وفات نشاطی خان را در سال ۱۲۶۲ هجری قمری ثبت کرده است.^۱

واحدهای بهداشتی درمانی :

نخستین درمانگاه خانه بهداشت در سال ۱۳۴۴-۴۵ در سرخ گریه شروع به کار کرد و در منزل مسکونی خان بابا خان هزارجریبی در ساختمان بیرونی ایشان که فعلًاً محمد رضا خان هزارجریبی در آن سکونت دارند.

شایان بیان است: عزیزانی که قبلًاً منشا خدمات رسانی در خانه بهداشت سرخ گریه بودند.

- ۱- مشهدی الله کلیایی
- ۲- خانم حاجیه رحیمه اصغری
- ۳- خانم انسیه روز بان

۱- تاریخ ادبیات مازندران، ص، ۶۴۸، تویینده، سید محمد طاهر شهاب.

سپاهیان بهداشت :

اسامی سپاهیان بهداشت که از سال های ذکر شده که نام بعضی ها در ذهن مانده عبارتند از :
 ۱. هاشم مختاری شیروانی ۲. علیرضا چینی زاده ۳. سعید سعیدی ۴. محمد کاظم (اسفنا)
 افسینی ۵. ارزانی ۶. ایرج طبرستانی ، مهدی قاسمی مطلق و ...

این روستا در قبل از انقلاب اسلامی دارای یک واحد درمانگاه بوده که زیر نظر بهداری استان سمنان جهت بهبود امور دارو و درمان بیماران منطقه توسط سپاهیان بهداشت اداره می شد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، توسط استان مذکور یک واحد دیگر درمانگاه در این منطقه احداث گردیده که اکنون سال هاست که این درمانگاه زیر نظر بهداری استان مازندران می باشد

در این بخش لازم است تا از پزشکانی که در دوره های قبل از انقلاب اسلامی به عنوان سپاهیان بهداشت و درمان در این روستا خدمات پزشکی را ارائه می دادند نامی از آن ها به میان آید از جمله این بزرگان می توان از آقایان :

دکتر چنگیز قبادی بابلی	دکتر افتخاری - شاهرودی
دکتر محمد علی معزّی - علی آباد گرگان	دکتر زین العابدین براتی - زنجانی - احداث منبع چشممه سرتیپ
دکتر برادران - مشهدی	دکتر کاظم همتی - تهرانی
-	دکتر فروهر مُبَشّری - بالا جاده ی گرگان
دکتر مجیدی	دکتر حسین بشیر
	دکتر اقبال
	دکتر البرت

بعد از آن ها پزشکان از کشورهای شرق آسیا هم چون فیلیپین - هند، پاکستان در سرخ گریه مشغول خدمت بودند که اطلاعات از نام آنها موجود نیست.

در حال حاضر دو بهورز که سال ها در خانه بهداشت سرخ گریه و مردم آبادی خدمت رسانی می کردند :

- ۱- آقای قربان ترابی سرخ گریه
- ۲- خانم اقدس هاشمی سرخ گریه

بهداشت

وزارت بهداشت
سازمان پیوهنده بهداشت

پایه

سینه ازمه زیل ماست تا به کوکاکا دل را بگشود

رد تاریخ ۱۳۷۴/۰۶/۰۲ دلاوری استان تهران

تیرندیشی ساخته شد تیرندیشی ساخته شد

مکتوب شد و مصدق شد

سرخ ۱۰۵/۴

بر این ابودمیر
سینه ی مصادر حرد و طرد مصدرا بر این ابودمیر
در را لک و تریه را حکم را بر این سب عصر

متن نمونه‌ی همیاری مردم سرخ گریه جهت ساخت درمانگاه
(خانه‌ی بهداشت و لوله کشی آب آشامیدنی)

بخش هفتم

سیمای اقتصادی

مزارع مراتع

دامداری دامپروری

صنعت و هنر

تبرستان

www.tabarestan.info

سیمای اقتصادی :

مرا תע و وسعت آن :

«مرتع زمینی است اعم از کوه، دشت که در فصل چرا دارای پوششی از نباتات علوفه ای خود رو باشد. به عبارت دیگر به مناطقی اطلاق می گردد که امکان فعالیت کشاورزی مفید در آن نیست ولیکن به جهت برخورداری از پوشش گیاهی مناسب برای چرای دامها بسیار مفید است بنابراین مراتع فضایی از روستا است که به علی امکان کشاورزی در آن وجود ندارد یا مقرنون به صرفه نیست.»^۱

مرا تع در این منطقه به صورت چمنزار در ارتفاعات و جنگل های سوزنی برگ گسترش داشته و در فصل بهار و تابستان مورد استفاده دامداران قرار می گیرد. او وسعت گسترده برخوردار بوده و از نظر اقتصادی و پرورش دام از جایگاه و اهمیت ویژه ای بهره مند است. مراتع این منطقه با توجه به اهمیت هر یک از آن ها در تیپ مراتع متوسط و خوب می باشد.

مزارع و مراتع این منطقه عبارتند از :

۱- مرتع حاجی کرد (کارد) :

این منطقه (مرتع) در فاصله ۱۲ کیلومتری جنوب روستای واقع گردیده است مساحت تقریبی آن ۵۶۵ هکتار چراگاه تابستانه مناسب برای دامها می باشد. مدت تعییف آن حدود ۱۰۰ روز است و تعداد دام مجاز به تعییف در این مرتع ۱۲۰۰ راس تعیین شده است.

۲- مرز عه و مرتع بُزنسام :

این مرتع و مزرعه در بخش جنوبی روستا در فاصله ۱۰ کیلومتری روستا واقع گردیده و مساحت تقریبی آن ۹۴۰ هکتار می باشد در ارتفاع ۲۵۰۰ متری از سطح دریا قرار دارد. دارای چشمه های طبیعی و پوشش گیاهی متنوع می باشد. که همین امر بر تنوع آن افزوده است.

۱- جغرافیای روستایی ایران ص ۱۷۶، مسعود مهدوی حاجیلوی.

۳- مرتع میان بند :

این مرتع در بخش جنوب شرقی روستا در فاصله ۱۲ کیلومتری قرار دارد. مساحت تقریبی ۷۶۰ هکتار در ارتفاع ۲۴۰۰ متری از سطح دریا قرار دارد چراگاه مناسبی در طول تابستان برای تعییف دام است که آخرین مرتع حوزه استحفاظی اداره کل منابع طبیعی استان مازندران است.

۴- مزرعه و مرتع تیرپرو :

این مرتع در بخش جنوب غربی در فاصله ۵ کیلومتری روستا واقع شده مساحت تقریبی آن ۳۵۰ هکتار می باشد که جاده خاکی بین مزارع از وسط آن عبور می کند. اکثر زمین‌ها در این مرتع زیر کشت می باشد.

۵- مزرعه و مرتع هشت پدر (هش پی یو) :

واقع در جنوب شرقی روستا در فاصله ۳ کیلومتری با مساحت تقریبی ۴۰۰ هکتار در ارتفاع ۲۳۰۰ متری از سطح دریا قرار دارد که از پوشش گیاهی بسیار سرشار و متنوع برخوردار است تعداد دام که در این منطقه تعییف می کنند حدود ۱۵۰۰ راس می باشد.

۶- مزرعه و مرتع لوکرد:

این مرتع در ناحیه غرب روستا و متصل به آن است از اهمیت شایانی برخوردار می باشد در بخش کوهپایه فاقد جنگل، و در بخش بالای ارتفاعات دارای پوشش جنگل با درختان متنوع می باشد این مرتع به جهت چرای دامهای محلی اختصاص دارد. این مزرعه در ارتفاع ۲۵۴۰ متری از سطح دریا قرار دارد.

۷- مزرعه و مرتع شاهرام (شاه دام):

در قسمت جنوب و جنوب غربی در فاصله ۷ کیلومتری واقع می باشد از مراعتی است که از اهمیت اقتصادی خاصی برای روستا برخوردار است و نیز این مرتع علاوه بر زمین‌های مزروعی گسترده، به جهت داشتن چشمه‌های پر آب و فراوان، فراز و نشیب‌های مناسب، چشم اندازهای طبیعی، از جمله مراعتی است که اغلب دامداران کوچ نشین جلگه‌های مازندران مشتاق آن هستند این مرتع دارای مرداب و استخر طبیعی (اسطل شارام) که آب آن راکد می باشد و با مساحت تقریبی ۴۰۰۰ مترمربع در قلب این منطقه واقع شده است. مساحت تقریبی ۸۰۰ هکتار است.

۸- مزرعه و مرتع بالا خیل و خطیر خیل :

مرا تع فوق در ناحیه شرقی روستا و متصل به روستا می باشد . به جهت چشمه های طبیعی سرشار و فراوان از ویژگی خاص بهره مند است که بیشتر مورد استفاده دام های بومی می باشد.

در منتهی الیه شرقی مراتع بالا خیل و خطیر خیل منطقه‌ی معروف به ارس بند که از پوشش گیاهی سوزنی برگان طبیعی لور، ارس، برخوردار است. که این منطقه به عنوان مرتع مشجر مورد بهره برداری قرار می گیرد.

شرح و توصیف مرتع سیستان و گهواره کوه و اسبه چشمه و ... ذکر توضیح آنان در این کتاب مجال نیست.

واحد های دامی :

«واحد های دامی عبارت است از یک میش (گوسفند) بالغ به وزن تقریبی از ۳۰ تا ۳۵ کیلوگرم که وزن کمتر از این جز واحد دامی نبوده» بنابراین بره های همراه مادر کمتر از وزن گفته شده جز آمار به حساب نمی آید. می توان نتیجه گرفت که تقریباً دو برابر آمار دام در این مراتع تعییف می شوند باید قبول کرد که هیچ یک از آمارهای داده شده بنا به شرایط و مصلحت کار کاملاً درست و دقیق نیست. مجموعاً دامهای بومی در این منطقه به طور تقریبی ده الی دوازده هزار (۱۲/۰۰۰ الی ۱۰/۰۰۰) می باشد که یک نمونه از آمارگیری به قرار زیر است.

نوع دام در مراتع گفته شده (حاجی کرد) تعداد دام مجاز به تعییف به واحد دامی ۱/۲۰۰ راس می باشد. در صورتی که دام مورد بازدید ۱/۴۷۸ راس اعلام شده که رقم واقعی بیش از اینها بوده و اکثرآ چراهای بی رویه موجب تخریب مراتع را به دنبال دارد.^۱

۱- اداره کل منابع طبیعی منطقه ساری ، سال ۱۳۶۹.

مساحت تقریبی مزارع ومراتع ذکر شده از اداره منابع طبیعی شهرستان بهشهر

سیستم دامداری :

دامداری و دامپروری :

«دومین رکن پر اهمیت اقتصادی روستایی و مکمل کشاورزی، دامپروری است.» شیوه مرسوم دامداری در منطقه به صورت سنتی است.

تنوع آب و هوا، گستردگی مراعع، کوهستانی بودن منطقه از عوامل عمدۀ ای است، که این منطقه را برای رشد و گسترش دامداری از سایر مناطق ممتاز نموده است.

اگر چه اغلب دامداران بر حسب تغییرات فصل به این منطقه برای یافتن چراگاه مناسب رفت و آمد (بیلاق و قشلاق) می‌کنند، اما بخش دیگر از دامها در طول ایام سال در روستا باقیمانده و در فصل زمستان به صورت متتمرکز نگهداری می‌شوند.

هر چند دامداری در این منطقه یکی از عمدۀ تربین کارهای تولیدی و اقتصادی است، اگر با توجه به امکانات و استعداد طبیعی و ذاتی منطقه با شیوه های علمی توأم گردد. بی گمان تأثیری به سزا در کیفیت و کمیت دام از یک سو به و منافع بیشتری را از سوی دیگر در پی خواهد داشت.

سال	چوبان	گوسفند و بز	گاو	اسپ و الاغ
۱۳۵۴	۲۴	۳۴۰۰	۴۰۰	۶۰
۱۳۶۴	۱۴	۲۵۰۰	۷۰	۲۰
۱۳۷۴	۶	۱۳۰۰	۱۲	۳
۱۳۸۴	۱۵	۲۰۰۰	۱۰	۸
۱۳۹۰	۵	۱۰۰۰	۶	۸

جدول آمار احشام روستای سرخ گریه در چهار دهه اخیر

نام و نشان مزارع، مراتع، زمین‌ها در سرخ گریه :

در زیر نام و نشان مزارع و مراتع زمین‌های سرخ گریه به ترتیب حروف الفبا ذکر می‌شود.

الف : اسبه خانی، اسبه چشمه، اسبه گردنه، اسفند جاری، ارس بند، اربیت، آجائاله، اسطل شارام، آهک کوره سری، الاردین کاش، امامزاده شاهرخ، اطاق پیش، النگ دله، اسبه تکه (نوک لا به لا)، اکبرسوته

ب: بالا خل، بالاتاور، بالا کهورز، بالا چشمه سر، بالا شارام، بالا سامان سر، بالا کروچ، بزنسام، بند سر، بشکسته کمر، بالا خل لنگه، بالا سوته.

پ: پهلوان دوگ (دوک)، پلرد، پل چال، پلده، پیاز چال (فیاض چال)، پیته نو کوه، پایین سامان سر، پایین تاور، پایین کهورز، پایین شارام، پایین کروچ، پایین چشمه سر، پائین سوته.

ت: تیر پرو، تلکابنی، تنگه زمین دله، تیر پرو دنباله، تیر پرو گردنه، تاور، تل سه جاری، تقی وزدان، تنوره (بالا کثوزر) تیرپرو دره په، تلپا جاری، توران خانم چشممه سر.

ج: جرینگ برینگ چشممه سر، جفری چشممه سر، جفری آپه

چ: چهار تیکه، چمچمی، چفت کافه، چال زمین، چکل سر، چکلک پشت.

ح: حاجی کارد، حاجی کارد تنگه، حاج آباد النگ، حاج محمد چفت مالش (هلي چشممه) حاج حسینعلی شان بالاچفت، حاج حسینعلی شان پایین چفت.

خ: خطیر خیل (خطر خل)، خوکالی، خوکالی اخباره سر، خوکالی خرابه، خوکالی گردنه سر، خوکالی لنگه، خاش انگور، خورده سوته، خر تنگ دره، خرس دره، خادپته، خانه سری، خزن دلو، خوکالی خزه کش، خوکالی دره، خشک جاری (خوکالی)، خورد دوزدم.

د: درازگاله، دب خانه چکل، دمبه، دنباله، دک زمین، دُزدم پیش، دره تکه، دک زمین.

ر: رف بن، رواکالی، رمه خاصه، رو واردیم.

ز: زکی دره، زنگال روبار.

س: سرتیپ چشممه، سنگ نو، سازیل چشممه، سنگ چشممه، سلمان بند، سنگ مخ، سه تا

سنگ، سر تختنه، سامان سر چشممه، سیاه خانی، سیستان، سوراخ دار چکل، سرهنگ کوره سری، سه تا چال (پایین تاور)، سرخسی زمین (ول کوبا)

ش: شارام، شارام لنگه، شتر خاصه، شارام استل.(کادواستل)

ص: صفر دُزدم (گت دُزدم) بِتَ (بی بن)

ط: طاموزی، طلاپا جاری.

غ: غلام پشت راه (نسام)، غلامعلی کاش، غلامعلی قوق خرچرا (خر تنگ دره)

ف: فک بن، فک بند چشممه، فک بن چشممه دره په.

ق: قال دین روبار (گلدين روبار) قبرستان پشت، قزول چشمه، قبرستان بالا خل، قبرستان گره کوه، قبرستان کهنه کلیا، قبرستان پیاز چال اسبه گردن، قبرستان سامان سر، قبرستان سرتیپ چشمه رق پشت.

ک: کله پچ، کف کالی، کلیا گردن، کول بن، کهنه کلیا، (کال کت دنباله) کافر مدان، کارد کاش، کل نقی پل، کیف گت سنگ، کادو استل، کات ماتی بند، کفتر خاصه، کپور چال (نیر پرو)، کهورز بالا، کهورز پایین، کل زیور چشمه سر، کل ولی ا... چشمه سر، کل عباس کشه (کل واس کشه)، کنگل چشمه، کلیاء سوته.

گ: گت هامند، گهره کوه، گو بندان بند، گت سوته، گت هلی دار، گت کاندس دار، گلنده، گت لت، گاندله دار، گوسفند سورته.

ل: لوکرد، لابه لا، لوکرد النگ، لاک هامند (سیاه خانی).

م: مهد قالی سوته (مهردی قلی سوته دره په)، مصطفی چاله، موزی بن چشمه سر، موزی گاله، مغز کره، معصومزاده پیش، مشتی خاصه، مم صادق (محمدصادقی)، میان بند.

ن: نسام زمین دله، ننسنی، نظر چشمه سر، نوده پلرد، نمک لسه، نورا تنگه (ول کوپال) نوروز علی خرس چفت سر (بالا دمبه کش)، نوروز علی خرس پایین چفت (سلمان بند).

و: واموزی، ول کوپال (آهک کوره سری)، ون چال، وره قارق، وزمه، وخم زمین، واموزی چهار راه، وسیه برده.

ه: هلی چشمه، هود دره بغل، هشت پی بیر.

ی: یاریان کش، یعقوب بنه سری.

ضرورت دارد که در گفتگو با برخی از بزرگان (پیران، سالخوردگان) آب و خاک ما هنوز در باور آنان مطالبی به یاد ماندی و آنها این مسایل سینه به سینه نقل می کنند. و برای فرداهای فرزندان ما مجھول نماند اشاره ای کوتاه و مختصر داریم.

نام چند مکان در مزارع و مراتع سرخ گریه معروف و مشهور به این نام هاست :

۱- نقل و داستان و ماجراهی مشتی خاسه که در جای خود بیان کردیم.

۲- الاردين کاش (الاردين گش) می گویند این ناحیه جنگ شد گورستان و قبرستان های وجود دارد البته الارد نام یکی از سرداران معروف رومی در تاریخ به حساب می آید این مکان فاصله‌ی ۱۵۰۰ متری روستای سرخ گریه واقع است.

۳- پیاز چال (فیاض چال) نام مکان و گورستان بسیار قدیمی و بزرگ در ۵ کیلومتری جنوب سرخ گریه اسبه گردن (سپید گردن). در صورتی که در باور مردم ما فیاض چال جنگ در گرفت و سردار فیاض در این جنگ شکست خورد و تعداد زیادی از یارانش در این نقطه دفن شده و نقل می کنند خود فیاض در این گورستان دفن شده.

صنعت، صنایع دستی:

پیدایش صنایع در روستا ها از اصل، خود مصرفی و اتکا آن ها به اقتصاد داخلی خود سرچشم می گرفته و رونق آن به دلیل عدم توانایی روستا در تهیه آن ها از خارج بوده است. صنایع روستایی معمولاً تابع شرایط جغرافیایی و نوع معیشت روستاییان می باشد و طبیعت و دام بیشترین مواد اولیه این صنایع را در اختیار آنان می گذارد. اما لازم به ذکر است که سال های نه چندان دور با ایجاد رابطه بین شهر و ده تحت تأثیر مصنوعات شهری قرار گرفت و تدریجیاً راه زوال را پیموده در کارگاه های کوچک و خانگی (کار چال) اشیایی مثل چوخا، جاجیم، پاییج، جوراب پشمی، چادر شب و دستکش و کلاه های پشمی و انواع رسیمان، خورجین، جوال، وnde و ابزار یراق اسب تهیه می شد. که فعلاً هیچ مورد در روستای مورد نظر انجام نمی گیرد. جای تأسف است، که وسایل کارگاه و ابزار صنایع به علت قدیمی شدن سوزانده، به ته دره یا فروخته و خلاصه در پشت بامها برای همیشه بایگانی شده است.

صنعت آهک پزی و تهیه زغال، آسیاب آبی:

البته گذشته از صنایع دستی مرسوم در روستا صنایع دیگر که جهت درآمد و مصارف خود و حتی گاهی اوقات مازاد تولید جهت فروش به روستا های نمکه، تویه، چهار ده، دامغان انجام می شد.

- ۱- کوره های آهک پزی در نسام (دامنه شمالی کبود ریز پایین)
- ۲- کوره های آهک پزی در ول کوپا (دامنه شمالی کبود ریز بالا) قرار داشت.
برای مثال مشت اصغر اهک کوره سری، سرهنگ کوره سری و ...

کوره های تهیه زغال :

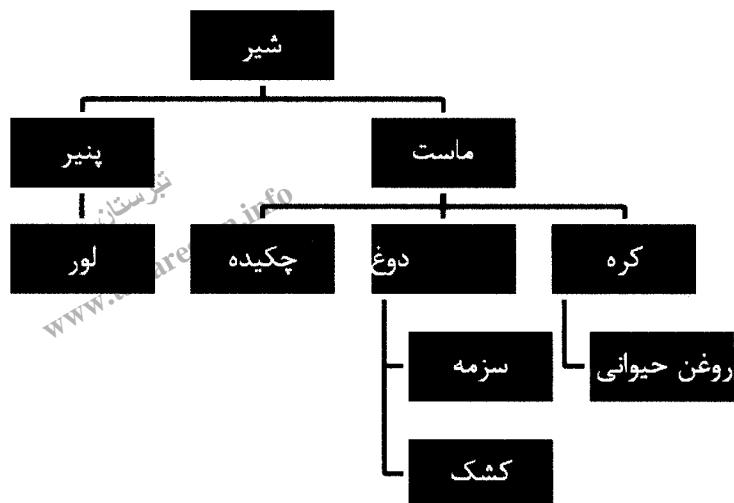
تعدادی از کوره های تهیه زغال در آبادی در جنگل و مراتع سرخ گریه وجود داشت. این صنعت هم روزی روزگاری از رونق خاص برخوردار بوده و یکی از منابع راههای درآمد مردم آبادی بود.

آسیاب آبی :

آسیاب آبی برای تهیه آرد یک کارگاه کوچک محلی که مالکیت آن حاج علی رضا حیدری بود. (دره تکه) در آبادی در گذشته وجود داشت.

تولیدات دامی :

تولیدات دامی یا فراورده های لبنی عبارتند از :
از گوشت، پوست، پشم، شیر، ماست، سرشیر (خامه)، گره، آرشه، رشه (آغوز)، دوغ، سزمه، سجرأ (سه جرأ)، چکیده، لور، پنیر و کشک می باشد.



نمودار مواد لبنی تهیه شده از شیر در منطقه سرخ گریه

وازگان مربوط به حیوانات، دام و دامداری :

بنه (کومه) : جایگاهی برای استراحت و استقرار شبانان

کروچ (کروچ) : قسمتی از تأسیسات چفت، پر، کرس

ارچ (پر، کرس و چپر) : عرصه محصور شده به منظور استراحت و امنیت و نگهداری دام در روز و شب ولی موقعی است.

دامبَره (دامبره سر) : مکان دوشیدن شیر مخصوص گوسفندان.

لسه (لیسه) : جایگاهی با پوشش صخره ها و تخته سنگ های صاف و هموار و یا شیب دار برای نمک دادن به گله در بیلاق.

آخره (آبشخور) : مکانی به صورت چشمه در شیب زمین به طوری که ردیف کندن چاله که مقدار آب از چشمeh به صورت متوالی حفر می کنند. دام ها از آب آن در زمان های مختلف استفاده می کنند.

کله کش (کل کش) : راهی که متعدد و معمولاً موازی در زمین ها و دامنه ها و تپه های مسیر دام ها شکل خاصی پیدا می کند در عبور و مرور زیاد گله در مزارع و مراتع ایجاد می گردد.

شله : زمینی پست و آب گرفتگی همیشگی به عنوان شله که معمولاً بسیار مرطوب و زمین به حالت لرزان است.

النگ : سرزمینی صاف و هموار با پوشش کامل از چمن و مرطوب را گویند.

شپری : مکان هایی با پوشش درختچه های انبوه و علف بوده و چراگاهی برای حیوانات وحش و همچنین برای دام هاست.

گت مال دار : دامدارانی که تعداد دام های زیاد در اختیار دارند.

چکنه دار: کسانی که تعداد کم دام دارند.

بال آمدن : کنار هم قرار گرفتن دو دسته از رمه در یک زمان و مکان در این زمان معمولاً دریافت غذای روزانه یا رد کردن دام هایی که تصادفاً یا اشتباهی در رمه قاطی شده یا دام شیر دار از بی شیر، بره دار از بی بره، سوا می شود یا رد بدل می گردد.

نمونه هایی از رنگ، سن و سال و اسمی گوسفندان :

برای سین دامهای مثل بز و گوسفند از اصطلاح عرفی مرسوم زیر در محل استفاده می کنند :
نر : گوسفند نر.

میش : گوسفند ماده.

بز : بز کل (بز نر) بز ماده.

پاییز کاه : گوسفندی که در اوایل پاییز یا اواخر شهریور زایمان کند. به بره پاییز کاه می گویند.

تقالی : بره شش تا دوازده ماهه را گویند.

شیشک : بره دوازده تا هجده ماهه را گویند.

دولی (وازا) : بره ای که زمستان زاییده و این زمان مناسب از نظر دامداران نیست.

رنگ گوسفند : شوا، شیه، شیه کار، قشقه، قشقه کار، شالی، شالی کار، ششقه، نشان، نشان کار، سیا، سیا کار، بوراق، بوراق کار، ابلق، ابلق کار، جلمه، کنوکار و ...
کر، کار، دغ : برای فرم رنگ و سر دام به کار می رود.

لنگ کال : دامی که دست یا پایش لنگ است. در ضمن شخصی به عنوان لنگال وان : مسؤول حفاظت این دامهاست.

واز مار : به دام های که هنگام چرا بره ها همراه آنان هستند و مسؤول حفاظت از آن ها را وازمار وان می گویند.

پیر مش : دام پیر و سالخورده (پیر مش وان).

شیر گر : دام آبستن را گویند.

ئیرم : دامی که بعد از زایمان به بره اش به حالت طبیعی شیر نمی دهد.

قسر : دامی که به طور طبیعی زایمان نمی کند (نازاست).

قارق : علفزار و زمین قرق شده و دست نخورده.

رمه : به تعداد یا دسته های زیاد دام را گویند.

مختاباد : افرادی که همراه گوسفندان در یک مکان به نام کومه یا آرام یا بنه، بسر می برند و مسؤولیت حفاظت و سیاست همه جانبه برای آن دسته از دامداران که در یک فصل را در یک مرتع زیست می کنند به عهده می گیرند برای غذا و برای مرخصی نوبتی و مسیر چرای دام و ده ها کار دیگر که در این مقوله نمی گنجد به عهده اوست مختاباد گویند.

نمونه های از بیماری های دامی یا گوسفندان : سیاه زخم (شاریون)، طبقه (تب برفکی) مالیک (کپلک) و کله باد (جیکابزه)، پیچ و سرخ باد و ...

گوشه ای از وسایل مورد نیاز یک چوپان :

چرم، پاتو، ساق پیچ، لم چوقا، چمتا، داس(دره)، چوبدست، تیلاق، قرماق، قراچه، میش بند، فلاخن، (کال سنگ) رمه وان، وازماروان، وره وان، خاشک وان، زاوان، لنکال وان، پیر مش وان.

ورمکار : تعداد زیادی از دامداران که هر یک به تناسب تعداد دام در یک مرتع بیلاقی به سر می بروند دامها را در یک جا تحت یک مکان اداره می کنند و در هزینه و موارد دیگر نسبت به تعداد دام تصمیم می گیرند.

تکو : به بچه های کوچک و نوجوان همراه چوپانان میان سال و بزرگ سال را گویند. (قراری)

بز را معمولاً به رنگ صدا می زنند :

کاریس (رنگ طلایی) : قشقه، مری، سیا تیر گوش، چهبش، رَش، سیاکاریس.

بور(به رنگ زرد طلایی) : ماهرو، سمند و ...

بزه چپش (چهبش) : بز جوان زایمان نکرده (بکر).

بزکیار : بز جوان نزائیده و جوان (بکر).

آش : کلمه ای که دامدار با به کار گیری آن از حرکت بز جلوگیری می کند.

جَه جَه : کلمه ای که بز با شنیدن این صدا توسط دامدار جمع می شوند.

«لازم به ذکر است حدود مراتع در عرف محل معمولاً یکی از پدیده های چشمگیر در خود طبیعت می باشد مثل : کوه، صخره ها سنگی، کول (یال - لت) رق (خط الرس آبریز) و برآمدگی های بادیوارهای سنگی و صخره ای و دره ها و رو دخانه ها و ... مشخص می گردد.»

«بُز را معمولاً از نظر سن بِر می نامند، یک بِر (یک بهار) یک ساله، دِبَر (دو بهار) دو ساله و ...

معمولًا بز در گله جلو دار و آشنا به مسیر و هدایت کننده در رمه است.»

گاو :

گاو معمولاً سن گاوها را از طریق عنوانی به بهار می سنجند (یک بهار - دو بهار - و ...).

ورزا : گاو نر، گاو کاری.

ماده گو : گاو ماده شیرده.

مارشو : گوساله یکساله شیرخوار را گویند.

ترسکا (تلیسه) : گاو ماده زایمان نکرده.

جوندکا (جندکا) : گاو نر جوان تخمی را گویند.

گوک پی یر : گاو نر بزرگ که در میان گله گاوها از همه سر تر و قوی تر است.

تیشک : گوساله یک تا دوساله را گویند.

تیلم : گاو آبستن آماده زاییدن را گویند.

حالمه : گاو ماده که گوساله ندارد.

حالمه مار : گاوی که تازه زاییده باشد.

دمس : گوساله ای که دیگر از شیر مادر استفاده نمی کند.

کانده مار : گاوی که گوساله چندماهه دارد. و شیرش کم می گردد.

رنگ گاوها مرسوم :

سیل، زرین، کچل، بلی، رش، سیا ابلق، ماهرو، سیاناز، سیا کچل، گال دیم، گال دم،

گلنار، کثو(کهو)، گال پا، رش ناز و ...

نمونه ای از وسائلی که با این دام سرو کار دارند :

کندل (تلیم) : ظرف مخصوص استوانه ای از تن چوب می تراشند و برای جدا کردن کره و دوغ از ماست.

گادوش : ظرف مخصوص برای دوشیدن شیر (مسی، چوبی)

نو : ظرف بزرگ چوبی ساخته شده از تنه درخت که در آن شیر را به ماست تبدیل می کنند.

وسائل چوبی همچون :

جوله ، کچه لس، لاک، شیردان و ... که توضیح آنان در اینجا نمی گنجد.

اسب :

سن و سال این حیوان را از طریق چگونگی دندان‌هایش تشخیص می‌دهند. شنیده اید که معروف است که اسب پیشکش شده دندانش را نمی‌شمارند.

راه رفتن اسب : یرقه، یرش، لوك، دونگ و سونک، چهار پاشنه (یاشش پلاش) چهار نعل، قدم (معمولی).

یابو : اسب نر

مادیان : اسب ماده

قادصراق : اسب جوان ماده که هنوز کره ای نزاییده است (بکر)

یابوکاره (کره) : اسب جوان نر که به بلوغ جنسی نرسیده است.

نمونه ای از وسایل و ابزار یراق اسب :

جوال، خورجین (خارجین)، توبره (توره)، افسار (أسار)، رونکی، پولکی، سینه بند، دم بنی، پالان، پشتی، تنگ، زین، رکاب، تنگ و ریسمان، ریسمان کشی، باربند، یاسه، نال (نعل)، پیخ، انبر، سم تراش، میخ طویله، گردنبند، مریکا، غمتر، زنجیر شلاق، ابروگیرو ...

رنگ اسب‌ها :

قیر (قیل) : رنگ سیاه یا تیره.

سمن (سمند) : رنگ نقره ای ابری.

قزل (غیزل) : رنگ سفید.

کهر : سرخ قهوه ای تا نارنجی.

آل : رنگ سرخ صورتی.

بور (ابلق، ابرش) : رنگ سیاه و سفید و خال خالی.

صفات اسب :

این گونه شنیده ایم که گفتند : اسبی که :

دو پایش سفید و یکی دست راست به قیمت نیزد به یک کوزه ماست

دو پایش سفید و یکی دست چپ که دلدل نشان است و عالی نسب

شايان ذكر است که دولدل نام اسب شاه نجف امير مؤمنان مولى على^(ع) بوده که در مورد رنگ اين اسب گفته اند سمند بوده است. افسانه اي در محل مرسوم است که سال خوردهگان و پيران ما سرودهای عارفانه همچون اميری حقانی می خوانند که دو بيت از آن را به عنوان نمونه می آوريم :

بیا اسب سمند یرقال به یرقال^۱ اُسار ته چرمی و تنگ ته برقال

اگر إمشو مرا رسانی به يار ته کاه و جو بخور من بوسه‌ی يار

این بيان به صورت نقل يا داستان که هنوز پيران ما برای ما بازگو و نقل و نقد می کنند در باور مردم ما است و نمونه اي از اين اشعار را گاه گاه در خلوت خود يا در محل کار و ... زمزمه و به آن دل خوش می کنند.

داع (نشانه گذاري) :

مرسوم است با وسائلی یا ابزاری فلزی مخصوص تحت عنوان داغی(داقی) جهت نشانه گذاری و مجزا سازی دام، گوسفند، بز، گاو، اسب به قسمت‌های گوناگونی از بدن این حیوانات با این فلز داغ به چهره، پشت بینی، سمت چپ یا راست صورت، علامت مخصوص دامدار حک می شود. اسب و گاو کنار سرین (کفل) و کش (پهلو) علامت گذاری می کردد که اين کار بی دليل نبود و بهترین و گویا ترین سند برای دامداران ما بوده است و هنوز مرسوم است. لازم به ذکر است در سال‌های اخیر در گاوداری‌های مدرن صنعتی حتی گاوهای خارجی را با عدد در پهلو نشانه گذاری می کنند.

۱- برقال (منظور چرم مخصوص کشور بلغارستان)، این قطعه شعر داستانی دارد :

در باورهای مردم این دیار که عارفانه و عاشقانه است که در اینجا نمی گنجد.

سمند رنگ اسب شاه نجف امير المؤمنین مولای متقيان است و شخصی که سوار بر ترک یا پشت اسب امام نشست، حیدر بیک یکی از سرداران معروف ایران در گذشته دور که عاشق دختر شیرازی به نام صنمیر دختر پادشاه آن زمان شد که این شعر را آن سردار برای هر چه سریعتر رسیدن به مشوق خود، همراه امام سرود.

تبرستان

www.tabarestan.info

بخش هشتم

تاسیسات اقتصادی
فعالیت های عمرانی
زراعت
کشاورزی

تبرستان

www.tabarestan.info

تأسیسات اقتصادی، راه های، فعالیت های عمرانی راهها (خطوط ارتباطی) :

مسیری که مسافر و کالا در امتداد ان جابه جا می گردد، راه گفته می شود. نظر به اهمیت راه در گسترش پیشرفت فعالیت های اقتصادی و نهایتاً تاثیر آن بر رشد جامعه می توان گفت:

نقش راه در یک جامعه همانند نقش عروق در بدن انسان برای جابه جایی است. اگر قرار می شد که جاده های ارتباطی در کار نباشد، بشر امروزی قادر به این همه رشد و تکامل نبود و از انجام بدیهی ترین امور باز می ماند. گسترش و ارتباط راهها به عنوان مبنای پیشرفت و توسعه همواره مدل نظر، نظریه پردازان اقتصادی بوده است.

توسعه شبکه راه های روستایی و نهایتاً ارتباط آن به شهرها می تواند انگیزه حضور مردم را بیفزاید و از هجوم بی رویه آن ها به شهرها جلوگیری کند.

راه های این بخش محروم از کشور که در دوره قبل از انقلاب اسلامی از وضعیت مناسبی بهره مند نبوده است. خوشبختانه با پیروزی افتخار آفرین انقلاب اسلامی روبه توسعه و گسترش نهاد و امروزه به عنوان یکی از مناطقی است که جاده پر اهمیت و استراتژیک خلیج فارس به دریای خزر، از قلب این آبادی می گذرد.

و نقش این راه ارتباطی که تأثیر اقتصادی آن را در توسعه و پیشرفت روستا را نمی توان کتمان کرد، از محدود راه های کشور است، که اهداف بلندی را تعقیب می کند. ارتباط کشورهای آسیای میانه با خلیج فارس و ترانزیت کالا صرفاً از این راه ارتباطی میسر و مقرر به صرفه است. و با توسعه و گسترش آن می توان به آینده سرشار از موفقیت امید و اثق داشت.

مسیر جاده جدید شمال به جنوب کشور در نقشه صفحه بعد از نظر می گذرد. تصویر از روزنامه های «همشهری» و «هفتنه نامه کویر» تهیه شده است.

فعالیت های دوشرکت راه سازی در سرخ گریه:

پروژه: بهسازی قطعه اول و دوم محور اصلی گلوگاه - دامغان

۱- شرکت راه سازی پل صنعت کارون

۲- شرکت راه سازی چکل سوادکوه

شایان بیان است که یکی از مهم ترین جاده های در حال ساخت و توسعه کشور محور گلوگاه

به دامغان می باشد. که در حیطه‌ی استان مازندران از ابتدای حوزه استحفاظی

(بالاتراز چشمی جفری) خر میدان شروع تاروستای سوخ گریه ختم می شود.

این محور شامل دو قطعه‌ی ۵ و ۶ کیلومتری می باشد. که طبق قرارداد اداره‌ی کل راه و ترابری استان مازندران بانتظارت مهندسین مشاور، اینم طرح توسط دوشرکت:

۱- شرکت راه سازی پل صنعت کارون آغاز کار ۱۳۸۸

۲- شرکت چکل سوادکوه آغاز کار ۱۳۸۹ در حال اجرا می باشد

و پیشرفت فیزیکی قطعه‌ی اول شرکت پل صنعت تاسال ۱۳۹۰ حدود ۷۰٪

و پیشرفت فیزیکی قطعه‌ی دوم شرکت سوادکوه حدود ۲۵٪ بوده.^۱

۱ منابع: مهندسین مشاور اینم تر - شرکت پل صنعت کارون - شرکت راه سازی چکل سوادکوه



تصویر از هفته نامه کویر



مسیر حاده جدید شمال به جنوب کشور در نفسه جاده از قلب آبادی سرخ گریوه عبورمی کند
تصویر از روزنامه همشهری

فعالیت های عمرانی :

از دیر باز فعالیت های عمرانی در منطقه صورت می گرفت از جمله احداث درمانگاه، آب لوله کشی، احداث حمام دو قلوی بهداشتی، مسجد و پل، در قبل از انقلاب اسلامی صورت گرفت و اما امور عمرانی انجام شده بعد از انقلاب اسلامی :

عنوان
احداث خانه بهداشت ۲ واحد
احداث حمام دوقلو ۳ واحد
بنای مسجد بزرگ روستا ۱ واحد
بنای مسجد کوچک (خرد مسجد)
پایگاه مقاومت بسیج مردمی
بنای آموزشگاه سه کلاسه
لوله کشی آب آشامیدنی
لوله کشی آب آشامیدنی سال ۱۳۴۸

جدول نمونه فعالیت های عمرانی در روستای سرخ گریه

اماکن عمومی روستا

تعداد	عنوان
۱ واحد	دفتر شورای اسلامی
۳ واحد	خوار و بار فروشی
۱ واحد	نجاری
۱ واحد	مخابرات
۱ واحد	کارگاه بلوك زنی یک واحد
۱ واحد	فروشگاه مصالح ساختمانی

شایان بیان است که اولین لوله کشی آب آشامیدنی سال ۱۳۴۴-۴۵ که توسط سپاهیان بهداشت در سرخ گریه صورت گرفت. اولین دکتر و دستیاران به عنوان سپاهیان بهداشت به نام دکتر زین العابدین براتی زنجانی.

احداث منبع آب : چشمه‌ی سرتیپ (سرتیپ بابا چشمeh)

منشا مدیریت و خدمات در روستای سرخ گریه از گذشته تا حال:

جای دارد از تمامی افرادی که به صورت های گوناگون در کارهای عمران و آبادی این دیار از گذشته تا حال متحمل زحمات شده اند و در اجرای طرح‌ها مختلف زحمت کشیده اند تقدیر تشکر نماییم .

خصوصاً از چهره‌های آشنا و معروف که تلاش‌های بی وقفه داشته اند از جمله:

- | | |
|--|--|
| ۲- حاج آقا کوچک خان زمانی
۴- کربلایی محمدعلی منصوریان
۶- حاج حسین علی طهماسبی
۸- مشتی الله کلیایی
۱۰- فضلی کلیایی
۱۲- حاج شیخ کمال اصغری
۱۴- حاج قدم علی هاشمی
۱۶- گل علی منصوریان
۱۸- حاج علی (مرتضی) غلامی
۲۰- حاج جبرئیل رضایی | ۱- کربلایی ملا قدیر ذهبی
۳- خان بابا خان هزار جریبی
۵- حاجی سلطان علی ترابی
۷- حاجی تقی خان مصباح
۹- حاج بخشی علی ترابی
۱۱- حمید ره انجام
۱۳- حاج قدیر منصوریان
۱۵- حاج عطاء الله ترابی
۱۷- حاج طالب اکبری
۱۹- حاج نظر علی منصوریان |
|--|--|

امور خیریه در سرخ گریه :

زمین های اهدایی برای امور خیریه در آبادی :

۱- زمین اهدایی مخابرات حاج قدیر منصوریان ۲۰۰ متر مربع.

۲- زمین اهدایی مخابرات فرزندان حاج سلطان علی ترابی ۳۰۰ متر مربع.

۳- زمین اهدایی مخابرات حاج سلمان ذهبی ۳۰۰ متر مربع.

۴- زمین اهدایی مدرسه شهید منصوریان از جانب فرزندان حاج سلطان علی ترابی ۶۰۰ متر مربع.

۵- زمین اهدایی برای خانه بهداشت از جانب خاندان مصباح هزارجریبی ۸۰۰ متر مربع.

۶- زمین اهدایی جهت حمام آبادی خاندان ذهبی کربلایی قدیر و حاج سلمان ذهبی ۲۰۰ متر مربع.

۷- زمین اهدایی برای منبع آب آشامیدنی: فرزندان کربلایی محمد علی بیک منصوریان ۲۰۰ متر مربع

۱- زمین اهدایی برای اوّلین مرکز مخابرات آبادی از جانب خاندان کربلایی محمد علی بیک حاج قدیر منصوریان.

مساحت ۲۰۰ متر مربع

ارزش پولی ۱۲/۰۰۰/۰۰۰ تومان

۲- زمین اهدایی مخابرات از جانب فرزندان حاج سلطان علی ترابی

مساحت ۳۰۰ متر مربع

ارزش پولی ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ تومان

۳- زمین اهدایی برای مرکز مخابراتی خاندان ذهبی حاج سلمان ذهبی

مساحت ۳۰۰ متر مربع

ارزش پولی ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ تومان

۴- زمین اهدایی آموزشگاه سه کلاسه شهید خانعلی منصوریان از جانب فرزندان حاج سلطان علی ترابی (قربان، بخشیعلی، مرتضی قلی، عطاءالله)

مساحت ۸۰۰ متر مربع

ارزش پولی ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ تومان

۵- زمین اهدایی شبکه بهداشت (درمانگاه) از جانب خاندان مصباح هزارجریبی

مساحت تقریبی ۸۰۰ متر مربع

ارزش پولی ۴۰/۰۰۰/۰۰۰ تومان

۶- زمین اهدایی برای احداث حمام آبادی از سوی خاندان کربلای قدیر ذهبی، حاج سلمان و فرزندان (صفر علی - ناد علی - عرب علی - دوست علی - یوسف - زلف علی (سیف الله) - روح الله(حاجی)) و...

مساحت تقریبی ۲۰۰ مترمربع

ارزش پولی ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ تومان

۷- زمین اهدایی جهت ساخت منبع آب آشامیدنی از جانب فرزندان کربلایی محمد علی بیک (حاج محمد تقی - حاج مهدی قلی - حاج قربانعلی - حاج عبدالله - حاجی قدیر.

مساحت تقریبی ۲۰۰ مترمربع

ارزش پولی ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ تومان

بنای مسجد کوچک حاج محمد تقی خانی هزار جریبی

زمین و فضای مسجد حدود ۳۰۰ متر مربع

ارزش پولی: جزء میراث فرهنگی آبادی

بنای مسجد بزرگ از سوی خاندان هزار جریبی مسعود الملک علی قلی خان هزار جریبی

زمین و فضای مسجد حدود ۱۰۰۰ متر مربع

ارزش پولی: جزء میراث فرهنگی روستا- جز خانسرای مسعود الملک هزار جریبی

شبکه برق :

مشارکت برق رسانی و مشارکت هم یاری مردم آبادی در سال ۱۳۷۶ برق روستا به شبکه سراسری پیوست و خانوارها از امتیاز برق برخوردار شدند.

تلفن :

در ابتدا تلفن آبادی به صورت تک شماره که در یک دفتر مخابراتی دایر بود. که اهالی با مراجعه به آن مکان ارتباطی استفاده می نمودند. که بعد ها در سال ۱۳۷۵ مشارکت مخابرات با هم یاری مردم امتیاز تلفن از اماکنات شبکه مخابراتی کشور استفاده می نمایند و هم اکنون ۱۸۰ شماره یا امتیاز موجود است.

پروژه آبرسانی: روستای سرخ گریوه چشمeh جفری به طول ۱۲ کیلومتر

شروع کار بهار ۱۳۹۱

پایان کار شهریور ۱۳۹۱

سرمایه گذاری: ۳۰۰/۰۰۰ میلیون تومان: استانداری مازندران

شرکت پیمانکار: شرکت ساختمانی تأسیسات چالاک شمال

افتتاح پروژه آبرسانی تاریخ ۱۳۹۱/۶/۵ خورشیدی و تعداد خانوار بهره بردار: ۱۱۲:

وضعیت و سیستم کشاورزی روستا :

سیستم زراعی :

بخش اعظمی از فعالیت‌های کشاورزی در این منطقه صرفاً به امور زراعی محدود می‌گردد و هم‌چنین کلیه اراضی زیر کشت به صورت دیم است. که رشد گیاه از طریق نزولات جوی تامین می‌گردد. و هیچ یک از شیوه‌های آبیاری سنتی و پیشرفته در این منطقه مرسوم نمی‌باشد. زیرا خاک از رطوبت کافی برخوردار است.

سطح زیر کشت :

با توجه به این واقعیت که زمین‌های مزروعی و مراتع طبیعی به شکل تلفیقی است با دقّت کافی سطح زیر کشت را نمی‌توان بیان کرد. و نیز پراکندگی و گستردگی و تعدد مراتع و زمین‌های مزروعی در حوالی روستا از جمله عوامل دیگر در عدم تعیین دقیق سطح زیر کشت می‌باشد.

هم‌چنین «طبق کتاب جغرافیای روستای زمانی اراضی مزروعی در یک روستا مشخص می‌گردد. که در کشور وسعت اراضی هر نقطه مشخص باشد. ولی متاسفانه در کشور ما این حرکت تا به حال به خوبی انجام نشده است و نیاز به نقشه‌های دقیق کاداستر می‌باشد.»^۱

توزیع اراضی کشاورزی :

به جرأت می‌توان بیان داشت با توجه به موقعیت و گستردگی دشت و زمین‌های مستعد و فراوان در بخش یانسر، روستای سرخ گریوه از نظر زیر کشت بردن زمین‌های زراعی و استعداد خاک و تیپ اراضی و تنوع محصولات شاید در ردیف اول قرار دارد.

ابزار سنتی کشاورزی عبارتند از :

خیش (ازال) یوغ (جفت) - داس (قاش وربن) - فیله - لیفا - کوشخ (کوشن) - جوال - ونده و خورجین - چمنتا - کیل یا کیله و ... می‌باشد.

تولیدات زارعی و باگی :

زراعت :

«منظور از زراعت که کاشت، داشت و برداشت گیاهان یک‌ساله است، که بر حسب منطقه فرق می‌کنند. معمولاً شامل گندم، جو و عدس و محصولات دیگر است. بدون تردید، تولید

۱- جغرافیای روستای ایران ص ۱۷۸، مسعود مهدوی حاجیلویی.

غلات در اکثر روستاهای کشور رکن اصلی و عمدۀ تولید است و دلیل آن هم این است که جامعه خود مصرف ده تنها به مدد این محصولات توانسته است استقلال اقتصادی خود را حفظ کند و غذای یک ساله خود را تامین نماید.^۱

آیش :

آیش: آن بخش از اراضی که به جهت تقویت خاک به مدت یک سال یا دو سال کشت نمی گردد. در این منطقه در گذشته های دور بیشتر به دلیل عدم برخورداری از وسایل پیشرفته و مکانیزه کشاورزی از یک سو و فقدان نیروی انسانی از سوی دیگر مرسوم بوده است. اما در طول دهه اخیر بهدلیل توسعه ادوات کشاورزی و مفرون به صرفه بودن تولیدات کشاورزی چنین پیش بینی می گردد که به تدریج وضعیت آیش رو به کاهش است. شایان ذکر است «ورود ماشین های کشاورزی (تراکتور) به روستا موجب بی اعتباری «جفت» یا «خیش» گردید و مقیاس آن را از سطح به زمان تغییر داده است.

تراکتور بیکاری را به روستا به ارمغان آورده و به طور غیر مستقیم به مهاجرت آن ها به شهرها کمک کرده است.^۲

هر چند که قرن حاضر به اصطلاح «دوره احیای اراضی» نامیده می شد.^۳ باید توجه داشت که مناطق بیشتری را زیر تولید محصولات علوفه ای و مرتعی برد به جهت زمستان سخت و طولانی که نوع دامداری را در بیلاق میسر ساخت. سیستم کار در این منطقه کمابیش به صورت سنتی وجود دارد.

لازم به گفتن است که زمان کاشت گندم و جو در اواخر شهریور و دُرُوی(برداشت) آن ها در اواخر تیر ماه شروع می شود. فرم برداشت به گونه های متفاوت که فعلاً متداول شده توسط - ماشین آلات کشاورزی وهم چنین به روش سنتی هم تا حدودی مشاهده می شود.

یک نمونه از برداشت محصول کشاورزی به صورت سنتی در خرمن در منطقه هنوز مرسوم می باشد. که وسایل و ابزار مورد نیاز برای جدا کردن با نام های مخصوص وجود دارد که در این مقوله نمی گنجد.

در مجموع کشاورزی در کوهستان ها با سه مسئله عمدۀ روبروست. این مورد در رابطه با منطقه صدق می کند :

۱- آشنایی با جامعه روستایی ایران ، مرکز تربیت معلم : ص ۲۲ ، تهیه شده در دفتر تحقیقات و برنامه ریزی درسی .

۲- آشنایی با جامعه روستایی ایران مرکز تربیت معلم ص ۲۶ .

۳- اصول زراعت در مناطق خشک ص ۱۷۵. آی - آرnon، جلد اول ، ترجمه عوض کوچکی ، امین علیزاده .

- کمیابی زمین‌های هموار که مورد نیاز کشاورزی است.
- در کوهستان‌های فرسایش خاک شدید است.
- وسایل و ماشین‌های کشاورزی نمی‌تواند نظیر دشت‌ها در مقیاس وسیع تر به کار بیفتند.

لازم به ذکر است که سیستم کشاورزی سنتی رفته رو به فراموشی می‌رود و جای خود را به سیستم ماشینی می‌سپارد. و در هر حال نیروهای تولید- زنان و مردان و فرزندان روستا- در این فعالیت سهیم هستند.

جدول آمار وسایل و ادوات کشاورزی در سرچ گر به و هزینه شخم (ورز) :

نام شخص(مالک وسیله)	وسیله	کشور سازند
اسماعیل مصباح	فرگومن	ایران
زین العابدین کلیائی	فرگومن	ایران
حسرو منصوریان	فرگومن	ایران
بخشی علی ترابی	فرگومن	ایران
نوروز علی هاشمی	فرگومن	ایران
نجات عالیشاهی	رومانی	رومانی
جابر حیدری	فرگومن	ایران
صابر منصوریان	فرگومن	ایران
مصطفی حیدری	فرگومن	ایران

در این سال‌ها هزینه کاشت برای هر هکتار (بار) زمین یک شیار با یک دیسک مبلغ ۴۰۰۰۰ تا ۴۵۰۰۰ هزار تومان است.

و کرایه کرکوب هر بار ۲۰ کیله = ۲ کیله و یا ۱۲۰ کیلو = ۱۲ کیلو

جدول صاحبان ماشین آلات کشاورزی (کرکوب)

-۱	اسماعیل مصباح
-۲	زین العابدین کلیائی
-۳	طاهر حیدری
-۴	نوروز علی هاشمی

عوامل تولید :

عمده ترین عوامل موثر در تولید کیفی و کمی محصولات که عبارتند از : زمین، آب، نیروی انسانی و ماشین آلات کشاورزی می باشد. این منطقه دارای توان بالقوه ذاتی که باید به بالفعل برسد.

تقویم زراعی :

تقویم زراعی به مفهوم مراحل بروز برداری و زمان به کارگیری و استفاده از زمین است و کشت های عمده به شرح ذیل می باشد.

۱- گندم : یک محصول عمده تولید از گذشته تا امروز بوده ; کاشت اواسط شهریور تا اواسط مهر، برداشت تیر ماه سال بعد می باشد.

۲- جو : همزمان با کشت گندم انجام می شود ولی برداشت آن ۱۰ الی ۱۵ روز زودتر از گندم می باشد.

۳- عدس : فروردین کشت می گردد و تیر ماه همان سال برداشت می گردد.

۴- سیب زمینی : اوایل اردیبهشت کاشت و مهر همان سال برداشت می گردد در صورت فراوان و دسترسی به آب محصول آن از لحاظ کمیت و کیفیت قابل توجه است.

۵- دانه های روغنی (آفتتاب گردان) : نخود، یونجه و سبزیجات و گیاهان جالیزی. کاشت این محصولات جهت مصارف خود مرسوم می باشد.

ولی تولیدات باغی به علت سرمای شدید و طولانی بودن دوره‌ی سرما هیچ گونه محصول باغی میسر نمی باشد.

محصولات	زمان شروع کاشت	زمان برداشت محصول	طول اشتغال دوره زمین
گندم	اواسط شهریور	اواسط تیر	۳۰۰-۲۸۰ روز
جو	اواسط شهریور - مهر	اوایل تیر	۲۸۰-۲۶۰ روز
عدس	اوایل فروردین	اواسط تیر	۱۲۰-۱۰۰ روز
سیب زمینی	اواسط اردیبهشت	اوایل مهر	۱۵۰-۱۳۰ روز
شبدر (یونجه)	فروردین -	۳ تا ۴ تراش در سال	۸ تا ۱۰ سال
سبزی جات	اردیبهشت - مهر	تیر ماه	۷۰ روز - ۶ ماه

جدول طول دوره کشت زمین توسط محصولات عمده زراعی در سرخ گریه

بخش نهم

مالکیت در روستا

مدیریت در روستا

مسکن-معماری

مشکلات-تنگناها-پیشنهادها

تبرستان

www.tabarestan.info

تبرستان

www.tabarestan.info

نحوه‌ی مدیریت و مالکیت قبل و بعد از انقلاب اسلامی در روستا :

مالکیت :

هرم قدرت در روستا تا قبل از انقلاب اسلامی :

این هرم قدرت در روستا سابقه طولانی دارد. بنا به گفته‌ی اجداد، پدران، بزرگان و هم‌این که خودمان شاهد و ناظر این قضیه بودیم و کاملاً در مراحل مختلف یادمان می‌آید. اگر به خواهیم این هرم را ترسیم نماییم به این صورت می‌باشد.

۱. مالک بزرگ (ارباب)

۲. مالک کوچک (خرده مالک)

۳. رعیت (دهقان)

۴. مباشر

۵. کدخدا

۶. ریش سفید

۷. پاکار (ضابط)

۸. دشتستان (دشت وان)

۹. میر شکار (میر اشکار)



کد خدا (دهبانان) سرخ گریه :

- ۱- مرحوم شادروان حاج سلطان علی ترابی.
- ۲- مرحوم شادروان حاج عباس علی طهماسبی.
- ۳- کربلا (قربان ترابی).
- ۴- دهیار سرخ گریه : حسن عابدی فر (کلیایی)

اعضای کمکی شورای اسلامی :

با توجه به این که جمعیت ثابت این آبادی به حد نصاب برای انتخاب اعضای شورای اسلامی نبوده تعدادی از افراد جهت اعضا کمکی انتخاب شدند.

۱- حاج مراد غلامی	۷- حاج محمد تقی منصوریان
۲- اسکندر مسعودی	۸- محسن هاشمی
۳- حاج بخشی علی ترابی	۹- زین العابدین کلیایی
۴- حمید ره انجام	۱۰- صفر اکبری
۵- خسرو منصوریان	۱۱- مصطفی حیدری
۶- حاج مهدی قلی منصوریان	۱۲- مرتضی حیدری

از نظر مالکیت زمین‌های مزروعی سند یا قباله در منطقه چندان رسمیت ندارد. و بعد از انقلاب اسلامی مالکیت به آن معنی وجود ندارد و مالک اصلی و محصولات ملک از آن رعایا (دهقان‌ها) می‌باشد.

لازم به ذکر است الگوهای سهم بری در تولیدات کشاورزی در گذشته و حال چنین بود که مالکیت مالک بزرگ و خردۀ مالکین از خود اهالی روستا بوده اند و در تولیدات کشاورزی درصد معینی با عنوان بار (کیل) کیله که با عنوانی :

باج، بريجه، ماليه، دشت باني و مير شکاري دریافت می‌گردند.

هر کیل: معادل ۶ کیلو گرم است. شامل گندم، جو، عدس و ...

عنوان زمین :

عنوان زمین و گاو جفت و نیروی انسانی (اشتراکی یا زمین) اجاره ای با عنوان دست دارم، که بر طبق قانون عرفی داده می‌شد که حرمت این امر تا امروز همچنان پا بر جاست و کمتر مدعی به چشم می‌خورد.

ذکر این نکته ضروری است که روستا چیست؟
روستایی کیست؟

روستا یک واحد طبیعی است و وحدت آن را آب و خاک و قلمرو آن تعیین می‌کند. روستایی یک واحد انسانی است و وحدت آن را جمیعت فرهنگ ویژه آن تشکیل می‌دهد.

روستا یک واحد سیاسی و اداری است.

پل سنیجر می‌گوید:

«روستا با اتكا به طبیعت خویش خود کفاست»^۱

«آنچه که امروز موجب شده تاش‌مهرهاز (مادرخود) غافل
بعانند و صرف‌آپی‌شرفت‌های اقتصادی و صنعتی نیست بلکه در حقیقت
فراموشی انسان و نسیان اواز آرامش و سنتهای پسندیده‌های معنوی است. که
بشردست پروده‌ای تکنولوژی به کلی از آن فاصله گرفته است به طبع
شهرهای جوان از هادرپیر و قدح‌میده‌های خود (روستاهای) بی‌خبرند.»^۲

به سزا خواهد بود اگر قدری تامل در ارزش‌های باطنی روستاهای و نقش آن در تصویر و نگارگری این همه مظاهر به اصطلاح پیشرفت و تمدن انسانی به عمل آید.

ارزش‌های اجتماعی روستا:

«ارزش‌های مردم روستایی از ارزش‌های مردم شهری کاملاً متفاوت است. و دلیل این تفاوت وجود دو دنیای متفاوتی است که شهری و روستایی در آن زندگی می‌کنند.

مهم‌ترین ارزش‌های روستایی به قرار زیر است:

ارزش اجتماعی طول عمر، ارزش اجتماعی فامیل پرستی، ارزش اجتماعی جنسیت، ارزش اجتماعی سواد و ارزش اجتماعی مذهب.»^۳ ...

هویت و آداب خصوصیات مردم دیار ما را که عبارتند از:

مهر و محبت، مهربان و دل رحم، نترس و غیور با هوش با حجب و حیا و هنر دوست هنر پرور. علم دوست ساده زیست، با اراده و سخت کوش، سرکش، بی باک و زحمت کش خوش مشرب و خوش طبع، با گذشت، وطن دوست، فداکار، صرفه جو، صبور، با وقار، اهل آراستگی و خوش نیت و بزرگ منشی، و دل پاک و بعد اجتماعی زیستی و فرهنگی مردم، ارزش‌های اجتماعی، اتكابه دیگران و دهها ارزش دیگر می‌باشد.

۱- کتاب شهرنشینی و طبقات اجتماعی اقتصادی، ص ۱۴.

۲- کتاب کارگاه برنامه ریزی روستایی، ص ۱، حسین آسایش.

۳- آشنایی با جامعه روستایی ایران، علوم اجتماعی مراکز تربیت معلم، دفتر تحقیقات و برنامه ریزی . سال ۱۳۶۳ .

وضعیت و چگونگی معماری و بناها در گذشته : مسکن :

وضعیت مسکن با توجه به این که قبلاً ذکر گردید شکل روستا به صورت متراکم بوده و مصالح اغلب آن سنگ، چوب و گل می باشد که پوشش آن از سفال و چوب همچنان پوست درخت ارس است. که متناسب با آب و هوای منطقه می باشد. بناها به شکل دو طبقه معمولاً سمت قبله با مساحت زیاد به صورت مشاعی (مجتمع امروزی) که این مسئله خود جای بحث دارد که فرصت توضیح مجال نیست.

اما ناگفته نماند که امروزه اغلب بناها و فرم و قیافه ساختمان‌ها چهره جدید به خود گرفته پوشش و مصالح از قبیل ایرانیت، حلب، سیمان، آجر، ماسه، آجر و آهن جای مصالح و پوشش سنتی را گرفته و به تدریج مصالح و پوشش سنتی بدست فراموشی سپرده می‌شود. اکثر مردم از مسکن مرسوم و معمولی روستا برخوردار هستند. کمتوکسی را می‌توان یافت که قادر مسکن باشد. و تمرکز منازل متناسب با بافت قومی و قبیله‌ای است که در چند نقطه ساختمانی به هم مرتبطند.

فرم و ساختار بناهای مسکونی (معماری در سرخ گریه) :

معماری ساده در بعضی موارد بسیار زیبا و چشم گیر است که نمی‌توان به سادگی از کنار آن گذشت بعضی از منازل مسکونی در این روستا تا امروز چون نگینی در قلب روستا می‌درخشند. فرم و ساختار بناهای مسکونی اغلب دو طبقه، رو به قبله و شیروانی‌ها از سفال‌های رنگی و لعاب دار به طول ۴۰ الی ۵۰ سانتیمتر ضخامت ۱ الی ۲ سانتیمتر می‌باشد. حلب بسیار کم و پوشش ارس که از تنہ درختان سوزنی برگ ارس تهیه می‌شد و مقاومت خوبی در مقابل گرما و سرما و برف و باران داشت در منطقه مرسوم بود.

بناهای یا ساختمان‌ها معمولاً دو گونه‌اند:

- ۱- خانه‌های اعیان اشرافی یا خانه‌های بزرگان روستا.
- ۲- خانه‌های مردم عادی و رعیت‌ها.

بناهای هم با سابقه ۳۰۰ تا ۲۵۰ سال همانند ساختمان شاه نشین قسمت جنوبی مسجد کوچک و مسجد بزرگ که مسجد فعلی در آن جا تجدید بنا شد به کلی ویران شدند.

منزل مسکونی هزارجریبی، منزل مسکونی طهماسبی، منزل مسکونی مصباح هزارجریبی، حدوداً ۵ تا ۶ واحد مسکونی روستا دارای ویژگی‌های خاص تزئینی و گذر گاهی از جمله: هشتی محل گذر از واحد بیرونی به واحد درونی (اندرونی-بیرونی) دارند.

هم‌چنین این بناهای دارای تالار، حسینیه، پستو می‌باشند که خود این مطالب جای بحث و پژوهش و تحقیق دارند که در این قسمت مجال بحث آن‌ها نیست.

این بناهای دارای نقوش و رنگ‌های نباتی متنوع و اشکال حیوانات دریابی و خشکی و هوازی می‌باشند که هنوز دیده‌های هر بیننده را به خود جلب می‌کنند و روح را می‌نوازند و عاقلان و اندیشمندان را به تأمل و اندیشیدن وا می‌دارند.

اشکالی از انواع ماهی‌ها و نهنگ‌ها، مار، اردک و ... وجود دارند. پرندگانی با تنوع زیاد، اشکالی از فرشتگان با بال‌های باز و گاهی بسته و به پرواز در آمده و اشیای بسیار دیگر که گاهی هم تصور انسان در آن نمی‌گنجد چون صورت‌های خیالی و افسانه‌ای هم‌چون فرشته، ملائکه تزیین شده از آیات قران مجید و اشعار، بر روی گچ بری بر روی تخته‌ها و چوب به ابعاد مختلف به صورت مستطیل، مربع و لوزی نقش بسته است و چوب‌ها با نمای پیش آمدن تدریجی دیوارها و شیروانی‌ها از جمله پنجره‌ها، درب‌های بزرگ ارسی بدون به کارگیری هیچ گونه فلز (میخ و بست) و درب‌ها یا پنجره‌های بادگیر وجود دارد.

هر چند بند این بنای‌ها، تخته تخته و خشت خشت و چینه چینه و ... و بیت بیت اشعار نوشته شده بر در و دیوار تخته‌ها سقف‌های خانه‌ها و ... همه و همه حکایت از عشق و ابهت مردم این دیار می‌کنند.

ولی صد افسوس که امروز به اقتضای طبیعت گرد پیری و فرسودگی در تارک (پیشانی) آنان می‌درخشد.

خانه های رعیت ها :

بنها معمولاً دو طبقه بالا خانه (معمولًا معروف است به مهمان خانه) و بنای طبقه اول که امروزه همان اطاق پذیرایی است. کارهای ظریف و تزیینی و نازک کاری در این بنا ها دیده می شود و عمدۀ مصالحی که در این کارها قابل استفاده قرار می گیرد که از خاک رنگی (گل) روستا یا از روستاهای اطراف تهیّه می شود.

انواع گل های رنگی و تزئینی :

گل های سفید، گل های قرمز و همچنین گل های دیگر که از روستاهای دور هم- چون رادکان، بارکلا، لتكومه، کند آب (کاندو)، دهی و ... تهیّه می شد که این گل با تزیین کاری نمای ویژه ای به اطاق ها می داد. نمونه ای از این کاری نمای ویژه ای به اطاق ها می داد. نمونه ای از این گل را با گل که مخلوط با پهنه گاو یا اسب بدست می آید به این مخلوط به زبان محلی گلو (گل او) و یا (گل گوگی) می گفتند.

پهنه گاو و پهنه اسب و گل رنگی و آب مخلوط رنگی حاصل از گل گوگی را تشکیل می دهد. مخلوط حاصل را زنان با پنجه های دست بسیار نازک، زیبا، نرم و لطیف و گاهی هم با جارو به روی دیوار می کشیدند که عامل زیبایی دیوارها و رنگی یا خاکی نشدن لباس یا پارچه ها می شد.

خلاصه همین کارها را برای پوشش سقف و کف اطاق نشیمن که با دست انجام می شد به نام دست این دو (دس ایندو) هر ماه در فرصت مناسب به تشخیص زن خانه این عمل انجام می شد. شواهدی در بعضی از ساختمان های رو به ویران بناهای خشتی، چینه گلی بسیار با سابقه به صورت لایه لایه همچون ورق های کتاب یا دفتر یا لایه های رسوبی سنگها در حدود ۱۰۰ الی ۲۰۰ لایه وجود دارد. بعضی از دیوارهای منازل که بسیار شگفت انگیز و به آسانی قابل شمارش است دیده می شود مخصوصاً این نماد در کنار شومینه ها گلی بناهای قدیمی در حال نابودی به چشم می خورد.

یاد باد آن روزگاران یاد باد

افسوس! افسوس اچرا؟

عزیزان خواننده این فصل را با من بخوان.

خوش سرود شاعر انقلاب اسلامی ایران محمد علی معلم دامغانی.

«این فصل را با من بخوان باقی فسانه است»

«این فصل را بسیار خواندم عاشقانه است.»

که این موضوع در رابطه با سرزمین سرخ گریه:
 بشنو

سرزمین من؟! یا - ایوان مداین؟!

هان ای دل عبرت بین، از دیده عبرت کن هان
یک ره زره دجله، منزل به مداین کن
گه گه به زبان اشک آواز ده ایوان را
داندaneh ی هر قصری پندی دهدت نونو
گویی که نگون کرده است ایوان فلک وش را
گوید که تو از خاکی و ما خاک توایم اکنون
گفتی که کجا رفته آن تاجوران، اینک
بر دیده ی من خندی کاین جاز چه می گردید؟
گر دجله در آمیزد باد لب و سوز دل
از اسب پیاده شو بر نطع زمین رخ نه
«خاقانی» از این درگه در یوزه ی عبرت کن

ایوان مداین را، آینه ی عبرت دان
وز دیده دوم دجله بر خاک مداین ران
تا بو که به گوش دل پاسخ شنوى ز ایوان
پند سر دندانه بشنو ز بن دندان
حکمِ فلکِ گردان، یا حکمِ فلکِ گردان
گامی دو سه بر ما نه اشکی دو سه هم بفشنان
زیشان شکم خاک است آبستن جاویدان
خندند بر آن دیده کاین جا نشود گریان
نیمی شود افسرده نیمی شود آتشدان
زیر پی پیش بین شهمات شده نعمان
تا از در تو زین پس در یوزه کند خاقان^۱

«خانه مسعود الملک هزارجریبی(علی قلی خان)»:

خانه ای است آجری دو طبقه، که تالار آن پنجره های اروپی طریف دارد. برجزها گچ بری های رنگین است. داخل بنا هم گچ بری دارد. برنمای جنوبی این خانه کتیبه‌ی زیر خوانده شد.

این تازه بنای قدس مقدار^۱ باشد عمل رحیم معمار

این بنا از شیوه معماري دوره قاجار الهام گرفته، دارای دو ورودی در طرفین ساختمان است که به وسیله پله هایی از طبقه پایین به بالا هدایت می شوند. بنا دارای چند اتاق در طبقه اول و دوم است که در طبقه دوم اتاق شاه نشین و در قسمت میانی ساختمان چند اتاق به صورت فرینه در دو طرف آن قرار دارد.

سقف ساختمان با بام پوش سفالی تعییه شده و نور داخل اتاق به وسیله ارسی هایی که در ظلух شمالی و جنوبی بنا قرار گرفته تأمین می شود.

عمده ترین تزئینات این بنا شامل تزئین گچ بری، نقاشی، رنگ روغن و آبینه کاری است که با طرح های چون گل، بوته، تصاویر پرندگان و فرشتگان و ... درهم آمیخته است.

ساختمان علی قلی خان (مسعود الملک) هزارجریبی از نظر تزئینات به کار رفته در ردیف مشهور ترین بنایی عصر قاجار به حساب می آید. و می توان به عنوان یکی از مکان های باستانی مازندران مورد توجه گردشگران قرار گیرد.

۱- از آستانه تا استرآباد جلد چهارم ، ص ۷۶۲ ، آثار و بنای تاریخی مازندران شرقی، منوچهر ستوده

خانه مظفر قلی خان طهماسبی :

بر پره های ساختمان آجری دوطبقه، کتیبه ای به خط نسخ بود که خوانده نشد چون تخته هارا چسب کوبیده بودند و فاصله هم زیاد بود. تاریخ ۱۲۶۰ واضح ذیل کتیبه خوانده می شود بر تخته های میان چکش گردان ساختمان یک طبقه دیگر کتیبه های متعدد بود که ظاهرا شامل قصیده ای مطول بوده است. به علت بارندگی نوشه ها که با مرکب بوده است از میان رفته بود. این ابیات میان سایر ابیات خوانده شد.

«شاه جمجاه آسمان رفت سر نهاده به درگهش داز»^۱

شایان بیان است که این بنا به نظر می رسد در آبادی از قدیمی ترین بنا در حال حاضر باشد. با توجه به آیینه کاری و آیینه بندی و نقوش و گچ کاری گچ بری ها و پنجه های نور گیر مشبک دارای اُرسی (اروسی) چوب و شیشه ها در ابعاد هندسی و تزئینات ... مورد توجه حفاظت و نگهداری از آن کوشاتر بوده باشیم.

دور برگردان ها این بنا با اشعار و ابیات عارفانه و بسیار خوش منظر و خوش خط و ماهرانه حک شده بر تخته ها نوشته که در این بحث و کتاب فرصت شرح و توصیف آن نیست.

این بنای با طول و عرض تقریبی ۱۰ الی ۱۲ متر و ۸ الی ۱۰ با توجه به مسکونی بودن هنوز چون نگینی در دل این دیار می درخشد و چشم هر بیننده را خیره می کند. و جای آن دارد این بنا در ردیف یکی از مکان های باستانی استان مازندران مورد توجه توریسم یا گرد شگری قرار گیرد.

^۱ لار آستارا تا استرآباد ، جلد چهارم ، ص ۷۶۳ ، آثار و بناهای تاریخی مازندران شرقی ، منوچهر ستوده

خانه محمدقلی خان مصباح نظام (سرهنگ) :

ناگفته نماند در مورد آثار و بناهای قدیمی و با ارزش دو واحد مسکونی بیرونی و اندرونی سرهنگ در کتاب آستارا تا استرآباد معرفی نشده که این بنا جای مطالعه و بررسی دارد. و از آن جایی که تا امروز این واحد جز آثار قدیمی فهرست نشده جای تاسف است و سعی ما برآن است که تصویر آن را منظور نماییم. تا این بنا و چند بنای دیگر قدیمی روستا به هر صورت ممکن حفظ گردد و توصیه می گردد به مردم دیار کهنه که سعی در دستکاری و تغییرات بناها قدیمی نکنند که کار چندان جالب و بحثیست.

این بنا تمام قسمت های شیروانی تخته های به کار گرفته شده در سقف و دور برگردان شیروانی تصاویر حیوانات خصوصا اشعار و ایات عارفانه و آیات قرآن به صورت بسیار خوش خط و شکل طراحی شده است.

این بنا هم در قسمت پایین محله سرخ گریه اسقرار دارد و ارزش باستانی آن جهت حفاظت و نگهداری در لیست آثار تاریخی و گردشگری مازندران جایگاه ویژه ای داشته باشد. هر چند هر از گاه یکی از این بناها رو به ویرانی می روند ولی صد افسوس.

باغ و عمارت نجف قلی خان (حاجی خان) و مصباح نظام :

در دهکده سارو که از دهستان پنجهزاره ای اشرف است. حاجی زین العابدین شیروانی ملقب به معصوم علیشاه در شعبان ۱۳۱۵ قمری درباره این باغ و عمارت می نویسد. در دهکده سارو و میان راه اشرف به رباط در وسط راه باغ و عمارت ودیه خوبی بود.

گفتند نامش سارو بروزن جارو و از حاجی نجف قلی خان و مصباح نظام است.^۱
در محل بررسی شد اثری از این باغ و عمارت نبود.^۲

۱ - طرائق الحقائق جلد ۳ ، ص ۶۵۸

۲ - از آستارا تا استرآباد ، جلد ۴ ، منوچهر ستوده ، ص ۷۲۸

قابل بیان است: در مورد این باغ عمارت پس از پرس و جوی زیاد از پیران و بعضی آگاهان برای ما معلوم شد که این بنا در گذشته های دور جایگاه فعلی مسجد امام حسین (ع) در پایین محله روستای سارو بوده که بعضی از آثار و شواهد آن نشانگر این بنا بوده (نقل از حاج حسین علی طهماسبی و هادی طهماسبی)

مشکلات، تنگناها، پیشنهادها :

تعیین و اولویت بندی و پروژه های پیش نهادی با توجه به نیاز های اساسی در سطح روستا. این روستا که در واقع دورافتاده و محروم محسوب می گردد همانند سایر مناطق دارای مشکلات و تنگناهایی است که می توان با برنامه ریزی صحیح و عنایت خاص دست اnder کاران امور به رفع مشکل اقدام نمود.

از جمله این تنگناها که در سال های اخیر سعی و تلاش در خور توجه به رفع آن به کار گرفته شد. احداث راه ارتباطی بود که این روستا را از سمت جنوب به شهرستان دامغان و از سمت شمال به شهرستان بهشهر مرتبط می نماید. یکی از اموری که می بایست مورد توجه دست اnder کاران قرار گیرد امور بهداشت در روستا می باشد.

این روستا با توجه به توان بالقوه ای که در امر کشاورزی دارد می تواند در آینده در صورت تمهید امکانات ضروری و اولیه از قطب های کشاورزی در منطقه هزار جریب بدل گردد. و حتی از معظل اجتماعی مهاجرت نیز کاسته می گردد.

آموزش کشاورزی در بهینه سازی فعالیت های کشاورزی (زراعی) و آشنایی با شیوه های جدید کاشت و داشت و برداشت و همچنین تهیی زمین های مناسب کشاورزی و نیز فراهم نمودن زمینه های لازم برای عرضه و فروش محصولات زراعی نیز از جمله عوامل عمدۀ ای است که نقش بسزایی در گسترش امور و جذب نیروها و همچنین رفع بی کاری در روستا دارد.

دامپروری هم بی گمان بعد از کشاورزی از منابع درآمده عمدۀ مردم است که در این زمینه هم می توان با آموزش و اصلاح نژاد دام هم به سطح تولیدات افزوده و درآمد مردم را دو چندان اضافه کرد.

جنگل و درختان صنعتی ارس که نمونه ای از جنگل های کمیاب در سطح کشور با چوب مناسب می باشد. در این منطقه در سطح وسیع گستردۀ است. که در صورت تشکیل تعاونی های روستایی می توان در نحوه بهره برداری آن بهتر اقدام نمود. و این امر در سرنوشت اقتصادی مردم بسیار موثر است.

به هر حال زمینه های کار و فعالیت گستردۀ می باشد که در صورت یک برنامه ریزی مدون و حساب شده می توان در چرخه زندگی مردم این منطقه تغییرات اساسی را ایجاد نمود.

از جمله :

- ۱- ایجاد بندها و سدها خصوصا آب بندان ها در جهت حفظ و نگه داری ذخیره آب و نیاز کمبودها در فصول گرم سال.
- ۲- استفاده صحیح و بهینه از آب های موجود در دسترس(هرزه آب ها).
- ۳- آموزش کشاورزان در رابطه با شیوه های جدید کاشت ، داشت و برداشت.
- ۴- آموزش کشاورزان در رابطه با شخم (شیار) در اراضی.
- ۵- آموزش صحیح دامداری و دامپروری در منطقه و احیای و تقویت مراتع.
- ۶- ایجاد طرح های دامداری اصولی و وسیعتر و صحیح و برنامه ریزی در منطقه.
- ۷- ترویج و تشویق دامداران به استفاده بهینه از مراتع و منابع طبیعی.
- ۸- با توجه به بناهای تاریخی و بافت سنتی روستا به عنوان یکی از مکان های باستانی مازندران مورد توجه گردشگران قرار گیرد و هم چنین شرایط خاص اقلیمی این دیار گسترش صنعت توریسم گردش و گردشگری توصیه می شود.
- ۹- ایجاد مجتمع صنایع کارگاهی و ایجاد واحدهای صنایع دستی و خانگی بومی منطقه.
- ۱۰- ایجاد فضای سبز و درخت کاری در اطراف راه ها و قبرستان ها و چشممه ها و ...
- ۱۱- حفر چاه برای تأمین آب مورد نیاز بخش کشاورزی و تغییر انواع کشت و ...
- ۱۲- تسطیح اراضی شیب دار برای سطح زیر کشت بیشتر و راحت تر جهت تولید بیشتر.
- ۱۳- یک پارچه سازی اراضی کشاورزی در بعضی از مزارع به منظور افزایش تولید در واحد سطح در آبادی بسیار مقرر به صرفه است.
- ۱۴- ایجاد و ساختن استخر ها و بندهای کوچک و جمع آوری هرز آب ها و تشکیل زندگی محیط زیست کوچک جانواری در مزارع و مراتع.
- ۱۵- پوشش بیمه ای مناسب محصولات زراعی و باغی و دامی به جهت حمایت کشاورزان و دامداران منطقه.
- ۱۶- دفع بهداشتی و اصولی زباله ها و انتقال آنها به نقاط دور دست و مناسب.

بخش دهم

تبرستان

www.tabarestan.info

تاریخ

جغرافیای تاریخی

شخصیت ها

اسناد-مدارک

تبرستان

www.tabarestan.info

تاریخ :

انسان به مثابه اثر زنده باستانی

انسان با تاریخ به خود آگاهی می‌رسد، ما به جای اجداد خود زندگی می‌کنیم انسان همیشه سعی دارد گذشته را حفظ و آینده را طراحی کند پیوند تاریخ و هویت از آن فراتر. اجداد ما از طریق ما زندگی می‌کنند. ما نماینده آن‌ها هستیم و تاریخ قاضی عالم است.

تاریخ واقعاً چیزی نیست کذشته باشد. باید دانست علاوه برآینده تاریخی و سایر چیز‌هایی که نشانه تاریخ است. ما هم نشانه‌های تاریخ هستیم و تاریخ بیش از آن که گذشته باشد، آینده است. تاریخ به جزء هویت و فرهنگ، از همه بیشتر آینده ماست و کسی که تاریخ نداشته باشد آینده ای هم نخواهد داشت.^۱

جغرافیایی تاریخی سرخ گریه

«تاریخ هر دیار سر گذشت مردم یک دیار را بازگو می کند.»

فرهنگ شفاهی را کمک بگیریم

تاریخ ایل (طایفه) عالیشاہ سرخ گریه :

میراث شفاهی از ذهن مان خارج و به دست فراموشی سپرده شد.

عالیشاہ و دیگر تبارها در سرخ گریه

۱- نیای بزرگ خاندان مردم سرخ گریه هزار جریب طبق استناد و مدارک موجود که اوج شکوفایی تاریخ سیاسی فرنگی آن از دوره های قبل از زندیه وجود داشته و حتی تعدادی از کهنسالان و سالخوردها که در منطقه بالارستاق (بالاخیل) سکونت داشتن مطرح می کنند که در این فرصت شرح و بیان نیست.

و ما امروز از شخصیتی که هنوز یادگاران نسل ها پیران ما به یاد و اتفاق نظر دارند از شخصی به نام صادق سلطان و از صادق سلطان :

۱- مهدی خان ۲- رحیم خان

و از این شخصیت ها مهدی خان در بلوک بالارستاق (بالاخیل سرخ گریه) و رحیم خان در بلوک یانه سر شهریاری مستقر بودند.

واز مهدی خان به حاج عبدالحسین و از ایشان :

۱- کربلایی محمد قلی ۲- آقا اسماعیل آقا ۳- آقا محمد حسن آقا

که در جایی ایشان مورد دو و سه در چند سند عمومی حاج محمد تقی خان یاد شدند. و هم چنین نادر قلی خان بالا رستاقی و نظر علی خان بالارستاقی و حاج بهرام بالارستاقی هم عنوان عمومی حاج محمد تقی خان یاد شده است.

با توجه در این مجموعه و تبار نمای شجره شناسی با اینکه شواهد و استناد و مدارک فراوان در دسترس است و دنباله‌ی کار در این مجموعه از شخصیت سیاسی و محلی به نام حاج محمد تقی خان بالا رستاقی فرزند حاج عبدالحسین بالارستاقی دنبال گیری و توضیح و تشریح و توصیف می شود.

و این تحقیق و پرس و جوی میدانی با زحمت زیاد گرد آوری شده و توقع کامل بودن آن را در آن حد نداریم به امید خدا در صورت دسترسی به عزیزان مطلع خواهشمند است بر ما منت بنهند مطالب درست تر و کامل تر را برای مان بازگو و اطلاع دهند تا در فرصت خود در اصلاح آن کوشان و انجام وظیفه نماییم.

شخصیت ها :

همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره گردید روستای سرخ گریه (سرخ گریو) دارای یک مرکزیت سیاسی و حتی نظامی مقتدر بود که سایر روستای هزارجریب را تحت پوشش خود داشته و این ارج و منزلت خویش را مدیون شخصیت‌هایی بوده است که نه تنها در منطقه هزارجریب بلکه در استرآباد و فراتر از آن در سطح کشور به ویژه در عصر زندیه، قاجار و اوایل حکومت پهلوی نفوذ خارق العاده داشته اند البته به دلیل فقدان مدارک و اسناد کافی و مستند نمی‌توان راجع به همه این شخصیت‌ها اظهار نظر قطعی نمود اما آن‌چه که مسلم است ارتباط بعضی از آن‌ها با شخصیت‌های حکومتی در عصر قاجار مراودات آنان را نمی‌توان کتمان نمود در بین شخصیت‌های متنفذی که خاستگاه آنان در این روستا بود افرادی هم‌چون:

حاجی محمد تقی خان، نظرعلی خان، نادر قلی خان، جعفرقلی خان، سرتیپ نجفقلی خان (حاجی خان)، علیقلی خان ملقب به (مسعودالملک)، حسین قلی خان (حاج سالار مسعود)، محمد جعفرخان ملقب به (منصور‌السلطنه) و محمد قلی خان (سرهنگ مصباح نظام) از سایرین دارای وجه سیاسی و بعض از نظامی بیشتری بوده اند البته بنا به قولی همه‌ی این شخصیت‌ها که نامبرده شد به شخصی به نام حاج عبدالحسین که به قربانعلی نیز معروف بوده است منتبه می‌باشند. که حاج عبدالحسین خود فرزند کربلائی مهدی قلی (محمد قلی) بالارستاقی یا عالیشاه است.

عالیشاه :

طایفه‌ای که ریشه متفرق در استان‌های مازندران، گلستان و هزارجریب و فیروزکوه و آبادی‌های از جمله:

سرخ گریوه، سارو، پاسند، بهشهر، گران، تخشی محله، حیدرآباد، کفشگیری، نامن، چفر، جام خانه، نکا، ساری، بالاده، مladde، دودانگه ساری، بادله کوه، نکاء و ...

عالیشاه :

ده کوچکی است از دهستان‌های نارجانات، بخش حومه‌ی شهرستان بیرون گند واقع در ۳۶ هزار گزی جنوب خاوری بیرون گردید، دامنه‌ی گرمسیری است. و ۵ تن سکنه است اهالی آن به کشاورزی اشتغال دارند. (فرهنگ جغرافیایی ایران، جلد ۹)^۱

وعلى الظاهر اين شخصيت از قريبه اندرية^۱

قزن چاه فيروزکوه به منطقه کوهستانی سرخ گريه مهاجرت کرد البته علت اين مهاجرت را هم اختلافات قومی قبيله اي قيد نموده اند چون حاج عبدالحسين فردی توانگر و ثروتنمده دارای حشم فراوان بوده است.

لذا حاجی محمد تقی خان فرزند حاج عبدالحسین این منطقه کوهستانی را با مرانع گسترد و آب و هوایی همانند فيروزکوه و صعب العبور بودن آن انتخاب کرد.

و این عبدالحسین بنایه نقلی دارای هفت پسر بوده است که فقط از محمد تقی خان نام و نشانی در آثار تاریخی به جای مانده است که بنا به روایتی حاج محمد تقی خان لقب خانی خود را از آغا محمد خان قاجار گرفت و در ادامه حکومت هزارجریب را به او و پسرش واگذار نمود.

بنا به قولی وقتی حاج محمد تقی خان که از حضور فتحعلی شاه در دامغان آگاهی یافت. از او برای دیدار از سرخ گریوه دعوت به عمل آورده که مورد پذیرش او قرار گرفت و نقل کرده اند که نزدیکی چشمه سامان سرتا محل به فاصله حدود دو کیلومتر به احترام شاه قاجار(فتحعلی شاه) قالی فرش کرده بوده و به هر حال نفوذ شخصیتی مانند حاج محمد تقی خان در سطح کشور موجب شد تا براهمیت و جایگاه روستای سرخ گریوه افزوده شود.

در خصوص ارباب حاج محمد تقی خان با آغا محمد خان قاجار آمده است که در دامغان آغامحمد خان با حاج محمد تقی خان هزارجریبی که از دوستان قدیمی و از یاران او بود تماسی حاصل کرده اند به اتفاق به گرگان رفته اند پس از یک سلسله مذاکرات با عشیره قاجار و رفع اختلافات قبلی مقدمات سلطنت قاجاریه فراهم شد.^۲

و این امر نشان می دهد که حاج محمد تقی خان در رسیدن آغا محمد خان قاجار به سلطنت نقشی اساسی داشته است و به پاداش این خدمت هم به لقب خانی مفتخر گردید و هم این که حکومت هزارجریب و استرآباد را در اختیار گرفت.

۱ - اندریه : بروزن منظریه از دهات فيروزکوه است که چهل و هشت پارچه آبادی دارد. و خواستگاه نخست خاندان عالیشاه بالارستاقی سرخ گریه می باشد.

۲ - کتاب زندیه و قاجار، ص ۱۸۷

با توجه به سوابق مذهبی، سیاسی و تاریخی و علمی، فرهنگی ادبی، هنری همراه به شخصیت های بنام و معروف از دیر باز هم چون :

صادق سلطان- مهدی خان- رحیم خان.

مهدی خان- حاج عبدالحسین- کربلایی محمد قلی خان- آقا اسماعیل آقا- آقا محمد حسن آقا و ...

حاج عبدالحسین بالارستاقی- سرتیپ حاج محمد تقی خان بالا رستاقی- نادر قلی خان- نظر علی خان- حاج بهرام و ...

سرتیپ نجف قلی خان (حاجی خان)- عباس قلی خان- طهماسب قلی خان و ...

محمد صالح خان- مرتضی قلی خان- جعفر قلی خان- عنایت الله (مسعود لشکر)- هدایت الله خان- علی قلی خان- مسعودالملک- محمد زمان خان (یاور) و ...

و تا جایی دیگر شهدا و الا مقام و گرانقدر در صحنه های نبرد در میدان های جنگ ایران و عراق تا سر حد جان تاختند تا با ایشاره هستی خوبیش سبب فخر و بالندگی این عرصه برای وطن کشور بزرگ ایران و وطن کوچک خود سرخ گریه جان فدا کردند.

از جمله شهدا :

شهید فرهاد (رمضانعلی هزارجریبی)- شهید خانعلی منصوریان، شهید فتحعلی هزارجریبی- شهید حیدر اکبری، شهید حسن منصوریان- شهید سردار پاسدار طهماسب قلی زمانی و شهید مهندس غلامعلی هزارجریبی.

و از دریچه و از نگاهی دیگر چهره های مشهور و معروف از علم، ادب، کتابت، شعر، مرثیه سرایی خوشنویسی و ...

همانند :

۱- استاد مظفرقلی خان طهماسبی

۲- سر فوج سوار محمدعلی بیگ منصوریان

۳- آخوند ملا میرزا قدیر ذهبی

۴- آخوند ملا شیخ نعمت الله روزبهی و ...

اولین ها در سرخ گریه :

از آن جای که در این دیار کهن حرف و حدیث ها نقل و قول ها و داستان ها و ... که نیاز به ثبت و ضبط همه ای آنها برای امروز ما و هم برای فردای فرزندان این دیار ضرورت دارد و آگاهی از این مسایل خالی از لطف نیست به گوشه و نمونه های اشاره می کنیم.

اولین طایفه یا ایل، تبار : طایفه عالیشاه از اندربیه فیروزکوه قزن چاه.

اولین اقامتگاه ، اطرافگاه : بالا رستاق (بالا خیل) سرخ گریه.

اولین مکاتبات و نامه ها در سرخ گریه : دوره ای زندیه و قاجار.

اولین شخصیت و نشان (درجه) :

۱- مقرب الخاقان سرتیپ حاج محمد تقی خان بالا رستاقی .

۲- اشرف الخوانین معتمد السلطان - مقرب الخاقان سرتیپ نجف قلی خان

۳- عمده الله امراء العظام مسعود الملک علی قلی خان

اولین مسجد در سرخ گریه : مسجد حاج محمد تقی خان بالارستاقی سال ۱۲۲۰ قمری.

اولین خطوط ارتباطی سرخ گریه : خط تلفن سرخ گریه به یانه سر.

اولین نویسنده یا مؤلف در سرخ گریه : علی قلی خان (مسعود الملک) کتاب میش و بره سال ۱۳۰۷.

اولین شخصیت سیاسی سفر به خارج از کشور : علی قلی خان (مسعود الملک) کشور گرجستان (تفلیس).

اولین نماینده مجلس شورای ملی : علی قلی خان (مسعود الملک) دوره پهلوی اول (رضا شاه).

اولین نیروهای امنیتی و محلی منطقه : سربازان فوج سواران علی قلی خان (مسعود الملک).

اولین دانشجوی دارالفنون از سرخ گریه : محمد جعفرخان (منصور السلطنه) رشته علوم تجربی.

اولین دیپلم فنی از مدرسه آلمان ها و مترجم زبان آلمانی:یدالله خان پسر شاهرخ خان

اولین مکتب خانه : ۲ اناق در مسجد بزرگ مسعود الملک.

اولین کتابت در سرخ گریه: کتابت جلد او ۲ کتاب افتخارنامه ای حیدری: مظفرقلی خان طهماسبی - عهد ناصر الدین شاه قاجار

- اولین مرثیه سرا : نویسنده خوش نویس شاعر و ... مظفر قلی خان طهماسبی سرخ گریه.
- اولین آخوند (ملا- استاد) در سرخ گریه : ملا محمد علی هادی یزدی الاصل سال ۱۳۱۶ قمری .
- اولین معلم مدرسه در سرخ گریه : رضا رضائیان زاده عوض آبادی (مدیر) سال ۱۳۱۲ شمسی.
- اولین کد خدای سرخ گریه : حاج سلطان علی ترابی.
- اولین لوله کشی آب و چشممه : چشممه‌ی سرتیپ ۱۳۴۴ شمسی.
- اولین درمانگاه و پزشک در سرخ گریه : منزل مسکونی محمد رضا خان هزارجریبی دکتر زین العابدین براتی زنجانی- دکتر فروهر مبشری.
- اولین جاده(راه سازی) در سرخ گریه : راه سرخ گریه به دامغان سال ۱۳۴۴ مашین کمان کار.
- اولین شهید انقلاب اسلامی : شهید خانعلی منصوریان سال ۱۳۶۰ شمسی.
- اولین مدرسه نظام جدید : آموزشگاه سه کلاسه شهید خانعلی منصوریان ۱۳۶۲ شمسی.
- اولین وزیری که به سرخ گریه آمد : مهندس زنگنه افتتاح راه جاده گلوگاه-دامغان سال ۱۳۶۳ شمسی.
- اولین یادواره شهدا : سال ۱۳۶۸ شمسی.
- اولین استاندار سفر به سرخ گریه : استاندار مازندران مهندس حاج سید علی اکبر طاهایی سال ۱۳۹۰ شمسی.
- اولین چاه آب تحقیقاتی مطالعاتی : حفر چاه تاور رووار دیم سال ۱۳۸۴.
- اولین نماینده‌ی مجلس و طرح پیشنهادی در دوره‌ی پهلوی دوم به سرخ گریه- سفر مهندس موسی خان اشرفی و طرح ملی جاده‌ی دامغان به گلوگاه از روستای سرخ گریه.
- و ده‌ها نمونه از این امور در جای خود شرح داده می‌شود اینجا مجال نیست.

حاج محمد تقی خان هزارجریبی (بالا رستاقی) :

حاج محمد تقی خان هزارجریبی ضمن این که یک شخصیت سیاسی بوده و بعضاً در حکومت قاجار نقش مستقیم و بسزایی داشته اما چنان که اسناد و مدارک معتبر تاریخی نشان می دهد ایشان در ساختن کاروانسراها و مدارس برای عرضه خدمات بسیار جدی و مصمم بوده است.

از این امور خیریه مدرسه زنجیر دار (حاج محمد تقی خان) که این مدرسه براساس سنگ نبشته ای که از بانی آن باقی مانده است به تاریخ ۱۲۴۰ هجری قمری در زمان فتحعلی شاه قاجار توسط حاج محمد تقی خان هزارجریبی در صلع غربی بازار نعلبندان- گرگان- با گردید که به همین دلیل مدت ها مدرسه به نام بانی آن خوانده می شد کشمکش برسر موقوفات این مدرسه منازعات زیادی را به وجود آورد. حتی در سال ۱۳۰۷ هجری قمری به فرمان ناصر الدین شاه قاجار به نصر السلطنه امر گردید محمد صالح خان فرزند ارشد حاج محمد تقی خان را متولی موقوفات مدرسه نماید این مدرسه هم اکنون به مدرسه امام صادق^(۴) به فعالیت خود در زمینه تعلیم و تربیت ادامه می دهد.^۱

سند وقف کاروانسرا برای مدرسه مربوط به عصر فتحعلی شاه قاجار موجود است :^۲

ضمناً متن سنگی (سنگ نبشته مدرسه محمد تقی خان هزارجریبی آستانه ای با مطلع) :

خورشید تا طالع شود زین جیب از فیروزه نل

گیتی از او روشن شود چون رای شاه عزوجل

و هشت بیت در کتاب تاریخی مربوط به فرهنگ و ادب گرگان و استرآباد موجود می باشد.

۱- تاریخ و فرهنگ و ادب گرگان و استرآباد ص ۱۸۷ ، اسدالله معطوفی.

۲- پیوست شماره ۱.

گرگان : بین نعلبندان و محله در بنو.

مدرسه حاجی محمد تقی خان هزارجریبی این مدرسه مدتی (زنجیر دار) نامیده می شد و هم اکنون (امام صادق^(ع)) نام دارد بنای قدیمی با بافت زیبا و سنتی در سال ۱۲۴۰ هجری قمری بنا گردید.^۱

کاروانسراها:

کاروانسرای حاج محمد تقی خان

ابنیه عالیه :

گذشته از ابنیه و عمارت دولتی، عمارت قونسولگری دولت بهمنه روس است. دیگر عمارت و باغ کارگذاری است که ملک موقوفه و متعلق به وزیر محمد تقی خان است. بنای قابل ندارد. باغ وسیع مفصل و آب جاری متصل دارد. در خیابان پشت دروازه بسطام و سمت شرقی دیوانخانه دولتی واقع است. و مدرسه مرحوم حاج محمد تقی خان در محله نعلبندان داخل گذر شیر کش واقع است و آباد ص ۲۵۳.^۲

چند نمونه از اسناد موجود در عهد سرتیپ حاج محمد تقی خان بالارستاقی :

(احکام شرعی)

(سنده)

حکم شرعی درباره تقسیم آب رودخانه شصت کلاته که دو مزرعه از چهار مزرعه از نود و پنج مزرعه متعلق به حاجی محمد تقی خان وقف بر مدرسه ای است در استرآباد ساخته و باقی چهار مزرعه ملکی آن مرحوم بوده است.

معلوم بوده باشد که دو مزرعه را از چهار مزرعه از نود و پنج مزرعه از رودخانه شصت کلاته متعلق به مرحوم حاجی محمد تقی خان وقف بر مدرسه مبنیه مرحوم است در استرآباد و بالا جمله آب متعلق به سدن شانزده مزرعه است و باقی چهار ده مزرعه از بیست مزرعه که متصرفی مرحوم محمد تقی خان بوده ملکی مرحوم بوده که به هیچ وجه تعلق به سدن نداشته و آن چهار مزرعه نصف آن وقف بر مدرسه است که مرحوم وقف در ضمن وقف باقی آن ملک و آب کرده و این مراتب محل اشتباه نیست. فی رجب المرجب ۱۲۶۸ [جای مهر]^۳

۱- تاریخ و فرهنگ و ادب گرگان در استرآباد، ص ۱۸۵.

۲- گرگان نامه گرد آوری و تصحیح بکوشش مسیح ذبیحی کتابچه نفوس استرآباد در سال ۱۲۹۶ هـ ق. از روی نسخه شماره ۴۳۳ کتابخانه ملی ملک (تهران).

۳- مهر بیضی بزرگ با سمع : ((المتوکل الله حمد على))

(سند ۳)

حکم شرعی درباره تقسیم آب رودخانه شصت کلاته که شانزده مزرعه از این آب متعلق به قریه سدن و ادعای هفده مزرعه برای این قریه باطل است . و . . .

(سند ۳)

حکم شرعی که حکم حاکم شرع هدایت الله خان اولاد ذکور حاجی محمد تقی خان هزارجریبی عالیشاہ بالا رستاقی را متولی موقوفات جد خود دانسته است.

گرگان :

جمعیت شهر گرگان در آن زمان ۱۲۴۰ هجری قمری ۱۰ هزار نفر دارای ۴۰ مسجد و تکیه ۱۱ امام زاده ۸ مدرسه مذهبی ۱۳ آب آنبار ۱۴ حمام یکی از این مدارس بنای مسجد، مدرسه حاج محمد تقی خانی^۱ صورت کتیبه سنگی مدرسه حاجی محمد تقی خان استرآباد ص ۲۷۳ سنه ۱۲۴۵ هجری قمری.

گیتی از او روشن شود چون رای شاه و عزوجل
اندر سلاطینش مثل مثل از همه بئس البدل
کردی سپهبدار عزا گفتیش دستور اجل
کرده یکی مدرس بپا زانسان که نپذیرد خلل
زان پای و هم کارکن در فکرتش گردید شل
پیوسته اینک مختصر سبحانه من لم یزل
پاسخ خطای گفتی کزا خلدست در کسب حلال
ادریس در این مدرسه آمد مدرس از ازل

خورشید تاطالع شود زین جیب از فیروزه تل
اسکندر جمشید وش فتحعلی شه آنکه نیست
خان سپهبد را همی در ملک جرجان عدل او
آن پیرو شرع نبی آن رهرو دین رضی
چون دست معمار قضا از قدرتش گیرد پناه
بر طاق ایوانش بدر کلک قضا دست قدر
گفتم مگر خلد است این گفتا خرد باقهر و کین
تاریخ اتمامش ولی از من اگر پرسی بگو

عصر فتحعلی شاه - ۱۲۵۶ مربوط به ص ۱۸۷ :

و قفنامه مربوط به مدرسه محمد تقی خان هزار جربی بالا رستاقی : (مدرسه امام صادق فعلی). طبق این و قفنامه، وقف همگی ۲ دانگ از ۴ دانگ از اعيان کاروانسرای خود را واقع در بازار کهنه استر آباد جنب مدرسه عمادیه با ۴ أرس و اعيانی و ۴ اطاق رو بروی آنرا وقف مدرسه خود نموده است.

قابل ذکر می باشد که «بازار کهنه» از ۴ راه میدان فعلی تا سه راه میر کریم ادامه داشت و دارای راسته های مختلف صنفی بود. این بازار در سال ۱۳۲۴ هجری قمری بر اثر آتش سوزی مهیب از بین رفت. فقط یک راسته از آن که اکنون راسته کلید سازان و اهن آلات است (صلع شمالی و پشت حضرت عباس^(۴)) باقی مانده.

محله دباغان فعلی (بین دربند و سرچشمہ نیز کارگاه های دباغی و محل پوست فروشان این بازار بود). مهر مشخص شده محمد معظوفی (پدر پدر بزرگ) نگارنده این کتاب *اتاریخ و فرهنگ و ادب گرگان*.^۵

فرمان ناصرالدین شاه (۱۳۱۳-۱۲۶۴) مورخه ۱۳۰۷ هجری قمری.

در این فرمان ناصرالدین شاه به نصرالسلطنه - حکمران استرآباد

دستورداده است که محمد صالح خان - ولد ارشد حاج محمد تقی خان -

رامتولی مستقل مدرسه ی وقفی پدرش بدانند و اورا به سرپرستی

موقوفات مدرسه ی مزبور بگمارند

مصالحه نامجه و متار که نامجه مورخ ۱۳۰۷ ه . ق .

از این مصالحه و متار که نامجه معلوم می شود که اختلافی میان و رئه حاجی محمد تقی خان و طلاب مدرسه ای که نامبرده ساخته بر سر استفاده از موقوفات پیدا شده است وقرار بر این شده است که یک دانگ و نیم از سدانگ ملک کجزی وقف بر طلاط و یک دانگ و نیم دیگر وقف بر اولاد باشد و همچنین دو مزرعه حقابه کجزی یک ثلث وقف اولاد و حق متولی و دو ثلث وقف بر طلاط و تعزیه و حق کل وال بیازک نصف وقف بر تعزیه و نصف وقف بر ورته باشد.

بیوں درب ایام خسته فر حام بین و رئه مر حمت مآب خلد نصاب حاجی محمد تقی خان طلب ثراء بین طلاط مدرسة مر حمت مآب مزبور که فعلاً موقوف علیهمند در بس سدانگ خشکه ملک کجزی و دوم زرعة بلای آت حقابه از رود دهنہ شصت کلاته و حق کل وال بهارک فی الجمله قول و غائله بوقوع پیوست که بسط و شرح آن باعث طول و لانمر است و چون اشرف الخواین العظام مغرب الخاقان محمدالسلطان سر کارخان سرتیب نجفقلی خان دامقا الالعالی یکی ازورته و متولی موقوفه مدرسه او لاد مر حمت مآب مزبور بوده اند رجوع امر بسر کارایشان وحواب سوال بایشان تحقق یافت بالاخره از جهت حسن اصلاح و مصالح منظوره از جهات عدیده و رعایت صالحه و متار که بین طرفین بو کالت حضور یه از سر کارخان سرتیب دام محمدالعالی و سو - طلاط واقع گردید که حاصل و نتیجه صلح واقع آست که گردید حس

صهر نفعی شاه - ۱۲۵۶ (مربوط مه من ۱۸۷)

وقامه مربوط به مدرسه محمد تقی خان هزارجریب بالارستاقی (مدرسه امام صادق فعلی) طبق این وقتفاصله، والفت هنگ ۲ دلیل از ۴ دلیل از اعیان کاروانسرای خود را باقی در بازار گفته است: آیا مدرسہ صادق بای ۴ ایوس و امیانی و اطافی رموروی آنرا وقف مدرسه خود نموده است. قالی ذکر می باشد که «بازار گفته» از ۴ راه میدان فعلی تاسه راه میرکرم ادامه داشت و دارای راسته های مختلف منطقه بود. این بازار در سال ۱۳۲۴ هـ هی بر aller آتش سوزی مهیب از بین رفت. فقط یک راسته از آن که اکنون راسته کلیدسازان و آهن

آلات است اسلام شناسی و پشت

حضرت عباس سالی مالکه محله

بیهان فعلی من در دبی و سپاهنه

برگ رگاهی سانی و محل پوست

فرشان این بازار بود هر منطقه شده

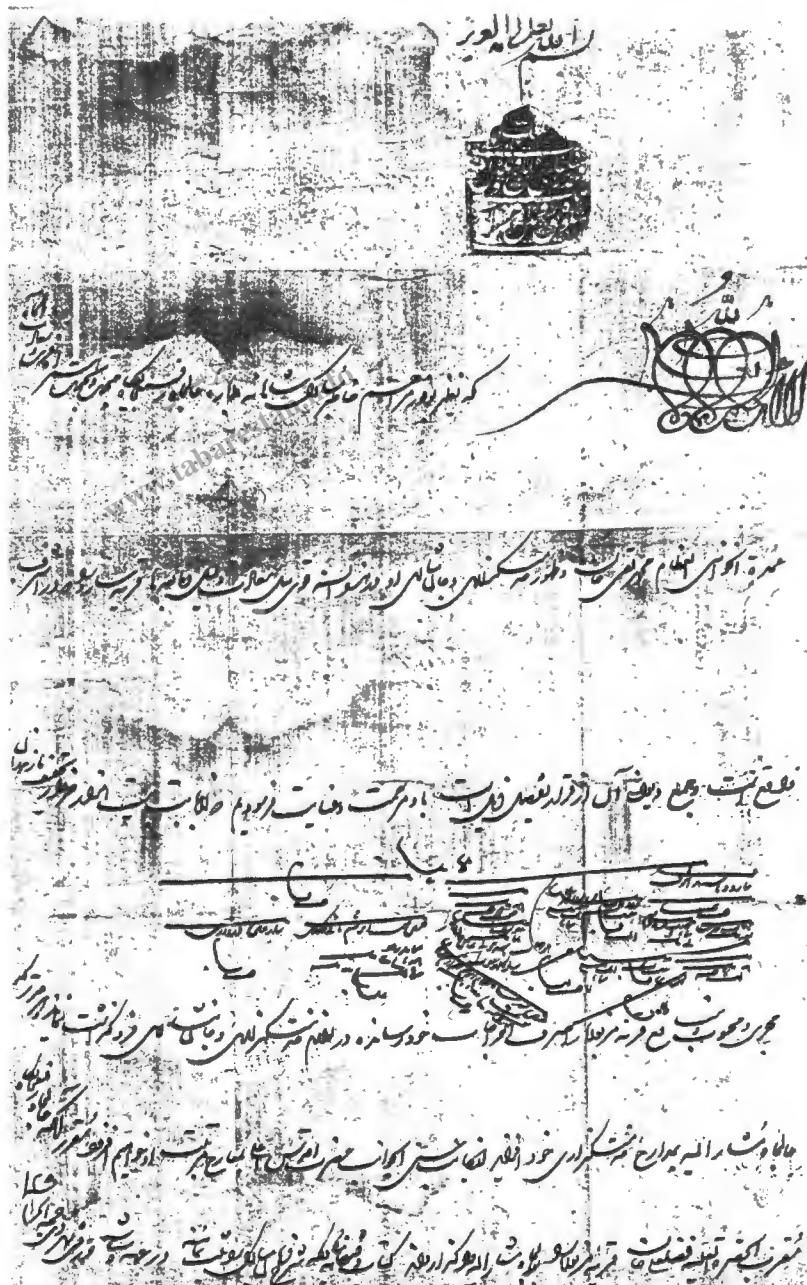
محمد بندری بدری و بزرگ آزاده ای

بنی و فخر ای راه را کلیدسازی و راسته



وقف نامه مربوط به مدرسه حاج محمد تقی خان هزار جریبی بالارستاقی

مدرسه امام صادق فعلی در گرگان



طبق حکم در سال ۱۲۵۰ قمری از جانب شاه قاجار قریه سارو را در اشرف
به حاج محمد تقی خان بالا رستاقی مرحمت فرمودند



فرمان حکمی از جانب شاه قاجار به حاج محمد تقی خان بالا رستاقی ۱۲۳۷ قمری

۷۱۰ فریدن که لاکچری نموده سر بر قدم ازها
بکار راند این امر بدان تکه داده باشد
خوب است اگر این اتفاق را در پیش از خود
خواهد بود اما این اتفاق را در پیش از خود
خواهد بود اگر این اتفاق را در پیش از خود
خواهد بود اگر این اتفاق را در پیش از خود

دراین اوقات واحوال حب بضریز جبارت داشت

وَقَفَ نَائِمًا مُعْتَرِّةً كَمُنْهَرَةِ الدَّلَالَةِ وَوَاضِعًا لِلشَّاهَةِ

او با بصر و رسمیده که در جو راه می‌موده موقوفه
از جن آشیان هاجر محنتی خان چکفتی نیز
است و غیر این را در این اوقات از زبان
تولیته دخواسته بیش و باید بناشد به
از پسره را فرستاده از پسرهزاده و افراد

一九八九年二月

وقف نامه ای از سوی حاج محمد تقی خان بالا رستاقی سال ۱۲۶۹ قمری

^{۱۸۷} من سنگ (سنگ نشته) مدرسه محمد تقی خان هزارجریبی استرآباد (مربوط به صفحه ۱۸۷)

خوب نهید لای طلخ شود من جیب از لمبروزه زد
ا مسکندر جمشید و غی فتحعلی شاه انگه نهست
خان مسکندر راه همی در سلطک جرجان خدل لو
آن پسر و شرخ نیس آن رهبر و دین رهی
چشون دست سماحها لشان لشان گیره بشانه
پسر اقاض و دوسلش سدر کلک فنا دست ندر
گفتم مگر خلد است این گفتار با نظر و دیگن
تاریخ انسامیل و لی از سین اکم پرسی بگو

سہ زنجیر دار (محمد تقی خان)

مدرسہ رجیسٹریشن، ریاستی مدارس اسلامیہ
یعنی مدرسہ پرنسپل ایسیگ نیتیتے واقع کیا از بائی آن باتی مانند است به تاریخ ۱۴۲۰ هجری
۱۸۲۵ م (۱۸۲۵ م) در شہزادی تجھیل شاه تاجا خواه حکومت محمد حسن میرزا بر استارت آباد توسط
محمد تقی خان هزار جوہری در ضلعی خصیری بازار تبلیغاتی نا گردید. به معین دلیل مدتی مدرسہ
بنام بائی آن خواندنی م شد تامیزہ طی و قطفانی ای ای تاریخ ۱۴۲۵ هجری ۷ دانگ از ۳ دانگ از
اعیانی کاروانسرا معرفو خود در بازار کوہتاون استارت آباد یا وقف مدرسہ و علمیں و حکیمیتیں
نمود ایشکشک پرسو موقوفات این مدرسہ بعدہ شمارهات
تریادی و پوچھوڈ اورہ۔ حقی در سال ۱۴۰۷ هجری فرمان ناصور
الدین شاه بصری سلطان امر گردید محمد صالح خان فرزند
ارشد محمد تقی خان را متولی موقوفات مدرسہ نماید.
این مدرسہ ایک اکتوبر ناماء مدرسہ امام احمدیق بی غفار خود
در زمینہ تعلیم و تربیت ادامہ من مدد رین بین بازار تبلیغاتی و
مسجدہ درین واقع است. بنای آن بکار در سال ۱۴۰۲ شمسی
تعمیر و تعمیر شد. در سالهای اخیر نیز بنای قبیل تخریب و
مسجدہ در دو طبقہ احداث گردیده است مسکن و مسواری
جدید نیز دارای یک ایوان خوبی و ۲۴ حجریہ پر امون حیاط
مرکزی است.
در گذشته دور آب مدرسہ از آب انبار «ستاخانہ» و قنات جاری
در جنب مدرسہ تأثین می گردید.



سیکی سٹہ مدرسہ محمد۔ کلیں جاری
جولائی، سال آپاں ۱۷۰۔



گوچان - یعنی شلیمان و سلطه خود را - مدرسه مسکنی خانه خود را
آن مدرسه مدنی و زنگنه خود مذهب می دهد و هم اکنون امام صادق و ائمه
شیعه را تقدیم بازدشت نیما و اتنی خواهیل - ۱۷۰ هجری در گرد

سنگ نبشته ای از بانی باقی مانده است تاریخ ۱۲۴۰ قمری
در زمان فتحعلی شاه قاجار (مدرسه زنجیر دار (محمد تقی خان))

جعفر قلی خان بالارستاقی :

در بین فرزندان آن گونه که در کتب تاریخی ذکر شده گرچه محمد صالح خان فرزند ارشد حاجی محمد تقی خان محسوب می شود اما جایگاه فرزند دیگر او به نام جعفر قلی خان از سایرین ممتاز تر است و شایدیکی از دلایل شهرت او ناشی از شرکت او در نبردی که علیه بها بیان در مازندران به وقوع پیوست باشد. که متاسفانه در این نبرد ایشان زخمی و نهایتاً کشته می شود و حضور او در این نبرد به دستور ناصر الدین شاه قاجار بوده است البته در این نبرد، برادران دیگر او از جمله محمد صالح خان، عباسقلی خان و برادرزاده اش طهماسب قلی خان* نیز حضور داشتند. اما کشته شدن او موجب شد تا جایگاه خاصی در تاریخ عصر قاجار به دست آورد در باب کشته شدن جعفر قلی خان در کتب تاریخی آمده است که او در این گیر و دار اصحاب حاجی محمد علی از فراز دیوار قلعه مانند تگرگی همی گلوله می بارید تا مباداً از لشگرگاه کسی به مدد ایشان آید بالجمله بعد از قتل طهماسب قلی خان و جراحت جعفر قلی خان.

مردم با بیه از برج بیرون شده راه قلعه خویش برگرفتند بعد از عبور با میرزا عبدالله جعفر قلی خان را از خندق بیرون آورده بعد از دو روز او را به جانب ساری کوچ دادند مهدیقلی میرزا چون این شنید در خشم شد گفت چرا بی اجازت من او را کوچ دادید و کس فرستاد او را به لشگرگاه مراجعه دادند از این شدن و آمدن در آن شب در گذشت.^۱

وشاه قاجار در پی کشته شدن جعفر قلی خان ملک سدن را به عنوان خون بھاء به خانواده هزارجریبی بخشید چنان که آمده است.

هم‌چنین سرتیپ جعفر قلی خان هزارجریبی فرزند حاج محمد تقی خان در این زد و خورد به قتل رسید و شاه قاجار قریه سدن گرگان را به عنوان خون بھاء به خانواده هزارجریبی مرحمت داشته است.^۲

۱- کتاب فتنه‌ی باب ، ص ۵۹ ، اعتضاد السلطنه

۲- کتاب زندیه و قاجاریه ، ص ۱۸۸

*- در این جنگ طهماسب قلی خان به شدت از ناحیه سر زخمی و نهایتاً خوب شدند (نقل از بزرگان روسنا)

شایان ذکر است :

که از جعفر قلی خان فرزندی به نام مرتضی قلی خان در سال ۱۲۷۳ (هجری قمری). پنجه نقره ای است که به یاد قمربنی هاشم حضرت عباس^(ع) وقف علم روستای سارو گرده است.

که هم اینک در روستای سارو در مراسم ماه محرم و عزاداری مورد احترام و تقدس همه علاقمندان برای امام حسین^(ع) و اهل بیت می باشد.

متن نوشته

«وقف حضرت عباس^(ع) نموده : عالیجاه مرتضی قلی خان ولد مرحوم جنت مکان جعفر قلی خان بالارستاقی هزارجریبی ۱۲۷۳ هجری قمری.»

و در جای دیگر :

پنجه نقره ای به یاد حضرت ابوالفضل العباس^(ع) وقف علم در روستای سرخ گریه کرده است. که هم اینک در مراسم عزاداری در سرخ گریه مورد توجه و احترام است. البته وقف کننده طبق نوشته :

«وقف حضرت عباس^(ع) نموده جعفرقلی» که تاریخ آن به سال ۱۳۱۷ حک شده که برای ما قابل فهم و درک آن نیست. ولی به نظر می رسد که این جعفر قلی نامداری از اجداد خود است که همان منصور السلطنه باشد.^۱

۱ - عکسها در ضمایم آورده شده است

نجفقلی خان (حاجی خان) بالا رستاقی هزارجریبی :

آن چه که از اسناد و مدارک موجود بر می آید حاج محمد تقی خان بالا رستاقی فرزندانی به نام های محمد صالح خان، مرتضی قلی خان، عباسقلی خان، حاجی خان و ... که از فرزند دومی ایشان یعنی مرتضی قلی خان و فرزندان و نواده گان او هیچ آثاری به صورت مکتوب موجود نیست. آن چه با تتبع در اسناد و مدارک می توان به آن دست یافت بیشتر پیرامون شخصیت و فرزندان حاجی خان (نجف قلی خان سرتیپ) است که ایشان دارای شش فرزند پسر به نام های زیر بوده است :

- ۱- هدایت الله خان ،
- ۲- عنایت الله خان (مسعود لشکر)
- ۳- علی قلی خان (مسعودالملک)
- ۴- تیمور خان
- ۵- محمد قلی خان (مصباح نظام ، سرهنگ)
- ۶- حبیب الله خان

نجف قلی خان (حاجی خان) :

نجف قلی خان به جهت شایستگی های که در ارتباط با حکومت استرآباد از خود نشان داده بود به درجه سرتیپی و القابی مانند مقرب الخاقان و معتمد السلطان و اشرف الخوانین مفتخر شده بود.

نجف قلی خان دارای چهار همسر بوده است :

- ۱- مادر عنایت الله خان (مسعود لشکر و هدایت الله خان) از گرگان.
- ۲- مادر(علی قلی خان)مسعودالملک (محمد تقی خان)اصلاح النظام(سرهنگ)از دو دانگه ساری

۳- مادر حبیب الله خان از جام خانه نکا

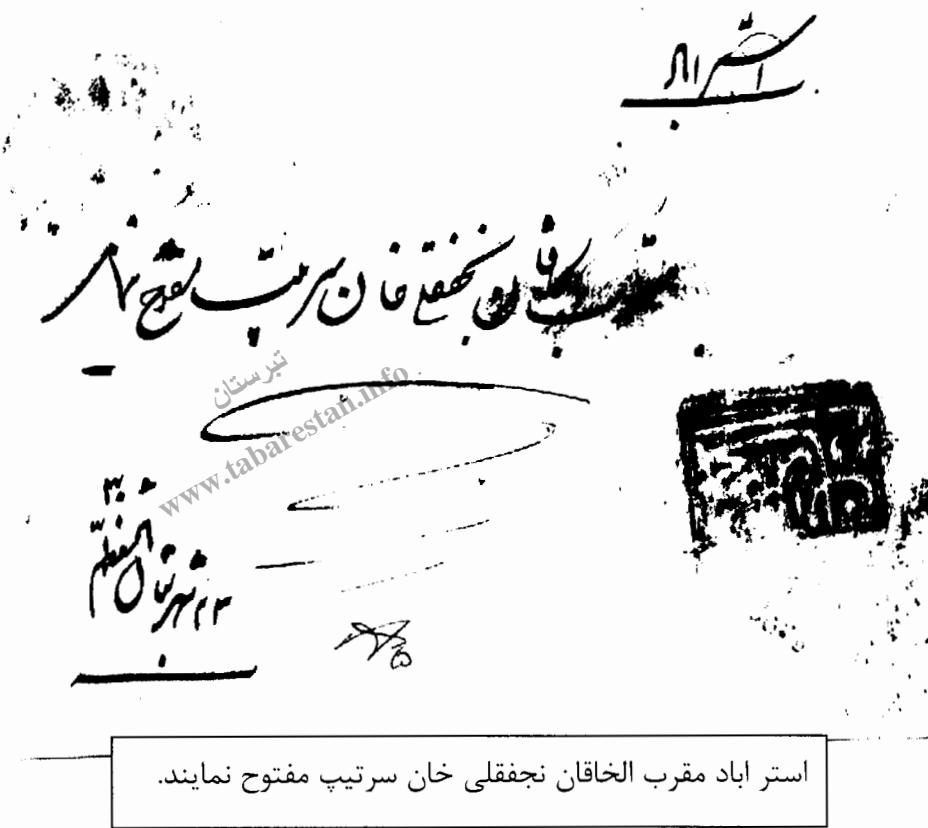
۴- مادر تیمور خان از ساری (ماکران، چماز په) بوده است.

خواهران حاجی خان (نجف قلی خان) :

طلا خانم (جان جان) همسر طهماسب قلی خان، مادر مظفر قلی خان طهماسبی و حیدر قلی خان .

دختران حاجی خان (نجف قلی خان) :

- ۱- حاج شرف نساء(خانم کوچک خانم)عفت الملوك : همسر محمد خان خسروی ساری.
- ۲- حاج بی بی نساء یا (سکینه)، (خانم بزرگ خانم) : همسر محمد زکی زمانی گرگان.
- ۳- حاج خانم خیر النساء (تاج الملوك) : همسر حاج یاور محمد یخکشی.



سخنیه بر
الله
دامت
بر سلطنه
ازلی و شرف بزرگی مورخ ۱۳۰۷ هجری
سرخ گاه سرخ

سرخ گاه سرخ

Q

سرخ گاریه اشرف الخوانین العظام. مقرب الخاقان - معتمد السلطان سرتیپ نجفقلی خان

علی قلی خان هزارجریبی (مسعودالملک) :

یکی از دانشمندان زمان و از متنفذین هزارجریب مازندران و از نویسندهای نقاد و بی نظیر عصر ما بوده است. مشارالیه فرزند حاج نجف قلی خان سرتیپ و در سال ۱۲۴۶ شمسی در قریه سرخ گریه متولد شد. و در مهر ماه ۱۳۲۰ شمسی در تهران درگذشت.

تالیفی به عنوان «میش و بره» نموده که در سال ۱۳۰۷ خورشیدی به چاپ رسیده و در آن از روش جوانان مادی اروپا پرست که فقط برتری ایرانیان را پیروی از سبک اخلاق و زندگی غربیان که آن‌ها کورکورانه روش ایشان را گرفته و شرقیان را به واسطه‌ی عدم متابعت به آن‌ها خوار می‌شمرند انتقاد کرده و ضمناً به زبان میش و بره پاسخ‌های نغز و شیرینی به رد این گونه عقاید داده است.

روی هم رفته کتاب مشارالیه در این زمینه ارجمند و قابل مطالعه است. مرحوم هزارجریبی از جمله آزادی‌خواهان به نام عصر خود بوده واز سال ۱۳۱۶ تا ۱۳۰۷ سمت نمایندگی مجلس را داشت.^۱

ضمناً به نقل از همین کتاب آمده است که : از حجت‌الاسلام حاج ملا محمد اشرفی فرزند محمد مهدی اشرفی دو کتاب سودمند به یادگار مانده که نخستین آن.

کتاب «سرار الشهاده» به زبان فارسی می‌باشد که در سال ۱۳۲۲ هجری قمری به سعی و اهتمام امیر دانشمند مرحوم سرتیپ علی قلی خان مسعودالملک هزارجریبی در تهران به چاپ سربی رسیده است.^۲

ضمناً این مطلب در کتاب «آسمان در آینه» ص ۱۷۹ تأثیف خانم مریم حجتی نیز اشاره شده است.*

و این امر نشان از روح خرد و روزی و علم گرایی و حمایت از صاحبان فکر و اندیشه از سوی مسعودالملک آن‌هم در گذشته‌ای بسیار دور که اکثر افراد از جایگاه و عظمت علم و دانش فاقد معرفت و آگاهی بودند.

۱- تاریخ ادبیات مازندران ، سید محمد طاهری شهاب ، ص ۳۰۱

۲- همان کتاب صفحه ۹۸

*- کتاب آسمان در آینه مریم حجتی اشرفی

ضمناً مرحوم علی قلی خان (مسعودالملک هزارجریبی) دارای طبع و قریحه شاعری نیز بوده که از باب آگاهی یکی از غزلبات ایشان آورده می‌شود.

(م) مراست دلبرکی گلزار و سیمین تن

که همچو قامت دلجوی اوندیده چمن

(س) سهی چه سرو چمن لیک بس تفاوتهاست

میان سروچمن با میانه مه من

(ع) عجین شده است گل ماه من زمهر وفا

بغیر مهر و وفا هیچ نایدش به دهن

(و) ولیک با من شوریده می‌کند آن شوخ

بسی جفا که نظیرش ندیده چرخ کهن

(د) دلم زدرد فراق تو غرقه در خون است

بتابین اثراتش تو در تمام بدن

(ا) اگر بدمست من افتاد فراق را بکشم

زآب دیده دهم من به خون بهاش ثمن

(ل) لباس هستی جاوید میکنم در بر

چه برهنه قدمی ای بتا در این گلشن

(م) من این مرقع پشمینه برکنم آن روز

که جامه ابدی را نسمائیم در تن

(ل) لقد رجوت من الله في جميع الحال

لقاک کل مکان وفاک کل زمان

(ک) که این سعادت جاوید قسمتم بشود

هزار شکر کنم من به خالق ذوالمن

۱۳۲۵ هـ . ق . علی قلی هزارجریبی

(مسعود الملک)

این شخصیت به جهت وجاحت و مقبولیت سیاسی و اجتماعی و نظامی که در دوره خود داشته هم مورد خطاب بزرگان عصر خود بوده و هم بسیار تاثیرگذار بود. در تصمیمات منطقه‌ای و حتی کشوری، اسناد و مدارک موجود موید این واقعیت است که به پیوست آورده می‌شود.

مسعود الملک هزارجریبی :

علی قلی خان مسعودالملک هزارجریبی، فرزند نجف قلی خان سرتیپ، نوه‌ی جعفر قلی خان سرتیپ، نتیجه‌ی محمد تقی خان هزارجریبی، نبیره‌ی کربلایی محمد قلی خان و ندیده‌ی صادق سلطان نامی است که معاصر آقا محمد خان قاجار بوده و در نبردهایش با مدعیان قدرت، او را همراهی می‌کرد، به همین سبب نیز در طول حاکمیت قاجار، این خاندان همیشه مورد توجه بوده و مناصب و مقاماتی در منطقه داشته‌اند.

گفته‌اند:

خاستگاه این خاندان، سوادکوه بوده و به علی نامعلوم به هزارجریب کوچ کرده‌اند. از اسناد بر می‌آید که سیصد تا پانصد سال صاحب فوج در منطقه بوده‌اند. نیای مسعودالملک- حاج محمد تقی خان هزارجریبی- از افراد شاخص منطقه بوده که مدرسه و کاروان سرایی در استرآباد و سدی نیز در روستای «چغرا» احداث نموده است. عمومی پدرش به نام مهدی خان، در جنگ دوم ایران و روسیه (۱۲۴۳-۱۲۴۱ق) از همراهان عباس میرزا نایب السلطنه بوده است و پدر بزرگش (جعفر قلی خان سرتیپ) به اتفاق برادر خود (محمد صالح خان) و همچنین تهماسب^۱ قلی خان که شناخته نشد فرزند کدام یک بوده، در سرکوبی بایان مازندران در قلعه‌ی «تیرسی» در سال ۱۲۶۵ق شرکت داشتند. در همان جنگ، او (جعفر قلی خان سرتیپ) و تهماسب قلی خان به قتل رسیدند. نجف قلی خان سرتیپ هزارجریبی که مرکز حکومت او «سرخ گریوه» مشهور به «سرخ گریه» هزارجریب بوده، به نقل از حسن قلعه‌بندي، روستای «سدن» از توابع استرآباد را به خاطر خون‌بهای پدرش، از دولت دریافت کرد، در حالی که در کتاب «گرگان زمین» آمده است:

«قریه سدن به اربابی جذ نجف قلی خان بوده است.»

^۱ طهماسب قلی خان فرزند عباس خان نوه‌ی حاج محمد تقی خان و پدر حیدر قلی خان و مظفر قلی خان بود

نجف قلی خان بعدها به دست «صاحب اختیار» به قتل رسید و قریه‌ی «سدن»، به نفع دولت مصادره شد.

شایان ذکر است که قریه‌ی «سعد آباد» در غرب استرآباد نیز از آن نجف قلی خان سرتیپ بوده و املاک روستای کفشگیری از توابع استرآباد نیز از آن او و پسر عموهای وی بوده است.

نجف قلی خان سرتیپ چند فرزند پسر داشت :

۱- محمد قلی خان مصباح نظام

مصباح نظام چند دختر نیز داشت. از مصباح نظام، وقف نامه‌ای مربوط به ۱۳۳۸ق

تبرستان

۱۲۹۸خ در کتاب آستانرا تا استرآباد آمده است

۲- عنایت الله خان مسعود لشکر

۳- هدایت الله خان

۴- علی قلی خان مسعود الملک.

مسعود الملک در سال ۱۲۸۷ق (۱۲۴۶خ) زاده شد. مدت‌ها ریاست فوج محلی را بر عهده داشت و مرکز حکومت او «سرخ گریوه» در هزارجریب بود. کتابی نیز به نام «میش و بره» نوشته که در سال ۱۳۰۷ش به چاپ رسید و در آن تقلید جوانان از مظاهر ناخوشایند اروپایی را نکوهش کرده است. «قلعه بندی» می‌نویسد: «او مردی با کمال و معارف پرور بود و کتاب میش و بره‌ی او در اثر عدم توجه خاندان وی مفقود شده است.» اما این کتاب در کتابخانه‌ی دانشگاه تهران موجود است.

«فورتسکیو» درباره‌ی مسعود الملک می‌نویسد:

«مسعود الملک متولد حوت ۱۲۸۷ق (۱۸۷۰م) است. پسر حاجی نجف قلی خان امیر پنجه افسر موروثی فوج هزارجریب، که مسعود الملک از او ۱۵ روستا به ارث برد و از آنها ۱۴ روستا در بیلاق چهار دانگه و یک روستا در دو مایلی اشرف [= بهشهر] به نام «ساروق» است که قشلاق اوست و بیلاق او نیز «سرخ گریه» است. در سال ۱۳۲۷ق (۱۹۰۹م) پیش از مجادله‌ی سپهسالار تنکابنی با محمد علی شاه، به عنوان پیشکار سپهسالار به سمت آذربایجان رفت. سپس سپهسالار را به سوی گیلان همراهی کرد، اما به استرآباد نرفت و در جنبش انقلابی مشروطیت دخالت نداشت. در سال ۱۳۲۹ق (۱۹۱۱م) دامغان را علیه ارشدالدوله شوراند، اما با نزدیک شدن آنها... او عموماً از سیاست محلی مازندران کناره گیری می‌کرد، اما در سال ۱۳۳۶ق (۱۹۱۸م) با یکصد تن به سردار جلیل [=لطفعلی خان] پیوست. در سال ۱۳۳۷ق از سوی ظهیر الملک [= حسن خان] - حاکم مازندران - به خراسان تبعید شد که هنوز در آن جاست. او از دیگر زمین داران مازندران، تحصیل کرده تر و خوش نام تر است.»

چند نکته‌ی قابل تأمل در مطالب بالا وجود دارد. نخست آن که :

از همراهان سپهسالار در حرکت به سوی آذربایجان و سپس گیلان بوده که در هیچ جا به آن اشاره نشده است.

دوم آن که : علی رغم نوشته‌ی «علی اصغر کشاورز» که در خصوص جنگ او (مسعودالملک) با علی خان ارشد‌الدوله نوشت : «آنها ساعت‌ها با یکدیگر جنگیدند»، «فورتسکیو» از ... او به محض نزدیک شدن سپاه ارشد‌الدوله یاد می‌کند. فورتسکیو همچنین نوشت : «در جنبش انقلابی مشروطیت دخالت نداشت» و «معمولًا از سیاست محلی مازندران کناره گیری می‌کرد». در حالی که وی در دوره‌ی استبداد صغیر، با مشروطه خواهان همکاری داشت و در تحصن مشروطه خواهان استرآباد در مسجد جامع این شهر، دویست تن چریک مسلح «سدن رستاق» را به جمع آنان فرستاد.

«هنگام بازگشت محمد علی شاه مخلوع از روسیه، مسعودالملک هزارجریبی، سر کرده‌ی افواج دولتی در دامغان بود که با دو اراده توپ در آن منطقه در برابر قوای علی خان ارشد‌الدوله جنگیدند. جنگ در نزدیک روستای «نرشیم» رخ داد و منکودکی بودم که در پشت بام خانه با دوستان بازی می‌کردم و پدرم با رحیم خان حشمت‌الممالک مایانی، تماشاهر صحنه جنگ بود. پس از ساعت‌ها رزم، ناگهان صدای توپ و تفنگ قطع شد و خبر آوردند که مسعودالملک هزارجریبی و قوای دولتی به سمت «چشممه علی» و هزارجریب حرکت کرده‌اند و توپ و تفنگ و هر چه از آنان بود، به دست ارشد‌الدوله افتاد و ارشد‌الدوله به سمت دامغان حرکت کرد.»

شاعر استرآبادی - سید رضا عرفانی از این واقعه چنین یاد کرد :

تفرج کنان جمله در کوه و دشت	همی رفته زین کوه بالا شدند
ز «خیرات» رفتند «گرمابدشت»	چو در شاهرود آمدند آن سپاه
سبک هر یکی چون مسیحا شدند	بلایی که در استرآباد بود
به چشم خلائق جهان شد سیاه	که چون ارشد‌الدوله با آن سپاه
در آنجا هم این آه و فریاد بود	رسیدند در خطه دامغان
شب و روز طی کرده، رفتند راه	حکم ران آن جیش «مسعود» بود
صادف شده سپاهی گران	
به اردوش، قورخانه موجود بود	

«مسعودالملک از سوی دولت به ریاست اردویی برگزیده شد که قرار بود به طرف خراسان برود و در دامغان مستقر شده بود وقتی بخشی از نیروهای محمد علی شاه از راه شاهرود به سمت تهران حرکت کردند، دولت ناگهان به مسعودالملک تلگرافی زد که به سمنان برگردد و او پاسخ داد : اگر بر گردم دشمن تشجیع خواهد شد، در حال حاضر دامغان را سنگر بندی می‌کنم تا اردو از مرکز برسد.»

مسعودالملک هزارجریبی که چند دوره وکیل مجلس بود می نویسد: «در همان زمان، من در ملک شخصی خود، واقع در یک فرسخی شاهرود بودم. پس از ورود اردوی ارشد الدوله به شهر، جماعتی که مت加وز از سیصد نفر زن و مرد و بچه بودند، از ظلم غارتگران، به محلی که من بودم، پناهنده شدند. حالت این بدیخت‌ها به درجه ای رقت آور بود که بی اختیار گریه کردم. اکثر این افراد را سر تاپا برهنه کرده بودند و گوش‌های دختران در موقع ربودن گوشواره پاره شده و خونین بود. پیر مرد محترمی را طناب پیچ کرده بودند و برای آن که گنجی را که مخفی کرده بود به زور دهد، یکی از چشم‌هایش را بیرون آورده بودند. آنچه را که غارتگران به دست آوردند، بر اسب و قاطرهای غارتی بار کرده و به طرف آبها فرستادند و بیش از صدها زن و دختر را به اسارت برداشتند.»

مقاومت مسعودالملک در دامغان، شاعر السلطنه را بر آن داشت تا طی دستوری به نایب الحکومه‌ی استر آباد- محمد علی خان ساعد السلطنه- املاک مسعودالملک را مصادره کند و در تلگرافی دیگر که به علی اکبر خان امیر عشایر فرستاد، خبر پیروزی بر مسعودالملک را در جنگ هفت ساعته اعلام داشت.

مسعودالملک، زمان حکومت حسین علی میرزا اعتضاد السلطنه بر مازندران (۱۳۳۷ق/ ۱۲۹۷خ) که جنگ بین امیر مؤید سوادکوهی و سردار جلیل کلبادی شدت گرفت، به همراه سردار رفیع یانه سری به طرفداری از قوای سردار جلیل بر خاست و با نیروهای تحت فرمانش وارد ساری شد. در زمان حکومت حسن خان ظهیر الملک (۱۳۳۷-۱۳۳۸ق/ ۱۲۹۷-۱۲۹۸خ) که مسأله خلع سلاح سرداران مازندران و استر آباد در دستور کار دولت و شوق الدوله قرار گرفت، جانب احتیاط را از دست نداد، به سمت مشهد رفت و پسر خود- محمد جعفر خان منصور السلطنه- را به ساری فرستاد. در زمان حکومت امیر اصلاح خان نظام السلطان بر مازندران (۱۳۳۹ق/ ۱۲۹۹خ)، نارضایتی از مسعودالملک و دیگر متنفذان خطه‌ی شمال، در تلگراف حاکم به ریاست وزرای وقت- سپه‌دار اعظم- دیده می شود. در تلگراف اشاره شد که: «سالار افخم در سه دانگه، مسعودالملک و سردار رفیع و اشجع الملک در هزارجریب و چهار دانگه، سردار جلیل و سایرین در ساری و توابع، هر کدام یک امیر مؤیدند.»

مهجوری می نویسد: «در هنگامه‌ی اختلاف امیر مؤید سوادکوهی با رضاخان سردار سپه، شبی که امیر مؤید با فرزندانش در تهران به خانه سردار سپه رفت تا اختلافات را حل کند، مسعودالملک هزارجریبی نیز حضور داشت.» اما اختلاف سردار سپه با امیر مؤید نه تنها حل

نشد، بلکه به قتل دو فرزند امیر مؤید نیز انجامید و نقل شد که نخستین کسی که خبر قتل پسران را به پدر رساند، مسعودالملک هزارجریبی بود.

مسعودالملک با قدرت یابی رضاخان سردار سپه، خود را به او نزدیک کرد و گویا به هنگام پادشاهی رضاخان، یک هفته در بندرگز جشن گرفت و مهمانی داد و بی سبب نبود که از دوره هفتم تا دهم، به عنوان نماینده مردم استرآباد به مجلس شورای ملی راه یافت. از سندي بر می آيد که مسعودالملک در سال ۱۳۰۴ یا ۱۳۰۵ش، امتياز راه شوسه بندرگز به دامغان را به دست آورده بود و آن را به اتمام رساند.

هر چند که فورتسکيو از مالک بودن او بر ۱۵ روستا و وکيل الدوله از مالک بودن او بر هفت هزار و هشتصد گوسفند باوندي ياد می کنند.

مسعودالملک همراه سپهدار تنکابني، سفری نیز به تفلیس داشت. زنش رقیه خانم، خواهر سردار رفیع یانسری بود که به «خانم شازده» معروف بود.

«در باب سپهدار» :

ششم ماه فرواری مسعودالملک هزارجریبی از تفلیس تلگرافی به امیر اکرم نموده به اتفاق سپهدار وارد تفلیس شدیم. (ص ۳۴۴)

در باب ورود سرباز :

سردار افحتم بر حسب دستو العمل اولیای دولت کاغذی به امیر اکرم هزارجریبی و مسعودالملک نوشته دویست نفر سرباز برای پاسبانی و قراولی دیوانخانه لازم است. (ص ۳۷۵)

در باب سپهدار :

علیقلی خان مسعودالملک که از فدائی های سپهدار بود وارد بندر جز شدند تلگرافاً به سالار امجد پسر امیر توپخانه خبر داد. چون سپهدار به سمت پاریس حرکت نموده لهذا بنده را مرخص کردند. چند روز دیگر به استرآباد می آیم. (ص ۳۴۶)

در باب قزاق :

قائم مقام بر حسب تلگراف ریاست وزرا وسی ام ماه می را برای صرف ناهار در سدن یک فرسخی مغربی مهمان مسعود الملک هزارجریبی بوده و عصری وارد شهر شدند^۱.

۲۰ سپتامبر ۱۹۱۷ م در باب عروسی :

علیقلی خان مسعودالملک سرتیپ هزارجریبی صبیه مرحوم محمد باقر سردار رفیع را برای پسرش عروسی می نماید. خوانین مازندران و رؤسای استرآباد را از ششم ماه سپتامبر دعوت نموده رفته‌ند. بیست روز دعوت داشتند. از قرار مذکور دوازده هزار تومان - ۱۲۰۰ تومان مخارج عروسی نموده است و^۱

فرزندانش عبارتند از :

۱- محمد جعفر خان منصور السلطنه که وی نیز سه پسر به نام های : محمد ابراهیم خان (خان باباخان)، احمدعلی خان و محمدرضاخان و سه دختر به نام های : عصمت خانم، شهریارخانم، و سلطنت خانم داشت.

۲- شاهرخ که با جهان سلطان، دختر محمد باقر خان سردار رفیع ازدواج کرد و فرزندانشان صدیقه خانم و یدالله خان نام دارند.

۳- الهیار خان ۴- سالار مسعود ۵- بتول خانم که همسر آقا کوچک زمانی شد.
مسعودالملک سرانجام در مهر ماه سال ۱۳۲۰ش در تهران درگذشت.^۲

(سنده شماره ۱)

[مهر شیر و خورشید]

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از استرآباد به اشرف .

خدمت جناب بندگان آقای اشرف الملک زید اجلاله خانه گفته می شود. قدموم شریف را منتظرم. علیقلی هزارجریبی .

[مهر بزرگ بیضی با سجع :] ((خبر تلگرافخانه مبارکه))

به تاریخ ۱۸ شهر ذیحجه الحرام سنه ۱۳۲۶

شایان ذکر است که :

در مورد این شخصیت مذهبی، سیاسی، فرهنگی اجتماعی با توجه به اسناد و عکس های موجود و فراوان می توان کتابی تهییه کرد ولی متاسفانه در اینجا مجال نیست.

۱- مخابرات استرآباد حسین مقصود لو وکیل الدوله

۲- دانش نامه ی گلستان استرآباد و جرجان. دفتر سیزدهم اسفند ۸۶

ارطهار میں مقریعہ ۱۰

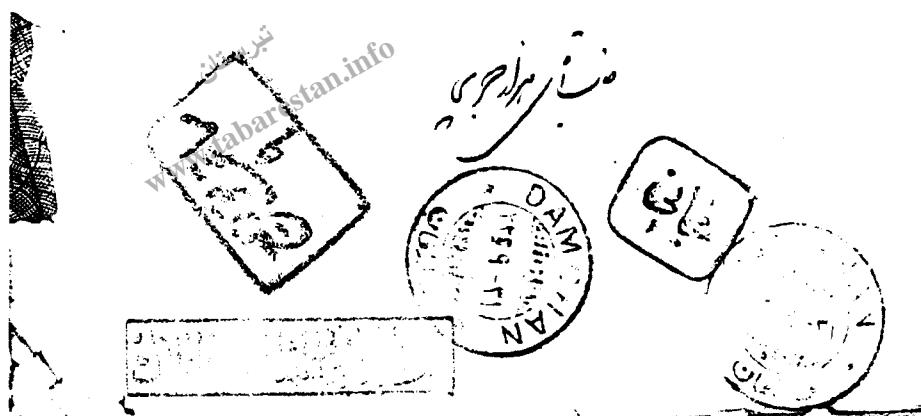
بعوم حکما فریاد شم بر ریت اف ب قبیله زنی
 لز روز زنید حبیب امر دل راره علیه ملوہ نینہ کا کھانہ
 ہایون شہشت ہر لرد خدا نہ کا عظیم سرداری
 یاریہ صیہ و وزارت یاریہ لستہ ایام ایا لدست المصلح
 دل ده میتو نہ دیواری لزیابیت و فقادت ہمارہ
 بنی یهودا خدا کشید و بیون بخوا و حوریہ وزارت
 یاریہ بنی یهودا لزیابیت تکبریہ کشید پسکاریہ
 لز طرف وزارت یاریہ بر ایام ولادیات سعینی
 در دام خواهشہ ولد چنچہ ول ذرہ در وزارت یاریہ
 قبیر سخی ایو شہ و ضرر ایو میتو (وزارت یاریہ)

وَالْمُبَشِّرُ بِالْجَنَاحَيْنِ

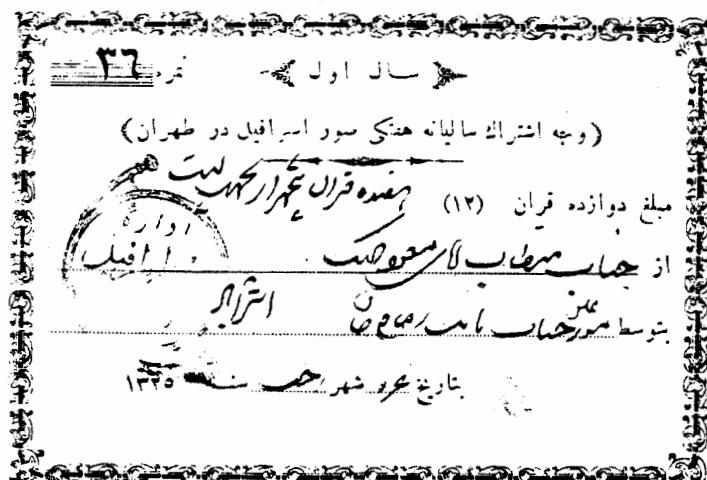
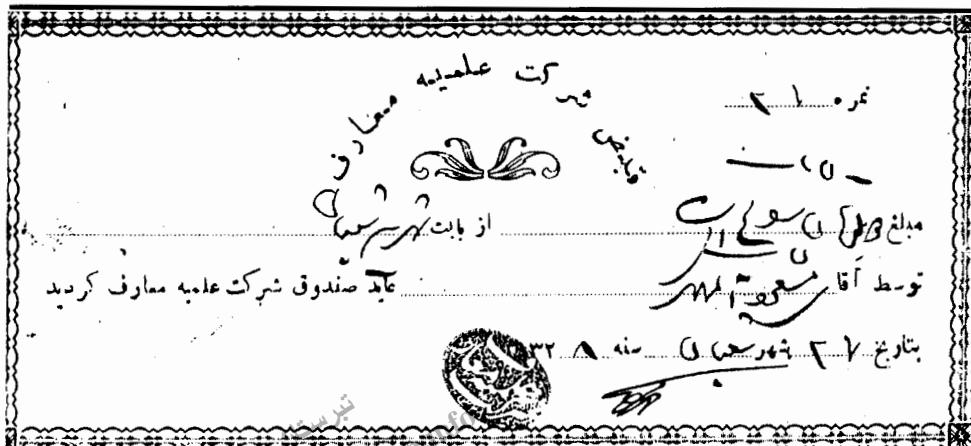
۱۰- دلم زوره فرآن تو غرقده درخواه است (۱) اگر بسته فرماتند در آن مکتبه (مل) بسیاری های دیگر نیز
بنیانی اثراوش تدریجیا می باشند زیرا بعد از این فرمونهای پیش از شروع چه راهنمایی از این داده های اثراوش

۱۰۵
فیض و میرزا علی شاہ بخاری و میرزا علی شاہ کوکنی و میرزا علی شاہ سرخی و میرزا علی شاہ سرخی

نمونه ای از اشعار و دست خط مسعود الملک (علی قلی خان) هزار جریبی



مہمان نیشنل ہوٹل کھانے کا احمد علی سنبھال راجہ ۴۷۹



قبض شرکت علمیه معارف . بابت شهریه ماههای سال توسط مسعود الملک هزار جریبی وجه اشتراک سالیانه هفتگی روزنامه صور اسرافیل در تهران توسط مسعود الملک هزار جریبی

۱۰) نامه مکالمه سیمی خواستاری و احتجاج

۱۳ کم مسافتی داریم
که هر چند هست

۱۴۹ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹

۱۵ صدر بدل
۱۶ صدر بدل
۱۷ صدر بدل
۱۸ صدر بدل

دھم ۰ سید دلیل
در قم
امیر

لهم إنا نسألك مخرجاً من كل شرٍّ

مکالمہ
مع
لشیعہ

الله علیکم سلام و رحمۃ الرحمٰن فیکم

۱۷۰۴ء کے دو میں سے ایک میں پھر کارکت و جن طور پر تسلیم

فَلِلَّهِ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ الْمُنْتَهَىٰ فَمَا عَلِمَ فَرِيقٌ

در هفدهمین شب (اللهم در حسنه) ۲۴ (جعفر بن محمد)

*Conrad
Fischer*

140. 145

میرت مکہ حضرت سلطنت نہیں ہے جو دنیا کے ایسا سعدی ایک خود فرمانده بسویں دہکم ۱۳۴۲

نمونه صورت محاسبات حضرت مستطاب امجد عالی آقای مسعود اللهم هزار جریبی

١٣٤٤ محرم ٢١

عکس‌گیری از آداب و رسوم میراث اسلامی

ریزی دارم ام تباش شنیده ام ملی خاک خود بینی خود دست را خود کنم ام ام





صفحه

تاریخ: ۱۳۳۰ میلادی
اداره تکرانی دولت علیه ایران

نمره	عدد کلمات	متن	تاریخ اصل مطلب	/اطلاعات
۱۰۶۴	۲	قدل بزند و ادب و درشد هم داشت و نیز بر سر اکثر زندگانی خود را پس از حوال بزد	۱۳۳۰	اطلاعات اداره تکرانی دولت علیه ایران

۱۰۶۴ صدور حکم بجز بسط صدور مدعی خان نمار و میر مفعع بوزار

دراده از مردم	دراده از مردم	این شیوه دراده از مردم
۱۸ این حادثه در محل قتل	۱۸ این حادثه در محل قتل	و طلب کیم خواست
—	—	ایرانی کیم خواست

ایرانی کیم خواست
و طلب خواست

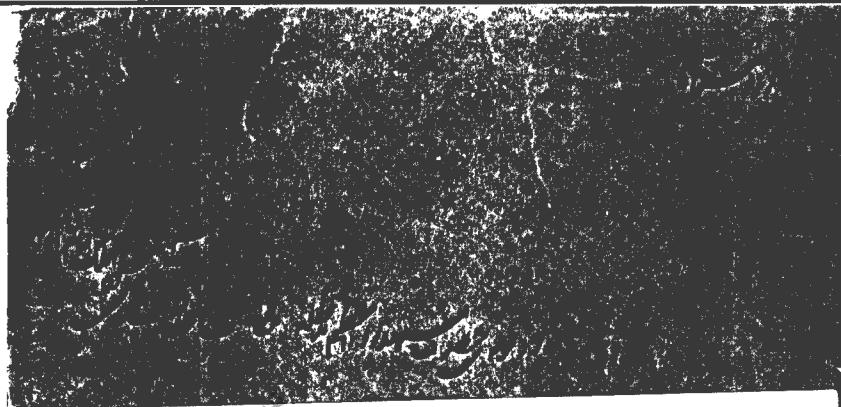
ایرانی کیم خواست
و طلب خواست

۱۱۵ هجری

۲۲

صدر ہند نصیع حکیم شترپ فتح چهارم

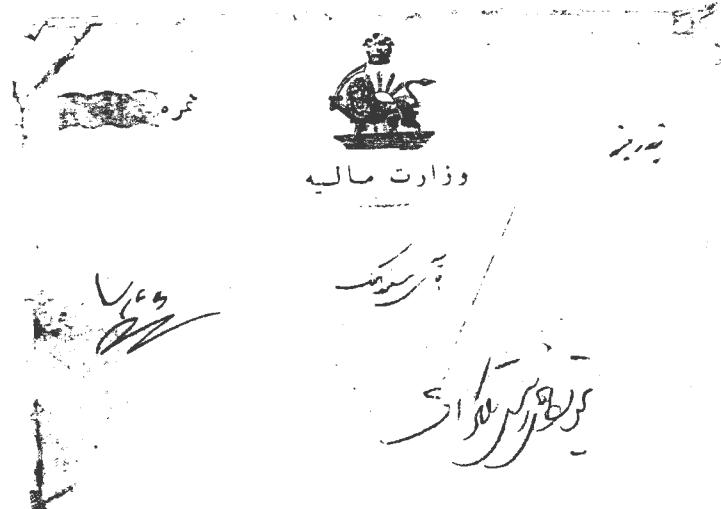
تبرستان www.tabarestan.info
 این شهر بسیار دلگزیر و شسته زیبا و زیبای
 عیش نهاد خود را می‌داند و خوش خبر و دار و کاشت و فرم
 شاهزاده هر قدری وقت نهاد را نهاد
 دیگر می‌سرزد و در جوست نهاد می‌گردید
 خبر دیدند خبر دیدند کسی که دچار می‌گردید
 شاهزاده نهاد آنها کسی نهاد خبر داد
 شد است در همیز دچار می‌گردید

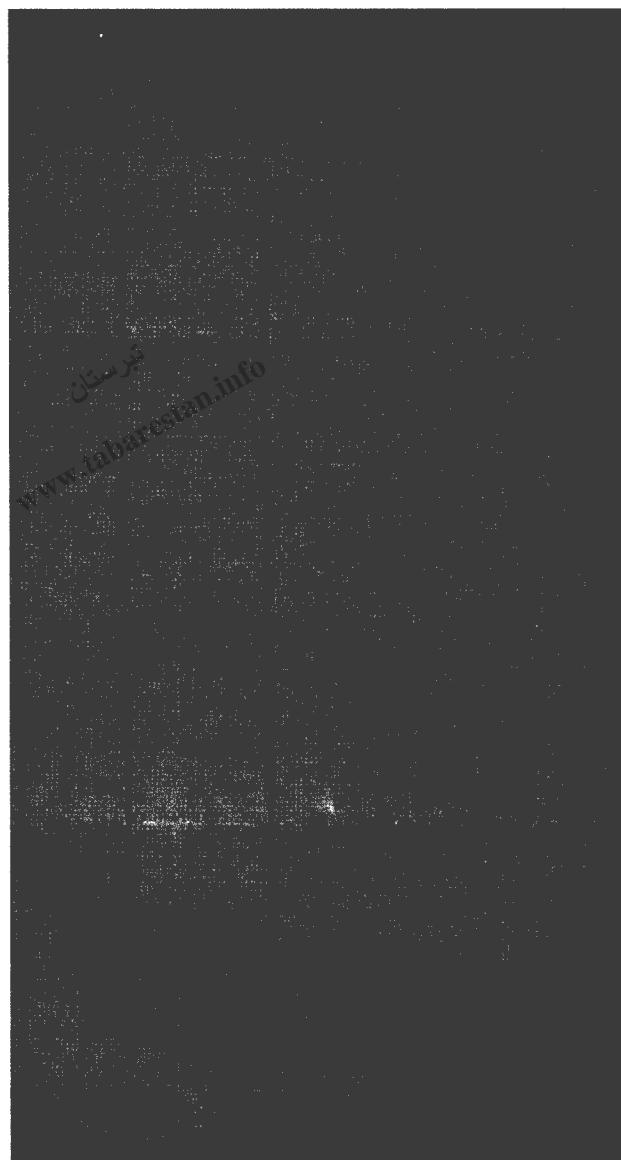


تبرستان
www.tabarestan.info



عده الامرا العظام سه شاهزاده
الملائكة والخط ناید





جدول عده آرای و محل انتخاب و اسم نماینده (از سالنامه پارس)
ص ۵۷ - نمره ۶ - مسعودالملک هزار جریبی - استرآباد - ۱۰۷۹۸ عده آرای



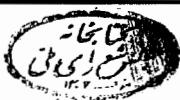


از هر چهارمین بهمن ۱۳۹۷ - اداره تکریف دولت علیه ایران - صفحه

نمره	عدد کامات	تاریخ اصل مطلب	اطلاعات
ج ۲۱	۶۸	روز ساعت دقیقه	ایران الدکار، بعظام سویمه کریم محمد بن علی اور دروده اُبکر ابراهیم خوشبخت کرام امیر در زنگنه کان لوم مدهات نوریک هست ابته یکم بو طینان هی رکاب نه که هر ارایه نهاده و دفعه ای طرد نشانه داده ام از دروده اور ملاعنه کلا و نهسته، باشند و ندوخته دست داده و خصب کر قرب و نهضه صدای دیگران ای قدر نهسته هست من در حالت صرف نظر از جما هست اُبکر ابراهیم بن علی هم ای



تاریخ ۳۹ شهر اصفهان ساعت
دریل دلیقه سنه ۱۳۲۵



میش و بر^۵

تألیف

علیقلی هزار جریبی

محله عالی

تبیین

حق طبع آزاد



بسم الله الرحمن الرحيم

دوم آبان ماه مطابق هفدهم ربیع الثانیه هزار و سیصد و چهل و پنج از فتار روزگار خسته با دل آزرده و روحی افسرده برای قدم زدن دگردنی بست کاروانسرا و بنیه زارها روانه بن راه برمه گوشتندی نرخورده که سه را میش نازه زائیده دیوبان مواظب برها باصطلاح او تاختک شده به منه ببرد برها بایک وجود و شفعت باشان و زمین و اطراف خود نظاره کوئی در عالم معنی باهم: میگویند از جای ننگ و ناریک خلاص و بیک فضاء و منقاره خضرای فرج بخش که دست فیرت برای مخلوق خود نهیه و آماده کرده است وارد شدیم عجیب تر اینکه این شخص (شبان) با ما از مادر مهربانی و دلسوز نیست دقیقاً غفله از ما روا ندارد و این عالم چه عالم روح افزا و نشاط این جنس آدمی چو مردمان عطوف مهربان ضعیف برو و خلق هستند چهار ساعت متجاوز است این شخص (جویان) شخص حفظ و حراست ما خود را نوی این آفتاب و بیان بتعجب انداخت و نام هست اد این است مارا و مادر های ما را از شر درندگان و جانوران نهفظ داشته بجهای امنی برساند!! میشها که از درد مخاض وزائیدن نازه فارغ هنوز احتمان درد و الم در آنها موجود اهلله مادری متوجه بجهای خود بودند از این نصورات برها

نمونه متن از کتاب میش و بره تالیف علیقلی خان هزار جریبی مسعود الملک ۱۳۰۷ خورشیدی

ارام

ب ب نیز مرول

ک مسجد اکبر از راح راجح سیده هستی در پیر زاروں دار
 و مکہ میت نہ لال تو میت کہ متوہل ایمی و کائی ک
 ن چھوٹی پڑھتے و میں کے علا نہ کوئی بیوی
 ختم دار مصلحت

www.alahasan.info

۲۳۹

ادارة تلگرافی دولت علیه ایران

فیض ۳۶
 نمره ۱۰۰ تاریخ کا فروردنی ۱۹۰۵
 گوینده آن بار چهارم خاطب پیکر
 کمه ۱۷ قیمت ۵۰ دینار شے قران
 از ۱۰۰ به ۱۰۰
 امضاء تحویلدار

ل - ۲۲۱

ادارة تلگرافی دولت علیه ایران

فیض ۳۷
 نمره معاشر حجریه تاریخ کا فروردنی ۱۹۰۵
 گوینده آن بار چهارم خاطب پیکر
 کمه کم قیمت ۵۰ دینار ۲۰ قران
 از ۱۰۰ به ۱۰۰
 امضاء تحویلدار

ل - ۲۲۱

ادارة تلگرافی دولت علیه ایران

فیض ۳۸
 نمره ۱۰۰ تاریخ کا فروردنی ۱۹۰۵
 گوینده معاشر خاطب پیکر
 کمه ۱۷ قیمت ۵۰ دینار شے قران
 از ۱۰۰ به ۱۰۰
 امضاء تحویلدار

ل - ۲۲۱

۲۶/۷۵

قران

اداره راه بندر جز

نمره

بناریخ ۱۲ ماه هجرت ۱۳۴۴ مطابق ۱۳۰۳ برج شرور

خدمت خدمت علی رفعت حمیدی

متنی است مبلغ پسرور ۱۰۰ هزار تومان

بابت خود علیه دستور اخراج

در وجه دوق مرکز

کارسازی فرمائید در محاسبه فیماين محوب و مجری است

صاحب امتیاز راه بندر جز

علی علی

قران

اداره راه بندر جز

نمره

بناریخ ۱۲ ماه هجرت ۱۳۴۴ مطابق ۱۳۰۳ برج شرور

خدمت خدمت علی رفعت حمیدی

متنی است مبلغ پسرور ۱۰۰ هزار تومان

بابت خود علیه دستور اخراج

در وجه امیر نیز ک

کارسازی فرمائید در محاسبه فیماين محوب و مجری است

صاحب امتیاز راه بندر جز

علی علی

اداره راه بندر جز. صاحب امتیاز راه بندر جز علیقلی هزار جریبی

محمد قلی خان مصباح هزارجریبی :

محمد قلی خان مصباح هزارجریبی (مصباح نظام) معروف به سرهنگ نامبرده فرزند نجف قلی خان هزارجریبی معروف به سرتیپ که به جهت شایستگی ای که ایشان برخوردار بوده است مراتب نظامی را تا به درجه سرهنگی پشت سرگذاشت ایشان از منظر خیرات و موقوفاتی که داشته نیز همواره مورد نظر دیگران بوده است. از جمله : این موقوفات وقف همگی و تمامی نیم مزرعه‌ی لطیری از نود و پنج مزرعه از آب رودخانه‌ی معروف به شصت کلا واقع در بلوک سدن رستاق استرآباد را برای دارالشفای حضرت امام رضا (ع) که منافع آن از جمله برنج مزارع فوق را هر ساله به دارالشفای امام رضا حمل می‌کردند که تولیت آن را نیز به برادرزاده خود جناب حسینقلی خان (سالار) واگذار کرده بود که سند آن نیز موجود می‌باشد.

و قفنامه محمد قلی خان مصباح نظام مورخ ۱۳۲۸ هـ . ق .

در این وقفا نامه محمد قلی خان همگی و تمامی نیم مزرعه‌ی لطیری از نود و پنج مزرعه از آب رودخانه شصت کلا واقع در بلوک سدن - رستاق را بردار الشفاء رضوی وقف کرده است که عین جنس را پس وضع مخارج حمل از محل الی مشهد مقدس به دارالشفاء برسانند و تولیت این امر را به عهده حسینقلی خان - اخوی زاده خود - و بعد به اولاد ذکور او داده است.

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الواقف على الضمائير والمطلع على السرائر والصلوة والسلام على خير خلقه محمد وآلله الطاهرين اما بعد جناب جلالتمآب اجل عالی آقای محمد - قلیخان مصباح نظام خلف مرحمت و غفران مآب حاجی نجفقلی خان هزارجریبی طلبأ لمرضات الله وقف مؤبد شرعی و حبس مخلد ملي فرمودند همگی و تمامی نیم مزرعه‌ی لطیری از نود و پنج مزرعه از آب رودخانه معروف به شصت کلا واقعه در بلوک سدن رستاق استرآباد که في محلها مستغنى از تحديد و توصيف است بردار الشفاء مباركه رضوی عليه الصلوة والسلام که منافع آنرا همه ساله پس از منظور نمودن مخارج حمل از محل آن الى شهر مقدس عین جنس بدار الشفاء مباركه و تولیت آنرا واگذار فرمودند بجناب حسینقلی خان اخوی زاده خود و بعد به اولاد ذکور او نسل بعد نسل و در صورت عدم وجود اولاد ذکور با ذکور از انان و هکذا و در صورت عدم اولاد ذکور با اکبر و ارشد اولاد جناب مستطاب اجل آقای علیقلی خان مسعود الملک اخوی واقف معظم و در صورت فقدان اولاد با اورع واتقى از علمای دار المؤمنین استرآباد و

نظرارت آن با تولیت آستانه مبارکه رضوی^(۴) است وصیغه وقف در تاریخ یازدهم شهر شوال المکرم سنّة ۱۳۳۸ جاری گردید و واقف مزبور خلع ید از نیم مزرعه مزبوره نموده بتصرف متولی آن دادند و قبض و اقباض شرعی بعمل آمد قصار و ففاصحیاً شرعاً بحیث لا بیاع و لا یوهب و لا یرهن.

و كان ذلك تحريراً في يازدهم شهر شوال المکرم

سنّة هزار و سیصد و سی و هشت هجری ۱۳۳۸

[جای مهر]^۱

[ابرهواشی این وقفاتمه عبارات زیر نوشته شده است :]

توضیح آنکه عین برنج که همه ساله بدار الشفاء مبارکه فرستاده شود باید در آشپزخانه مبارکه دارالشفاء بمصرف برسد فی التاریخ. [جای مهر]^۲

آقا مصباح نظام اقرار تحریر ثبت مسطورة متن نموده است. [جای مهر]^۳

بسم الله الرحمن الرحيم

اعترف بما رقم فيه من الوقف والقبض والتولیه والمصرف حسبما فصل عندي فی السابع

عشر من شهر شوال ۱۳۳۸ جوادالحسنی الحسینی. [جای مهر]^۴

هؤالله تعالى شأنه العزيز

اجريت صيغه الوقف بالوكاله الشفاهيه عن الواقف المعظم دام توفيقه كما رقم و سطر في هذه الورقة متناً و هامشاً في احدى عشرون من شهر شوال المکرم سنّة ثمانية و ثلاثين و ثلاثة بعد الالاف من الهجرة و كتبت بيدي القاصر و ثلاثة نسخات الاقل خادم اهل العلم و العمل شیخ آقا استر ابادی. [جای مهر]^۵

^۱ و-۲- مهری با سجع : ((محمدقلی)).

^۳ مهری با سجع : ((علیقلی)).

^۴ مهری با سجع : ((جوادین زین العابدین الحسنی الحسینی)).

^۵ مهری با سجع : ((شیخ آقا)).



نامه از مشهد مقدس : حضور مبارک عالی جناب عمه الامری العظام حاج مصباح النظام

وقننامه محمدقلی خان مصباح نظام موافق ۱۳۳۸ هـ ق.

در این وقнنامه محمدقلی خان همگی و تمامی نیم مزدیعه لطیری از نود و پنج مزدیعه از آب رودخانه شست کلاه واقع در بلوک سدن رستاق را بردار الشفاء رضوی وقف کرده است که عین جنس را پس وضع مخارج حمل از محل الى مشید مقدس به دار الشفاء برسانند و تولیت این امر را به عهده حسنقلی خان - اخوی زاده خود - و بعد به اولاد ذکور او داده است .

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الواقع على الضماير والمطلع على السائر والصلوة والسلام على خير خلقه محمد وآله الطاهرين اما بعد جناب جلالتماب اجل عالي آقای محمد قلی خان مصباح نظام خلف مرحمت وغفران مآب حاجی نجفقلی خان هزارجریبی خلبان لمرضات الله وقف مؤبد شرعی و حبس مخلد ملی فرمودند همگی و تمامی نیم مزدیعه لطیری از نود و پنج مزدیعه از آب رودخانه معروف به شست کلاه واقعه در بلوک سدن رستاق استر اباد که فی محلها مستنقی از تجدید و توصیف است بردار الشفاء مبارکه رضوی عليه الصلوة والسلام که منافع آنرا همه ساله بین از منظور نموده مخارج حمل از محل آن الى شهر مقدس عین حسن بدار الشفاء مبارکه حمل نمایند بعبارة اخیر برینج خود آن بیم مزدیعه عیناً فرستاده شود بدار الشفاء مبارکه و تولیت آنرا واگذار فرمودند بجناب حسینقلی خان اخوی زاده خود و بعد به اولاد ذکور او نسل اند نیل و در صورت عدم وجود اولاد ذکور دکور از افات و هنکه و در صورت عدم اولاد نا اکبر و ارش اولاد جهاب مسمیت جل آقای عینی حسن معمد لشک اخوی واقف معظم و در صورت فقدان اولاد با اورع و اتفاق از علمای دارالمؤمنین استر اباد و نظارت آن باتولیت آستانه مبارکه رضوی ع است و صیغه وقف در تاریخ بازدهم شهر شوال المکرم سنه ۱۳۳۸ جاری گردید و وقف مزبور شلح ید از نیم فصار وفقاً صحیحاً شرعاً بحیث لایاع ولایوهب ولایرهن .

وكان ذلك تحريراً في يازدهم شهر شوال المکرم

سنة هزار و سیصد و سی و هشت هجری ۱۳۳۸ .

[جای مهر]

[بر حواشی این وقتنامه عبارات زیر نوشته شده است :]

توضیح آنکه عین برینج که همه ساله بدار الشفاء مبارکه فرستاده شود باید در آشیخانه

مبارکه دار الشفاء بمصرف بر سد فی التاریخ . [جای مهر]^۱

آقای مصباح نظام اقرار تحریر ثبت مسطورة متن نموده است . [جای مهر]^۲

بسم الله الرحمن الرحيم

اعترف بما رقم فيه من السوق والتبع والتسليه والمصرف حسبما فعل عندي

في السابع عشر من شهر شوال ۱۳۳۸ جواد الحسني الحسيني . [جای مهر]^۳

موالله تعالى شأنه العزيز

اجربت صيغة السويف بالسوکاله الشفاهیه عن الواقعه المعلم دام توفیه كما رقم و

سطر في هذه السورقة متنا و هاماً في احدی عشر خلون من شهر شوال المکرم سنه

ثانية وثلاثين وثلاثائه بعدالالف من الهجرة وكتبت بيدي القاصر وثلاثة نسخات الاقل

خادم اهل العلم والعمل شیخ آقا استر ابادی . [جای مهر]^۴

^۱ - مهری با مجمع : « محمدقلی ». ^۲ - مهری با مجمع : « علیقلی ». ^۳ - مهری با مجمع : « حماد بن دین العابدین الحسني الحسينی ». ^۴ - مهری با مجمع : « شیخ آقا » .



محمد قلی خان مصباح (مصباح نظام - سرهنگ)

عکس از: عطاء الله ترابی

استاد مظفر قلی خان طهماسبی سرخ گریه :

بدون شک یکی از نشانه های بارز در باب شخصیت فرهنگی، علمی آقای مظفر قلی خان طهماسبی(سرخ گریه) همین بس که :

ایشان در طول سه سال (۱۳۲۷-۱۳۲۴) با تحمل و رنج و مشقت بسیار جلد اول و دوم کتاب افتخار نامه حیدری در غزووات شاه اولیا علیه السلام به صورت مجموعه شعری از آقا میرزا حیدر علی مجد الادبا که از نوع حماسی دینی و در وصف نبردهای مولای متقیان حضرت علی^(۴) می باشد. به تنها یی؛ با خط شکسته و تذهیب آن را کتابت کرده.

که این امر خود دلیلی بر عشق او به خاندان اهل بیت و از یک سو و نیز اشتیاق او به شعر و ادب فارسی به ویژه از نوع مذهبی از سوی دیگر می باشد.

لذا وقتی چنین شخصیت هایی در کمال گمنامی و اوج خلوت تنها ی خویش بر خلق چنین آثار ماندگار فرهنگی و دینی قیام می کنند؛ چرا نباید نامی از آثار آنان در تاریخ فرهنگ و ادب این جامعه به یادگار بماند و دیگران به داشتن چنین افراد پر تلاش افتخار کنند.

شایان بیان است که کتابت این دو اثر سه سال به طول انجامید که در مورد زمان نوشتن آن ها سالخوردگان ما داستان هایی نقل می کنند که شنیدنی است که این جا فرصت توضیح نیست.

نمونه از اشعار و هنر و خط و خوش نویسی و کتابت مظفر قلی خان طهماسبی هزار جریبی به پیوست.

»...»

تو ولطف ای کردگار جلیل
خداؤند دانا و اکبر تویی
نوشتم من از گفته‌ی افتخار
سیصد بیست چار و بعد هزار

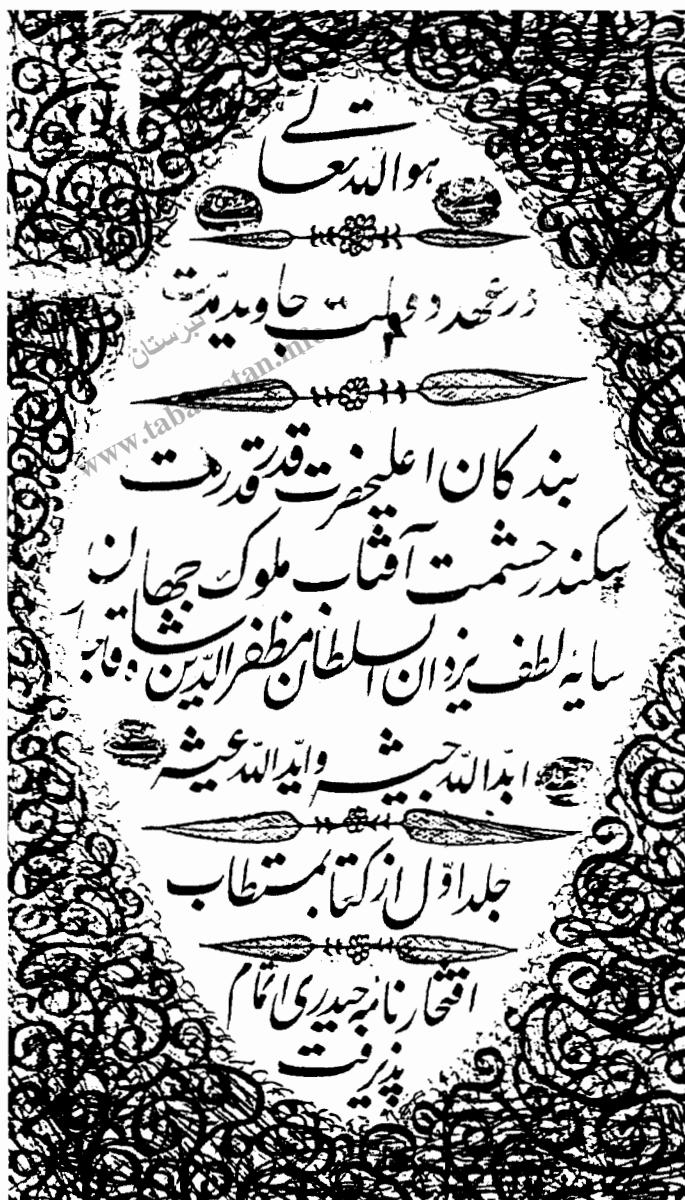
۱۳۰۰ ۲۰ ۴

صادفوسوس تحریر شد باشتا
شده کاتب نامه‌ی حیدری
زخاک زهش بر سرافسر کنم
شفیم شود نزد جان آفرین
الهی به هر کس تویی دادرس
ملک ناصر الدین شه نیک بخت
مهی کش ستاره نماید سجود

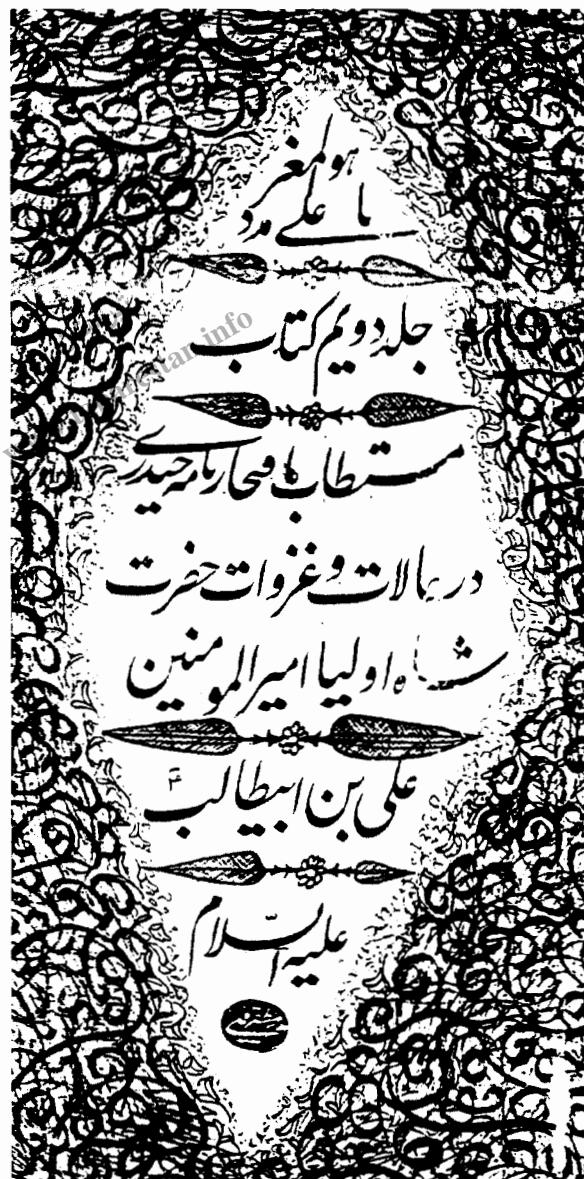
مظفر یکی بنده باشد ذلیل
به وصفت چگوییم که داور تویی
به تاریخ اتمام این شاهوار
چو ماہ محرم بشد آشکار

به خط زنده مانم زکتب کتاب
چه فخرت همین بس که در این رهی
کنون داستان‌ها ز حیدر کنم
بدان تا مگر شیردل شاهدین
به گیتی چه بیمی ندارم ز کس
به عهد شهنشاه با تاج تخت
شهی صاحب ملک با فر و جود

«...»



کتابت و هنر خوش نویسی مظفر قلی خان طهماسبی



کتابت و هنر خوش نویسی مظفر قلی خان طهماسبی

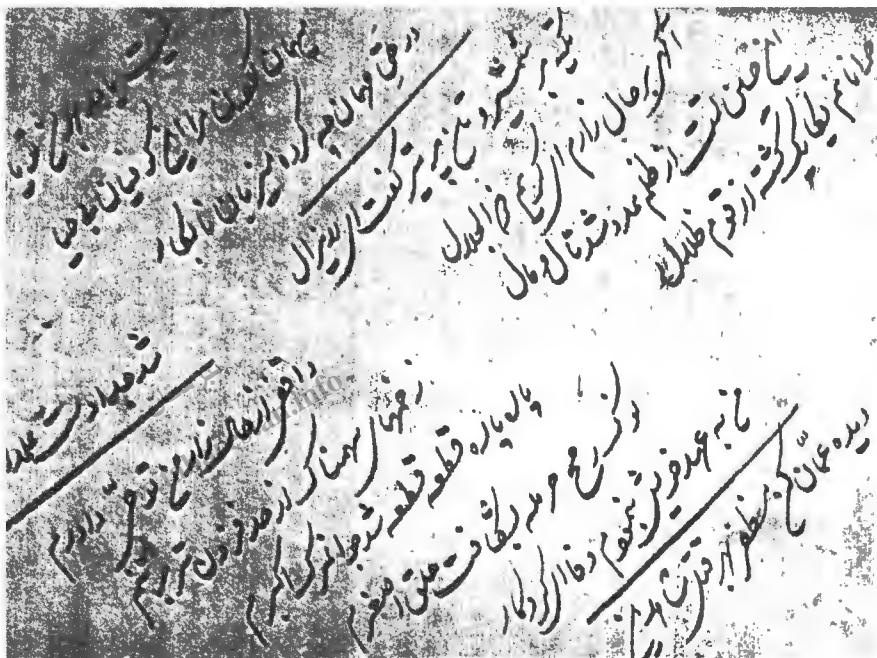
لشکری پنهان شده زمین پارچه ای ای ای ای ای ای	لشکری پنهان شده زمین پارچه ای ای ای ای ای ای	لشکری پنهان شده زمین پارچه ای ای ای ای ای ای	لشکری پنهان شده زمین پارچه ای ای ای ای ای ای	لشکری پنهان شده زمین پارچه ای ای ای ای ای ای
زدن لفظ تا که بدهی دشمن را شکست بدهی	زدن لفظ تا که بدهی دشمن را شکست بدهی	زدن لفظ تا که بدهی دشمن را شکست بدهی	زدن لفظ تا که بدهی دشمن را شکست بدهی	زدن لفظ تا که بدهی دشمن را شکست بدهی
بوزن خود را که داشت بوزن خود را که داشت	بوزن خود را که داشت بوزن خود را که داشت	بوزن خود را که داشت بوزن خود را که داشت	بوزن خود را که داشت بوزن خود را که داشت	بوزن خود را که داشت بوزن خود را که داشت
بوزن خود را که داشت بوزن خود را که داشت	بوزن خود را که داشت بوزن خود را که داشت	بوزن خود را که داشت بوزن خود را که داشت	بوزن خود را که داشت بوزن خود را که داشت	بوزن خود را که داشت بوزن خود را که داشت
لشکری پنهان شده زمین پارچه ای ای ای ای ای ای	لشکری پنهان شده زمین پارچه ای ای ای ای ای ای	لشکری پنهان شده زمین پارچه ای ای ای ای ای ای	لشکری پنهان شده زمین پارچه ای ای ای ای ای ای	لشکری پنهان شده زمین پارچه ای ای ای ای ای ای

نمونه اشعار سروده های استاد مظفر قلی خان طهماسبی

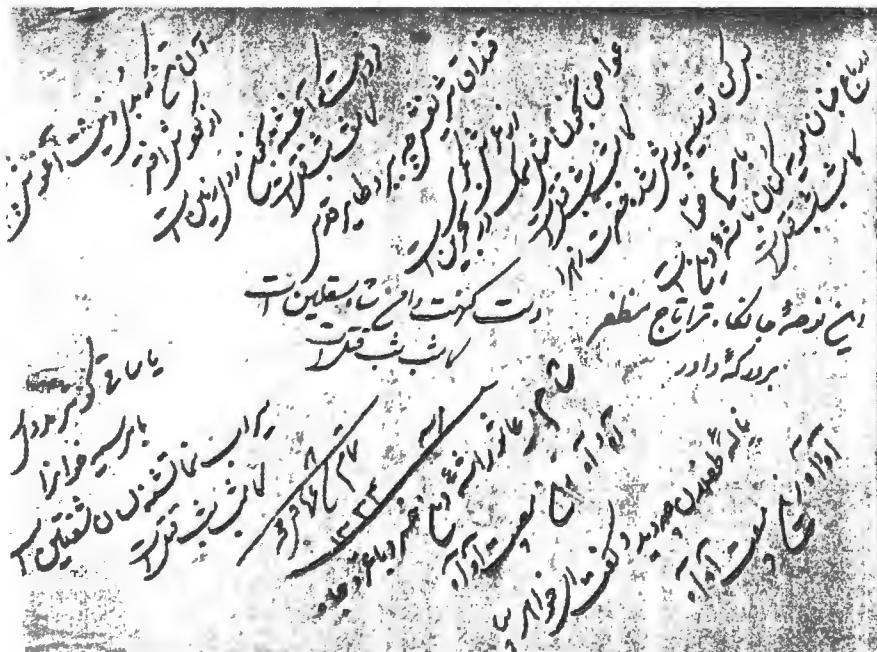
نمونه اشعار سروده های استاد مظفر قلی خان طهماسبی

کوچه هایی که نمایش می شوند			
کوچه هایی که نمایش می شوند			
کوچه هایی که نمایش می شوند			
کوچه هایی که نمایش می شوند			
کوچه هایی که نمایش می شوند			

نمونه اشعار سروده های استاد مظفر قلی خان طهماسبی



نمونه دست خط نویسنده و مرثیه سرا توانا مظفرقلی خان طهماسبی سرخ گریه ۱۳۴۳ قمری



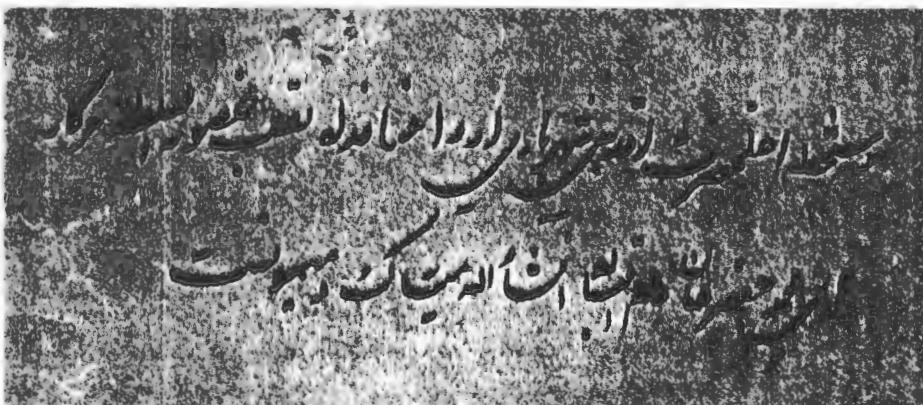
محمد جعفر خان (منصور السلطنه هزارجریبی) :

محمد جعفر خان فرزند مسعودالملک هزارجریبی ملقب به منصور السلطنه نیز از جمله شخصیت های بوده که به جهت تحصیل در مدرسه دارالفنون که کمتر اتفاق می افتد تا فردی به چنین موقعیتی نایل گردد دارای اطلاعات علمی نسبتاً خوبی به ویژه در حوزه علوم تجربی بوده به همین دلیل روایت است که ایشان به امر طبابت مشغول بوده و بیماران بسیاری از

سایر نقاط هزارجریب به منظور درمان به روستای سرخ گریه مراجعه می نمودند.

البته اسناد موجود در خصوص لیست داروهایی که ایشان از بندرگز و احیاناً از دامغان و مشهد دستور تهیه آن را می دادند هم دلیلی براین مدعاست همه‌ی مردم این روستا و حتی سایر روستاهای مجاور و حتی روستاهای دور دست فنطقه بزرگ و پهناور هزار جریب از ایشان به دلیل خدمات شایسته به نیکی یاد می کنند.

البته مدارکی هم در این زمینه موجود است در پیوست آورده می شود



دست خط اعلیحضرت اقدس شهرباری ارواحنافدا - لقب منصور السلطنه سرکار

آقای محمد جعفرخان دامت اقبال انشاالله مبارک و میمون است

نمونه صورت اقلام دارویی و شیر خورشید سرخ از مشهد -دامغان و بندر گز به سرخ گریوه
سفراوش منصور السلطنه

دو افغان سرخ فرسه برخ نیار

روزخانه زمینی ^{تسلیمان} دالار، اطراف
بکار ۱۱ کم ۹

اطلی لولزدی ^{برستان} خورد کن که دامن سیاه
۵ کم ۹ ۳ کم ریخته ۳ کم

اسپول بور لامتره آنکه کن فرات تو له جم
۵ کم بکار ۱۰ کم ۶ کم ۷ کم ۸

منزه صنه نظر در است گوشه هزاره
۷ کم ۱۱ کم ۸ کم ۵ کم ۱

هر شرمنه لذکر نه درست کنسته
۵ کم ۱۳ کم ۸ کم ۷ کم ۸ کم ۷

حب اسند روح ~~محمد~~ میر به ای ای روح
۳۵ کم ۲۰ دامن ۳

لمول خانیزد طوفان سلیمان روح
۷ کم ۲۰ کم ۶ کم ۱۰ کم ۸

نمونه صورت اقلام دارویی و شیر خورشید سرخ از مشهد - دامغان و بندر گز به سرخ گریو
سفارش منصور السلطنه

ا خ ب د
د ر م
ب ن ک ر
ن ز ا ر م

شادو

م س ع د

م ح د ه

ح د د ر ب ر ح د ر ت ن ز ه ل ه ن ا م ا ز د ه

ن ز ف ج

س و ه ه

ن ز ف ج ه ز د ه ز د ه

م د ل ۷

۴۹۶۰۰

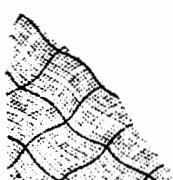


ر ئ ی ف ب ر س ل م ل ر ح د ه ک وز ا ر ت د ا خ ل

ح د د ر د ا ل د ه ن ز ا ر ع ج د پ ا ح ص ا ن ا ه د ج ل ا خ و ا ل ک م د ک

ف د ر س ت

ل ا م ن ص و ر ح د د ر ع ج د پ



۳۴۳ / خطر محترم عده‌ای اطم‌دالان ختم آن پنجه
 هزار صد هزار دامت نوکره مشرف باشد
 فرنیست که هم عده طلب سرا نهاد است من اینجا می‌بایست
 درین نظر هر کجا باشند و از خود خود را بسند که بهم بله بسیار باشد
 غرض از تقدیع فطرها برای حفظ نیز در اینجا بجهنم اخواز
 می‌باشد که عرضه خود می‌گذرد و می‌باشد سر بر کارهای همان
 دلیل محمد علیه السلام دیده شده باشد بجز این خود خود را بسیار
 با این همه بازی بر علت چه شد که زاله علام نهادند ریاست هزار در
 نظر خود دیده و عرضی داشت اینهم در این قفسه های اسرار پسر فورانی
 اسما عینی که با اینجا زده هم کار داشتند اینجا بجهنم از سیاه فرشت
 بسیار کم نمایند و بقدر که می‌باشد از اینجا انتقام
 از اینجا زده هم کار داشتند و سیاه بجهنم اینهم اینجا
 از سیاه عرضی نمودند در اینجا بذوق اسرار عالم تقدیم محترم

نامه ای از چهارده (دیباچ) - دامغان

از جانب حاج محمد رضا خانیکی به منصور السلطنه هزار جریبی

خرض مسحه که از یوم ۱۵ ولادت حجۃ‌ابی الحسن
 تا یوم ۱۸ آغاز شد و اینجا زمینه
 بفرما نمایند با صندوق فرشته مقدمة نهضت
 بر سرکم دانیام امنیت پروردید تبریز از این راست
 لذت سرمه و قصر نهادم اندیعاً از حظر بسیار کی لطف
 ضریحه و کار عصی بحق ملاعنه است ضریحه بزرگ در خواسته
 مرقوم خرمائیم و در کار رخصوصی اند ندر که کنم ضریحه
 ندر که عویش است آرد و حظر بسیار کی سوت طرفی
 ایمان خرمائیم هر صفتی که است بفرما نمایند بزرگ
 بیان در در کار که هنچه هر سرکار می‌نیست به این بسیار
 دجو بخوبی مرقوم بفرما نمایند خرمائیم هر صفتی که نیست
 به این بسیار در در باید دیر، بسیم زیاده عرض نمایند
 خدمت خرمائیم از دست بعد کم توجه خرمائیم نمایند

۱۳۴۰ هـ

حضرت سلطان محمد بن کاہر کا سفر نوروز میں اجلد

عرض شیخ سید احمد فائی مکاره نعمتی ائمہ قمی شیراز
 سعدی دیوبندی مبارک را آوردہ ملک سرت بخارا دریافت خود کرد.
 بخلاف حضرت سلطان محمد بن زید نایم از علماء مسندین است اور اینجا مذکور
 کشته شد کیا و مسمی کیا از کیتی حریدر سعی بے برہ، مسلم باریق را
 لبھر رکھو رہ سید مسید افہم، غریب چشم خالی پیش دیگر نظر نمی چنید.
 کرد تیکش ریاست صاحب دهارق المیع - در این ریاست را شش شصت
 و نیمیات لوچی الکاری ریاست بخواهد در دنیو دید نظریات جاگران پیش
 ہال صحبت خیار و حاکم وقت اکنون اند کاران بمعالم دید کان ہم
 ریاست شالیل دیم خلیل ہم طغیت حضرت باریقی دامت بہریت
 حضرت امسود ایم و کمال ایم ایم لیلی دیوبوت مصلحت
 ایشت دیوبوت ایم زیستی خون فائزہ تاریخ پیدا نیزت ایم ایم
 خود فراج بیت لی ناری لالکا العقب عدایت کیو فریبت فتح ایم دیوبوت

پڑھنے کے لئے میرزا علی مفتاحی میرزا علی مفتاحی
 رشتہ رہنمایی میرزا علی مفتاحی میرزا علی مفتاحی
 پیش میرزا علی مفتاحی میرزا علی مفتاحی میرزا علی مفتاحی
 ہر یاد میرزا علی مفتاحی میرزا علی مفتاحی میرزا علی مفتاحی

نامہ ای روسنی برمای (لایی) صحرائی نکا
 از جانب حاج بابا جان طاہری به منصورالسلطنه

درز خبر

از صفر

ظیور محترم از منister را مطلع نهاده شد

تبرستان
www.tabarestan.info



وزارت داخل

فرماندار مازندران

(بخشدار چهار دانگ)

دایر

شماره ۱۵

سرخ

کار سفارت هزار بی

مرکز اسلامی سه‌ماهی کدخدای رادکان / ۱۵/۱۴

لهم العزیز . مرکز اسلامی سه‌ماهی کدخدای رادکان . تعلیم صد و هشتاد و ۱۳۱۳
 مرکز اسلامی شیعیان رشت . مرکز اسلامی شیعیان رشت . مرکز اسلامی شیعیان رشت .
 از غرب کند آب دست نشسته باشد . نیز ارجیب . رزگر همین مرکز اسلامی شیعیان
 مسجد از مرکز اسلامی شیعیان رشت . مرکز اسلامی شیعیان رشت . مرکز اسلامی شیعیان رشت .
 نفر . خسرو امیر . خطر خس . نبهت اردام . بنبشیدی مسجد اسلامی شیعیان رشت .
 دخواجی از بزرگ مسجد اسلامی شیعیان رشت . لقنه . خود مسیلان . دلست داشت که
 بدلی شود . مکمل کنده بود . شرکت دستور اعدام داشت . از نزد
 خود نبده درین تعلیم لینی صدر داشت . در حدود دو فروردین ماه اسلامی شیعیان رشت .
 دلخواجی از نفعه برداری از خواصی داشت . دلخواجی از نفعه ناگفته داشت .
 حب‌الله نفعه برداری از نفعه حضور امام علی خداوند داشت . جزو
 اهداف بسیار در حد . اهداف بسیار در حد . اهداف بسیار در حد . اهداف بسیار در حد .

جهان

مراسله‌ی کددخای رادکان ملک قربان خسروی به منصورالسلطنه هزار جریبی

دیر قرنیز سع کری گل منصب اسلام دارم چه نه

۱۹-برگشته

روح فداک بذریت و محب محمد عرضی

برستان www.tabarestan.info

اکرم خلیل حضرت عروس نیوار مد

تب کنید لذت فرشتم حضرت سرگار
لطف خواه

لذت حضرت نیت اجت دواده هر قدر

حسب الفرشتم حضرت خواهر حضرت

و مولده لا بیع انتظام دارم این قبیله

بعرض سیدم عبوریت مدد عیوب در فردان فتحا

راسته دربار قسیمه با راه

یک شخصیت علمی و روحانی:

(معروف به ملا میرزا قدیر ذهبی):

ملا شیخ کربلایی قدیر ذهبی فرزند محمد قلی (آقا قلی) در یک خانواده‌ی متuehd و ساده و اهل علم در سال ۱۲۷۱ در سرخ گریه متولد شد.

وی درس را در مکتب خانه نزد اساتید... از جمله پدرش آموزش دید و مقدمات و ادبیات را نیز آموخت. سال‌ها در کسوت روحانی و اهل منبر در بلندای منبر خطابه می‌فرمود.

ایشان در سرخ گریه مکتب خانه داشت و هم در مسجد و هم در منزل شخصی تعداد زیادی از فرزندان این آبادی مدیون سعاد و علم آموزی و تربیت یافته‌ی دینی ایشان هستند.

هم چنین ایشان طبع شعری - مرثیه سرایی و کتابت و نویسنده‌ی نیز داشتند.

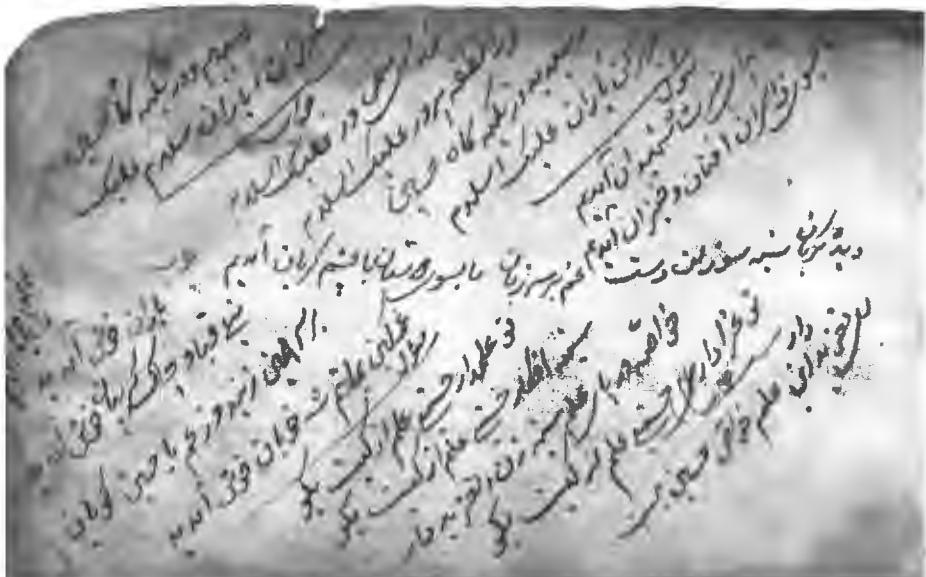
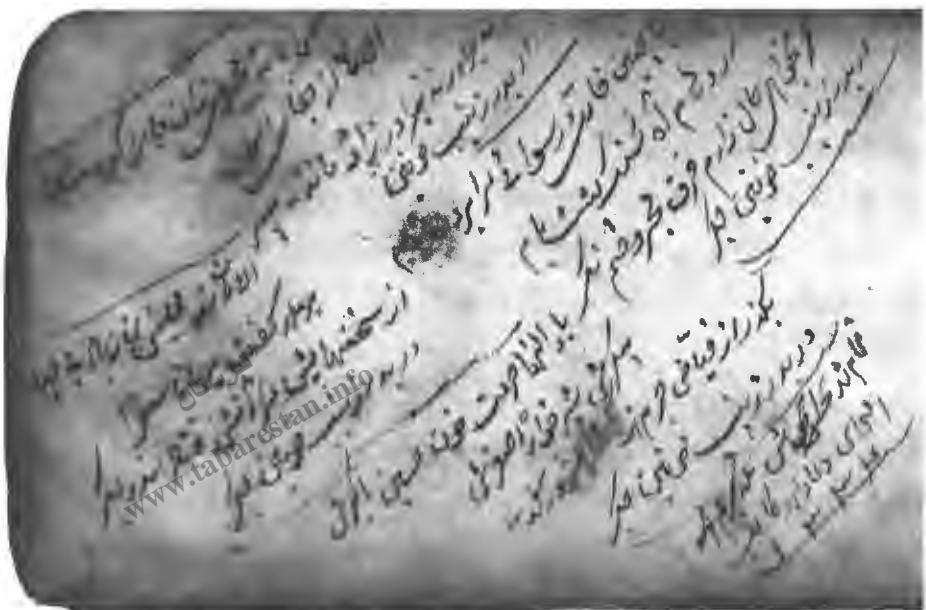
این بزرگوار و عالم دینی تا سال‌های آخر عمر که ضعف و کهولت به تدریس علوم اسلامی و آموزش قرآن و احکام دینی را رها نساخت.

سال‌ها خدمت به صورت‌های مختلف از جمله خدمات در آبادی و پیگیری‌های مستمر برای درمانگاه (خانه‌ی بهداشت) در سرخ گریه قبل از انقلاب درخواست‌های مکرر از وزارت بهداری (سازمان سپاه بهداشت) سپاه بهداشت مرکزی و مازندران نامه نگاری داشتند. که خود این افق دید و وسعت نظر دلیل نیک اندیشه و خیر خواهی و خدمت بود.

و خلاصه از طریق استان سمنان موفق به کسب مجوز ساخت و احداث درمانگاه در سرخ گریه شدند. که این امر خطیر سبب شد که مردم روستا‌های حومه برای درمان اولیه به سرخ گریه بیایند. و با توجه تمامی خدمات خداپسندانه‌ی ایشان.

سرانجام در بهمن ماه سال ۱۳۶۲ چشم از جهان فرو بست و به دیدار حق شتافت و در قبرستان بالا تپه سر به خاک سپرده شد.

یکی از مهم ترین افتخارات تا پایان عمر خودرا متولی مسجد کوچک سرخ گریوه معروف و مشهور به (مسجد حاج محمد تقی خان) می‌دانست.



نمونه از دست خط و کتابت آخوند ملا میرزا قدیر ذهبی سرخ گریوه

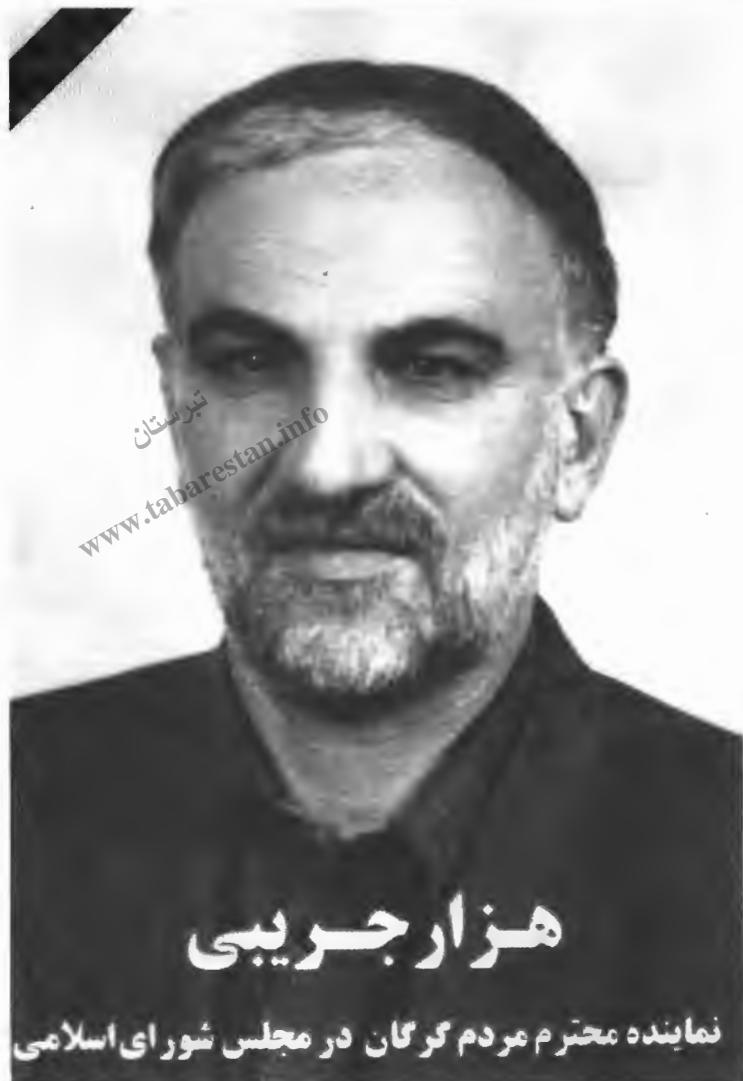
شهید مهندس حاج غلامعلی هزارجریبی :

مرحوم مهندس حاج غلامعلی هزارجریبی فرزند حاج قربان که متولد سال ۱۳۳۲ در تخشی محله گرگان بدنیا آمد. ایشان دارای تحصیلاتی در رشته مدیریت بوده که در انتخابات مجلس ششم با ۸۰۸۸۰ رأی و با کسب بیش از ۷۰/۲ درصد آراء مردم گرگان و آق قلا در مرحله دوم به مجلس راه یافت. ایشان عضو کمیسیون عمران مجلس بود. ایشان که خود عضو خانواده معظم شهداء بود خود دارای سوابق حضور در جبهه های نبرد حق علیه باطل در دوران هشت سال دفاع مقدس بوده است. از سال ۱۳۶۱ دارای مسئولیت های متعدد اجرایی بود که خدمات ارزنده ای را نیز ارائه نموده است.

مرحوم غلامعلی هزارجریبی از جهت شخصیتی فردی بی ادعا و بی سروصدای در عین حال مدافع جدی استیفای حقوق مردم بود. و حضور او در مجلس و رسالت پرازدشت نمایندگی را صرفا برای حل مشکلات عمده مردم را با اهمیت می دانست. که با نهایت تأسف در حادثه ای دلخراش سقوط هواپیمای در بیست و هفتم اردیبهشت ۱۳۸۰ به همراه سایر نمایندگان فقید استان گلستان دار دنیا را وداع گفت و روح بی قرار او به آسمان ها پرواز کرد.
یادش گرامی نامش جاوید باد.

شهید مهندس حاج غلامعلی هزارجریبی در طول سال ها خدمت صادقانه و تلاش های مستمر در عرصه های از جمله : وزارت کشور، خدمات و عهده دار مسئولیت های متعددی بوده است. که اهم آنها عبارتند از :

- ۱- پیشینه‌ی فرهنگی. جزء خانواده فرهنگیان در آموزش و پرورش شهرستان گرگان.
 - ۲- شهردار شهر ایلام در غرب کشور.
 - ۳- مدیر عامل صنایع چوب و کاغذ مازندران در بخش جنگل.
 - ۴- شهردار شهر مینو دشت.
 - ۵- شهردار شهرستان بیندر ترکمن.
 - ۶- شهردار شهرستان گنبد کاووس.
 - ۷- نماینده مردم شهرهای گرگان و آق قلا در مجلس شورای اسلامی دوره ی (مجلس ششم) - عضو کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی
 - ۸- فرمانده رده مقاومت امام جعفر صادق شهرستان گنبد کاووس.
 - ۹- اولین مدیر کل ثبت احوال استان گلستان
-





تبرستان

شانزدهم مهر ۱۳۵۸

بسمه تعالى

جمهوری اسلامی ایران
وزارت کشور

برادر غلامعلی هزار جریبی

بنای اختیارات حاصله از قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری
بموجب این حکم به سمت شهردار ایلام منصوب میگردید.

انتظار است با انتقال به خداوند منان و بارعايت کامل موازین
ومقررات قانونی ، نسبت به انجام امور محوله کوشابوده وسعي لازم
درجebت تحقیق اهداف عالیه احلام وامت شهید پرور مغه ول
وانشاء ۰۰۰ موفق باشید . س / ۲۰

عبدالا نوری

وزیر کشور

Mazandaran Wood &
Paper Industries



Gh. R. Hezarjibi

Deputy of Managing Director in Forest

SARI: P. O. Box: 688 - Mazandaran Iran
Tel: (0151) 26021-3 Fax (0151) 26321

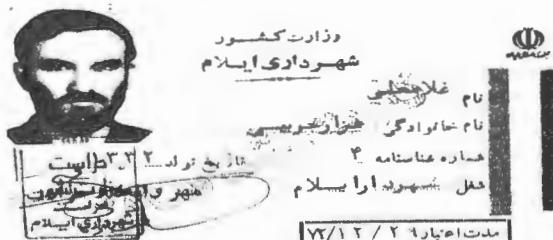
صنایع چوب و کاغذ مازندران

M. W. P. I.

غلامعلی هزار جریبی

معاون مدیر عامل امور اقتصادی

مساری کیلومتر ۱۲جاده ساری- سمنان. صندوق پستی ۶۸۶
زاخ، ساری، (۰۱۵۱) ۳۶۳۲۱-۳ (۰۱۵۱) ۳۶۰۲۱



تبرستان

www.tabarestan.info

بخش یازدهم

تبرستان

www.tabarestan.info

سرخ گریوه و انقلاب

سرخ گریوه و جنگ

شهدا سرخ گریوه

تبرستان

www.tabarestan.info

(پیش کش به تمامی شهداي گرانقدر)

بی جنون هر که دم از عشق زند مجنون است
قصه‌ی عشق از این دایره‌ها بیرون است

سرخ گریه و انقلاب اسلامی :

نقش پر رنگ فرزندان این دیار همچون درخشش ستارگان در آسمان می‌ماند فرزندان این آبادی در حد خود وظیفه (دین شان) را نسبت به انقلاب انجام دادند که نیاز به قلم فرسایی نیست.

سرخ گریه و جنگ :

جنگ بین کشور ما و کشور عراق و فواید و اثرات آن برای این دیار بر کسی پوشیده نیست این خود عیان است چه حاجت به بیان است. و شیران این بیشه در حد خود از هیچ گونه جان فشانی دریغ نداشتند.

«روحشان شاد، یاد و خاطراتشان باقی و گرامی باد.»

سرفرازان تاریخ (سنده افتخار) :

خون قامتان خطه سبز (خاک سرخ) - سرخ گریه
امام رضا(ع) از پدران بزرگوار خود روایت می کند که رسول خدا فرمودند :
اولین کسی که داخل بهشت می شود شهید است. [بحار الانوار جلد ۱۰]

۱- افتخار شهادت از خاندان نبوت و ولایت به پیروان آنان رسیده است.

۲- «ملتی که شهادت دارد اسارت ندارد»

۳- رحمت سرشار خداوند متعال بر شهدای فضیلت شهادایی که با نثار خون خود درخت با برکت اسلام را آبیاری نمودند. ارهبر و بنیان گذار نظام جمهوری اسلامی ایران [

شهدا :

امروز اگر سرخ بیفتیم به خاک	فردا به زمانه سبزتر می روییم
ما لشکر عظیم امامیم و روز رزم	در کربلای روشن خون بی نهاییتم
ما وارث تمام رسولان راستین	بر عرش پر صلابت خون در عبادتیم

«مظہر قدرت ایران، شهدا هستند.»

«شهدا آن کسانی هستند که از دیگران شجاعت و دلیری بیشتر نشان دادند.
سینه را سپر کردند از خطر هراس نکردند و به شهادت رسیدند.»

[امقام معظم رهبری آیت الله خامنه ای]

در حال حاضر انجمان اسلامی و پایگاه مقاومت بسیج حضرت ولی عصر عجل الله تعالی سرخ گریه محکم استنوار از اهداف مقدس نظام اسلامی و دست آوردهای آن پاسداری می کنند.
در حال حاضر این پایگاه با نیروهای مقتدر و آماده دارای ۱۲۳ عضو فعال و ۱۲۳ عضو عادی دارد.

نام آواران دفاع مقدس :

۱- شهید مهندس حاج غلامعلی هزارجریبی

نام پدر: حاج قربان

نام مادر: حاجیه معصومه

ولادت: ۱۳۳۲

محل شهادت: ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۰ سانحه هواپی

۲- بسیجی شهید فتحعلی هزارجریبی

نام پدر: حاج قربان

نام مادر: حاجیه معصومه

ولادت: ۱۳۴۲/۴/۲۸

محل شهادت: ۱۳۶۱/۸/۱۶ عین خوش موسیان

۳- شهید فرهاد (رمضانعلی) هزارجریبی

نام پدر: حاج الهیار (قدرت الله)

نام مادر: حاجیه رخشندہ

ولادت: شهریور ۱۳۳۳

محل شهادت: ۲۷ آبان ۱۳۵۹ سو سنگرد

۴- سردار پاسدار شهید طهماسب قلی زمانی

نام پدر: حاج مبین

نام مادر: حاجیه نجیبہ

ولادت: ۱۳۴۱

محل شهادت: ۱۳۶۶/۱/۳۱ غرب کشور ماهوت عراق

۵- بسیجی شهید حسن منصوریان

نام پدر: حاج قدیر
 نام مادر: حاجیه سیده فاطمه
 ولادت: ۱۳۴۹

محل شهادت: محله فاو عراق ۱۳۶۴/۱۲/۱۹

۶- بسیجی شهید خانعلی منصوریان

نام پدر: حاج مهدی قلی
 نام مادر: حاجیه یمن (صغراء)
 ولادت: ۱۳۴۳

محل شهادت: گیلان غرب ۱۳۶۰/۹/۲۳

۷- بسیجی شهید حیدر اکبری

نام پدر: حاج علی بابا
 نام مادر: حاجیه نرگیس
 ولادت: ۱۳۳۶

محل شهادت: ارونده کنار ۱۳۶۴/۱۱/۲۱

۸- آزاده: (جنگ ایران و عراق): نوروز هاشمی

نام پدر: محسن نام مادر: خدیجه
 تاریخ تولد: ۱۳۴۲

تاریخ اسارت: ۱۳۶۵/۲/۱۹

محل اسارت: تنگه ابوغریب، اندیمشک

مدت اسارت: ۴ سال و ۳ ماه و ۱۲ روز

محل اسقرار دوران اسارت: رومادیه عراق، کمپ شماره ۱۰

تاریخ آزادی: ۱۳۶۹/۶/۲

بخش دوازدهم

شجره شناسی

قبایل سرخ گریوه

نیاشناسی

تبرستان

www.tabarestan.info

شجره شناسی و اصل و نصب مردم سرخ گریه :

با توجه به بافت و فرهنگ روستایی نمی توان انتظار داشت که آگاهی کامل از شجره خود داشته در روستاها با توجه به همه خوبی ها یک ایراد هم از نظر شجره شناسی هست بعضی از خانواده ها دو نسل قبل از خود را نمی شناسند باز هم در مواردی اسناد گویا و معتبر وجود دارد. ولی دوگانگی در اسناد به چشم می خورد با این حال کاری بسیار مشکل و قضایت سخت است. در اینجا نمونه هایی از فamilی ها و خانواده ها را پادآور می شویم تا آینده اگر فرصت یاری کند عزیزان و خوانندگان اطلاعات درست را جمع آوری کرده بتوانیم نسل ها و نسبت های گذشتگان و حال خویش را تکمیل نمائیم.

قبایل در سرخ گریه :

طوابیف بومی روستای سرخ گریه که متشکل از خانواده های کوچک و بزرگی هستند و در طول سالیان متعددی در غم و شادی همدیگر شریک می باشند می توان به صورت زیر معرفی کرد.

نجفی هزارجریبی	مسعود هزارجریبی	عزیز پور	صادقی	روزیان	اکبری
نصرالله	مصطفی هزارجریبی	عالیشاهی	صفر نژاد	ره انعام	اصغری
نامنی	منصور هزارجریبی	غلامی	صفروی	روزبه(روزبهی)	اسماعیلی
هاشمی	منصوریان	قلی پور	طهماسبی	رضایی	تیموری هزارجریبی
هزارجریبی	مسعودی	کاظمی		زمانی	ترابی
		کلیایی (عبدی فر)			حیدری
					ذهبی
					ذوالفقاری

جدول ساکنان طوابیف بومی دیرباز دیار سرخ گریه

محلات سرخ گریه :

از دیر باز چند نام برای شناسایی دقیق تر بین محله ها در یک آبادی رایج بوده یعنی آبادی سرخ گریه که حدوداً این محله ها قبایل را در خود جای می داده با این گونه نشان معرفی می شد که عبارتند از : بالامحله - پایین محله - عالیشاه محله - حسین خان کله - یاور خل - بالاندررون - پایین اندررون - اطاق پیش - بالا تپه سر و ... قابل ذکر است :

در کنار طوایف بومی که از گذشته دور در کنار هم با صلح و صفا زندگی زیبا و صمیمی داشته اند و بعد از انقلاب اسلامی افرادی به جهت بهره مندی از آب و هوای مناسب بیلاقی به ویژه در فصل تابستان به این روستا روى آورده اند حتی صاحب ملک و خانه شده که از جمله می توان به خانواده های زیر اشاره کرد:

گروگان	گردکوی	بندر گز	دامغان	لمراسک
رحمان رضایی	آقابزرگ حسینی	یوسف شربتی	منوچهر رضایی	سید اسماعیل دژکام
محمد حسین	منصور اکبری	محمد رضا	دکتر صادقی	عباس عارفی
کازرونی	عطفر قلی کیانی	شربتی	علی اکبر حسن	جمشید قنبری
علی رضا کاویان	بنی هاشم	مصطفی	بیگی	حسین حسن
سید اسحاق حسینی	اکبر غریب	منوچهری	بیگی	زهرا اردستانی
..... شهری	عباس نامنی	علی اصغر	منوچهری	علیرضا کاویان
حاج شیخ علی	عباس کیا	علیرضا کاویان	علیرضا کاویان	شهربنی
شريعی	فرخ بنی هاشم	شیری	ابراهیم	ابراهیم
سعیدی کرد رستمی	فضل کیاء	ابراهیم	مخدومی	مخدومی
یوسف علی صلبی	حجت کیاء	ابراهیم	ابوالقاسم ریاحی	ابوالقاسم ریاحی
محمد علی جباری	ابراهیم کیاء	احمد عبدالهی	رافی	احمد عبدالهی
رحیم توشنی	حمیدنوچمنی	حسن منوچهری	مسلم قجر	رافی
عباس سدنی	محفوظ ترک	مسلم سادات	سیدقاسم سادات	حسن منوچهری
هادی عقیلی	ده باجی کیاء			مسلم قجر
الوندی				سیدقاسم سادات
علیرضا ترک				
غلامعلی جلالی				
زید الله کیانی				

گذر گاه سرخ

۲۸۹

ساری	رستمکلا	نکاء	بهشهر
جلال حیدری	حسین حسین زاده	شکرالله منصوری	ابراهیم اقتداری
مهرداد محمودی	عزیزالله حامدی	ذبیح الله خوش کام	دکتر حسن کوچکی
فائم شهر	بیژن امینی رستمکلایی	سید احمد محمدی	حسن جوانمرد
حسن رشیدی	رحمت شکوهی رستمی		یحیی سابقی
			صفرعی فلاح
			مهرداد ریاحی اصفهانی
			محمد علی جعفری ساروبی
			غلام سیاری ساروبی
			خلیل سیاری ساروبی
			اکبر سیاری ساروبی
			اسماعیل سیاری ساروبی
			جعفر سهرابی ساروبی
			سید حسین سجادی ساروبی
			سید مرتضی سجادی ساروبی
			اصغر کلبادی ساروبی
			عباس ابراهیمی ساروبی
			حسینعلی گزی
			محمد مهدی طاطیان
			مهندس محمد مقدم
			رمضانعلی ولی پور
			سید ننه موسوی
			مهدی گزیان
			محمد رضا رمضان پور
			اصغر رمضانی
			سید حبیب الله حسنسی
			حورا احمدی
			یحیی علیزاده
			بهروز فرجامی

جدول ساکنان غیر بومی در سرخ گریه

اشخاصی که در سرخ گریه ملک خریداری نمودند ولی تا به حال هنوز احداث بنا نکرده اند، نامشان در اینجا منظور نشده است.

شجره شناسی یا تبار نمای مردم دیار سرخ گریه :
در این بخش کتاب :

فهرست اعلام نام های کسان و نسبت ها و خاندان ها را شرح و توضیح داده ام تا اندازه ای در شناخت اشخاص یا نسبت ها بیشتر سودمند باشد. این بخش کاری بسیار دشوار بود که شاید بارها موجب شک و تردید قرار گرفتم و از افرادی زیاد پرس و جو و تحقیق شد تا این حاصل به دست آمد.

از همینجا از حضور تمامی عزیزان خواننده خصوصاً مردم دیار سرخ گریه و طوایف و خویشان و فامیلان خواهشمندم در صورت استباهات برهن خوده نگیرند و یاری گر ما باشند تا در اصلاح این شجره شناسی و اصل و نسب در آینده کامل و کامل تر گردد.

یادبود، بهانه :

به قول حکیم طوس :

جهان ماندگار است و ما رفتئی نماند به گیتی به جز گفتئی

در این بخش به جهت نام و یاد از کهن مردان و زنان (پدران و مادران مان) یادی کنیم چون حیف است از سرخ گریه گفته شود و از عزیزان یادی نشود.

خود می دانم در پیدایش این کتاب همه و همه نقش بسیار ارزنده داشتند و خاطرات آنان سبب گردد آوری این مجموعه و برای فرزندان امروز و فردای این سرزمین رنج ها بردن و گنج ها نشار کردنند.

این باد بهار بوستان است یا بوی وصال دوستان است

یک نمونه از خرده فرهنگ های عامه در سرخ گریه :

جا دارد که یک ویژگی فرهنگی و سنتی که جزو آداب و رسوم و سنن در خرده فرهنگ های روستاهای محسوب می شود. شناخت هر چه بهتر افراد از طریق معرفی یا بردن نام پدر یا مادر به اوّل اسم شخص می شود. که این روش می رود که اندک اندک کم رنگ و بی رنگ شود و صد حیف. از آن جایی که نام های خارجی (بیگانه) در خانواده ها به کار گرفته می شود اگر عمیق تر بیندیشیم و وسیع تر و بینان تر بنگریم این معرفی و نشانی جالب و یادآور مسایل نام و نام خانوادگی بزرگانی است که اصالت روستایی خود را حفظ می کنند. زیرا در گذشته افراد با نام پدر یا کنیه در جامعه شناخته می شدند. امیدواریم که این رسم فرهنگی دوباره در جامعه باب شود تا نام بزرگان از یاد نرود. مثال به چند نمونه اکتفا می کنیم.

فاطی^ی اکبر- صمد^{زینب}- درویش یوخبه (یوخبه^ی درویش)- علی محمد زینب- سلمان صفر- اسماعیل ^{حاجی}- سلطان علی^ی قربان- لیلای آنیک- خلیل ^{اصغر}- قنبر ^{اسماعیل}- باقر ^{تقی}- باقر ^{اکبر}- باقر ^{قنبر}- میرزا آقای مسلم- علی بابای حیدر- کل میرزا^{ی رضا}- حوا^ی ایوب- علیرضای عیسی^ی- شعبان ^{محمد}- شعبان ^{محمد حسن}- شعبان ^{محمد علی}- آقا روح الله^ی درویش- آقا محمد زمان ^{اصحاب}- آقا محمد زمان ^{اسحاق}- آقا محمد زمان ^{ایوب}- حمزه^{ی دوراب}- کل محمد علی^{ی قربان}- کل محمد علی^{ی مهدی} قلی- کل محمود ابراهیم- علی عبدالله- کل محمد علی^{ی قدیر}- کل محمد علی^{ی مهدی} قلی- کل محمود ابراهیم- علی اکبر ^{اسماعیل}- ربابه^{ی احمد}- ربابه^{ی اصغر}- علی اکبر ^{ابول}- غلامحسین ^{مهدی}- الله وردی^ی صمد- الله وردی^{ی محسن}- الله وردی^{ی ابول}- کل قاسم مشتی- کل قاسم علی^{ی بابا}- مشت علی^{ابولی}- حاج محمد علی^{محمد}- عابدین ^{علی}- عابدین ^{حجت}- قیموروی^{ی علی}- کل قاسم زهراء- حبیب ^{خان رحمت}- سرهنگ ^{صادق}- سرهنگ ^{قاسم}- محمد علی ^{خان} اسماعیل- سرهنگ ^{حسن}- کل ولی ^{الله} محمد- کل ولی ^{الله} عباس- قدیر ^{محمد} حسین- کاظم ^{حسین}- کاظم ^{علی}- مظفر ^{خان} اکبر- میرزا آقای عقیل- مشتی علی^ی حسن- سلطان علی^{ی بخشی}- اکبر مداھی صفر- مهدی ^{خان بهرام}- حاج ^{حسین} علی^ی عبدی- خان ^{بابا خان منصور}- قربان ^{علی جان}- جان علی^{ی نوروز علی}- قنبر ^{حمید}- ابوالحسن ^{جعفر}- ابوالحسن ^{علی}- حاج ^{حسین} علی ^{قلی}- مشت هاشم ^{بزدان}- مظفر ^{خان} عباس ^{علی}- بارقلی ^{محمد}- نادعلی ^{سلمان}- مصطفی ^{قلی هادی}- مهدی ^{قلی نظر}- محمد تقی ^{موسی}- حاج ^{قدیر} حسین ...

میراث کهن :

میراث کهن از دیار کهن:

بشنو :

این صفحات و این نام‌ها و نشان‌ها را به خاطر بسیارید (نام و خاک این بوم را ببوی) که این خاک بوی خوش گیسوان مادران و مادربرزگان مان را می‌دهد ...
و این مرز و بوم این خاک گرد استخوان پدران و پدربرزگان مان را می‌دهد آن مردانی که اولین بار به این دیار آمده‌اند.

تبار نمای (شجره شناسی)

نیای بزرگ خاندان مردم سرخ گریه

از دوران افشار - زندیه - قاجار - پهلوی تا حد اطلاع ضبط شده

ورقی بر اصل و نسب

(نسب نامه‌ی) هردم سرخ گریه:

صادق سلطان: فرزندان ۱- رحیم خان ۲- مهدی خان

مهدی خان: فرزندان

۱- حاج عبدالحسین بالا رستاقی هزارجریبی

۱- کربلایی محمد قلی بالارستاقی هزارجریبی

۲- آقا اسماعیل آقا هزارجریبی

۳- آقا محمد حسن آقا هزارجریبی

۱- حاج محمد تقی خان بالا رستاقی هزارجریبی

۲- نادر قلی خان بالا رستاقی هزارجریبی

۳- نظرعلی خان بالا رستاقی هزارجریبی

۴- حاج بهرام بالا رستاقی هزارجریبی

حاج محمد تقی خان :

۱- محمد صالح خان (بزرگترین فرزند)

۲- مرتضی قلی خان

۳- جعفرقلی خان

۴- نجف قلی خان

۵- عباس قلی خان

۶- طلخانی، (جان جان) : مادر مظفر قلی خان و حیدر قلی خان طهماسبی

* حاج محمد تقی خان در قبرستان عالیشاه که ملک خریداری شده در نجف اشرف دفن است. جنب قبرستان میر فندرسکی های گرگان

* حاج محمد تقی خان دوزن داشت

* همسر اول دختر آقا اسماعیل آقا هزارجریبی دختر عموبش

* همسر دوم در برگشت ازسفر خانه خدا دختری خریداری و به عقد خود در آورد و بعدها

اورا به کلیا فرستاد. که این دلیل دوشاخه شدن این تبار است.

• حاج بهرام از ابتدا زندگی به صحرای ترکمن رفت، نوه، نتیجه و نبیره دارد. دلیل فرصت نیست.

• به نقل از احمد علی خان هزارجریبی

در سال ۱۳۸۷ را قم این سطور نورعلی منصوریان جهت صحبت و سُقّم مطالب به آق قلا رفتم

پس از پرس وجو و بررسی در روستاهای «یامپی» و «طعنه» از چند پیرمرد ترکمن سئوال و

تأثید شد که این طایفه (هزارجریبی) از این روستا به شهر آق قلا و روستای آیم (خواجه لر)

گنبدکاووس مهاجرت کردند. پیگیر جدی نشدیم.

حاج محمد تقی خان بالارستاقی هزار جریبی

محمد صالح خان ← امام قلی ← مرتضی قلی خان (مرصا قلی خان)

مرتضی قلی خان چهار زن گرفت

۱- فرزندان زن سرخ گریه :

۱- مادر آغا بی بی شوهر نکرد ۲- ملوک خانم ارس مالخواست شوهر کرد ۳- خانم گلین -
نواب خانم بزرگ کوکب خانم همسر مصباح نظام (سرهنگ) فرزند نداشت .

قهار قلی در اختلاف فامیلی با تفنج کشته شد توسط بسرعمویش (مسعود لشکر)

۲- فرزندان زن سابق محله :

۱- امام قلی خان ۲- سلطان قلی خان ۳- عباس قلی خان ۴- فضل الله خان ۵- پیرمرد خان
rstgar (میرزامهدی خان) ۶- گل بی بی ۷- شرف

۳- فرزندان زن سارویی :

۱- مهدی قلی خان (پدرسیحان خان ، جهان سلطان خانم ، خانم خان ، روبابه) ۲- رضاقلی
(پدر ماه سلطان) ۳- فضل الله خان (پدر صفرخان و محمدعلی)

۴- از فرزندان زن چهارم هیج اطلاعی نداریم .

از فرزندان امام قلی خان :

۱- مرتضی قلی همسر ملک جهان تیموری (پدر محمدعلی ، محمد تقی ، حیدر (یعقوب علی)
(نصرت)

۲- محمد صالح خان (پدر امام قلی ، حسن ، حوریه ، فاطمه)

۳- جان جان ۴- نه خانم ۵- فرنگیس ۶- هاجر خاتون ۷- مرضیه ۸- مشتی سلطان قلی
(پدر علی خان ، پاسند) فرزندان باقر ، حوا

میرزا مهدی (پیرمرد خان) : پدر سعادت ، ماه با نو

عباس قلی خان : (پدر احمد ، رحمت قلی ، محمد ، اسدالله ، ثریا ، آمنه)

شرف : (خان علی ، عبدالله ، گل نساء)

سعادت : (حسین علی ، گل بی بی)

ماه بانو : (طیبه ، هاجر ، فضه ، بنی)

حاج محمد تقی خان بالا رستاقی هزار جریبی

تبرستان
www.tabarestan.info

- ۱- نجف قلی خان^۱ (حاجی خان)
- ۱- هدایت الله خان بزرگترین فرزند
- ۲- عنایت الله خان (مسعود لشکر)
- ۳- علی قلی خان (مسعود الملک)
- ۴- تیمور خان
- ۵- محمد قلی خان (مصباح نظام ، سرهنگ)
- ۶- حبیب الله خان کوچکترین فرزند
- ۷- خانم بی بی النساء (سکینه خانم بزرگ خانم)
- ۸- خانم شرف النساء (خانم کوچک خانم ، عفت الملوك)
- ۹- خانم خیر النساء (تاج الملوك)

- ۷- خانم بی بی النساء : همسر محمد زکی (محمد زمان خان - یاور زمانی) گرگان
- ۸- خانم شرف النساء : همسر محمد خان خسروی ساری دودانگه : فرزندان ۱- رضا قلی خان ۲- حیدر قلی ۳- مصطفی قلی خان (امیر انتصار)

- ۱- رضا قلی خان : همسر شمس ملوک خانم : ۱- خشایار ۲- خسرو ۳- مهین
- ۲- حیدرقلی خان (سالار اقبال)
 ۱) علیا خانم ، همسر خان بابا خان
 ۲) بانو خانم ، همسر محمد رضا خان
- ۳) جواندخت ، همسر آربن گلوگاه
 ۴) مصباح ، عباسعلی

- ۳- مصطفی قلی خان (امیر انتصار) : حرمت - مولود - عزت المولوک
- ۹- خانم خیر النساء : همسر حاج یاور محمد یخکشی (پدر محسن خان فریور ، خانم طاهره ، خانم خیر النساء)

- ۱- نجف قلی خان : سرتیپ نجف قلی خان مشهور به حاجی خان دارای چهار همسر بودند.
- ۱- همسر اول : از طایفه‌ی عالیشاه سرخ گریه
- ۲- همسر دوم : از روستای ماکران (چماز تیه) نکا
- ۳- همسر سوم : از دودانگه‌ی هزار جریب بالاده خسروی‌ها ، ساری
- ۴- همسر چهارم : از روستای جامخانه نکا

نجف قلی خان (حاجی خان)

- ۱- عنایت الله خان (مسعود لشکر) : همسر بلور خانم دختر نادر قلی خان
- ۱- محمود خان : ۱- حاج پرویز ۲- حاج قادر ۳- تاج المولوک ۴- حسنیه
- ۱- محمود خان : همسر زرین خانم
- ۱- حاج پرویز (همسر خدیجه) اسفندیار، جواهر، شازده، یدالله، نبی الله، منصور، رقیه، مهین، زبیده
- ۲- حاج قادر (همسر عشرت) سلطان علی، محمود، جمشید، محمد، شمايل
- ۲- محمد مهدی خان (همسر جهان سلطان) : بهرام، عنایت الله، اسکندر، قدسیه، لقاء
- ۳- اسدالله خان : همسر معصومه (خواهر آقا کوچک خان) عبدالله خان، بیجه گل (تاجی گل)
- ۴- نور محمد خان^۱ : همسر زرین تاج توران خانم - صغیری - مولوک
- ۵- شاه جهان خانم : همسر یوسف زمان رضا - سراحی (آسیه)
- ۶- شاه بی بی خانم : شوهر نکرد
- ۷- فاطمه نساء خانم
- ۸- آقا ننه

۱- نور محمد خان شخصی بسیار شجاع قوی، مبارز در درگیری با ترکمن‌ها در جنگل بندرگز کشته می‌شود. نقل می‌کنند فرماندهی تعداد ۶۰۰ سرباز را در بندر گز به عهده داشت با توجه به عوض کردن لباس و اسب خود مورد شناسایی دقیق دشمن قرار گرفت و این گونه به قتل رسید.

نجف قلی خان (حاجی خان)

هدایت الله خان بزرگترین فرزند، همسر قجر خانم از طایفه‌ی قاجار چلکی گرگان

۱- غلام حسین خان : همسر کربلائی خانم(دختر مسعود لشکر) :

۱- حجت - ۲- رحمت - ۳- طاهره

۲- ولی خان همسر صاحب جهان(آغا ننه خانم) :

۱- حمزه خان

۲- حاجی خان

۳- قجر خانم

۴- عشرت

۱- حمزه خان : همسرش ام خانم(آمنه)

۱- داراب خان : همسر هاجر خاتون نامنی :

ولی الله - آمنه(صاحب جهان) - آغا باجی - منیژه - فاطمه - زهرا

۲- حاجی خان : ازدواج نکرد

۳- قجر خانم :

همسر اسدالله خان نوچمنی کفشگیری گرگان (طهماسب ، صفیه ، فرشته ، سلطنت ، سلطانی)

۴- عشرت :

همسر حاجی قادر هزار جریبی تخشی محله‌ی گرگان

نجف قلی خان (حاجی خان)

- ۱- علی قلی خان (مسعود الملک) : همسر کربلائی رقیه معروف به شازده، خواهر محمد باقر خان سردار رفیع یانسری و زینت خانم (عشرستاقی - سمجوں)
- ۱- محمد جعفر (منصور السلطنه) : همسر بانو قیصر (گلین) دختر سردار رفیع محمد باقر خان
- ۲- حسین قلی خان (حاج سالار مسعود) همسر بدرالدوله (کلثوم) - کبری
- ۳- شاهرخ خان (همسر جهان سلطان ، دختر سالار اکرم)
- ۴- الله یار خان (الہیار خان) همسر ۱- فرنگیس ۲- اشرف زمان (جان باجی)
- ۵- کربلایی بتول (همسر آقا کوچک خان زمانی)

- ۱- محمد جعفر خان : خان بابا خان (ابراهیم) ، احمد علی خان ، محمد رضا خان ، شهریار خانم (شهربانو) ، سلطنت خانم (لیلا) ، عصمت خانم (همسر غلام رضا شهریاری)
- ۲- حسین قلی خان : (علی قلی (علی مسعود) : مهدی قلی ، ناصر قلی ، تهمینه ، ترانه)
- ۳- شاهرخ خان : (یدالله خان ، صدیقه خانم)
- ۴- الله یار خان : قدرت الله (حاجی خان) ، اسماعیل خان ، ایران خانم ، فرخ لقاء

مسعود الملک : وکیل مجلس دوره رضا خان پهلوی ، معروف به آخوند بی عمامه منصور السلطنه : تحصیلات از دارالفنون تهران دیپلم تجربی عصمت خانم : همسر غلام رضا شهریاری یانسر صدیقه خانم : همسر مصطفی قلی طهماسبی سرخ گریه ایران خانم : همسر مصباح طالقانی تهران فرخ لقاء خانم : همسر کاشانی بهشهر سردار جلیل پدر خانم سالار اکرم ، سالار اکرم پسر سردار رفیع یانسری

نجف قلی خان (حاجی خان)

۱- تیمورخان :

۱- جهانگیر خان ۲- موسی خان ۳- ملک جهان خانم

جهانگیر خان : همسر خدیجه ، ماکرانی (چماز تپه نکا)

۱- نصرالله خان تیموری

۲- منوچهر خان تیموری

۳- خانم جان خانم

۴- جهان سلطان خانم

۵- فرخنده خانم

۶- شوکت خانم

۷- گار خانم (گوهر خانم)

همسر : حامدی ، چهارده کلاته

همسر : مهدی خان مسعودی سارو

همسر : محمدعلی موسی پور قلعه پایان

همسر : حاج حاجی سابقی پاسند

همسر : حاج محسن نجفیان بهشهر

۳- ملک جهان : همسر مرتضی قلی خان امامی (مادر امامی ها سارو)

نجف قلی خان (حاجی خان)

- ۱- محمد قلی خان (مصباح نظام ملقب به سرهنگ) : همسر :
 ۲- بلور خانم
 ۳- نواب خانم
 ۴- خانم گلین

- ۱- محمد علی خان
 ۲- تقی خان
 ۳- حسن خان
 ۴- صادق خان
 ۵- قاسم خان
 ۶- زهرا خانم
 ۷- نیزه خانم
 ۸- اختر خانم
 ۹- طبیبه خانم
 ۱۰- جهان خانم
 ۱۱- ایران خانم
 ۱۲- ملوک خانم
 ۱۳- طاهره خانم
 ۱۴- لقاء خانم
 ۱۵- شمس الملوك

- همسر : نصرالله تیموری سرخ گریه
 همسر : احمد علی خان هزار جریبی سرخ گریه
 همسر : حاج سلطان علی ترابی سرخ گریه
 همسر : نصرالله خان تیموری سرخ گریه
 همسر : حاج میرزا علی سابقی پاسند
 همسر : حاج محمدی شایسته چهارده
 همسر : حاج اسماعیل خان بیکی چهاره
 همسر : عباس حسن زاغی ساری
 همسر : حاج محمد علی جعفری سارو
 همسر : عباس - رضاقلی خان تهران

نواب خانم (دختر شمس الملوك تهران)

نجف قلی خان (حاج خان)

همسر معصومه

۱- حبیب الله خان : همسر خیر النساء

۱- سیف الله خان

۲- رحمت الله

۳- نعمت الله

۴- معصومه : همسر حاج محمد علی جعفری سارویی

حاج محمد تقی خان

عباس خان ————— ← طهماسب قلی ۱- مظفر قلی ۲- حیدر قلی

۱- طهماسب قلی خان : همسر تهمینه (طلا خانم)

۲- عباس قلی خان

۱- مظفرقلی خان ۲- عباس قلی خان ۳- حیدرقلی خان ۴- رحمان قلی خان ۵- گوهر خانم

۱- مظفر قلی خان : همسر ۱- تهمینه ۲- زهرا خاتون ۳- شازده (طايفه ی فاجار) ساروي

۱- مصطفی قلی

۲- حسين على

۳- غلام على

۴- عباس على

۵- رحمان قلی

۶- اکبر

۷- مهد عليا : همسر : رضا رضائیان زاده عوض آباد دامغان - بهشهر

۸- طلا خانم (جان جان) : همسر طهماسب قلی خان سرخ گریه

۹- عفت : همسر حسين فغفوری ولاعوز کردکوی

۱۰- بلقیس : همسر حاج على شیرعموزادی خلیل محله بهشهر

۱- عباس قلی خان :

۱- بدرالدوله (کلثوم) خانم : همسر حاج سالار

۲- طهماسب قلی خان

۳- حیدر قلی :

۱- طهماسب قلی خان (تمثال خان) همسر : (طلا خانم ، خان بی بی)

۱- برارقلی ۲- حیدرقلی (ایرج) ۳- رضا قلی ۴- محمد حسين ۵- گوهر خانم

۴- از رحمان قلی خان هیچ اطلاعی در دست نیست (زادو ولد نشد)

۵- گوهر خانم (گار خانم)

ولی : (جد حیدری ها سرخ گریه)

کل حیدر :

۱- آشور (عشور) ۲- مرتضی قلی (مرصاقلی) ۳- الله وردی (شفیع)

عشور (عشور) :

۱- غلام رضا ۲- حیدر قلی ۳- شاه رضا

غلام رضا : همسر هاجر خاتون : ۱- کل ولی الله ۲- خلیل ۳- میرزا آقا ۴- ماه باجی

۲- مرتضی قلی (مرصاقلی) :

۱- ابو تراب :

۱- کل ابوالقاسم ۲- مشت حاج آقا (عبدالحسین) ۳- آقا جان نائب (علی) ۴- احسان ۵- جان
باجی

۱- کل ابوالقاسم : همسر کلثوم

۱- سلطان علی ۲- فضل الله ۳- شهربانو ۴- زینب ۵- ام خانم ۶- خان بی بی ۷- زبیده

۲- مشت حاج آقا (عبدالحسین) : همسر صنم

۱- ماندگل (ماندگار) ۲- گل دسته ۳- نور بی بی (زهرا)

۳- آقا جان نائب (علی) همسر : قمر

۱- گل دنیا ۲- ترابی (شاه بابا) ۳- سکینه

۴- احسان : همسر نساء (وابدین، پرکلا)

۱- محمد ۲- حسین ۳- خاتون ۴- عباس ۵- صغیری ۶- نبی ۷- علی بابا ۸- نجف و

۲- از حیدرقلی هیچ اطلاعی نداریم.

۳- شاه رضا : همسر : شاه جهان (گتنی)

۱- مهدی ۲- لیلا : همسر درویش نصراللهی ۳- حوا : همسر آقا محمد زمان

۱- مهدی : همسر گل دنیا

۱- غلام حسین ۲- حیدر

گل دنیا : همسر دوم زین العابدین زیارتی گرگان (نادعلی، زبیده، رقیه)

الله وردی یا (شفیع)

میرزا هاشم : همسر ماه بانو

۱- زین العابدین

۲- محمود

۳- الله وردی

۴- ماه بانو : همسر علی محمد خان ، مادر مصطفی و محمد هزارجریبی تخشی محله گرگان

۵- نساء : همسر اسماعیل غلامی

۶- منور : همسر علی اکبر ذوالفقاری

۷- صنم : همسر مشت حاج آقا (عبدالحسین)

۱- کل زین العابدین : همسر کل زینب خاتون

۱- کل میرزا ۲- فضلعلی (فرضعلی) ۳- جان علی ۴- قدم ۵- سبز علی ۶- مهدی

۲- کل محمود : همسر باجی (اننه)

۱- ابراهیم ۲- شفیع ۳- جواد (جمعه) ۴- خدیجه

۳- مشت الله وردی : همسر ماه باجی

۱- محسن ۲- ابول ۳- صمد ۴- اسماعیل (مشتی) ۵- مختار ۶- مهتاب

ولی

(عشور) عاشور)

۱- غلام رضا ۲- کل ولی الله ۳- خلیل ۴- میرزا آقا ۵- ماه باجی

۱- کل ولی الله : همسر کل ساره قلی پور سرخ گریه

۱- علی رضا

۲- محمد

۳- رمضان

۴- فرامرز

۵- عباس

۶- خاتون

۲- خلیل : همسر نور جهان صادقی یانسری

۱- اصغر

۲- عمران

۳- جلیل

۴- نظر

۵- فضه

۶- ریحانه

۳- میرزا آقا : همسر لیلا منصوریان سرخ گریه

۱- مسلم

۲- عقیل

۳- هانی

۴- آتیک (عاتیک)

۵- معصومه

۶- سکینه

۴- ماه باجی همسر : مشت الله وردی هاشمی

آقا محمد حسن آقا هزارجریبی

- ۱- آقا نصرالله
- ۲- آقا روح الله : همسر ماه ننه
- ۳- درویش : همسر ۱- جهان ۲- لیلا
- ۴- مصیب
- ۵- محمد حسن
- ۶- محمد حسین
- ۷- عبدالله
- ۸- عین الله
- ۹- روح الله
- ۱۰- رخشندہ
- ۱۱- فرخنده
- ۱۲- بی بی
- ۱۳- صدیقه
- ۱۴- سمیه

آقا محمد حسن آقا هزارجریبی از طایفه عالیشاه به قولی عمومی حاجی محمد تقی خان بود
به حکم کریم خان زند یکی از سرکرده های استر آباد (اسناد موجود است)^۱. نقل از عبدالله
خان مسعودی

^۱ - نقل از عبدالله خان مسعودی

صفر علی

- ۱- علی اکبر
- ۱- شعبان (گهگهه) : همسر روبایه
- ۱- حاج محمد ۲- کل میریم ۳- مشت زبیده

حاج محمد : همسر حاج نرگیس

- ۱- علی
- ۲- رحمان
- ۳- حسن
- ۴- رجب
- ۵- جهان
- ۶- بنی
- ۷- شرف
- ۸- جان جان

- ۱- محمد حسن ۲- ابوالحسن ۳- بی بی نساء (همسر کل صفر قلی سرخ گریه)
- ۱- محمد حسن :
- ۱- کاظم
- ۲- صفیه : همسر بالا جاده کردکوی (محمد ، حجت ، باباعلی ، نورعلی ، طرفه)
- ۳- جهان : همسر حبیب پرکلا ۱- رجب ۲- عبدالله ۳- قاسم (همسر دوم کریم ۱- نعمت)
 (کریم و حبیب برادرند) فرزندان عبدالله : ۱- بخشی علی ۲- حمزه علی ۳- علی بابا ۴-
 حسین علی
- ۴- معصومه
- ۵- سکینه
- ۶- صفورا همسر سید میران گران (سید حسین ، سید حسن و ...)
- کاظم : همسر حکیمه
- ۱- علی ۲- حسین ۳- سکینه ۴- معصومه
- ۲- ابوالحسن : (۱- مشت اصغر ۲- مشت هاشم ۳- گل ننه : همسر باقر ره انجام)
- ۱- مشت اصغر : همسر بنی
- ۱- ابوالحسن
- ۲- جمشید
- ۳- معصومه
- ۴- رحیمه
- ۲- مشت هاشم : همسر مشتی زبیده
- ۱- بزدان ۲- جمال ۳- حاج شیخ کمال ۴- فاطمه ۵- جمیله ۶- رقیه
 حسین :
- ۱- نظر : همسر یوخبه
- ۱- درویش (علی) : همسر ما جبین (۱- غلامرضا ۲- انسیه ۳- مليحه ۴- هاجر ۵- نساء

کربلايی قلی آقا :

همسر ۱- گوھر تاج (بی بی لندی) ۲- خاور خانم مال خواستی (سیده)

۱- عبدالله

۲- آقا محمد

۳- کل ساره : مادر حیدری ها سرخ گریه

۴- خیر النساء : مادر نجفی ها سرخ گریه

۵- ماه سلطان : مادر حاج قربان و حاج فرج الله تخشی محله گرگان

۶- لیلا

۱- عبدالله : همسر فاطمه (فاطی) خواهر کربلايی قاسم اکبری

۱- اکبر

۲- خاتون : همسر رمضان : ۱- مجتبی ۲- باجی (بیجی) ۳- راحله

۳- رقیه : همسر ابراهیم (تخشی محله) : ۱- مرتضی ۲- سلمان ۳- حوریه ۴- فضه ۵- عمه

نساء ۶- فاطمه ۷- محبوبه

۲- آقا محمد : همسر گل آبی

۱- الله قلی : همسر گل ننه (۱- آقا محمد ۲- ذبیح الله ۳- ولی ۴- گل آبی ۵- زینت)

۲- زینب خاتون : همسر حاج محمد علی صادقی سارویی

۳- سلطان

۴- لیلا

کربلايی قلی آقا ، ابوتراب ، احمدالله سه برادر بودند.

کربلایی مهدی (محمدی) : همسر لیلا

- ۱- کربلایی محمد علی بیگ
- ۲- تقی بیک
- ۳- رضا بیک
- ۴- فاطمه (فاطی)

۱- کربلایی محمد علی بیگ : همسر : ۱- کربلایی کبری ۲- معصومه

۱- محمد تقی

۲- مهدی قلی

۳- قربان علی

۴- عبدالله (عبدالمناف)

۵- قدیر

۶- لیلا

۲- تقی بیک : از ابواب جمعی سوارکاران(فوج سوار) مسعود الملک هزارجریبی در جنگ تبریز کشته می شود.

۳- رضا بیک : همسر زینب خاتون

۱- گلندام : همسر کربلای شعبان زنگی محله گرگان (علی ، خلیل ، راضیه)

۴- فاطمه (فاطی) : همسر عبدالله فرزندش اسماعیل خلیلی (ابوالقاسم فرج الله ، عبدالله ، زری خانم - زهرا خانم - صدیقه خانم) همسر دوّم فاطمه از جربند و جوربند عشرستاق (علی ایمانی و ...)

کربلایی محمد علی : کربلایی محمد علی منصوریان معروف به محمد علی بیگ، ایشان مشاور و سرفوج سوار علی قلی خان (مسعودالملک هزارجریبی) بودند.

نقل و خاطره ای از آقای هاشمی بزرگ (لمرد) :

سال ۱۳۷۵ در دیبرستان شبانه روزی امام محمد باقر (برعا هزارجریب) و ارتباط تنگاتنگ با ایشان که محمد علی بیگ در آن زمان تام الاختیار جمع آوری مالیات در هزارجریب از استخراج پشت نکاء تا شرقی ترین روستاهای هزارجریب حدود ۵۰ آبادی بودند.

۱- علی اکبر ۲- کل زیور ۳- نویر ۴- شمسه

۱- علی اکبر :

۱- کل صفر قلی : ۱- مدادح : همسر ام خانم (اکبر ، موسی ، حکیمه ، صفر قلی)

۲- ملا آسیه

۳- یخبه (یوخاربز)

۲ - کل زیور : همسراوّل رمضان

تبرستان

۱- شیخ نعمت الله : همسر ملا آسیه (زن با سواد بود)

۲- شیرین:

۱- رمضان : همسر لقمان (ابراهیم ، باباعلی ، جانی ، آمنه)

۲- نساء : همسر صفرقلی (ماه جبین ، حلیمه)

۱- خاتون : همسر کل اصغر ندافخیل نکا (محمد رضا ، آقا گل ، اکبر ، صغیری ، شیرین ، نواب)

۲- صنم : همسر عبدالله منصوریان (زاد ولد نشد)

۲- کل زیور : همسر دوم رجب علی

۱- کل قاسم : همسر کل مویم (علی با ، سهراب ، لقمان ، هاجر ، مشتی ، زهرا)

۲- کل کبری : همسر محمد علی بیگ منصوریان

۳- کل ام نساء : همسر اصغر سبزواری - نجمه: (اصغر ، محمد ، حسین ، محبوبه ، نرگیس)

۴- فاطمه (فاطی) : شوهر اوّل عبدالله قلی پور سرخ گریه - شوهر دوم تویه چهارده (زبیده)

۳- نوبر : همسر الارز (پسرش کل میر محمود ، دخترش سیده بگم ، مادر حاج فرضعلی ، رعنا ،

زهرا ، بلقیس ، اسماعیلی ها کلیا) : نوه ، نبیجه ، نبیره در پیته نو (نقی ، رضا ، عسگر ، مهدی ،

عمران ، تقی ، علی زمان ، معصومه و ...)

۴- شمسه : همسر ذبیح غراب روستای عبداللهی - تیر و تبارش (یدالله و ...)

کل زیور : دو شوهر کردا - رمضان ۲- رجب علی ، دو برادر بودند. ایشان زن خوش بیان ، خانم

قابله (مهارت مامائی داشت) از جانب (منصور السلطنه) معروف به(به بر) بود.

علی اکبر:

- ۱- رجب علی
- ۲- رمضان

رجب علی: همسر: کربلایی زیور

- ۱- کربلایی قاسم
- ۲- کربلایی کبری
- ۳- فاطمه (فاطی)
- ۴- کربلایی ام نساء

- ۱- شیخ نعمت الله
- ۲- شیرین

۱- کربلایی قاسم : همسر کربلایی مریم

- ۱- علی بابا
- ۲- سهراب
- ۳- لقمان
- ۴- هاجر
- ۵- مشتی
- ۶- زهرا

فتحعلی

فتحعلی: همسر جان جان (جهان) ۱- عابدین ۲- قربان علی ۳- بلور خانم

۱- عابدین : همسر فاطمه

۲- مشت علی

۳- مشت الله

۴- حجت

۵- بخشعلی

۶- یمن (صغری)

۷- قربان علی : همسر سلطان : فرج ۱

۸- بلور خانم : همسر مصباح نظام محمد قلی خان

مشهدی فاطمه :

معروف به فاطمه گت مار خانم قابله (ماما) محلی بود که در این زمینه مهارت کافی داشتند.

تبرستان
www.tabarestan.info

محمد رضا : همسر ...

۱- باقر : همسر گل ننه

۱- قنبر

۲- نقی

۳- اکبر

۴- عشرت

۵- رعنا

۶- نرگیس

آقا اسماعیل آقا هزار جربی عالیشاہ

۱- آغا نبی

۱- حسین خان ۲- کل آقاجان ۳- علی محمد خان

۱- حسین خان : همسر : شهربانو ۱- حاج قربان ۲- حاج فرج الله

۱- حاج قربان : همسر معصومه ، تاج گل

۱- عباس علی

۲- غلام علی : شهید انقلاب اسلامی نماینده مردم شهر های گرگان و آفلا

۳- حسین علی

۴- جان علی

۵- حاجی علی

۶- فتح علی : شهید انقلاب اسلامی

۷- لیلا

۸- زهرا

۹- شهربانو

۱۰- صغیری

۲- حاج فرج الله : همسر حسنی خواهر حاج برویز

۱- علی اکبر ۲- اصغر ۳- حسین ۴- سلطان ۵- بی بی ۶- صدیقه

۲- کل آقاجان : همسر ...

۱- محمد اسماعیل ۲- مرتضی ۳- سادات

محمد اسماعیل :

۱- موسی ۲- عیسی ۳- رحمت ۴- آقا جان

مرتضی : همسر روبابه : ۱- ابراهیم

ابراهیم : همسر رقیه : مرتضی - سلمان - حوریه - فضه - عمه نساء - فاطمه - محبوبه

۳- علی محمد خان : همسر ماه بانو ، عالیه (خواهر تهمینه)

۱- مصطفی ۲- محمد

کربلایی لطف علی

- ۱- موسی
- ۲- آقا زمان
- ۳- محمد زکی (یاور) : همسر بی بی نساء (خانم بزرگ خانم) دختر نجف قلی خان
- ۴- آقا کوچک خان
- ۵- آقا محمد زمان
- ۶- معصومه
- ۷- عذرا : گرگان دخترش پروین
- ۸- مهرنساء : مادر عبدالله خان مسعودی
- ۹- لقمان باجی : همسر کربلایی رسول نامنی ۱- یوسف : (رضا - سراحی)

- ۱- آقا کوچک خان : همسر کربلایی بتول خانم
- ۲- هوشنگ (محمد)
- ۳- عزت الله
- ۴- رخشندہ
- ۵- پروانہ
- ۶- آقا محمد زمان : همسر حوا
- ۷- اسحاق
- ۸- اصحاب (اسپاط)
- ۹- یعقوب
- ۱۰- ایوب
- ۱۱- داود
- ۱۲- سلیمان
- ۱۳- ملک آرا (گل اندام)

صفر (نادعلی)

- ۱- آقامحمد قلی : همسر تاجی باجی
- ۲- ناد علی
- ۱- کل قدیر
- ۲- غفار
- ۳- شاه صنم

۱- کل قدیر : همسر ۱- سکینه خاتون ۲- فاطمه

- ۱- سلمان
- ۲- محمد حسین
- ۳- شاه صنم
- ۴- تاجی

کل یونس : همسر جان باجی (دختر ابوتراب)

- ۱- سکینه خاتون : مادر ذهبی ها سرخ گریه همسر کل قدیر
- ۲- زهرا خاتون : مادر طهماسبی ها سرخ گریه همسر مظفر قلی خان
- ۳- زینب خاتون : مادرهاشمی ها سرخ گریه همسر زین العابدین

۲- ازغفار اطلاعی در دست نیست .

۳- شاه صنم : همسر سید اسدالله مالخواست (روستای ارست ، مالخواست)

مشهدی فاطمه : همسر دوم کربلایی قدیر ذهبی : زادولد نشد
مشهدی فاطمه معروف به فاطمه گت مار - مامای محلی خدماتی در این رشته داشت.

۱- محمد باقر - علی محمد - کل لطفعلی

۱- محمد باقر : همسر سارا خاتون

۱- حاج مبین - رجبعلی

۱- حاج مبین : همسر ۱- حاجیه نجیبه - ۲- حاجیه معصومه

۱- محمد باقر (عبدالرزاق)

۲- طهماسب قلی (شهید انقلاب اسلامی)

۳- حسینعلی

۴- علی

۵- نوح

۶- روح الله

۷- احسان

۸- گل چهره

۹- عمه نساء

۱۰- عمه گل

۱۱- فاطمه

۱۲- سهیلا

۱۳- سودابه

۱۴- منصوره

۱۵- انسیه

۲- رجبعلی : همسر گل ننه

۱- حسن جان - ۲- ابوالفضل - ۳- علیرضا - ۴- کلثوم - ۵- رقیه - ۶- اکرم - ۷- اعظم - ۸- الہام - ۹- ننه

جان

- ۲- علی محمد
- ۱- محمد تقی : همسر زینب
- ۱- علی محمد
- ۲- جواد
- ۳- صمد
- ۴- صفیه
- ۵- بانو
- ۶- طاووس
- ۷- گار تاج
- ۳- کل لطفعلی : زاد و ولد نشد.

سیف الله (صفی الله) همسر : خاور (حسنی)

۱- آقا اسماعیل : همسر نساء

۱- حاجی

۲- مراد

۱- حاجی : همسر صغیری

۱- حاج علی (مرتضی غلامی)

۲- مراد : همسر نوربی بی (زهرا) ۲- صغیری

۱- باقر

۲- حمید

۳- عشرت

۴- عفت

ذوالفار : همسر معصومه

۱- آقا عباسعلی : همسر خانم جان (زاد و ولد نشد)

۲- کل اصغر

۳- جهان بخش

۴- محمد اسماعیل : همسر نساء (زاد و ولد نشد)

۲- کل اصغر : همسر حوریه

۱- حاتم ۲- علی اکبر ۳- گل بی بی

علی اکبر : همسر ۱- منور ۲- روبایه

۱- اسماعیل ۲- احمد ۳- ابوال ۴- اصغر ۵- حوریه ۶- گل جهان ۷- ملک ۸- ثریا

ملا محمد هادی همسر

۱- محمد صادق : همسر کل ام (آمنه)

۱- حاج محمد علی ۲- گل بی بی ۳- مریم

حاج محمد علی : همسر کل زینب خاتون

۱- محمد ۲- زلیخا ۳- زهرا ۴- فاطمه

جهان بخش : همسر بانو

۱- علی : ۱- موسی ۲- ابراهیم ۳- جعفر ۴- سکینه ۵- نرگیس

۲- اسحاق : - جهان بخش ۲- ذوالفار ۳- محمد ۴- معصومه ۵- زینب ۶- بی بی

۲- گل بی بی : همسر حاج صفر علی خطیری سارو

۳- مریم : همسر شعبان خطیر کلیاء : ۱- رحمان ۲- فغان ۳- زینب

حاتم در سرخ گریه در مراسم عروسی با تفنگ کشته می شود.

علی اکبر با حاج محمد علی صادقی برادر ناتنی اند.

- ۱- سید رضا
- ۱- سید جعفر
- ۱- آقا سید رضا مالخواست : همسر سیده بیگم تهرانی
- ۱- سید جعفر
- ۲- سید ننه
- ۳- سید روبابه
- ۴- سید ماه بی بی

سید جعفر : همسر سیده عمه گل

- ۱- سیده زینب ۲- سیده زهرا ۳- سید علی اکبر (شهید انقلاب اسلامی) ۴- سید علی اصغر (شهید انقلاب اسلامی) ۵- سید حسین

سید عباس (موسوی کاشانی) : همسر ۱- سیده ننه ۲- کوتր (کبوتر) کنداب (کاندو)

- ۱- سید شهرام
- ۲- سید محمد
- ۳- سید ه مریم
- ۴- سیده شیدا
- ۵- سیده شهلا

عباس روحی همدانی : همسر سیده روبابه

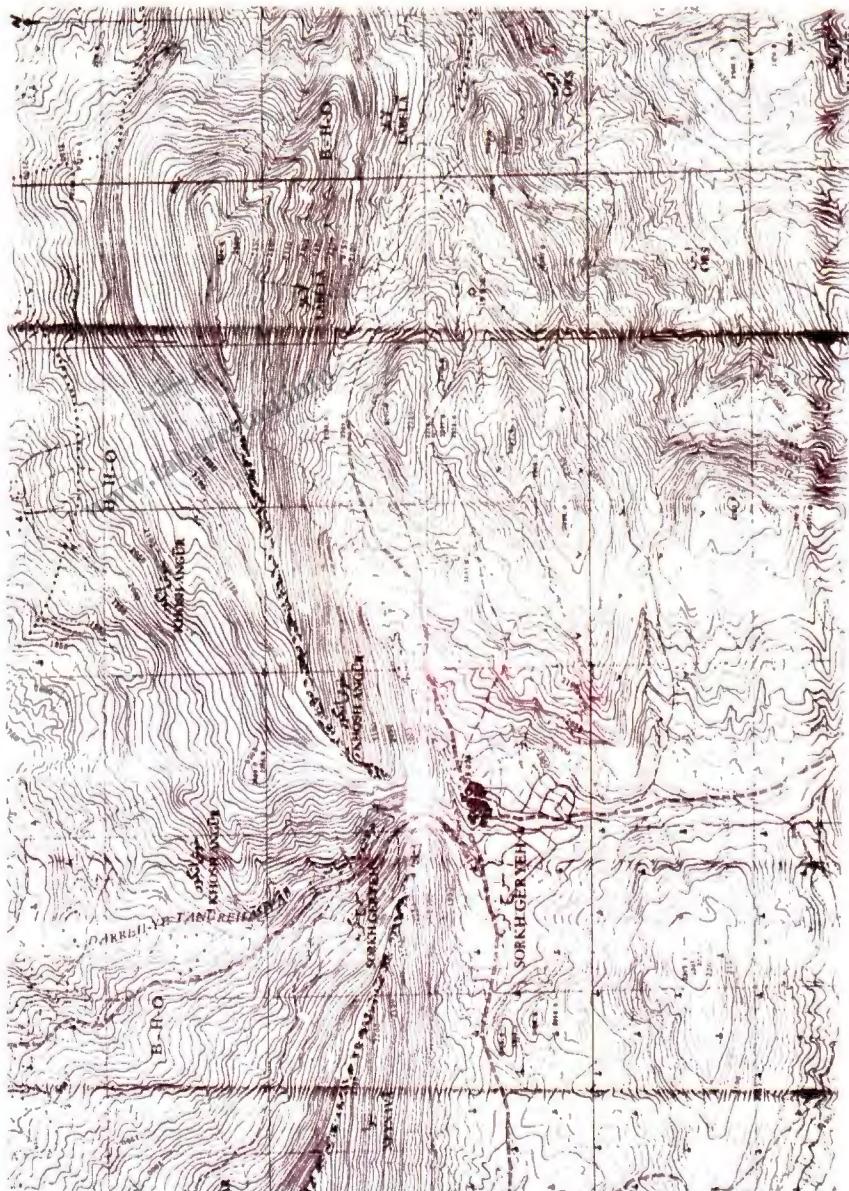
- ۱- سیاوش ۲- اسد ۳- پری ۴- حمیده ۵- فاطمه (زیبا)
- ۴- سید ه ماه بی بی ازدواج نکرد.

بخش سیزدهم

سرخ گریوه به روایت
 تصاویر - نقشه ها
 اسناد - ضمایم

تبرستان

www.tabarestan.info



نقشه‌ی درختان و درختچه‌ها و جنگلهای ایران (یانسر) مقیاس: ۱:۲۵۰۰۰
پوشش گیاهی



عکس هوایی آبادی سرخ گریه سال ۲۰۰۶ میلادی



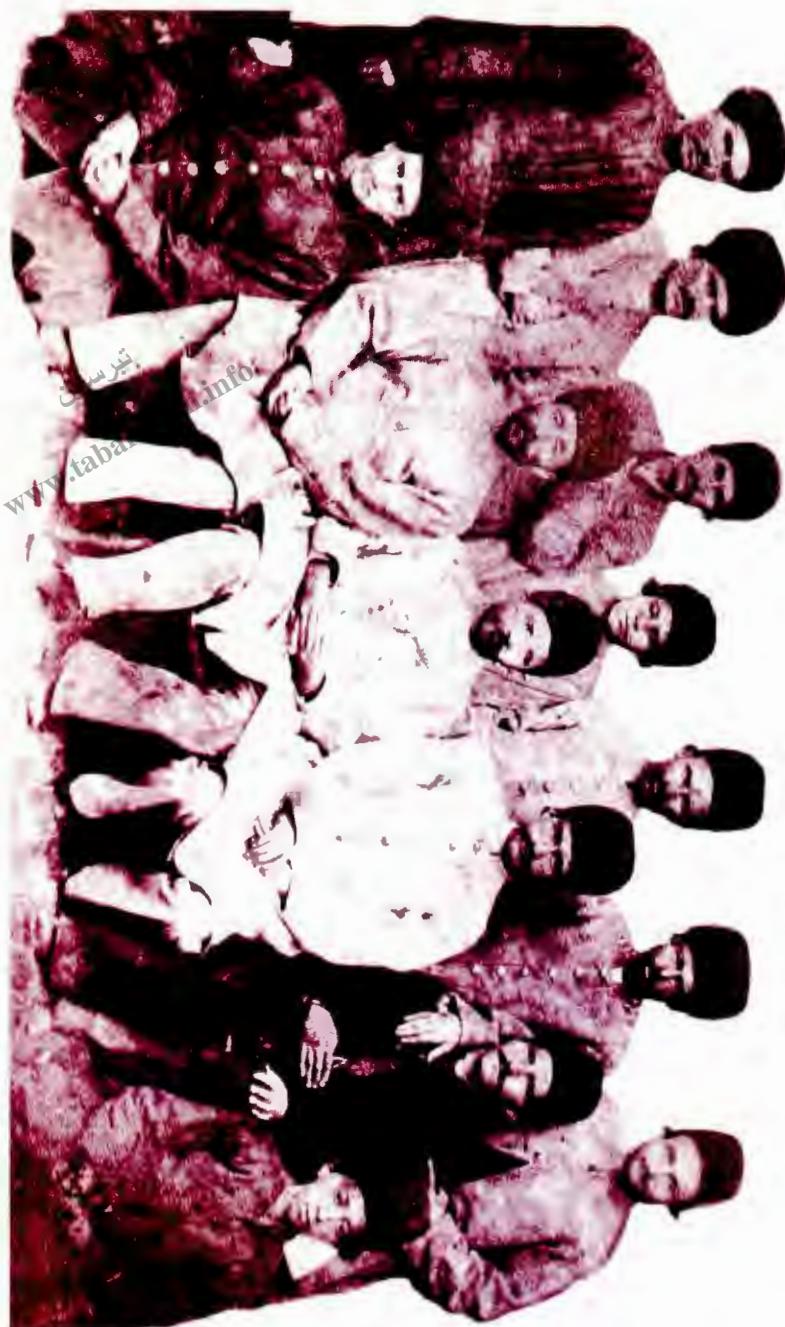
عکس نشسته : سرتیپ نجف قلی خان معروف به حاجی خان

راست : مظفرقلی خان طهماسبی

چپ : حیدر قلی خان

خواهرزاده های نجف قلی خان

عکس از آقای هادی طهماسبی



عکسی از علی قلی خان مسعودالملک و جمعی از یارانش
عکسی از آقای هادی طهماسبی



برگ شناسانی
امیر رضا وزارت فرهنگ
نام خانوادگی رضا رضائیان زاده
شماره ثبت اسناد ۲۹۵۸
عنوان: موزه هنر اسلامی
تاریخ صدور: ۱۳۹۰/۰۷/۱۵
محل صدور: دامغان
تاریخ تکمیل: ۱۳۹۲/۰۷/۱۲
عرضه آثار: عرضه آثار
اعتنایا: این کارت بحال بیشه

عکس رضا رضائیان زاده معروف به مدیر داماد مظفر قلی خان
اولین معلم رسمی در کلاس د رسرخ گریوه



عکس : سال ۱۳۵۵ دانش آموزان سرخ گریه - معلم آقای بیژن امینی رستم کلایی



عکس : سال ۱۳۵۵ دانش آموزان سرخ گریه - معلم آقای بیژن امینی رستم کلابی



عکس سال ۱۳۵۲ خانواده‌ی محمد علی بیگ منصوریان



لوله کشی چشممه‌ی سرتیپ و تلکا بنی سال ۱۳۴۸



علی قلی خان (مسعودالملک هزارجریبی)
عکس از: از خانم حاجیه نیره مصباح



مسعود الملک هزارجریبی (علی قلی خان) نماینده مجلس دوره‌ی قاجار و پهلوی اول
(معروف به آخوند بی عمامه)

عکس از: خانم حاجی نیره مصباح هزارجریبی



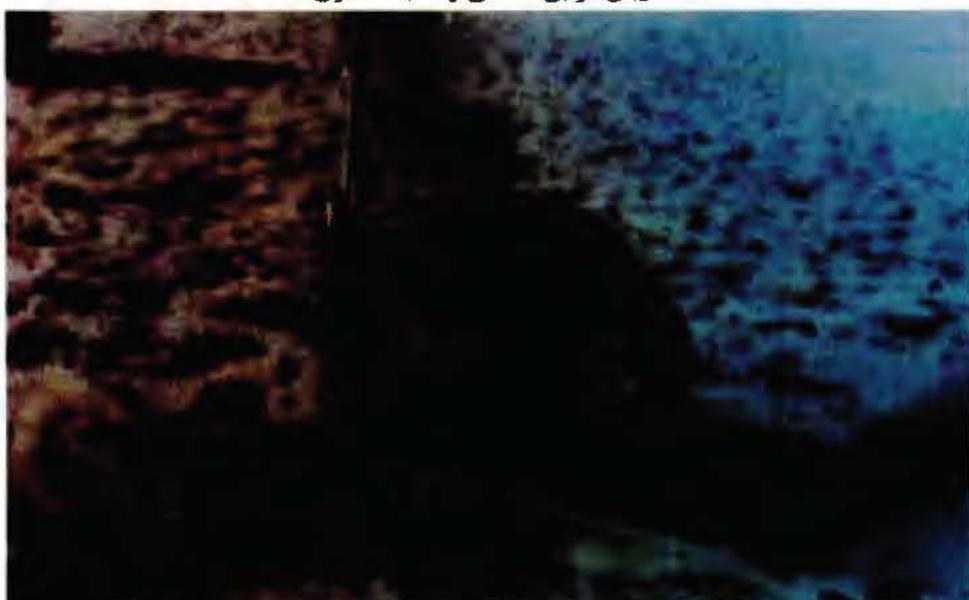
محمد جعفر خان (منصورالسلطنه)
عکس از: خانم حاجی نیره مصباح هزار جریبی



لوله‌ی کشی آب جسمه‌ی بالا خیل بعد از انقلاب اسلامی ایران
نمونه وحدت و همیاری مردم آبادی



عکس: شکار قوچ در سرخ گریه - حاج سلطان علی ترابی - سرهنگ مهدی اسداللهی
قربان ترابی - علی رضا یانه سری



عکس: حسن خان مصباح هزارجریبی شکارقوچ



شکار خرس در سرخ گریه سال ۱۳۵۵



سکه های کشف شده دوره‌ی ساسانی در سرخ گریه (چهار تیکه) سال ۱۳۶۲



تبرستان
www.tabarestan.info



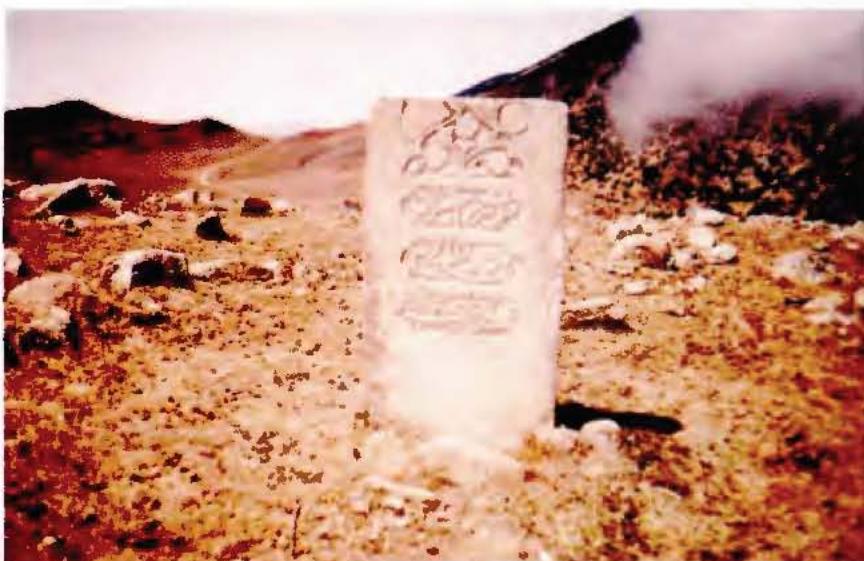
پنجه‌ی نقره کوب علم سرخ گویه
سال ۱۳۱۷ هجری قمری



پنجه‌ی نقره‌ای علم سارو
سال ۱۲۷۳ هجری قمری



چشم اندازی از مزرعه و مرتع تیرپرو



نمونه‌ای از سنگ قبر قبرستان با لا تپه سر



نمایی از روستای سرخ گریه



نمایی از مزرعه و مرتع و دام در شاهرام سرخ گریه



نمایی از خانه‌ی قدیمی اکبر ره انجام - رمضان روزبه‌ی



چهره‌ی زمستانی سرخ گربه



بنای تاریخی مسعودالملک (علی قلی خان) سرخ گریه



بنای تاریخی مظفرقلی خان طهماسبی در سرخ گریه



پوشش برفی روستای سرخ گریه





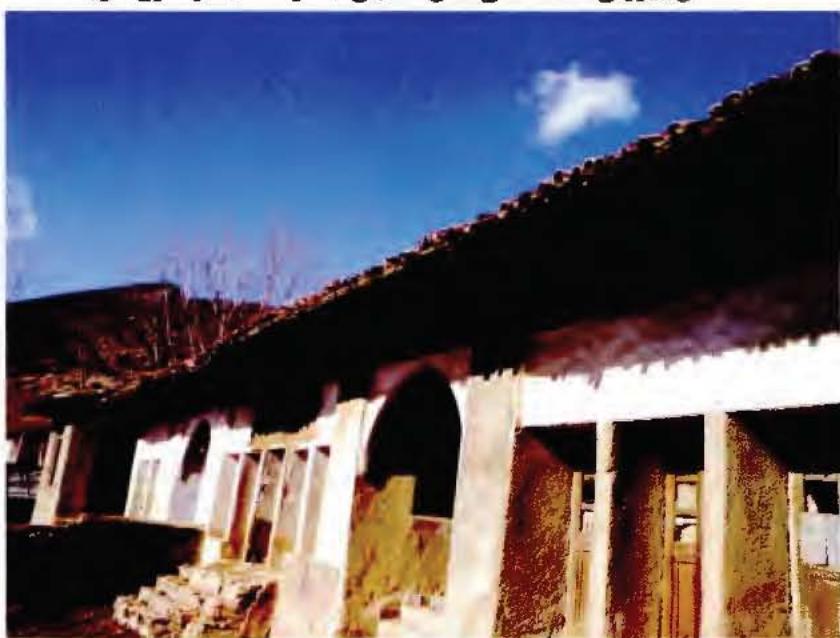
ساختمان بیرونی - علی قلی خان (مسعودالملک هزارجریبی) سرخ گریه محمد رضا خان



عمارت اندرونی - علی قلی خان (مسعودالملک) _ احمد علی خان در سرخ گریه



ساختمان بیرونی محمد قلی خان مصباح (سرهنج) در سرخ گریه



ساختمان اندرونی محمد قلی خان مصباح ا لنظام - در سرخ گریه



بسیجی شهید
چندر اکبری



بسیجی شهید
فتحعلی هزارجریبی

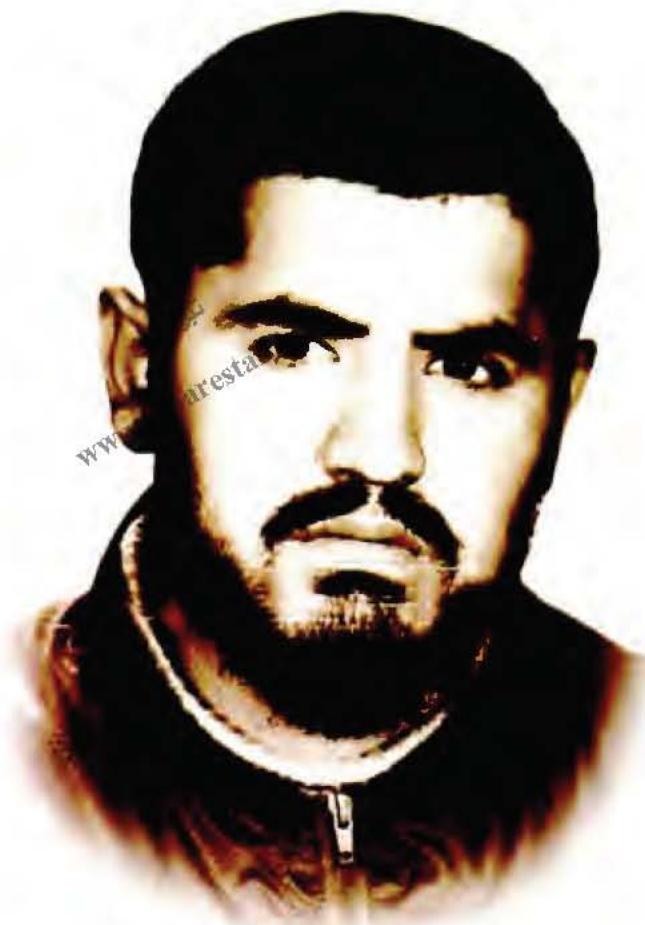


نماينده استان گلستان در مجلس
بسیجی شهید

مهندس حاج غلامعلی هزارجریبی



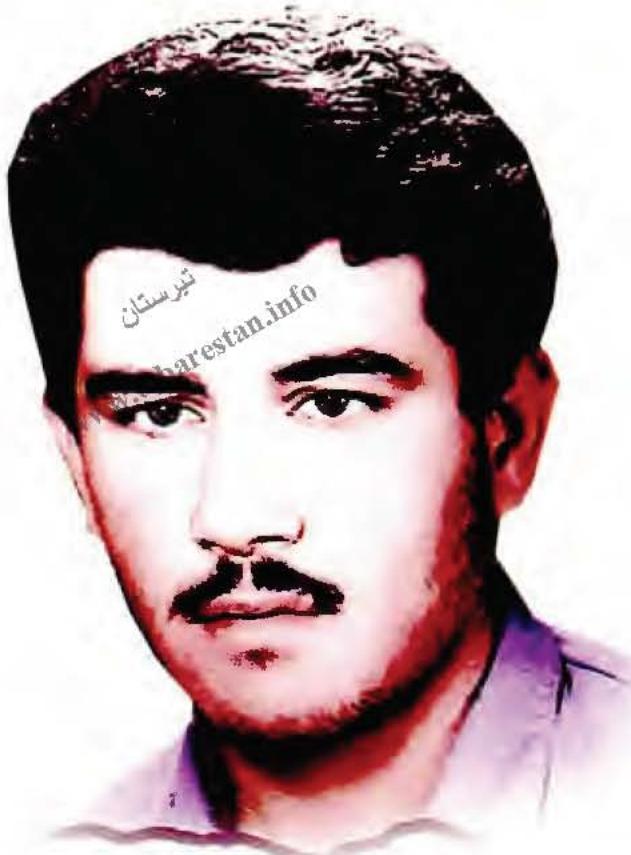
بسیجی شهید
فرهاد (رمضانعلی) هزارجریبی



سردار شهید
طهماسب قلی زمانی



بسیجی شهید
خانعلی منصوریان



تبرستان
tabarestan.info

بسیجی شهید
حسن منصوریان

سرخ گریه و مردم سرخ گریه مرا خوب می شناسند:
 من دیارم را خوب می شناسم.
 از داستان عشق سعدی بهره می گیریم.

[امشنو سرخ گریه که غیر از تو مرا یاری هست].
 مشنو ای دوست که غیر از تو مرا یاری هست

یا شب و روز به جز فکر تو ام کاری هست
 در و دیوار گواهی بدهد کاری هست
 تا ندیده است ترا بر منش انکاری هست
 که چو من سوخته در خیل تو بسیاری هست
 سر و جان را نتوان گفت که مقداری هست
 همه دانند که در صحبت گل خاری هست
 داستانی است که بر هر سر بازاری هست

گر بگویم که مرا با تو سرو کاری نیست

هر که عیبم کند از عشق و ملامت گوید

نه من خام طمع عشق تو می ورم و بس

من چه در پای تو ریزم که پسند تو بود؟

صبر بر جور رقیبیت چه کنم گر نکنم

[اعشق ما هم نه حدیثی است که پنهان ماند]

و در آخر حرف های هم چون تکرار آری:
 بشنو فرزند دیار کهن عزیزان خوش خوی و نیک اندیش این گونه بود گوشه ای از داستان
 عشق ما با دیارمان سرخ گریه.

به قول شیخ اجل سعدی شیرازی :

سعدیا گر همه شب شرح غمش خواهی گفت شب به پایان رود و شرح به پایان نرود
مولانا شمس الدین محمد خواجه شیرازی چه خوش سرود :
اوقات خوش آن بود که با دوست بسر رفت باقی همه بی حاصلی و بی خبری بود
و یا با شندیدن حرف هایی از بزرگان ادب و اندیشه و شوریده های عاشق مسعود سعد
سلمان :

از کرده‌ی خویشن پشمیمان جز توبه ره دگر نمی‌دانم تبرستان
یا عارف قزوینی خوش گفت :

عمرم گهی به هجر و گهی در سفر گذشت
تاریخ زندگی همه در دردسر گذشت
و باز هم بشنو .

و باز هم بشنو جانم بله این گونه بود. هست تاریخ پر دردسر و پر فراز و نشیب و خوش منظر
و پیچایج سبک و سنگین و خاطرات گوارا و تلخ زندگی زیستگاه کهن شما و ما و دیار ما و
هر دیار دیگر چون رنگ های از رنگین کمان.
به زبان عارف شیخ ابوسعید ابوالخیر :

دردا که در این زمانه پر غم و درد غبنای درین دایره غم پرورد
هر روز فراق دوستی باید دید هر لحظه وداع همدی باید کرد.
و کوتاه سخن :

قول معروف :

دوستانم تا شکایت پیش جانان برده اند من خود این پیدا همی گویم که پنهان گفته اند.
در بابت مطالب این مجموعه و در پایان اقرار دارم که خود نمی‌دانم چه می‌خواستم چه گفتم
و چه نوشتیم عزیزان پس مرا با نگاه از پنجه‌های بخشش خود.
بنگرید و بگذارید و بگذرید و ببخشید.

و این گونه بود با یاران آشنا سخن آشنا گفتیم : خدایتان نگهدار

بهار ۱۳۹۰ خورشیدی

نورعلی منصوریان

تبرستان

www.tabarestan.info

بخش چهاردهم

فهرست منابع و مأخذ کتاب

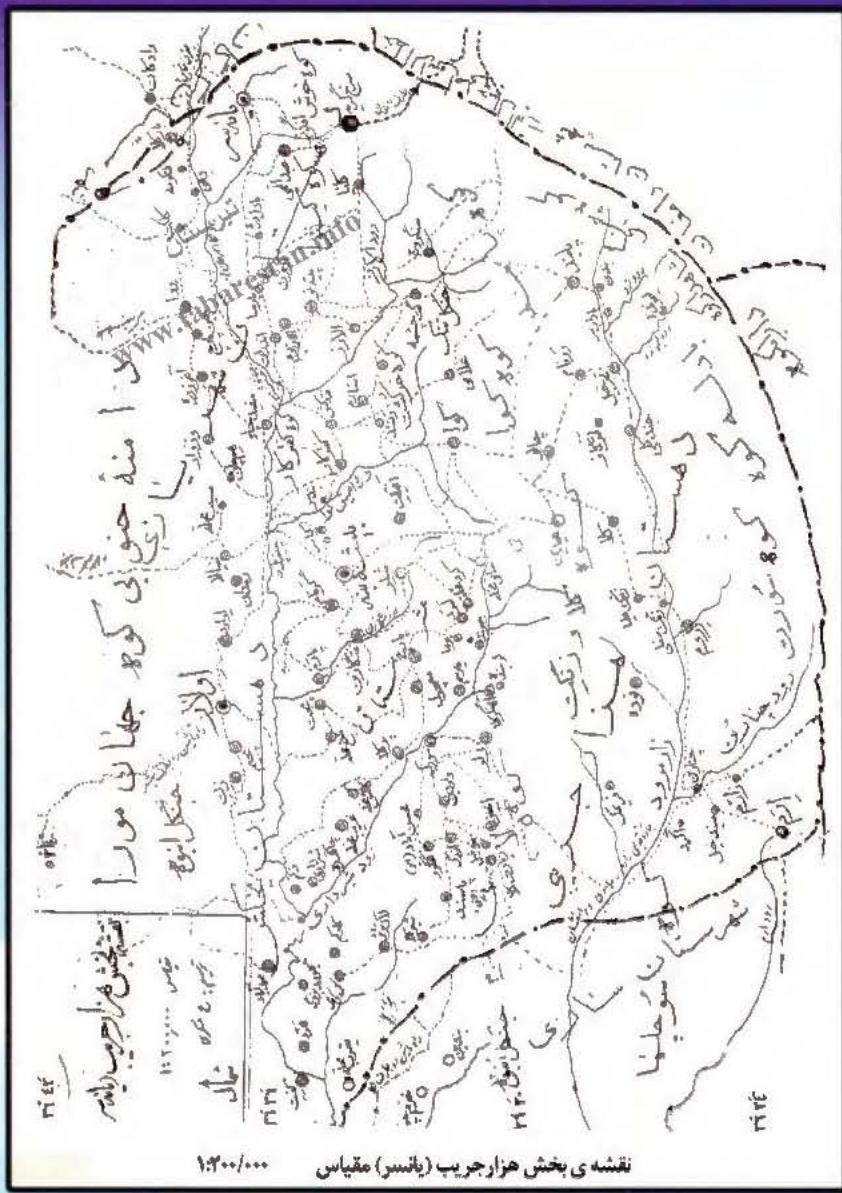
منابع و مأخذ :

- ۱- آب و هوای ایران - دکتر بهلول علیجانی
- ۲- اقلیم شناسی - دکتر ابراهیم جعفرپور.
- ۳- اشرف البلاط - علی بابا عسگری.
- ۴- از آستانرا تا استرآباد - جلد ۴ دکتر منوچهر ستوده - آثار و بنای تاریخی مازندران شرقی.
- ۵- از آستانرا تا استرآباد - بلدان ابن فقیه (ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی).
- ۶- التدوین فی احوال شریون تاریخ سوادکوه مازندران - محمد حسین اعتماد السلطنه.
- ۷- آشنایی با جامعه روستایی ایران - مرکز تربیت معلم، برنامه ریزی درسي.
- ۸- آشنایی با جامعه روستایی - علوم اجتماعی مرکز تربیت معلم.
- ۹- اداره کل منابع طبیعی منطقه ساری، مساحت تقریبی مزارع و مراعع بهشهر.
- ۱۰- آی - آر نون، اصول زراعت در مناطق خشک - جلد اول ترجمه دکتر عوض کوچکی، دکتر امین علیزاده
- ۱۱- امثال و حکم . جلد ۴ - علی اکبر دهخدا.
- ۱۲- بازی های محلی - محمد پروین گنا آبادی . چاپ تهران.
- ۱۳- تاریخ و ادبیات مازندران - سید محمد طاهر شهاب.
- ۱۴- تاریخ و جغرافیای ایران، تاریخ مازندران تالیف ملا شیخ علی گیلانی . تصحیح و تحسیله دکتر منوچهر ستوده.
- ۱۵- تاریخ انبیا. قصص القرآن - از آدم تا خاتم - سید هاشم رسولی محلاتی.
- ۱۶- تاریخ رویان، مولانا اولیا الله املی - تصحیح و تحسیله دکتر منوچهر ستوده.
- ۱۷- تاریخ علم جغرافیا - دکتر علی اصغر نظری.
- ۱۸- تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر جلد اول - سعید نفیسی.
- ۱۹- تاریخ فرهنگ و ادب گرگان و استرآباد - اسدالله مصطفوی.

- ۲۰- تالیف ه.ل. رایینو ترجمه - غلامعلی وحید مازندرانی.
- ۲۱- ترجمه ایرانشناسی زیرنظر یارشاطر انقراف سلسه صفویه. تالیف لارنس لاکهارت
ترجمه، اسماعیل دولتشاهی.
- ۲۲- جغرافیای عمومی ایران - دکتر فرج الله محمودی.
- ۲۳- جغرافیای خاک ها - دکتر پرویز کردوانی.
- ۲۴- جغرافیای اقتصادی - عمومی و کشاورزی - دکتر بدی فر.
- ۲۵- جغرافیای کوچ نشینی - دکتر سید رحیم مشیری.
- ۲۶- جغرافیای روستایی - دکتر مسعود مهدوی حاجیلوی.
- ۲۷- جغرافیای برنامه ریزی روستایی - دکتر حسین آسایش.
- ۲۸- جغرافیای عمومی سال چهارم متوسطه - دکتر فرج الله محمودی.
- ۲۹- جغرافیا در ایران از دارالفنون تا انقلاب اسلامی دکتر محمد حسن گنجی.
- ۳۰- جنگلها و درختان و درختچه های ایران - دکتر حبیب الله نائینی.
- ۳۱- خانه بهداشت و درمانگاه روستای سرخ گریوه.
- ۳۲- درختان و درختچه های ایران - دکتر حبیب الله ثابتی.
- ۳۳- دیوان غزلیات : مولانا شمس الدین محمد خواجه حافظ شیرازی.
- ۳۴- دانش نامه گلستان (استرآباد و جرجان) دفتر سیزدهم اسفند ماه ۱۳۸۶.
- ۳۵- رستم التواریخ محمد هاشم آصف رستم الحکما به اهتمام محمد مشیری.
- ۳۶- روزنامه همشهری خردad شماره ۶۹۴ سال ۱۳۷۴.
- ۳۷- روزنامه جام جم یکشنبه ۱۶ آبان سال ۱۳۸۹ دکتر کریم مجتبهدی
- ۳۸- سفرنامه مازندران و استرآباد - ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی.
- ۳۹- سفرنامه مازندران و استرآباد - مجموعه ایرانشناسی - زیرنظر احسان یارشاطر.
- ۴۰- سیمای جغرافیای هزار جریب بهشهر - علی اصغر ریاحی.
- ۴۱- شهرنشینی و طبقات اجتماعی اقتصادی.
- ۴۲- طرائق الحایق جلد ۳.
- ۴۳- فرهنگ جغرافیا جلد ۶ لغت نامه علی اکبر دهخدا.
- ۴۴- فرهنگ جغرافیا جلد ۵ لغت نامه علی اکبر دهخدا - زیرنظر محمد معین.
- ۴۵- فرهنگ جغرافیای ایران جلد ۱۰ لغت نامه علی اکبر دهخدا - زیرنظر محمد معین.
- ۴۶- فرهنگ آبادی ها و مکان های مذهبی کشور - دکتر محمد حسین پاپلی بزدی.
- ۴۷- فرهنگ واصطلاحات جغرافیا.

- ۴۸- فرهنگ مکتبین جغرافیایی و جغرافی نویسان مشهور جهان. نویسنده پروفیسر نصرالله نیک بین،
- ۴۹- فلور رنگی ایران، بخش گیاه شناسی - دکتر احمد قهرمان.
- ۵۰- فلور ایران - احمد پارسا.
- ۵۱- فلور ایرانیکا - کارل هینز ریشنگر. رستنیهای ایران - نوشته صادق مبین جلد اول تا ۹.
- ۵۲- فلسفه‌ی جغرافیا. گیتاشناسی - دکتر حسین شکوهی.
- ۵۳- کتاب کارگاه برنامه‌ریزی روستایی - دکتر حسین آسایش.
- ۵۴- کتاب کاروند کسری - به کوشش یحیی ذکاء.
- ۵۵- کتاب برنامه‌ریزی روستایی - دکتر حسین آسایش.
- ۵۶- کتاب فتنه‌ی باب - اعتضادالسلطنه.
- ۵۷- کتاب زندیه و قاجار.
- ۵۸- کتاب راهنمای شمال ایران - فرخ غفاری.
- ۵۹- کتاب بهشهر در مسیر توسعه، اولین همایش توسعه علمی، فرهنگی، اقتصادی ... ۱۳۸۳.
- ۶۰- کتاب فارسی سال‌های پنجم و اوّل نظام قدیم گروه مؤلفان.
- ۶۱- کتاب زمین‌شناسی و تکامل سال ششم طبیعی سال ۱۳۵۵ شمسی.
- ۶۲- کتاب آسمان در آینه - مریم حجتی اشرفی.
- ۶۳- گیتا شناسی ایران جلد اول - کوه‌ها و کوه‌نامه‌های ایران - مهندس عباس جعفری.
- ۶۴- گرگان نامه - گردآوری و تصحیح به کوشش مسیح ذیبحی. کتابچه نقوص استرآباد ۱۲۹۶ق.
- ۶۵- وزارت کشاورزی. موسسه تحقیقات خاک و آب منطقه ساری.
- ۶۶- هفته‌نامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی کویر شماره ۶۹ سال ۱۳۷۴.
- ۶۷- مرکز و ایستگاه تحقیقاتی جنگل و مرتع پاسند (بهشهر).
- ۶۸- مجموعه ایران شناسی تالیف ه رابینو - سفرنامه مازندران و استرآباد: ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی.
- ۶۹- مبانی جغرافیای جمعیت - دکتر مسعود مهدوی حاجیلوی.
- ۷۰- مبانی جغرافیای روستایی - دکتر مسعود مهدوی حاجیلوی.
- ۷۱- مخابرات استرآباد. گزارش‌های حسین مقصودلو و کیل الدوله جلد ۲ به کوشش ایرج افشار، محمد رسول دریا گشت.
- ۷۲- مهندس زلزله، ابولفضل رضوی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان.

- ۷۳- ماهنامه چشمی توسعه فرهنگی اقتصادی استان مازندران سال سوم شماره ۲۷ آبان سال ۱۳۹۰.
- ۷۴- مخابرات و مرکز تلفن آبادی - و دهیاری سرخ گریه
- ۷۵- نشریه شماره ۱۲- کمیسیون ملی یونسکو؛ مترجم مهدی جلالی.
- ۷۶- نقشه استان های ایران، نقاط شهری مقیاس ...
- ۷۷- نقشه موقعیت هزارجریب در پهنه استان های مازندران و سمنان، مقیاس ۱:۲۵۰/۰۰۰
- ۷۸- نقشه شهرستان بهشهر به تفکیک بخش ها، دهستان ها، نقاط شهری و دهات مهم، مقیاس ۱:۵۰۰/۰۰۰
- ۷۹- نقشه درختان و درختچه ها و جنگل های ایران (یانه سر) پوشش گیاهی، مقیاس ۱:۲۵/۰۰۰
- ۸۰- نقشه عملیات مشترک زمینی (شیت گرگان)، مقیاس ۱:۲۵۰/۰۰۰
- ۸۱- نقشه بخش هزار جریب (یانه سر)، مقیاس ۱:۲۰۰/۰۰۰
- ۸۲- نقشه وضعیت خاک منطقه بهشهر؛ طرح منطقه ای گیلان، مازندران، گروه مطالعات اقتصادی.
- ۸۳- نقشه کروکی روستای سرخ گریوه.
- ۸۴- نقل شنیده ها و دیدها - پژوهش و مطالعات گردش میدانی
- ۸۵- اسناد و دست نوشته های دوره های ... زندیه، قاجار، پهلوی در رابطه با سرخ گریوه.
- ۸۶- نقل خاطرات و اطلاعات از کهنسالان، مردان و زنان روستای سرخ گریوه.
- ۸۷- چشم اندازهای طبیعی، عکس ها، تصاویر در سرخ گریوه.



انتشارات اشرف البلاذري

بیوگرافی خود را در اینجا مشاهده کنید
لینک: belad-nasher@yahoo.com